

دوروی تکمیلی

عرفان وارهوی

تحریر درس های انتقادی حجت الاسلام امین بشمشیری
به کوشش: سعید محمدی





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عرفان وارهی حلقه

دورهی تکمیلی

تحریر درس های انتقادی حجت الاسلام امین شمشیری

به کوشش: سعید محمدی

عرفان واره‌ی حلقه‌۳ دوره‌ی تکمیلی

تحریر درس‌های انتقادی

حجت‌الاسلام امین شمشیری

به کوشش: سعید محمدی.

انتشارات: اسماعیلیان

طراح جلد: سید ایمان نوری نجفی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۸

چاپ: مبین

شمارگان: ۲۰۰

قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۰۱۲-۴-۲

پایگاه‌های اطلاع‌رسانی: www.mtsaz.ir

www.revaghemarefat.ir

کانال‌های ارتباطی: [@mtsaz_ir](mailto:mtsaz_ir)

[@revaghemarefat_ir](mailto:revaghemarefat_ir)



سرشناسه: شمشیری، امین، ۱۳۶۶-

عنوان و نام پدیدآور: عرفان واره‌ی حلقه: دوره‌ی تکمیلی:

تحریر درس‌های انتقادی حجت‌الاسلام امین شمشیری /

به کوشش سعید محمدی.

مشخصات نشر: قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۲۵۷ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۰۱۲-۴-۲ ریال: ۴۵۰۰۰

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

عنوان دیگر: تحریر درس‌های انتقادی

حجت‌الاسلام امین شمشیری.

موضوع: عرفان حلقه

موضوع: Halqeh mysticism*

شناسه افزوده: محمدی، سعید، ۱۳۶۱-، گردآورنده.

رده‌بندی کنگره: BP۶۰۵

رده‌بندی دیویی: ۲۹۹/۹۳

شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۰۸۳۰۹

›

با کمال احترام
تقدیم به امام عارفان حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام

فهرست

مقدمه	۱۹
بخش اول: تبار عرفان واره‌ی حلقه	۲۳
فصل اول: خاستگاه عرفان واره‌ی حلقه	۲۵
۱. درآمد	۲۵
۲. گذار از سنت به تجدد	۲۷
۲-۱. تحوّل‌های علمی	۲۸
۲-۱-۱. کیهان‌شناسی جدید	۲۸
۲-۱-۲. فلسفه	۲۹
۲-۱-۲-۱. تقابل هیوم با عقل‌گرایی و چاره‌اندیشی کانت	۳۱
۲-۱-۳. زیست‌شناسی	۳۳
۲-۱-۴. جامعه‌شناسی	۳۴
۲-۱-۵. روانشناسی و روانکاوی	۳۵
۲-۱-۶. فیزیک کوانتوم	۳۶
۲-۲. تحوّل‌های الهیاتی	۳۷
۲-۲-۱. تنزّل نقش خدا	۳۸
۲-۲-۲. خدا باوری طبیعی (عقلانی)	۳۹
۲-۲-۳. بی‌اعتبار شدن براهین خداشناسی	۳۹
۲-۲-۴. شیوع خدا ناباوری و لادری‌گری	۴۰

- ۵-۲-۲. نقد کتاب مقدس و بی‌اعتباری آن ۴۰
- ۶-۲-۲. تجربه دینی و پیدایش الهیات معاصر ۴۱
- ۳-۲-۲. بازخوانی مناسبات علم و دین ۴۴
- ۱-۳-۲. ساحت‌های بازخوانی ۴۶
- ۱-۳-۲. زبان دین ۴۶
۳. مناسبات علم و دین در ایران ۴۸
- ۱-۳. آشنایی ایرانیان با دانش‌های جدید ۴۸
- ۲-۳. دین‌پژوهی تجربی در ایران ۵۱
- ۱-۳-۲. مهندس مهدی بازرگان ۵۱
- ۲-۳-۲. بازرگان و شکل‌گیری اندیشه‌ها ۵۲
- ۳-۲-۳. بازرگان و تلاش ناکام در انطباق تجربی علم و دین ۵۴
- ۴-۳-۲. بازرگان و تأثیرگذاری بر جریان‌های مارکسیستی ۵۶
- فصل دوم: پیدایی عرفان‌واره حلقه و تطبیق‌گرایی تجربی ۵۹
۱. گونه‌های دین‌پژوهی ۵۹
۲. منشأ تأثیر عرفان‌واره حلقه ۶۰
۳. اهداف دین‌پژوهانه‌ی عرفان‌واره حلقه ۶۱
۴. تطبیق‌های شبه‌علمی - شبه‌عرفانی ۶۱
- ۱-۴. مجازی بودن هستی ۶۲
- ۱-۴-۱. توصیف ۶۲
- ۲-۴-۱. نقد و بررسی ۶۷
- یکم: تفسیر مونیستی از هستی ۶۷
- دوم: مجازی بودن هستی در عرفان اسلامی ۶۸
- سوم: ناظر غیرمجازی در هستی مجازی ۶۹
- چهارم: تمثیل مغالطی به جای برهان ۷۰

فصل سوم: آسیب شناسی دین پژوهی تجربی ۷۲

۱. درآمد ۷۲

۲. نقد و بررسی ۷۳

یکم: جهان بینی علمی تکیه گاهی نامطمئن ۷۳

دوم: احتمال، رهاوردِ فرضیه ۷۴

سوم: سوق دادن افراد به مادی گری ۷۵

چهارم: تقلیل دین از راه زبان دین ۷۶

پنجم: دین پژوهی تجربی و تولید جریان های افراطی ۷۶

بخش دوم: سازمانِ عرفان واره ی حلقه ۷۷

فصل اول: در تکاپوی ایجاد سازمان ۷۹

۱. اهمیت بررسی فرآیند شکل گیری سازمان حلقه ۷۹

۲. گاه شمار حیات رهبر سازمان (دهه های اول تا پنجم) ۸۰

۱-۲. دهه اول ۸۰

۲-۲. دهه دوم ۸۱

۳-۲. دهه سوم ۸۲

۱-۳-۲. مسابقات مخترعین ۸۳

۱-۳-۲. بررسی مجله مهر ۸۳

۲-۳-۲. شهودات کیهانی ادعایی ۸۵

۳-۳-۲. سلاح سازی ۸۶

۴-۳-۲. مسافرت های خارج از کشور ۸۷

۵-۳-۲. جداسازی دریافت های رحمانی از شیطانی ۸۸

۴-۲. دهه چهارم ۸۹

۵-۲. دهه پنجم ۹۰

- ۱-۵-۲. شکل‌گیری اولین کلاس‌ها و کمیته‌ها ۹۱
- ۲-۵-۲. آشنایی با منصوری لاریجانی ۹۱
- ۳-۵-۲. چاپ کتاب عرفان کیهانی ۹۲
- ۴-۵-۲. فرادرمانگاه‌های غیرقانونی ۹۲
- ۵-۵-۲. شکل‌گیری کمیته‌های دیگر ۹۳
- فصل دوم: شکل‌گیری سازمان ۹۴
۱. ادامه‌ی گاه‌شمار حیات رهبر سازمان (دهه ششم) ۹۴
۲. دهه ششم ۹۴
- ۱-۲-۲. درآمد ۹۴
- ۲-۲-۲. شکل‌گیری سازمان ۹۶
- ۱-۲-۲. شبهه قانونی بودن فعالیت‌ها ۹۷
- ۲-۲-۲. ویژگی‌های سازمان ۹۷
- ۳-۲-۲. اهداف و مبانی فکری سازمان ۹۹
- ۱-۲-۳-۲. اهداف ۹۹
- ۲-۲-۳-۲. مبانی فکری ۱۰۰
- ۴-۲-۲. بخش‌های سازمان ۱۰۰
- ۱-۲-۴-۲. کمیته‌ها، شوراه‌ها و دفاتر ۱۰۱
- ۲-۲-۴-۲. روند نیروسازی ۱۰۳
۱. ثبت‌نام ۱۰۴
۲. پرداخت شهریه ۱۰۴
۳. سوگندنامه ۱۰۵
۴. دریافت لایه محافظ ۱۰۶
۵. تفویض درمانگری ۱۰۸
۶. خروج از وحدت و درآمدن به کثرت ۱۰۸

۷. تسلیم ۱۰۹
۸. کشف رمز ۱۰۹
۹. شرط انفاق (تبلیغ) ۱۱۰
- ۳-۴-۲. دستگاه آموزشی ۱۱۰
- الف. آموزش‌های علمی ۱۱۰
۱. دوره‌ها و محتوای آن ۱۱۰
۲. تعداد و اسامی حلقه‌ها ۱۱۲
۳. کتب، جزوات، نشریات و ویژه‌نامه‌ها ۱۱۵
- ب. آموزش‌های عملی ۱۱۶
۱. اعلام و ارتباط‌ها ۱۱۷
۲. ارتباط‌گیری با پایان‌نامه‌ها ۱۱۷
۳. حضور در بیمارستان‌ها و مراکز سالمندان ۱۱۷
۴. اجرای فرادرمانی در محافل و مهمانی‌های خانگی ۱۱۷
۵. حضور در کمپ‌های ترک اعتیاد ۱۱۷
- ۴-۴-۲. دستگاه تبلیغاتی تشکیلات حلقه ۱۱۸
- الف: الزام تبلیغات ۱۱۸
- ب: بسترهای جذب افراد ۱۲۱
۱. محافل خانگی ۱۲۱
۲. خیریه‌ها ۱۲۱
۳. حضور در بیمارستان‌ها ۱۲۲
۴. کمپ‌های ترک اعتیاد ۱۲۲
۵. اینترنت و فضای مجازی ۱۲۳
۶. تیم‌های ورزشی ۱۲۳
- ج: دلایل جذب افراد ۱۲۳

۱. ادعای درمان انواع بیماری‌ها ۱۲۳
۲. ضعف معرفتی مبتلایان ۱۲۴
۳. به دنبال دینِ انسانی و غیرحقیقی ۱۲۵
۴. جاذبه‌های ماورائی و کشف و شهود عرفانی ۱۲۵
۵. فرار از خلأ معنوی ناشی از جهان‌مُدرن ۱۲۵
۶. تبلیغات گسترده دشمن، ضد تشیع و انقلاب اسلامی ۱۲۶
۷. ادعاهای علمی ۱۲۶
۸. درآمدهای زود حاصل و تحصیل مال نامشروع ۱۲۶
۹. پایگاهی برای آسیب‌خوردگان اجتماعی ۱۲۶
۱۰. جذابیت‌های کاذب ۱۲۷
- فصل سوم: سازمان از اوج تا افول ۱۲۸
۱. گاه‌شمار حیات رهبر سازمان (از ادامه‌ی دهه ششم و دهه هفتم) ۱۲۸
- ۱-۱. ادامه دهه ششم ۱۲۸
- ۱-۱-۱. دوران اوج تشکیلات ۱۲۸
- ۱-۱-۱-۱. سازمان در دانشگاه‌ها ۱۲۹
- ۱-۱-۱-۲. سازمان در رسانه‌ها ۱۲۹
- ۱-۱-۱-۳. آغاز اختلافات داخلی ۱۳۱
- ۱-۱-۱-۴. حساسیت نهادهای مسئول ۱۳۲
- ۱-۱-۱-۵. تلاش برای حفظ سازمان ۱۳۳
- ۱-۱-۱-۵-۱. انتشار اندیشه‌ها در قالب مقالات ۱۳۴
- ۱-۱-۱-۵-۲. تهیه مدارک افتخاری ۱۳۵
- ۱-۱-۱-۶. ادامه‌ی ریزش‌ها ۱۳۶
- ۱-۱-۲. دوران افول تشکیلات ۱۳۷
- ۱-۱-۲-۱. دستگیری و محکومیت ۱۳۷

- ۱۳۸..... ۲-۱-۱. اختلافات درونی تشکیلات
- ۱۴۰..... ۳-۲-۱. سیاسی شدن تشکیلات
- ۱۴۰..... دهه هفتم
- ۱۴۱..... ۱. بازسازی و اسلامی سازی تشکیلات
- ۱۴۱..... ۱-۱. انکار باورها
- ۱۴۲..... ۱-۱. انکار یکسان انگاری شعور کیهانی با فرشته وحی
- ۱۴۲..... الف: توصیف
- ۱۴۳..... ب: ارزیابی
- ۱۴۳..... یکم: چرایی انکار
- ۱۴۴..... دوم: عدم تحریف منابع حلقه
- ۱۴۴..... سوم: نگاهی به آثار مورد تأیید طاهری
- ۱۴۷..... ۲-۱. تحریف سخن بزرگان به نفع خود
- ۱۴۷..... الف: توصیف
- ۱۴۸..... ب: ارزیابی
- ۱۴۸..... یکم: مغالطه نقل قول ناقص
- ۱۴۸..... دوم: تقطیع و انتساب نادرست
- ۱۴۹..... سوم: جمع میان تشبیه و تنزیه، دیدگاه علامه جوادی
- ۱۵۰..... ۲. درگیری با وکلا و عزل آنان
- ۱۵۰..... ۳. آزادی و خروج از کشور
- ۱۵۱..... بخش سوم: مبانی فکری عرفان‌واره‌ی حلقه
- ۱۵۳..... فصل اول: خداشناسی
- ۱۵۳..... ۱. اهمیت توحید
- ۱۵۴..... ۲. امکان خداشناسی

۳. مراتب توحید ۱۵۵
- ۳-۱. توحید ذاتی ۱۵۶
- ۳-۲. توحید صفاتی ۱۵۸
- ۳-۲-۱. استنادات حلقه برای نفی توصیف خداوند ۱۶۰
- ۳-۲-۱-۱. استناد به قرآن کریم ۱۶۰
- الف: توصیف ۱۶۰
- ب: ارزیابی ۱۶۱
- یکم: رد وصف مشرکین ۱۶۱
- دوم: تأیید توصیف صحیح مخلصین ۱۶۲
- سوم: دستور به خواندن خداوند با صفاتش ۱۶۲
- چهارم: مغالطه خط مفهوم به مصداق ۱۶۳
- ۳-۲-۱-۲. استناد به خطبه یکم نهج البلاغه ۱۶۴
- الف: توصیف ۱۶۴
- ب: ارزیابی ۱۶۴
- یکم: نفی صفات زائد بر ذات ۱۶۴
- دوم: توصیف خداوند به نامحدودیت در خطبه یکم ۱۶۵
- سوم: توصیف الهی در نهج البلاغه ۱۶۵
- چهارم: اندیشه اعتزالی و تعطیل صفات ۱۶۵
- پنجم: تحریف سخن بزرگان ۱۶۶
۱. شهید مطهری رحمته‌الله علیه ۱۶۶
۲. آیت الله جوادی آملی ۱۶۸
۳. ملاصدرا رحمته‌الله علیه ۱۷۰
۴. امام خمینی رحمته‌الله علیه ۱۷۱
- فصل دوم: راهنما شناسی ۱۷۳

۱. ضرورت وجود راهنمایان الهی ۱۷۳
۲. استعانت از اولیاء الهی ۱۷۴
- ۱-۲. جواز استعانت از غیر خداوند بدون نگاه استقلالی ۱۷۵
۳. استعانت از اولیاء الهی در عرفان واره حلقه ۱۷۶
۴. جایگاه راهنمایان الهی در هرم هستی ۱۷۹
- فصل سوم: فرجام شناسی ۱۸۲
۱. لحظه‌ی جان سپاری ۱۸۲
- ۱-۱. اهمیت و جایگاه معاد ۱۸۲
- ۱-۲. مرگ ۱۸۳
- ۱-۳. عرفان واره حلقه و لحظه وقوع مرگ ۱۸۴
- ۱-۳-۱. توصیف ۱۸۴
- ۱-۳-۲. نقد و بررسی ۱۸۶
- یکم: پرهیز از افراط و تفریط ۱۸۶
- دوم: ارتباط با ارواح و تجارب نزدیک به مرگ ۱۸۶
- سوم: ترویج اباحه گری با آسان سازی مرگ ۱۸۷
- چهارم: لحظه‌ی مرگ به روایت دین ۱۸۷
- الف: قرآن و سکرآت موت ۱۸۷
- ب: روایات و توصیف جان سپاری ۱۸۹
۲. عذاب قبر ۱۹۱
- ۱-۲. عذاب قبر در دیدگاه تشکیلات حلقه ۱۹۱
- ۱-۲-۱. توصیف ۱۹۱
- ۱-۲-۲. نقد و بررسی ۱۹۳
- یکم: بی اعتباری تجارب شخصی معارض دین ۱۹۳
- دوم: دلایل فشار قبر مطابق روایات ۱۹۴

- سوم: بی‌ارتباطی نائل آمدن به کمال با دین در حلقه ۱۹۵
۳. سؤال قبر ۱۹۷
- ۳-۱. سؤال قبر از دیدگاه تشکیلات حلقه ۱۹۷
- ۳-۱-۱. توصیف ۱۹۷
- ۳-۱-۲. نقد و بررسی ۱۹۹
- یکم: ناسازگاری با دین ۱۹۹
- دوم: چرایی سمبلیک انگاری ۲۰۰
- سوم: تفاوت سمبلیک انگاری با تکوینی انگاری ۲۰۰
۴. تناسخ ۲۰۱
- ۴-۱. انواع تناسخ ۲۰۱
- ۴-۲. تناسخ در عرفان حلقه ۲۰۲
- ۴-۲-۱. توصیف ۲۰۲
- ۴-۲-۱-۱. مرحله نخست: ورود روح بهبرزخ پس از مرگ ۲۰۳
- ۴-۲-۱-۲. مرحله دوم: مواجهه انسان دربرزخ با دو کشش متفاوت ۲۰۳
- ۴-۲-۱-۳. مرحله سوم: بازگشت ارواح به دنیا و تسخیر افراد زنده ۲۰۵
- ۴-۲-۲. نقد و بررسی ۲۰۶
- یکم: سرگردان نبودن روح ۲۰۶
- دوم: قرآن کریم و رد تناسخ ۲۰۶
- سوم: روایات و رد تناسخ مُلکی ۲۰۶
- چهارم: مدعیات بدون دلیل ۲۰۷
- پنجم: بی‌اعتباری مکاشفات بدون استناد به دین ۲۰۸
- ششم: ناسازگاری چند روح در یک بدن ۲۰۸
- بخش چهارم: راهکارهای مقابله با عرفان‌واره‌ی حلقه ۲۱۱

درآمد	۲۱۳
فصل اول: ترویج معنویت و عرفان اسلامی	۲۱۵
فصل دوم: ترویج فلسفه و عقلانیت	۲۱۹
فصل سوم: آشنایی با دین پژوهی معاصر و کلام جدید	۲۲۲
فصل چهارم: مبارزه با خرافات	۲۲۵
فصل پنجم: مقابله با جریان های ضد معنویت و عقلانیت	۲۲۷
فصل ششم: در نظر گرفتن افراط های اخباری مسلکان	۲۳۰

فهرست ها ۲۳۳

کتاب نامه	۲۳۵
فهرست آیات	۲۴۷
فهرست روایات	۲۵۱
نماینه	۲۵۳

مقدمه

آدمی به اقتضای فطرت، همواره متمایل به معنویت و عرفان است. هرچند امور فطری، جاذبه‌ای معنوی و وجودی و از سنخ هستی‌اند؛ اما هرگز تضمینی بر مصونیت از خطا در مصداق‌یابی و یا نبود خطر در مسیر دستیابی به آن وجود ندارد. مدعیان معنویت و رهزان طریق، در مسیر کسانی که به ندای فطری و معنوی خود دل داده و در پی جُستن آن هستند به کمین نشسته تا از گذرگاه حق منحرف ساخته، به خود دعوت نمایند.

به روزگار ما عرفان واژه حلقه از جمله جریان‌های شبه معنوی و متأثر از فرهنگ آلوده‌ی مغرب زمین و نسخه‌ای به سرقت رفته از تلاش ناکام غربیان در بازگرداندن معنویتِ ازدست‌رفته به دنیای مُدرن است. ماجرای غم‌بار که از سده هفدهم میلادی آغاز شده و انسان‌محوری را جایگزین خدا‌محوری نموده است. به هرروی این شبه عرفان، الگویی پرازنده و درخور زیست جهان غربی است که در کشور ما از دهه هفتاد تا به اکنون به نام عرفانِ ایران ترویج می‌شود.

نوشتار پیش روی تحریر بخشی از درس‌های استاد ارجمند حجت‌الاسلام والمسلمین/امین شمشیری در بررسی عرفان واژه حلقه است که از سال ۹۱ در تعدادی از استان‌های کشور در قالب نشست‌ها، تدریس‌ها و سخنرانی‌هایی در جمع افشار فرهنگی، حوزویان، دانشگاهیان و نیز برخی رسانه‌های کشور ایراد و نهایتاً دوره اخیر آن به همت موسسه آموزش عالی

حوزوی امام خمینی رحمته‌الله علیه فارس برگزار شده است.

جلد نخست این اثر با رویکردی کلامی به معرفی تشکیلات حلقه، بنیان‌گذار آن و نیز ماهیت شبه‌درمانی و شبه‌عرفانی این سازمان و نیز پاره‌ای مبانی عقیدتی عرفان‌واره حلقه پرداخته است. در این جلد که به لحاظ آموزشی عنوان «تکمیلی» به خود گرفته است، به تبار عرفان‌واره حلقه و سیر سازمانی این تشکیلات و همچنین مبانی فکری این عرفان‌واره در ساحت خداشناسی، راهنماشناسی و معادشناسی و نیز راهکارهایی به جهت مقابله پرداخته شده است.

در بخش نخست که تبارِ عرفان‌واره‌ی حلقه مورد بررسی قرار گرفته است با کنکاو در الهیات مسیحی و با تمرکز بر دانش‌های فلسفه دین و کلام جدید سیرپیدایش معنویت‌های نوین و تأثیرات علم جدید بر الهیات مورد بررسی قرار گرفته است. آنچه در این بخش مهم به نظر می‌رسد، شکل‌گیری گونه‌ای از دین‌پژوهی در ایران است که توسط مهندس مهدی بازرگان بسیار ترویج شده است.

در بخش دوم کتاب سیر حلقه از پیدایی تا تبدیل شدن به یک سازمان منسجم و نیز دوران اوج و افول آن به صورت دقیق مورد بررسی قرار گرفته تا ابهامات فراوان پیش‌آمده در رابطه با این تشکیلات را پاسخ دهد. در بخش سوم کتاب مبانی فکری عرفان‌واره حلقه در رابطه با توحید ذاتی و صفاتی بیان گشته و در ساحت راهنماشناسی استعانت از اولیاء الهی و نقش ائمه معصومین علیهم‌السلام در هرم هستی تبیین شده است؛ و نهایتاً در قسمت معادشناسی به مرگ و جان‌سپاری، سؤال و عذاب قبر و تناسخ اشارتی شده است.

بخش چهارم و پایانی کتاب تلاش می‌کند راهکارهایی برای مقابله با عرفان‌واره حلقه ارائه نماید.

به‌هرروی این اثر در چند بخش کوشیده است تشکیلات حلقه را توصیف نموده، به نقد آن بنشیند. امید است مورد رضای خداوند متعال قرار گرفته باشد.

سعید محمدی

بخش اول: تبار عرفان واره‌ی حلقه

- فصل اول: خاستگاه عرفان واره‌ی حلقه
- فصل دوم: پیدایی عرفان واره‌ی حلقه و تطبیق‌گرایی تجربی
- فصل سوم: آسیب‌شناسی دین‌پژوهی تجربی

فصل اول: خاستگاه عرفان وارهی حلقه

۱. درآمد

در عصر جدید به واسطه‌ی پیشرفت‌های پرشتاب علمی، نگاه آدمی به خود، هستی، دین و تفسیر از آن‌ها به کلی دگرگون و پرسش‌های تازه‌ای از این بابت برای او پدیدار گشته است. پرسش از نسبت علم و دین، عقل و دین، زبان دین، تکثرگرایی دینی، تجربه‌ی دینی و... از این قبیل هستند. پیشینه‌ی این سؤال‌ها که به چند سده‌ی گذشته بازمی‌گردد تا قرن حاضر ادامه یافته و پیامدهایی را بر دین‌داری مغرب زمین و برخی نقاط دیگر همچون ایران به دنبال داشته است.

تعارض میان علم و دین یکی از این چالش‌هاست که تنها در یک ساحت دینی نبوده بلکه می‌توان گفت با همه‌ی بخش‌های آن درگیر است. تا آنجایی که در ساحت معنویت، عرفان‌های نوظهور واکنشی به آن است. به هر تقدیر امروزه دین‌داری در دنیای مدرن رهیافت متفاوتی پیدا کرده است و تحت تأثیر علم و پیشرفت‌های حاصل از آن قرار دارد.

به هر روی خاستگاه جنبش‌های شبه معنوی را باید دوران تجدد دانست. معنویت‌هایی که زاینده دوران پس از سنت هستند. از این روی ایده نوشتار حاضر پیرامون خاستگاه معنویت‌های دوران پس از سنت آن است. عرفان وارهی حلقه به عنوان یک سازمان مدعی معنویت نیز از این تأثیرپذیری

مستثنا نیست. به نظر می‌رسد عرفان حلقه اولین جریان شبه معنوی در ایران است که توانسته است از حدود اندیشه پا را فراتر نهاده و یک تشکیلات شبه عرفانی را راه‌اندازی نماید.

این سازمان برای رفع تعارض پیش‌آمده میان علم و دین با تأثیرپذیری از الهیات مسیحی و با رویکرد و تفسیری تجربی از دین که پیشینه‌ی آن در ایران به افکار مهندس مهدی بازرگان بازمی‌گردد، به قصد درانداختن طرحی نو، تشکیلاتی راه‌اندازی کرده است تا جوانان را از خرافات نجات داده و با ارائه‌ی تفسیری کاملاً علمی از عرفان، موجبات آشتی آن‌ها با دین را فراهم آورد.

راه‌حل این سازمان در ساحت نظری برای حل تعارض پیش‌آمده، از راه «زبان دین» است. محمدعلی طاهری بی‌آنکه مطالعاتی در ساحت دین و عرفان و حتی علوم جدید داشته باشد به مدد کار گروهی و تشکیل تیمی از برخی افراد، صورتی به باورهای خود داده و با تأثیرپذیری از دین‌پژوهان تجربه‌گرا می‌کوشد با سمبلیک دانستن پاره‌ای موضوعات دینی و تفسیر آن به قوانین تجربی و طبیعی مشکل را حل نماید. در کنار این سمبلیک‌انگاری و غیرواقعی دانستن امور دینی، یک رویکرد مونستی^۱ نیز به شدت قابل مشاهده است. در حقیقت هرجایی که پای تفسیر هستی و غیب به میان می‌آید، با تفسیری کاملاً مادی و تجربی از غیب روبرو می‌شویم.

عرفان کیهانی در ساحت عملی نیز با الگو قرار دادن تجربه‌ی دینی متأله آلمانی شلایرماخر^۲، بدون نیاز به عقل و دستورات دینی و حتی اخلاق، الگویی تجربی برای ارتباط با خداوند، تحت عنوان اتصال به شعور کیهانی را

1. Monistic.

2. Schleiermacher.

پیشنهاد می‌دهد؛ بنابراین شناخت سازمان حلقه ارتباط مستقیمی با شرایط و بسترهایی دارد که این جریان به واسطه‌ی آن‌ها حیات یافته است. این مکتب را تنها از راه شناخت بنیان‌گذار، حامیان و جذب‌شدگان به آن نباید پیگیری نمود بلکه باید مقداری به گذشته رفته، گفتمان‌ها، اندیشه‌ها و بسترهایی که در شکل‌گیری تشکیلات طاهری و جذب‌شدگان به او دخیل بوده است را شناخت.

با توجه به آنچه گفته شد لازم است ابتدا با نگاهی به سابقه‌ی علم و دین در چند سده‌ی گذشته در مغرب زمین و تحولات علمی و الهیاتی آن آشنا شده سپس ورود آن به ایران که آن را گفتمان دین‌پژوهی تجربی می‌نامیم پرداخته شود و نهایتاً تأثیرپذیری عرفان واره کیهانی از این گفتمان را اثبات کرده و سپس مورد ارزیابی قرار دهیم.

۲. گذار از سنت به تجدّد

پس از دوران یک هزارساله و تاریک «قرون وسطی» در اروپا، به تدریج با پیشرفت علوم بشری مواجه می‌شویم. پاره‌ای تحول‌های مهم، گذار از دوران سنتی به مرحله جدید را رقم زده است. تحول‌های علمی در حیطه‌های مختلف از جمله کیهان‌شناسی، فلسفه، زیست‌شناسی، جامعه‌شناسی، روانشناسی، روانکاوی و اخیراً فیزیک کوانتوم و نیز تحول‌های الهیاتی که تحت تأثیر علم پدید آمده است. اکنون به توضیح این دو گونه از تحول که منجر به گذار از دوران سنتی به دوران جدید و شکل‌گیری معنویت‌گرایی جدیدی شده است می‌پردازیم.

۲-۱. تحوّل‌های علمی

۲-۱-۱. کیهان‌شناسی جدید

از جمله چهره‌هایی که بر روند علم، مهم‌ترین و آغازین تأثیرگذاری را داشته است گالیله^۱ (۱۵۶۴-۱۶۴۲) ریاضی‌دان، منجم و فیزیکدان بزرگ در سده هفدهم میلادی است. او منشأ تحول جدّی در علوم شده، از این‌روی بنیان‌گذار علم جدید نامیده می‌شود. تحولی که به دست گالیله ایجاد شد در حیطه‌ی کیهان‌شناسی بود.

پیش از گالیله، کپرنیک^۲ در رد نظریه‌ی بطلمیوسی، ثابت کرده بود که خورشید، مرکز هستی است نه زمین؛ اما نظریه‌ی مورد مخالفت کلیسا قرار گرفته و به فراموشی سپرده شده بود^۳ تا به مدت ۱۷۰۰ سال نظریه‌ی زمین مرکزی^۴ بطلمیوس^۵ بردنای علم حاکم باشد. مخالفت کلیسا از آن‌روی بود که زمین مرکز عالم و محور آن محسوب می‌شد و نظریه‌ی بطلمیوس با اشرفیت انسان در هستی هماهنگ‌تر بود.

به هر حال اقدامات گالیله آغازی برای طرح مسئله‌ی تأثیرگذار نسبت علم و دین بوده است. پس از او، نیوتن^۶ (۱۶۴۲-۱۷۲۷) تحولات بزرگ دیگری را

1. Galilei.

2. Copernicus.

۳. ترس از بی‌حرمتی به سنت مذهبی موجب شد کپرنیک از چاپ اثرش طفره رود. ج. برونوفسکی و ب. مازلیش؛ ترجمه لی لا سازگار؛ *سنت روشنفکری در غرب*؛ ص ۱۶۷.

4. Geocentrism.

5. Ptolemy.

6. Newton.

رقم زده است. «تصویر مکانیکی (ماشین‌وار) طبیعت که گالیله خطوط اصلی آن را ترسیم کرده بود، در نیمه‌ی دوم قرن هفدهم، به توسط نیوتن و پیروانش توسعه و تفصیل بیشتری یافت».^۱ این نظریه خدا را به گونه‌ای معرفی می‌کرد که بیش تر علت فاعلی بود تا علت غایی، مُحدثه و مبقیه.

گالیله و نیوتن معتقد بودند که خداوند طبیعت را به حرکت درآورده است و پس از آن به صورت خودکار مانند یک ساعت بزرگ حرکت می‌کند.

نیوتن در آخرین کتاب خود «به شرح دلایل ریاضی در اثبات قانون جاذبه‌ی عمومی پرداخت. کار نیوتن نتیجه‌گیری نهایی از فرضیه‌های کپرنیک، کپلر^۲ و گالیله بود. هر یک از این سه تن بخشی از نظرات کیهان‌شناسی بطلمیوسی - ارسطویی را فروریخته بودند اما قبل از نیوتن کسی نتوانست قطعات پراکنده‌ی نظریه‌های جدید این سه تن را در یک دستگاه پیوسته برهم سوار کند و کیهان‌شناسی جدیدی عرضه نماید».^۳

۲-۱-۲. فلسفه

پس از تحولات کیهان‌شناسی، در سده هجدهم میلادی که موسوم به عصر عقل^۴ یا عصر روشنگری^۵ است، فلسفه و خردگرایی منشأ تحول‌های جدیدی شد تا آنجایی که باور دانشمندان در این عصر بر آن بود که عقل توان حل همه‌ی مشکلات بشر را داشته، می‌تواند بهشت انسان را روی زمین ایجاد

۱. ایان باربور؛ علم و دین؛ ص ۴۱.

2. Kepler.

۳. اشپیل فوگل؛ ترجمه محمدحسین آریا؛ تمدن مغرب زمین؛ ج ۲، ص ۷۴۲.

4. Age of Reason.

5. Age of Enlightenment.

نماید. کاپلستون^۱ در این باره گفته است:

متفکران و نویسندگان نمونه این دوره اعتقاد داشتند که عقل بشری ابزار خاص و یگانه‌ی حل مسائل مربوط به انسان و جامعه است... مقصود کلی نویسندگان عصر روشنگری از عقل، عقلی بود که اعتقاد به وحی، تسلیم در برابر قدرت و مرجعیت، احترام به آداب و سنن و نهادهای تثبیت شده مانعی در راه آن نباشد.^۲

به هر روی در این قرن انتظار بیش از حد از عقل باعث پیدایش «جنبشی مهم بود که خدا باوری عقلانی^۳ نام داشت. طرفداران این جنبش از مذهبی ساده دفاع می‌کردند که عاری از هرگونه سنن و مراسمی بود و بر بنیان عقل به وجود آمده بود. آنان این مذهب را گزینه‌ای در برابر خرافاتی که در مسیحیت می‌دیدند، می‌دانستند».^۴

تونلی لین در توصیف خردگرایی جدید گفته است:

قرن هجدهم، شاهد پدیدایی و رشد خردگرایی نیز بود که رقیبی در کنار ایمان مسیحی محسوب می‌شد. برای برخی، پدیدایی این نگرش، به معنای رواج خدا ناباوری^۵ بود، اما برای گروهی دیگر، پدیدایی آن به معنای به وجود آمدن مذهبی بر اساس عقل بود و نه مکاشفه.

1. Copleston.

۲. فردریک کاپلستون؛ *تاریخ فلسفه*؛ ج ۴، ص ۴۹.

3. Deism.

۴. تونلی لین؛ *تاریخ تفکر مسیحی*؛ ص ۳۸۳.

5. Atheism.

مکتب دئیسم^۱ یا خدا باوری عقلی، به عنوان مذهب عقل و در تقابل با خرافات مسیحیت سنتی مطرح شده بود. خردگرایی، با عنوان حمله به مسیحیت که خارج از کلیسا انجام می‌شد، بر تعالیم مسیحیت تأثیر محدودی بر جای گذاشت، اما باعث شد تا فرهنگ و وفاق نظر مسیحی، در اروپای غربی تضعیف شود.^۲

۲-۱-۲. ۱. تقابل هیوم با عقل‌گرایی و چاره‌اندیشی کانت

دو دانشمند مهم در سده‌ی هجدهم میلادی بر نهضت روشنگری تأثیرگذار بوده‌اند. یکی از مهم‌ترین چهره‌های علمی این قرن دیوید هیوم^۳ (۱۷۱۱-۱۷۷۶) است. وی یک تجربه‌گرای افراطی و شکاک است و مهم‌ترین فیلسوف مکتب اصالت تجربه^۴ است.

رهیافت هیوم به علم کاملاً تجربی و معرفتی حسی است که اساس آن مشاهده است. او بر این باور بود که:

طبیعت آدمی پایتخت یا مرکز علوم است و درخور منتهای اهمیت است که ما علمی درباره‌ی انسان بسازیم و بپروریم. این کار چگونه شدنی است؟ با کار بستن روش آزمایشی^۵. از آنجاکه علم انسان یگانه شالوده استوار علم‌های دیگر است، پس یگانه شالوده‌ی استواری که می‌توان به خود این علم داد

1. Deism.

۲. تونی لین؛ تاریخ تفکر مسیحی؛ ص ۲۴۶.

3. David Hume.

4. Empiricism.

5. Experimental Method.

باید بر تجربه^۱ و مشاهده^۲ نهاده شود.^۳

هیوم با زیر سؤال بردن معجزه، اصل علیت و برهان نظم نقش زیادی در گرایش به شک، الحاد و مخالفت با دین بازی کرد. او جنبه‌ی تجربی علم را مهم می‌شمرد و بر آن بود که هرگونه معرفتی، از تأثرات حسی نشأت گرفته و نظریه‌ها و قوانین علمی، مختصر و ماحصل مشاهدات اند. هیوم با ترویج حس‌گرایی افراطی عقل و نهضت روشنگری را به چالش جدی کشیده است. دیگر چهره‌ی تأثیرگذار سده‌ی هجدهم کانت^۴ یکی از فیلسوفان بزرگ مغرب زمین است. انقلاب کپرنیکی کانت در حوزه‌ی معرفت‌شناسی نوعی چاره‌اندیشی در قبال شکاکیت ایجاد شده در اثر رد مفاهیم مابعدالطبیعه است.

ابتدا کانت بود که تجربه‌ی اخلاقی را مبدأ عقاید دینی شمرد، چه او نیز می‌خواست بی‌پایگی الهیات طبیعی را ثابت کند، ولی صرفاً به این قصد که برای ایمان جا باز کند.^۵

کانت از هیوم تأثیر پذیرفته و توسط او را از خواب جزمیت بیدار شده بود؛ اما تفاوت آن دو در این بود که «کانت شالوده‌ی دین را در زندگی عملی انسان و احوال قلبی و به‌ویژه در وجدان اخلاقی می‌دانست».^۶

1. Experience.

2. Observation.

۳. فردریک کاپلستون؛ تاریخ فلسفه؛ ج ۵، ص ۲۷۹.

4. Kant.

۵. ایان باربور؛ علم و دین؛ ص ۹۱.

۶. همان، ص ۸۶.

۳-۱-۲. زیست‌شناسی

پس از کیهان‌شناسی، خردگرایی افراطی فلسفی و حاکم شدن تجربه بر علم، این زیست‌شناسان بودند که چهارمین ضربه را بر پیکر ناتوان آیین مسیحیت وارد ساختند. پیشرفت‌های زیست‌شناسی در قرن نوزدهم به اوج رسیده است و *داروین*^۱ چهره شاخص این گروه محسوب می‌شود. این سده، عصری است که *داروین* با مباحث زیست‌شناسی خود الهیات مسیحی را به چالش می‌کشد. او همچون نیوتن تأثیر زیادی در مناسبات علم و دین داشته است. *ایان باربور* در مورد او می‌گوید:

مقامی که *داروین* در زیست‌شناسی دارد بی‌شباهت به مقام نیوتن در فیزیک نیست.^۲

یکی از مباحث مهم و درازدامن زیست‌شناسی بحث تکامل و خلقت است که «بیش از صدسال، یکی از داغ‌ترین منازعات در این عرصه بوده است».^۳ با نظریه *داروین* «تعالیم مسیحی درباره‌ی انسان که او را موجود برگزیده‌ی خداوند می‌دانست، دستخوش شک و پرسش شد و همین‌طور تصویری که فلسفه از انسان به دست می‌داد و او را موجودی عاقل معرفی می‌کرد، به لرزه افتاد.

مطابق نظریه‌ی تکامل، دیگر بین انسان و حیوان تنها یک اختلاف مختصر و کمی وجود دارد و نه اختلاف بنیادین و کیفی. نظریه‌ی تکامل تأثیری فراوان بر فریدریش نیچه و کل ادبیات و فلسفه‌ی آغازین سده‌ی بیستم

1. Darwin.

۲. همان، ص ۱۰۰.

۳. مایکل پترسون؛ *عقل و اعتقاد دینی*؛ ص ۳۶۰.

به جا گذاشت».^۱ با ظهور داروین‌یسم، بعضی اندیشیدند که تنازع بقا می‌تواند به ظهور نظم منتهی شود، بدون آنکه نظامی در کار باشد.^۲

۴-۱-۲. جامعه‌شناسی

دانش جامعه‌شناسی نیز از جمله علمی است که تأثیر بسیاری بر تحول اندیشه‌ی انسان غربی داشته است. آگوست کنت^۳، امیل دورکیم^۴ و کارل مارکس^۵ سه شخصیتی هستند که لازم است اجمالاً به نقش آنان در این زمینه اشاره شود.

کنت واضع نام جامعه‌شناسی و مُبدع دین انسانیت است. «دین تحصّلی آگوست کنت عده‌ای از مریدان وی را تحت تأثیر قرار داد و به ایجاد کلیسای تحصّلی انجامید».^۶

گزارش دیرک کسلراز دین انسانیت کنت این گونه است:

دین انسانیت که کنت مؤسس آن بود، محور جامعه‌ی اثباتی موعود اوست. به عقیده‌ی او عصر ربانی به طور نهایی به پایان رسیده است، پس موضوع پرستش خدای واحد دیگر به صورت قبلی مطرح نیست... کنت در طرح خود از جامعه‌ی اثباتی موعود، درباره‌ی تمام جزئیات فکر کرده بود: از تربیت کودکان گرفته تا اساس قانون، مراحل سه‌گانه و تأسیس

۱. ربرت تسیمیر؛ نگاهی اجمالی به فلسفه از روشنگری تا امروز؛ ص ۷۴.

۲. مهدی گلشنی؛ فیزیکدانان غربی و مسئله خدا باوری؛ ص ۱۳.

3. August Conte.

4. Emile Durkheim.

5. Karl Marx.

۶. فردریک کاپلستون؛ تاریخ فلسفه؛ ج ۹، ص ۱۱۴.

معبد اثباتی. او صرفاً به تعیین تعداد، چگونگی زندگی، وظایف و ترکیب کشیشان دین خود بسنده نکرده بود، بلکه او تعداد رؤیسان جامعه، حقوق کارگران و تعداد ساکنان جمهوری‌های اثباتی موعود را نیز تعیین کرده بود.^۱

شخصیت تأثیرگذار دیگر از منظر جامعه‌شناسی /میل دورکیم است. وی دین را ناشی از قدرت اجتماعی جامعه می‌داند.

همچنین کارل مارکس دین را عامل تخدیر می‌دانست. «از نظر مارکس علت گرایش به دین دارای دو بعد می‌باشد، یک بُعد آن مربوط به طبقه حاکم و استثمارگر و بُعد دیگر مربوط به طبقه محکوم و استثمارشده است. طبقه حاکم با اینکه اعتقادی به دین ندارند اما از دین برای حفظ اقتدار و حکومت خود بر استثمارشدگان بهره می‌گیرد؛ اما طبقه محکوم و استثمارشده به گمان تسکین آلام خود و توجیه نابرابری‌های دنیا به دین گرایش پیدا می‌کند».^۲

به هر تقدیر جامعه‌شناسی و صاحب‌نظران آن با طرح چنین اندیشه‌هایی که البته امروزه سستی و بطلان آن روشن است در مخالفت با دین مؤثر بوده‌اند.

۵-۱-۲. روانشناسی و روانکاوی

در گام بعدی روانشناسان و روانکاوان بر هجمه خود بر دین افزودند. زیگموند فروید^۳ (۱۸۵۶-۱۹۳۹) از جمله افرادی است که در این ساحت تأثیرگذار بوده است.

۱. دیرک کسلر؛ نظریه‌های جامعه‌شناسان کلاسیک از آگوست کنت تا آلفرد شوٲتس؛ صص ۳۵ و ۳۶.

۲. سید اکبر حسینی و امیر خواص؛ منشأ دین؛ ص ۷۹.

3. Sigmund Freud.

با ظهور روانشناسی جدید، فروید تهمت‌های جدیدی به دین وارد کرد. از نظر او دین نه فقط قدیمی شده و دشمن علوم و پیشرفت بشری باشد، بلکه یک نوع فرار کودکانه از واقعیت‌های زندگی و دل‌خوش شدن به امور واهی است.^۱

جان هیک، دین‌زداییِ فروید را این‌گونه توصیف کرده است:

زیگموند فروید بنیان‌گذار روانکاوی و شخصیتی که از لحاظ اهمیت قابل قیاس با گالیله،^۲ داروین^۳ و آینشتاین^۴ است تأملات فراوانی درباره‌ی ماهیت دین به عمل آورد. او باورهای دینی را «اوهام، جلوه‌های کهن‌ترین، قوی‌ترین و پایدارترین امیال بشر» می‌داند. دین، به نظر فروید، نوعی دفاع ذهنی در مقابل جنبه‌ها (و پدیده‌های) حائل طبیعت است، نظیر زلزله، سیل، طوفان، بیماری و مرگ چاره‌ناپذیر.^۵

۶-۱-۲. فیزیک کوانتوم

فیزیک کوانتوم را می‌توان جدیدترین دانشی دانست که با ایجاد پاره‌ای تحولات، برخی قواعد دینی و عقلی را با چالش روبرو کرده است و از سوی دیگر توسط برخی افراد و جریان‌ها سعی در نزدیک شدن به دین و معنویت و بیان تقریر خاصی از آن را دارد. هایزنبرگ^۶ یکی از چهره‌های شاخص دانش فیزیک است. امروزه از سوی برخی از صاحب‌نظران فیزیک کوانتوم تلاش

۱. ویلیام هور درن؛ *راهنمای الهیات پروتستان*؛ ص ۳۲.

2. Galileo.

3. Darwin.

4. Einstein.

۵. جان هیک؛ *فلسفه دین*؛ ص ۸۱.

6. Heisenberg.

می‌شود با اصل علیت مخالفت شود. همچنین اصل عدم قطعیت از دیگر مسائلی است که هایزنبرگ مطرح کرده است و گونه‌ای از نسبی‌گرایی را رواج می‌دهد.

به گفته بیکر:

در سال ۱۹۲۷، هایزنبرگ متوجه شد که تئوری کوانتوم چند پیش‌گویی غیرعادی دارد. او نشان داد آزمایش‌ها هیچ‌وقت نمی‌توانند کاملاً مستقل انجام شوند زیرا اندازه‌گیری روی نتیجه تأثیر می‌گذارد. او این رابطه بین اندازه‌گیری و نتیجه را به عنوان اصل عدم قطعیت بیان کرد.^۱

به هرروی در برخی قرائت‌های کوانتومی تلاش بر آن است تا جایی برای آگاهی و اراده انسان در کنار ماده و انرژی باز شود.

۲-۲. تحوّل‌های الهیاتی

پیشرفت‌های همه‌جانبه و پرسرعت علمی هر لحظه سایه خود بر روی دین را گسترده و انسان‌گرایی فربه‌تر می‌شد. از سوی دیگر، آیین تحریف‌شده مسیحیت توان دفاع از خود و پاسخ به پرسش‌های جدید را نداشت.

متالهان در این عصر روش‌های متفاوتی را در مواجهه با علم برگزیدند. پاره‌ای تقابل را در پیش گرفته و برخی دیگر که لیبرال نامیده می‌شوند، گروهی بودند که سازگاری را به جای تقابل برگزیدند.

لیبرالیسم^۲، نتیجه‌ی پذیرش کامل شرایط و نحوه‌ی تفکر دنیای معاصر توسط الهیات مسیحی است. لیبرال‌ها در تلاش خود برای سازگار شدن با شرایط و نحوه‌ی تفکر معاصر، حاضرند بسیاری از عناصر بنیادین

۱. جوآن بیکر؛ نظریه‌های تأثیرگذار در علم فیزیک؛ ص ۱۱۸.

2. Liberalism.

راست دینی سنتی مسیحی را قربانی کنند.^۱
گروه دیگری همچون «فیلسوفان رمانتیسم بر محدودیت علم تأکید می‌کردند»^۲؛ و مطابق برخی گزارش‌های تاریخی «فیلسوفان فرانسوی به دشمنی با دین برخواسته بودند»^۳؛ اما نتیجه نهایی و ملموس، عقب‌نشینی دین و نهایتاً پذیرش همه‌جانبه‌ی مرجعیت علم و اندیشیدن تدابیری در راستای حفظ حداقلی دین از سوی متالهان بود. در ادامه مروری بر مهم‌ترین تحولات الهیاتی از سده هفدهم تا به امروز خواهیم داشت.

۱-۲-۲. تنزل نقش خدا

قرن هفدهم میلادی آغاز برخورد علم و دین است. در پایان این سده تعارض‌های پیش‌آمده میان علوم جدید و الهیات مسیحی نتیجه‌ای جزافول دین و دین‌داری و در یک کلام تنزل نقش خداوند را در پی نداشت. یکی از اندیشمندان غربی وضعیت الهیاتی مغرب زمین در سده هفدهم را این‌گونه به تصویر کشیده است:

چون توجه قاطبه‌ی اهل علم معطوف به علل طبیعی شده بود، رفته‌رفته نقش خداوند تا حد علت اولی [و] حفظ عالم هستی، کاهش یافته بود. [اما] هنوز هم مفهوم خداوند، مفهومی سنتی و ناظر به عقل و اراده‌ای متشخص بود.^۴

۱. تونی لین؛ تاریخ تفکر مسیحی؛ ص ۳۸۷.

۲. ایان باربور؛ علم و دین؛ ص ۸۱.

۳. همان.

۴. همان، صص ۳۷، ۵۱ و ۵۳.

۲-۲-۲. خداباوری طبیعی (عقلانی)

هرچند نقش خداوند برای مؤمنان تنزل یافته، اما هنوز جرقه‌های لادری‌گری و الحاد در غرب پدید نیامده بود. گواه این مطلب گرایش متألّهان در سده هجدهم میلادی به خداباوری عقلانی (طبیعی)^۱ است.

به نظر می‌رسد در سده‌ی هجدهم به‌رغم اعتلای شک‌گرایی و اعتقاد متفکران به خداباوری طبیعی و مذهب طبیعی، اخلاص مردم به دیانت مسیح همچنان نیرومند برجا بوده است. تقوای عمومی کاتولیکی قوت خود را همچنان حفظ کرد و در میان پیروان پروتستان نیز اشتیاق برای حالت معنوی مستقیم‌تر، عملاً منجر به احیای مذهب خاصه در آلمان و انگلستان شد.^۲

۲-۲-۳. بی‌اعتبار شدن براهین خداشناسی

چنانچه گفته شد در سده هجدهم میلادی، انسان غربی به‌جایی رسیده بود که عقل‌گرایی را جایگزینی برای دین و حیانی می‌دانست؛ اما دیری نپایید که هجدهم‌ی هیوم^۳ و برخی دیگر، عقل‌گرایی و براهین اثبات خدا را سست نمود. برای نمونه برهان اتقان صنّع یا دلیل نظم که یکی از مهم‌ترین براهان‌های عامه‌پسند است توسط فرضیه تکامل با چالش روبرو گشت.

برهان اتقان صنّع، به شیوه‌ای که پیلی مقبول عام ساخته بود، با رواج نظریه‌ی تکامل، تزلزل روزافزونی یافته بود.^۴

1. Deism.

۲. اشیپیل فوگل؛ تمدن مغرب زمین؛ ج ۲، ص ۸۰۴.

3. Hume.

۴. ایان باربور، علم و دین؛ ص ۱۴۱.

برهان معجزه و علیت نیز گرفتار چنین سرنوشتی شدند که در این مجال نمی‌توان به ماجرای آن‌ها پرداخت.

۴-۲-۲. شیوع خدا ناباوری و لاداری‌گری

نتیجه‌ی بی‌اعتبار شدن براهین خداشناسی چیزی جز شیوع خدا ناباوری و لاداری‌گری نبوده است. به‌طور خلاصه وضعیت رابطه‌ی علم و دین در قرن نوزدهم را می‌توان به‌صورت زیر ترسیم کرد: «علم هم در ابعاد نظری و هم در ابعاد عملی به توفیق چشمگیری دست یافته بود. از طرف دیگر، تکوّن بعضی مکاتب فکری که متافیزیک و دین را مورد تعرض قرار دادند و برای دین منشأ اقتصادی، اجتماعی، روان‌شناختی و... قائل شدند.

چنان وضعیتی را پیش آورد که بسیاری از علما یقین کردند در قرن بیستم بساط دین برچیده خواهد شد.^۱ نهایتاً کار به جایی رسیده بود که «در اواخر قرن نوزدهم برای متفکران تقریباً غیرممکن شده بود که دارای دینی باشند».^۲ در قرن نوزدهم، برای نخستین بار در غرب مسیحی، خدا ناباوری و لاداری‌گری^۳ به پدیده‌ای شایع تبدیل گشت. در جهان مدرن، اطمینان به نیروی عقل به تدریج رنگ باخت و ضعیف شد.^۴

۵-۲-۲. نقد کتاب مقدس و بی‌اعتباری آن

در مرحله بعد نقادی کتاب مقدس به شکل جدی‌تری رخ نمود. به گفته والتر

۱. مهدی گلشنی؛ علم و دین و معنویت در آستانه‌ی قرن بیست و یکم؛ صص ۱۶ و ۱۷.

۲. ویلیام هوردرن؛ راهنمای الهیات پروتستان؛ ص ۳۲.

3. Agnosticism.

۴. تونی لین؛ تاریخ تفکر مسیحی؛ ص ۳۸۴.

/استیس «کاربرد روش‌های علمی در نقد تاریخی و ادبی کتاب مقدس ثابت کرد که آن کتاب گزارش دقیق واقعیات که خدا آن را القاء کرده باشد، نیست».^۱ لیبرال‌ها کتاب مقدس را یک مکتوب بشری می‌دانستند:

در میان واکنش‌هایی که در قبال تکامل یا در قبال پژوهش‌های مربوط به کتاب مقدس اظهار می‌شد، دو موضع افراطی و تفریطی پیش از همه به چشم می‌خورد: تمسک محافظه‌کاران به ظاهر یعنی معانی ظاهری نصوص کتاب مقدس، از یک سو و تخطئه تجددطلبان هرگونه وحی را. در نگرش نوخاسته‌ی اعتدالی (لیبرال) کتاب مقدس، به عنوان یک مکتوب بشری خطاپذیر (جایزالخطا) که شمه‌ای از تجارب و احوال دینی انسان در آن ثبت افتاده است ارزش داشت، نیز به عنوان شاهد وحی، ولی نه به معنای املای یک متن موثق از غیب، بلکه به معنای حضور و تأثیر خداوند در حیات اسرائیل (یعقوب) پیامبر و مسیح.^۲

۶-۲-۲. تجربه دینی و پیدایش الهیات معاصر

بسیاری از اندیشمندان غربی بر این باور بودند که به کمک عقل می‌توان دعاوی دین همچون وجود خداوند را اثبات کرد. آن‌ها با دلیل‌هایی همچون برهان نظم و اتقان صنع وجود خداوند را اثبات می‌کردند.

با نقادی هیوم و کانت از این براهین خصوصاً و نقادی کانت از توانایی عقل نظری برای اثبات دعاوی و باورهای فلسفی و دینی عموماً و نارسایی و ضعف مفاهیم فلسفی و کلامی در غرب، پیروان الهیات طبیعی (الهیات مبتنی بر عقل) و نگرش‌های کلامی مبتنی بر عقل نظری شکست سختی

۱. والتر استیس؛ دین و نگرش نوین؛ ص ۸۷.

۲. ایان باربور، علم و دین، ص ۱۴۱.

متحمّل شدند و در نتیجه، تئوری‌ها و نظریه‌های بدیلی برای تحقیق در کلام، فلسفه و دین ارائه شد.

عقل عملی یکی از این شیوه‌های بدیل بود. تا اینکه متکلم آلمانی فردریش شلایرماخر (۱۷۶۸-۱۸۳۴) در قرن نوزدهم شیوه دیگری پیشنهاد کرد. او راه دستیابی به دین را نه عقلانی می‌دانست و نه وحیانی و دین را نه محصول عقل نظری تلقی می‌کرد و نه عقل عملی و نه اراده اخلاقی بلکه دین را محصول تجربه یا انتباه دینی «Religious Awareness» می‌دانست. به نظر وی، دین موضوع يك احساس زنده است و نه پیامد امری دور از احساس دینی و غایب از تجربه دینی.^۱

به اعتقاد شلایرماخر، خدا به واسطه‌ی خودآگاهی فردی شناخته می‌شود. از این رو، انسان‌ها نمی‌توانند خدا را آن گونه که هست بشناسند، بلکه او را از آن جهت که با انسان‌ها در ارتباط است می‌توان شناخت... بهترین تلقی از خدا آن است که او را روح جهان بدانیم که با آزادی و آگاهی، جهان را اداره می‌کند.

فردریک شلایرماخر در نوشته‌های پرنفوذش در قرن نوزدهم ادعا کرد که تجربه‌ی دینی، تجربه‌ای عقلی^۲ یا معرفتی^۳ نیست، بلکه «احساس اتکای مطلق و یکپارچه به مبدأ یا قدرتی متمایز از جهان است». این تجربه، تجربه‌ای یهودی است که اعتبارش قائم به خود^۴ است و مستقل از مفاهیم،

۱. محمدحسین زاده، دین‌شناسی، ص ۳۸.

2. Intellectual.

3. cognitive.

4. self-authenticating.

تصورات و اعتقادات یا اعمال می‌باشد. چون این تجربه نوعی احساس^۱ است و از حد تمایزات مفهومی فراتر می‌رود، لذا نمی‌توانیم آن را توصیف کنیم. این تجربه، حسی و عاطفی^۲ است نه معرفتی^۳.

کوشش‌های شلایرماخر در قالب روش الهیاتی نوین وی تا حد بسیاری موجبات بازگشت دین به میان متفکران گشت.

شلایرماخر کوشید دین را که در قرن هجدهم توسط غالب متفکران رد شده بود دوباره به میان آن‌ها بازگرداند. شلایرماخر تأکید می‌نمود که مباحثات فراوانی که در مورد دلایل اثبات وجود خدا و اعتبار کتاب مقدس و معجزات و نظایر آن انجام شده‌اند همگی در حاشیه‌ی دین قرار دارند. قلب دین همیشه احساسات و عواطف بوده است نه دلایل و مباحثات عقلی. برخلاف آنچه پیروان مکتب اصالت عقل تصور می‌کنند، خدا یک فرضیه برای تفسیر مفهوم کائنات نیست. خدا برای شخص متدین یک تجربه و یک حقیقت زنده است. دین بر اساس احساسات و معرفت باطنی یا اشراق و عرفان قرار دارد. شلایرماخر این احساسات را بر اساس متکی بودن به کائنات یا عالم وجود تفسیر می‌کرد.^۴

توسط شلایرماخر دین توانست به بسیاری از مشکلات آن زمان پاسخ دهد. در مرحله اول دین از فلسفه و علوم مستقل گردید. دین، بر اساس تجربه شخصی، دارای قلمرو مخصوص خود شد و برای اثبات حقانیت خود

1. Feeling.

2. Affective.

۳. مایکل پترسون؛ *عقل و اعتقاد دینی*، ص ۴۱.

۴. ویلیام هور درن؛ *راهنمای الهیات پروتستان*؛ ص ۴۰

احتیاجی به دلایل دیگر نداشت و خود دارای اعتبار گردید. به علاوه مرکز و اساس دین از کتاب مقدس به قلب ایمان دار انتقال یافت. نقادی کتاب مقدس دیگر نمی‌توانست به مسیحیت لطمه‌ای بزند زیرا پیام اصلی کتاب مقدس آن است که با فرد سخن می‌گوید و بعد از نقادی به طور روشن‌تری سخن می‌گوید زیرا نقادی باعث شده است که بتوانیم پیام کتاب مقدس را بهتر درک نماییم.^۱

به هر حال کارل بارت^۲ به درستی گفته است که شلایر ماخرینیان گذار دورانی نوین است.

وی نه تنها پایه‌گذار مکتب الهیاتی لیبرال، بلکه به وجود آورنده‌ی الهیات معاصر است.^۳

۳-۲. بازخوانی مناسبات علم و دین

تاریخ فکری و فرهنگی غرب گواهی می‌دهد که با پایان یافتن دوران یک هزارساله‌ی قرون وسطی و عصر تاریکی غرب، رنسانس و نوزایی پدید آمده است. با ظهور دستاوردهای عصر نوزایی و پیشرفت‌های تجربی، انسان غربی که پیرو دین تحریف‌شده‌ی مسیحیت با قرائت آبا کلیسا بود به انسان‌گرایی میل نمود، چرا که میان یافته‌های علمی و اکتشافات بشری با بافته‌های کلیسایی نوعی تعارض و ناهمخوانی مشاهده می‌نمود.

اوراه خود را از آسمان جدا کرده، به زمینی شدن و خودمحوری تمایل نشان

۱. همان، ص ۴۱.

2. Karl Bart.

۳. تونی لین؛ تاریخ تفکر مسیحی؛ صص ۳۸۷ و ۳۸۸.

داد تا یکی از مهم‌ترین لغزش‌های خود را رقم زند. سپس با تکیه بر «عقلانیت خود بنیاد» شروع به تولید دانش کرد و علم را منحصر در آنچه به محک تجربه درآید، دانست؛ اما از آنجایی که معنویت لازمه‌ی حیات انسانی و باطن زندگی است و زدودن آن ناممکن و آدمی را با بحران‌های فردی و اجتماعی فراوانی مواجه می‌کند، بشر متجدد، تصمیم به بازگشت به معنویت گرفته اما در اینجا لغزش دوم خود را نیز رقم زده و با تکیه بر توان فردی خود سعی در معنویت سازی نمود.

به هر حال امروزه در غرب تلاش می‌شود در رابطه با دین با احتیاط بیشتری برخورد شود و تا آنجایی که ممکن است و مانع دنیاخواهی نمی‌شود به آن نگاهی کارکردی و سودگرایانه^۱ داشته باشند. از سوی دیگر عالمان مسیحی تلاش می‌کنند تا خطاهای گذشته خود در برخورد با دانشمندان را جبران نمایند.^۲

آنتونی گیدنز^۳ یکی از بزرگ‌ترین جامعه‌شناسان معاصر در این باره گفته است:

گاهی چنین به نظر می‌رسد که علم و دین در تناقض با یکدیگرند. برای مثال، بحث وجدل میان دیدگاه‌های تکاملی و آفرینش به تاریخ، نشانگر دو شیوه‌ی بسیار متفاوت در درک پیدایش انسان است؛ اما گاهی نیز علم و دین می‌توانند به صورت‌های شگرف و کم‌نظیری در هم

1. Pragmatism.

۲. نمونه‌ای از این تلاش‌ها در کتاب «فیزیک، فلسفه و الهیات» قابل پیگیری است. ۲۱ محقق برجسته در محل اقامت پاپ در همایشی به گفتگو پیرامون موضوعات مطلوب دانشمندان، فیلسوفان و متکلمان پرداخته‌اند.

3. Anthony Giddens.

بیامیزند.^۱

۱-۳-۲. ساحت‌های بازخوانی

۱-۳-۲-۱. زبان دین

زبان دین یکی از مهم‌ترین ساحت‌هایی مؤثر در حل تعارض علم و دین می‌باشد که امروزه موردتوجه دانشمندان قرار گرفته است. به نظر می‌رسد اگر مباحث زبان دین میل به معنازدایی از آموزه‌های دینی و غیرواقعی بودن آن نکرده و رنگ پوزیتیویسم^۲ به خود نگیرد تا حدودی می‌تواند در حل تعارض ظاهری علم و دین توفیق یابد.

قرن بیستم میلادی (آغازی برای پایان تنازع با جداانگاری حوزه‌های علم و دین): قول به تمایز این دو حوزه از منظرهای متفاوتی (که در قرن بیستم اهمیت یافته) مورد تصدیق واقع شده است: مانند نوآورتودوکسی، اگزستانسیالیسم، پوزیتیویسم و فلسفه مبتنی بر زبان متعارف. نگاهی اجمالی به این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که هرکدام از راه‌های متفاوت به نتیجه‌ی واحدی رسیده‌اند.^۳

فیلسوفان در قرن بیستم، ماهیت و نقش زبان را جداً مورد توجه قرار داده‌اند و نظریه‌های گوناگونی نیز درباره‌ی زبان دینی عرضه کرده‌اند. فیلسوفان به دو دلیل عمده زبان دینی را عمیقاً موردتوجه قرار داده‌اند. دلیل اول آنکه فیلسوفان به مسئله‌ی معنا علاقه‌مندند و لذا می‌خواهند بدانند که الفاظ راجع به خداوند چگونه افاده معنا می‌کنند... دومین

۱. آنتونی گیدنز؛ جامعه‌شناسی؛ ص ۷۶۶.

2. positivism

۳. مایکل پترسون؛ عقل و اعتقاد دینی؛ ص ۳۶۶.

دلیل علاقه‌ی شدیدی که فیلسوفان به زبان دینی نشان می‌دهند این است آن‌ها در پی تحلیل و ارزیابی اعتقادات هستند و البته اعتقادات در قالب قضایا و گزاره‌ها بیان می‌شوند.^۱

به‌هرروی از قرن بیستم میلادی پاره‌ای از مکاتب و اندیشمندان غربی در تلاش هستند تا آیین مسیحیت را به جهت مقابله با فروریختن ارزش‌های انسانی و اجتماعی احیاء نموده، خطاهای گذشته را بازخوانی و از آن عبرت گیرند. هرچند که به نظر می‌رسد چنین تلاشی هیچ‌گاه به‌طور کامل امکان‌پذیر و نتیجه‌بخش نخواهد بود اما از آن جهت که از شتاب تقابلی علم جدید با دین می‌کاهد می‌تواند ارزشمند باشد.

یکی از نویسندگان تمدن مغرب زمین می‌گوید:

مکتب اصالت وجود یکی از واکنش‌هایی بود که در برابر نومیدی حاصل از فروپاشی آشکار ارزش‌های مدنی در سده‌ی بیستم قد علم کرد. احیای دین، واکنش دیگری به نومیدی بود. از زمان آغاز نهضت روشنگری در سده‌ی هجدهم، نهاد مسیحیت و مذهب موضع دفاعی به خود گرفت، اما در سده‌ی نوزدهم شماری از متفکران و رهبران دینی کوشیدند تا جان تازه‌ای در کالبد مسیحیت بدمند.

به‌رغم تلاش دنیای کمونیست برای ساختن جامعه‌ی الحادی و کوشش غرب در ایجاد جامعه‌ای دنیاگرا، مذهب همچنان به نقش مهم خود در زندگی بسیاری از مردم ادامه می‌داد. یکی از مظاهراحيای دین در مساعی الهیات شناسانی نظیر کارل بارث^۲ (۱۸۸۶-۱۹۶۸) پروتستان مذهب و

۱. همان، صص ۲۵۴ و ۲۵۵.

2. Karl Barth.

کارل راهنر^۱ (۱۹۰۴-۱۹۸۴) کاتولیک مذهب ظاهر شد که می‌کوشیدند در تن تعالیم سنتی مسیحیت، جان تازه‌ای بدمند.^۲

۳. مناسبات علم و دین در ایران

به نظر می‌رسد در یک نگاه دقیق ریشه‌ی اصلی پیدایی بسیاری از گفتمان‌های فکری و فرهنگی از دوران قاجار تا به اکنون، به نوعی با مسئله‌ی «نسبت علم و دین» و دستاوردهای آن که ناشی از پیشرفت‌های دانش جدید می‌باشد گره خورده است. مطابق با آنچه در فصل گذشته بیان گشت بحث نسبت علم و دین ابتدا در اروپا و آیین مسیحیت شکل گرفته و سپس به ایران و سایر نقاط جهان سرایت کرده است^۳؛ بنابراین گفتمان‌هایی که در ایران شکل گرفته است تحت تأثیر پیشرفت‌های علمی غرب و تبعات آن است.

۳-۱. آشنایی ایرانیان با دانش‌های جدید

آغاز آشنایی ایرانیان با اندیشه‌ها و تحولات جدید غرب در قرن نوزدهم میلادی بوده است. این زمان مصادف با دوران فتح‌علیشاه در قرن سیزدهم شمسی می‌باشد. پس از شکست ایرانیان از روس‌ها، آنان به خود آمده و متوجه می‌شوند که غرب بسیار پیشرفته شده است. در این جنگ روس‌ها از ابزاری همچون توپ استفاده کرده و پیروز می‌شوند. مرتضی‌راوندی در این باره نوشته است:

1. Karl Rahner.

۲. اشپیل فوگل؛ تمدن مغرب زمین؛ ج ۲، ص ۱۳۵۰.

۴. این سرایت ابتدا با حمله ناپلئون به مصر وارد دنیای اسلام شده است. (زک: امین شمشیری؛ قفس زرین؛ جلد نخست).

فکر آزادی از قید ظلم و استبداد و اندیشه ترقی و پیشرفت، از عهد فتح‌علیشاه به بعد در بین عناصر مترقی و اصلاح‌طلب ایرانی راه یافت. کسانی که به انگلستان مسافرت می‌کردند می‌شنیدند که ملت انگلیس قرن هاست که به حکومت فردی پایان داده و حکومت پارلمانی را جایگزین آن ساخته است؛ و آنان که به فرانسه می‌رفتند می‌دیدند که مردم این کشور پس از انقلاب ۱۷۸۹ به حکومت ملی روی آورده است و زمامداران آن کشورها ناچارند، به پیروی از افکار عمومی، منافع جمعی را بر مصالح اقلیت ترجیح دهند.^۱

از اواسط سلطنت فتح‌علیشاه، روابط ایران با ممالک متمدن اروپایی و آمدورفت اروپاییان به ایران و آشنایی مردم این کشور به اصول جدید تمدن که در عهد صفویه و نادرشاه و کریم‌خان هم مقدمات آن شروع شده بود، رو به ازدیاد نهاد. مسافرین و تجار اروپایی که به ایران می‌آمدند، در این کار دخالت بسیار داشتند؛ و آرامنه ایران و عثمانی و قفقازیه هم که سال‌ها در ممالک اروپایی مانده و به آموختن چند زبان موفق شده بودند، به بسط دامنه انتشار پاره‌ای از اصول تمدن جدید اروپایی در ایران، کمک می‌کردند؛ و عده قلیلی از تجار و مسافرین ایرانی هم که تصادفاً هندوستان یا بعضی از ممالک فرنگ را دیده به وطن خود برگشته بودند و مشاهدات خود را بر مردم نقل می‌کردند، در این مرحله بی‌دخالت نبودند...

در طی دوره اول جنگ‌های ایران و روس که از ۱۲۱۸ تا ۱۲۲۸ طول کشید، عباس میرزا و میرزا بزرگ قائم‌مقام به زودی دریافتند که با وسایل ساده و ناقص از کار افتاده که ایشان در اختیار دارند، نمی‌توانند

۱. مرتضی راوندی؛ تاریخ اجتماعی ایران؛ ج ۲، ص ۵۱۸.

از عهده توپ و تفنگ و نظام روسیه و وسایل دیگری که در دسترس آن طایفه است، برآیند و برای مقابله با ایشان جزاخذ همان وسایل و اقتباس همان نظام، چاره‌ای نیست... از جمله کارهایی که در این ضمن به تشویق عباس میرزا و میرزا بزرگ قائم مقام صورت گرفت، فرستادن يك عده محصل و کارگرو صنعت آموز بود به ممالك خارجه، برای آموختن رموز کار تمدن اروپایی و یادگرفتن زبان آن‌ها و فراگرفتن علوم و فنونی که به کار نظام و ترقی صنعت و غیره بیايد.^۱

بنابراین برای جبران عقب ماندگی‌های علمی، عده‌ای را عازم تحصیل در غرب می‌کنند و به تدریج گفتمانی در بین روشنفکران شکل می‌گیرد که به دنبال ترقی خواهی است و برخی آن را گفتمان ترقی^۲ نامیده‌اند.

در آثار برخی اعضای گفتمان ترقی به وضوح می‌توان نشانه‌های مخالفت با دین را یافت. این مسئله علّتی جز مرعوب شدن در مقابل اندیشه‌های غربی نداشته است.

میرزا صالح شیرازی، تقی زاده و کمی بعد کسروی را می‌توان از جمله روشنفکرانی دانست که تحت تأثیر پیشرفت و دانش‌های غربی آرا و اندیشه‌های دین ستیزانه‌ای از خود بروز داده‌اند؛ اما بحث تعارض علم و دین و حل آن در هیچ یک گفتمان‌های دیگر به اندازه‌ی آنچه مهندس بازرگان دنبال کرده است دیده نمی‌شود.

مهندس بازرگان به مثابه اعضای گفتمان ترقی، دین را فدای دستاوردهای

۱. مرتضی راوندی؛ *تاریخ اجتماعی ایران*؛ ج ۲، ص ۵۲۶.

۲. برای آشنایی با گفتمان ترقی رک: حبیب‌الله ابوالحسن شیرازی و پیمان خواجه‌وی؛ *مقدمه‌ای بر*

سیر تطور منوالفکری در ایران؛ صص ۶۷ - ۱۱۸.

علم جدید نکرد، بل به دنبال هماهنگی میان آن دو برآمد. وی گفتمانی را در ایران ایجاد کرده است که ما آن را گفتمان دین‌پژوهی تجربی می‌نامیم.

۲-۳. دین‌پژوهی تجربی در ایران

دین‌پژوهی با رویکرد تجربی را افرادی همچون فروغی و بازرگان و تحصیل‌کرده‌های غرب که گرایش و علاقه‌مندی‌های دینی داشتند برای اولین بار به‌طور جدی در ایران پیگیری نمودند. از طرفی دیگر، برخی از مفسران و گروهی از روحانیون که کتب مصری‌ها را در دوران مبارزات ترجمه می‌کردند هم ناخواسته در این موضوع نقش داشته‌اند. چراکه مصرپیش از ایران قبل از انقلاب با اروپا و جهان غرب ارتباط گرفته و تحت تأثیر علم تجربی غربی بود. به‌هرحال برای نخستین بار بازرگان به شکلی نظام‌مند و جدی رویکرد دین‌پژوهی تجربی را در ایران رواج داده است.

۱-۲-۳. مهندس مهدی بازرگان

مهندس مهدی بازرگان در سال ۱۲۸۶ در تهران متولد شد. بازرگان تحصیلات ابتدایی را در مدرسه سلطانیه تهران و متوسطه را در دارالمعلمین مرکزی به پایان رسانید و در سال ۱۳۰۶ جزء اولین گروه محصلین ممتاز کشور برای تحصیل به فرانسه اعزام شد. در سال ۱۳۱۳ پس از ۷ سال تحصیل در فرانسه به کشور بازگشت. وی در دی‌ماه سال ۱۳۷۳ از دنیا رفته است.^۱

سیراندیشه‌های بازرگان در رابطه با نسبت علم و دین با تغییراندیشه‌های او پس از انقلاب از وی بازرگان متقدم و متأخر را پدید می‌آورد. بازرگان، قبل از انقلاب اسلامی تمام تلاش خود را در تطبیق علوم تجربی با دین متمرکز کرده

۱. رک: زندگینامه منتشرشده بازرگان توسط بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان.

بود اما پس از انقلاب و مخصوصاً در سخنرانی اسفند سال ۷۱ با عنوان «آخرت و خدا هدف بعثت انبیاء» به کلی از اندیشه‌های تطبیقی خود میان علم و دین دست کشید و می‌توان از او در این دوران به *بازرگان* متأخر یاد کرد. سرانجام *بازرگان* «به جدایی دین از مسائل اجتماعی گرایش پیدا می‌کند و این اندیشه را نیز به ائمه علیهم‌السلام و متون دینی نسبت می‌دهد. وی در این دوره از اندیشه‌های گذشته‌اش دست می‌شویید و هدف بعثت پیامبران را به خداشناسی و آخرت‌گرایی محدود می‌سازد».^۱

۲-۳. *بازرگان* و شکل‌گیری اندیشه‌ها

دروان تحصیل در مدرسه دارالمعلمین و نیز سفر او به غرب برای تکمیل مراحل علمی دو عامل اصلی در شکل‌گیری اندیشه‌های دین‌پژوهانه‌ی *بازرگان* به شمار می‌رود. «به لحاظ اندیشه‌ی دینی، نگاه مهندس *بازرگان* به دین، براساس مطالعاتی بود که از دوره‌ی جوانی در دین داشته و به تبع علم‌گرایی رایج در آن دوره و اهمیت علوم تجربی و نیز پیشینه‌ی تحصیلات خود می‌کوشید تا به نوعی میان اسلام و علم جدید پیوند بزند.

داستان پیوند خوردن دین با علم یا جدایی از آن، حکایت مفصلی است که دست کم پانصد سال در اروپا سابقه دارد. این سابقه، به طور ناقص به دنیای اسلام رسید؛ بدین معنا که مسلمانان علم‌گرا بدون آن که به درستی از پیشینه‌ی آن آگاه باشند و زیروهم ارتباط علم و دین را دریابند، براساس همان داشته‌های علمی محدود خود، تلاش می‌کردند تا اسلام را برای نسل تحصیل‌کرده‌ی جدید علمی نشان دهند و به زبان خود با او سخن بگویند...

۱. عبدالحسین خسروپناه؛ *جریان‌شناسی فکری ایران معاصر*؛ ص ۳۲۱.

بازرگان برای نشان دادن این که دین و احکام دینی مشتی خرافات نیستند، تلاش کرده بود تا وجه علمی احکام دینی به خصوص در بخش نجاسات را نشان دهد برای بازرگان تلفیق میراث سنتی با دانش جدید، امری عادی بود. این نگرش علمی- دینی مبتنی بر فلسفه‌ی سیانتیسم و آمپریسم بود، می‌کوشید تا از طریق تجربه‌ی علمی و حسی به اثبات قضایای دینی بپردازد.^۱

«بازرگان برخلاف اکثریت نوجوانان به مکتب خانه نرفت و در آغاز در دبستان سلطانی و در ادامه در مدرسه دارالمعلمین مرکزی تهران که از جمله مدارس نوپا به سبک غربی بود به علم‌آموزی پرداخت. ابوالحسن خان فروغی، برادر محمدعلی فروغی، رئیس مدرسه دارالمعلمین مرکزی در آن ایام بود که تأثیرات شگرفی در اندیشه دوران جوانی و به تبع آن مسلک پیشگی و دین‌پژوهی آینده او ایفا کرد.

ابوالحسن خان فروغی، فیلسوف، مورخ و درعین حال «پایه‌گذار تفسیر قرآن و درس فلسفه و منطق» در دارالمعلمین مرکزی بود. در یک کلاس دانش آموزان را با علوم طبیعی آشنا می‌ساخت و در کلاس دیگران‌ها را متوجه تعالیم و آموزه‌های قرآن می‌کرد. آیه‌ی شریفه «[ان الله] لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» که «بعدها از شعارهای سیاسی بازرگان شد» حاصل دروس تفسیر قرآن این معلم در آن کلاس‌ها بود. آموزگار بازرگان، فروغی، طبیعت را به زبان قرآن مورد کندوکاو و تفسیر قرار می‌داد:

مثلاً در تائید آیه نور از تئوری اُپتیک بهره می‌گرفت. می‌گفت

۱. رسول جعفریان؛ جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، صص ۳۴۸ و ۳۴۹.

برخلاف اعتقاد رایج مسلمانان که مکتب شناخت طبیعت را دهری مسلک می‌دانند باید خدا را در طبیعت جستجو کرد. هم از طریق فروغی بود که بازرگان با هیئت شناس و منجم کاتولیک فرانسوی *فلاماریون* آشنا شد و کتاب خدا در طبیعت او را خواند و تحت تأثیر افکار وی قرار گرفت.

به‌زعم *بازرگان*، تأثیرات دروس آموزشی مدرسه دارالمعلمین مرکزی در دستگاه فکری او بسیار شگرف بوده است:

تفسیر قرآن که نخستین بار بود در برنامه جدید وارد می‌شد و سبک ابتکاری بر مبنای علمی و تدبری داشت، برای من کاملاً آموزنده و در شکل فکری و اعتقادی‌ام بسیار مؤثر بود.^۱

۳-۲-۳. بازرگان و تلاش ناکام در انطباق تجربی علم و دین

«*بازرگان* در آثارش به‌ویژه در آثار اولیه، به تبع برخی از نوگرایان دینی هم‌دوره‌اش، به برخی انطباق‌ها و توجیهات علمی از دین پرداخته است؛ مانند آنکه تکامل را بزرگ‌ترین آیه از آیات خداوند می‌داند. انرژی را مبدأ و معاد ماده می‌داند. در جای جای آثارش از قوانین ترمودینامیک برای اثبات اراده در هستی، فراتر از ماده و انرژی، کمک می‌گیرد. بین دعا و کاتالیزورهای شیمی و هورمون‌های بیولوژیک مشابهت‌هایی ایجاد می‌کند. نفخه‌ها را شبیه فوران انرژی و آتش سوزان را، انرژی تنزل یافته می‌نامد. ملانک را نیروها و

۱. مهدی بازرگان؛ *خاطرات بازرگان*، شصت سال خدمت و مقاومت، گفتگو: سرهنگ غلامرضا نجاتی؛

ج ۱، ص ۱۰.

۲. علی اکبر علیخانی و همکاران؛ *اندیشه سیاسی متفکران مسلمان*؛ ج ۱۴، صص ۵۳۶ و ۵۳۷.

قوای هستی و شیطان را میکروب معرفی می‌کند.

به دنبال توجیهات علمی برای آب کروفرمول شیمیایی برای نجاسات و میزان ازت در ادرار می‌گردد. نجس بودن کفار مشرک در رساله‌های شرعیات را با تکلیف به عدم رعایت قواعد بهداشتی کتب دینی ارتباط می‌دهد. یا در توجیه تیمم به کشف پنی سیلین از خاک اشاره می‌کند و نجس بودن خوک و سگ را به بی‌اعتنایی آن‌ها به میکروب‌هایی که برای انسان مضرند ارتباط می‌دهد...»^۱.

بازرگان در تلاش برای تطبیق حداکثری علم و دین می‌گوید:

دانش امروزی، در جهان وجود و در طبیعت بی‌انتهای فقط دو چیز یا دو عنصر را می‌شناسد: ماده و انرژی.^۲ اما قرآن در عین قبول آن دو عنصر، (برخلاف متقدمین و بعضی از اهل کلام و فلاسفه که بی‌اعتنای به هر دو بودند) انگشت روی يك عنصر سوم نیز می‌گذارد و موجودات یا مخلوق‌های دیگری را نیز معرفی می‌نماید. البته قرآن پای عنصر سوم را همه وقت و همه جا به میان نمی‌کشد. در مواقع خاص ابداع یا ارتحال و جهش اشاره می‌کند و آن را چندان محسوس و شناخته شده علم بشری نمی‌داند. حال در برابر چنین اظهار یا ابتکار قرآن باید دید، حق با قرآن است یا با علم امروزی؟ یعنی جهان خلقت و طبیعت که بالاخره به یک چیز و به یکجا منتهی می‌شود، جهان دو عنصری است یا سه عنصری؟^۳

۱. علی داری؛ جریان شناسی سیاسی در ایران؛ ص ۴۹.

۲. مهدی بازرگان؛ مجموعه آثار (ذره بی انتها)؛ ج ۱، ص ۵۱۲.

۳. همان، صص ۵۱۳ - ۵۱۴.

این عنصر سوم، به نام‌های مختلف در قرآن آمده است، اراده، وحی، روح، امر، کلمه و غیره. ضمناً قرآن عدم شهود و ضعف اطلاع و نقص علم ما را درباره آن‌ها قبول دارد و درباره‌ی روح یا فرشته‌ی وحی صریحاً می‌فرماید: اسراء (۱۷) / ۸۵: «وَمَا أُوتِیْتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِیْلًا». (... و جز اندکی از علم آن را به شما نداده‌ایم) ... همان‌طور که دو عنصر ماده و انرژی در صورت‌های مختلف مربوطه دائماً در تغییر و تحول‌اند و نسبت به هم تأثیر می‌نمایند و تبدیل می‌شوند، سه عنصر: «ماده + انرژی + اراده» نیز می‌توانند روی یکدیگر تأثیر و تأثر و تبدیل و تبدل داشته باشند و اصلاً یک چیز و از جنس و منشأ واحد باشند.^۱

با در میان آوردن عنصر سوم و استفاده و استناد به آیات قرآن به تعبیر و توجیه پدیده‌های مفصل یا مولدهای اصلی گردش جهان می‌پردازیم.^۲

۳-۲-۴. بازرگان و تأثیرگذاری بر جریان‌های مارکسیستی

اندیشه‌های بازرگان تأثیر مهمی بر روی جریان‌هایی همچون مجاهدین خلق و مارکسیسم‌های اسلامی داشته است.

این تأثیرگذاری تا آنجایی است که «کتاب راه انبیاء و راه بشر مجاهدین خلق، به لحاظ تئوریک برگرفته از کتاب راه طی شده مهندس بازرگان بود. تفکری که قائل است راهی که بشر در عصر حاضر به صورت طبیعی و عملی

۱. همان، ص ۵۱۹.

۲. همان، ص ۵۲۱.

به آن رسیده، راهی است که انبیاء طی کردند. چیزی که مجاهدین براین نظریه افزودند آن بود که مارکسیسم همان راهی است که بشر طی کرده و درواقع به همان نتایجی رسیده که انبیاء به آن رسیده‌اند»^۱.

بازرگان همچنین با تألیف کتاب باد و باران در قرآن تلاش کرده بود تا هماهنگی میان دین و علوم جدید را نشان دهد. آثار دیگری از او مانند عشق و پرستش و توحید، طبیعت و تکامل مملو از به‌کارگیری اصطلاحات علمی برای تفهیم مفاهیم و قواعد و مناسباتی است که دین برای روشن کردن روابط خدا، انسان و طبیعت بیان کرده است.

از محوری‌ترین اندیشه‌های *بازرگان* طرح نظریه تکامل در سراسر عالم و دین و ایمان و معتقدات است! *بازرگان* در شرح قانون آنتروپی و تزايد آن در طبیعت به قانون طبیعت اشاره کرده و این دو قانون، یعنی آنتروپی و تکامل را تعبیر قرآنی یحیی و یمیت و یمیت و یحیی می‌داند.

عشق به تطبیق مفاهیم غربی با مفاهیم اسلامی در بیشتر آثار *بازرگان* وجود دارد؛ بنابراین برای اندیشه‌ی دینی سران نهضت آزادی می‌توان دو ویژگی مهم عنوان کرد: الف: فاصله گرفتن از دین‌شناسی حوزوی یا خط فقاقت. ب: تکیه بر علم‌گرایی در تبیین دین و نو کردن آن.

استقلال از مرجعیت دینی و حوزه، مسئله‌ای بود که از نهضت آزادی به گروه انقلابی و انشعابی از آن یعنی سازمان مجاهدین منتقل شد و آنان بر اساس این نگرش و تجربه‌هایی که از گروه‌های چپ داشتند، شخصاً به مطالعه پرداختند، ایدئولوژی سازمان را تنظیم کردند و در نهایت به نوعی

۱. رسول جعفریان؛ *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران*، صص ۳۴۹ و ۳۵۰.

ماتریالیسم اسلامی رسیدند.^۱

۱. رسول جعفریان؛ جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی- سیاسی ایران؛ صص ۳۵۲ - ۳۵۴ با اندکی تغییر.

فصل دوم: پیدایی عرفان واره حلقه و تطبیق‌گرایی تجربی

چنانچه در ادامه خواهد آمد عرفان واره حلقه ادامه‌دهنده راه دین‌پژوهان تجربی است. تفسیرانسان، هستی و معنویت در این تشکیلات رهیافتی کاملاً تجربی دارد. از آنجایی که نمی‌توان به همه آنچه عرفان کیهانی در این راستا گفته است اشاره نمود، فصل حاضر تنها به یکی از مهم‌ترین تطبیق‌های بی‌ضابطه‌ی بنیان‌گذار حلقه در تفسیر هستی می‌پردازد. پیش از ورود به عنوان اصلی لازم است نکات دیگری به صورت اجمالی بیان گردد.

۱. گونه‌های دین‌پژوهی

از قرون گذشته تا به امروز همواره راه‌ها و سبک‌های متفاوتی در رابطه با دین‌پژوهی مطرح بوده است. گروهی دین، آموزه‌های آن و مهم‌تر از همه اثبات و ارتباط با خداوند را در گرو تعقل و عقلانیت می‌دانند. این گروه عقل‌گرایان هستند. دسته‌ای دیگر از رهگذر شهود، خواهان روئیت قلبی خداوند هستند. آن‌ها عارف نامیده شده‌اند و مکتب آنان عرفان و توحید است. برخی دیگر به ظواهر نصوص دینی، پایبندی و تعبد ورزیده‌اند و مکتب ظاهرگرایی را ترویج می‌کنند.

عده‌ای دیگر از مکاتب اخلاقی و یا فقهی پیروی می‌کنند و نهایتاً در دوران اخیر و پس از پیدایش علوم جدید عده‌ای با مطالعه و کنکاش در طبیعت به شکلی فراتر از راهی که در دانش کلام به دلیل نظم یا اتقان صنّع

شناخته می‌شود، در پی دین‌پژوهی و خداشناسی هستند. این گروه بحث‌های انتزاعی و عقلی را راهگشا ندانسته و به خاطر دل‌بستگی به علوم جدید، گرایشی به عرفان به سبک شهودی ندارند و اگر به مناسبتی از عرفان و معنویت سخن می‌گویند، گونه‌ای را در نظر دارند که قابل‌بررسی به سبک تجربی باشد و به‌طور دقیق‌تر قابل تفسیر و برداشت به شکلی است که غیب را امتدادی از ماده می‌داند.

۲. منشأ تأثیر عرفان‌واره حلقه

مکاتب بشری در شکل‌گیری خود محتاج استفاده از تجارب و دانش‌های پیشینیان بوده و اساساً حیات خود را مرهون شرایط اجتماعی و فرهنگی دوران زیست خود هستند؛ بنابراین هیچ اندیشه یا تشکیلاتی در خلأ شکل نگرفته و برای شناخت صحیح ریشه‌های فکری و فرهنگی هر مکتبی توجه به شرایط زمانی آن مکتب ضرورت می‌یابد. عرفان‌واره حلقه به‌عنوان یک مکتب التقاطی از این قضیه مستثنا نیست.

با یک بررسی اجمالی و البته جریان‌شناسانه به‌آسانی درمی‌یابیم، در میان گفتمان‌های فکری مختلفی که در ایران، در زمان قاجار شکل گرفته است، عرفان حلقه به اندیشه‌های مهندس مهدی بازرگان و گروهک مجاهدین خلق و تفاسیر آن‌ها از دین نزدیک‌تر است.

به‌هرروی راه و روشی که مهندس بازرگان برای تطبیق دین و علوم تجربی در ایران انتخاب و ترویج کرده است، اندکی بعد الگوی اندیشه‌ها و جریان‌هایی همچون عرفان‌واره حلقه گشته است.

۳. اهداف دین پژوهانه‌ی عرفان واره حلقه

طاهری دلیل معنویت‌گزینی افراد را در ناهماهنگی آموزه‌های معنوی با علم تجربی می‌داند. به نحوی که در نگاه برخی جوانان مسائل دینی خرافی جلوه کرده است. او تلاش می‌کند مشکل مزبور را عمدتاً از دوراه کلی حل نموده تا عرفان ایران اعتلا یابد. یکی از راه تفسیر دین و عرفان به سبک دین پژوهی تجربی و دوم از راه تقلیل زبان دین به امور غیرحقیقی و البته سمبلیک.

نظربه این که یکی از رسالت‌های ما «اعتلای عرفان ایران» است، پس با کشف رمز و توضیح دقیق، درصدد تبرئه‌ی دنیای عرفان برآمده و نشان می‌دهیم که این تصورها، سوء تفاهمی بیش نبوده و کلام عرفای این مرزوبوم، عمیق‌تر از این ظاهربینی‌هاست.^۱

۴. تطبیق‌های شبه علمی - شبه عرفانی

اساس عرفان واره حلقه بر فرضیه‌ها و تطبیق‌های ناشیانه علمی و حمل آن بر آموزه‌های عرفان اصیل اسلامی و دین شکل گرفته است. بی‌گمان پرداختن به همه این تطبیق‌ها امکان پذیر نبوده و مصداق تضییع وقت است.

تفسیربخش‌هایی از معاد مطابق با فرضیه‌هایی همچون جهان‌های موازی - تلاش برای پذیرش و اثبات مهبانگ^۲ در عین بی‌توجهی به جمع نشدن صُدفه با علّیت - هستی‌شناسی مبتنی بر سه عنصری بودن

۱. محمدعلی طاهری؛ انسان از منظری دیگر، ص ۵۱.

2. Big Bang.

جهان هستی - مجازی دانستن هستی از راه اثبات حرکت در عالم - ارائه تفسیری تجربی از حرکت و سلوک عرفانی در عبور از عوالم ماده، مثال، عقل و اسماء و صفات الهیه - تفسیری مادی از ملائکه و تطبیق آن‌ها بر میدان‌های شعوری، الکترومغناطیسی، هسته‌ای قوی و ضعیف، اتم‌ها و آنتروپی - تفسیر و تقلیل گناهان در جهنم به لایه‌ای مادی و سوختن آن و ده‌ها مورد دیگر که در اینجا تنها به یکی از مهم‌ترین تطبیق‌های غیرعلمی عرفان‌واره حلقه اشاره می‌شود.

۴-۱. مجازی بودن هستی

ابتدا توصیفی از مجازی بودن هستی مطابق با دیدگاه محمدعلی طاهری به همراه ادله ایشان ارائه و سپس به نقد و بررسی آن می‌پردازیم.

۴-۱-۱. توصیف

بنیان‌گذار حلقه تلاش می‌کند مجازی بودن هستی را از ایجاد ارتباط میان کلیدواژه‌هایی همچون «حرکت»، «دید ناظر»، «موج»، «واقعیت وجودی»، «حقیقت وجودی» و... ثابت نماید. خلاصه‌ی دیدگاه ایشان عبارت است از: جهان هستی واقعیت وجودی دارد و متحرک است. هر آنچه متحرک است، مجازی یعنی فاقد حقیقت وجودی (وجود خارجی) است.

وی در این راستا با به کارگیری تمثیل‌هایی تلاش کرده است از زوایای مختلف با ذکر مثال‌هایی تجربی، مجازی بودن هستی را اثبات نموده و سپس بر مجازی بودن هستی از منظر عرفانی تطبیق دهد. در اینجا لازم است بخش مهمی از عبارات وی نقل گردد:

جهان هستی مادی در نگاه ناظر؛ فرض شود که تیغه‌ای می‌تواند حول محور میانی خود بچرخد. اگر سؤال شود که «آیا این تیغه در حالت ثابت واقعیت وجودی دارد؟» جواب این سؤال مثبت است؛ زیرا این تیغه حادث شده و واقعیت دارد. حال اگر این تیغه حول محور خود با سرعت به چرخش درآورده شود، آنچه که مشاهده خواهد شد، استوانه‌ای است که قطر قاعده‌ی آن عرض تیغه و ارتفاع آن، طول تیغه خواهد بود. اکنون اگر سؤال شود که «آیا این استوانه واقعیت دارد؟»، جواب به این پرسش نیز مثبت خواهد بود؛ زیرا این استوانه حادث شده و به وجود آمده است؛ بنابراین واقعیت دارد.

اما اگر سؤال شود که «آیا این استوانه، حقیقت نیز دارد؟»، جواب به این پرسش منفی خواهد بود؛ زیرا چنین استوانه‌ای وجود خارجی ندارد و هر زمان که تیغه از حرکت بازداشته شود، استوانه مورد بحث ناپدید می‌شود؛ بنابراین، استوانه یک حجم مجازی و ناشی از حرکت تیغه است و درست است که این استوانه واقعیت دارد، ولی فاقد حقیقت وجودی است. به دنبال این مشاهده و بررسی آن، سؤالات دیگری مطرح می‌شوند: آیا جهان پیرامون انسان واقعیت وجودی دارد؟ جواب به این پرسش بی‌گمان مثبت است؛ زیرا انسان وجود دارد و می‌تواند جهان هستی را مشاهده کند.

آیا جهان پیرامون انسان، حقیقت وجودی نیز دارد؟ برای پاسخ به این پرسش، ساختار جهان پیرامون در حدی که تاکنون قابل مشاهده و بررسی بوده است، به صورت اجمالی در اینجا بررسی می‌شود: جهان پیرامون انسان از ماده و انرژی شکل گرفته است. بخش ماده که شامل اجرام سماوی است از مولکول‌ها و مولکول‌ها نیز از اتم‌ها تشکیل شده‌اند و اتم‌ها نیز به نوبه‌ی خود از ذرات بنیادی و ضد ذرات

آن‌ها شکل گرفته‌اند. این سیر تا منهای بی‌نهایت در دل اتم ادامه دارد؛ به طوری که ابتدایی برای آن نمی‌توان یافت؛ همان‌گونه که انتهایی نیز ندارد. اگر به اتم که آجر ساختمان خلقت است دقت شود و برای بررسی ملموس‌تر، یک اتم به اندازه‌ی یک زمین فوتبال در نظر گرفته شود، هسته‌ای به اندازه توپ فوتبال خواهد داشت. اتم در مقایسه با هسته خود کره‌ای عظیم است؛ اما حجم و شکل این کره‌ی عظیم ناشی از چیست؟ این حجم در اثر حرکت الکترون‌ها و تشکیل ابرالکترونی ایجاد شده است. آیا این کره‌ی عظیم واقعیت وجودی دارد؟ صد در صد واقعیت دارد؛ زیرا این کره حادث و واقع شده است و واقعیت دارد. ولی آیا حقیقت وجودی نیز دارد؟ اگر در یک لحظه حرکت الکترون‌ها متوقف شود، این حجم که ناشی از حرکت الکترون‌هاست، ناپدید شده و از مقابل چشم محو می‌شود و تنها هسته‌ی آن که به اندازه‌ی یک توپ فوتبال است، باقی می‌ماند.

پس نتیجه گرفته می‌شود که این حجم، وجود خارجی نداشته و ناشی از حرکت بوده است و در نتیجه مجازی می‌باشد. حال با همین شیوه، هسته‌ی اتم بررسی می‌شود: هسته‌ی اتم از پروتون و نوترون تشکیل شده است... پروتون به دور محور خود می‌چرخد و نوترون نیز با سرعت بسیار زیادی در جهت عکس حرکت پروتون، هم به دور خود و هم به دور پروتون می‌چرخد. چرخش نوترون به دور پروتون، دیسکی را که حجمی مجازی است، پدید می‌آورد.

حال در صورتی که حرکت پروتون و نوترون متوقف شود، این حجم نیز ناپدید می‌شود و از آن فقط ذرات بنیادی به جا خواهد ماند که حجمی به مراتب کمتر از حجم قبلی دارد. اگر به همین منوال به داخل ذرات هسته نفوذ کرده، حرکات آن‌ها در سطوح مختلف متوقف شود،

مشاهده می‌شود که حجم‌های حادث شده توسط آن‌ها، یکی پس از دیگری محو خواهند شد و اثری از آن‌ها باقی نخواهد ماند. با این حساب، به این موضوع پی برده می‌شود که هسته‌ی اتم را مجموعه‌ای از بی‌نهایت حرکات بنیادی شکل داده است و پس از آن، از حرکت اتم‌ها، مولکول‌ها شکل گرفته و از حرکت مولکول‌ها نیز بخش مادی به وجود آمده است. با این توصیف می‌توان گفت:

جهان هستی مادی از حرکت آفریده شده است. از نگاهی دیگر نیز می‌توان به این نتیجه رسید، بدین‌گونه که در فیزیک مدرن، ماده، موج متراکم است و موج نیز خود حرکت تلقی می‌شود؛ پس همه‌ی جهان هستی مادی، چه از بعد ماده نگاه شود و چه از بعد انرژی، از موج ساخته شده است و همان‌گونه که اشاره شد، موج نیز از حرکت به وجود آمده است.

با شرح مختصر و ساده‌ای که گذشت، اینک می‌توان به پرسش طرح شده‌ی قبلی که «آیا جهان پیرامون انسان یا به عبارتی دیگر جهان هستی مادی حقیقت وجودی دارد یا خیر؟»، پاسخ داد. در جواب می‌توان گفت، با توجه به این‌که جهان هستی مادی از حرکت آفریده شده است، پس جلوه‌های گوناگون آن نیز ناشی از حرکت بوده و نظربه این‌که هر جلوه‌ای که ناشی از حرکت باشد، مجازی است، در نتیجه جهان هستی مادی نیز مجازی بوده و حقیقت وجودی ندارد... به‌طور خلاصه می‌توان گفت که جهان هستی مادی از حرکت آفریده شده است، از این‌رو جلوه‌های گوناگون آن نیز ناشی از حرکت بوده و چون هر جلوه‌ای که ناشی از حرکت باشد، مجازی است، در نتیجه جهان هستی مادی نیز مجازی است. هر حرکتی نیز نیاز به محرک و عامل جهت دهنده دارد.

این عامل، آگاهی یا هوشمندی حاکم بر جهان هستی است که شبکه‌ی شعور کیهانی نامیده می‌شود؛ بنابراین، جهان هستی تصویری مجازی از حقیقت دیگری بوده و در اصل از آگاهی آفریده شده است...^۱

مشابه همین عبارات را برای عناوینی چون «منظره‌ی جهان هستی با توجه به سرعت ناظر»، «منظره‌ی جهان هستی با توجه به فرکانس چشم ناظر»، «منظره‌ی جهان هستی با توجه به آستانه‌ی درک ناظر» به کار برده است تا اثبات نماید جهان هستی به خاطر حرکت، مجازی است.

در جای دیگری «حرکت» را با «رقص» در بیان عارفان مقایسه کرده است: ... با دید علمی، جهان هستی مادی از «حرکت» به وجود آمده است، اما از دید عارف، جهان هستی از «رقص» آفریده شده که درواقع همان حرکت است بایانی شیرین‌ترو توصیفی ظریف‌تر... ازاین‌رو سروده‌های عرفا پراز واژه‌های رقص، آهنگ، ساز و مطرب است...^۲

وی همچنین تلاش کرده است مجازی بودن هستی را از دید «ناظر» نیز اثبات نماید.

جهان مجازی در دنیای علم: در دنیای علم و در فیزیک جدید، این ناظر است که ساختار جهان هستی را تعیین می‌کند و این که آیا انرژی موج باشد و یا ذره؟ دیدگاه قدیمی انسان (دیدگاه فیزیک نیوتونی)، این ذهنیت را به انسان داده بود که چه ناظر وجود داشته باشد و چه نباشد، جهان هستی واقعیت مسلمی داشته و شکل و فرم

۱. محمدعلی طاهری؛ *سایمتولوژی*؛ ج ۱، صص ۳۴-۳۸.

۲. همو، *انسان از منظری دیگر*؛ صص ۵۰ و ۵۱.

و ماهیت مستقل خود را حفظ کرده، به راه خود ادامه می‌دهد و این چشمان ناظر نیست که منظره‌ی عالم هستی را تعیین می‌کند؛ اما برخلاف آن، در فیزیک مدرن، این ناظر است که مشخص می‌کند تا واقعیت به چه صورتی ظاهر شود، همه‌ی جهان هستی موج باشد و یا تمامی آن از ذره تشکیل شده باشد؟ این امکان وجود ندارد که ناظر بتواند در یک زمان، جهان را هم موج ببیند و هم ذره.^۱

۲-۱-۴. نقد و بررسی

یکم: تفسیر مونیستی از هستی

یکی از ویژگی‌های مشترک معنویت‌های پسامدرن و عرفان واره‌های وارداتی جدید تفسیر مونیستی^۲ از هستی است. منظور از مونیسم، گونه‌ای یکپارچه‌انگاری و وحدت‌پذیری برای عالم و رهیافت مونیستی، پرداختن به امور قدسی از دریچه‌ی جهان مادی است. یکی از محققین در مقایسه میان هستی‌شناسی سنتی، مدرن و پسامدرن گفته است:

در هستی‌شناسی سنتی جهان دارای مراتب مادی و مجرد، متغیر و ثابت و همچنین حادث و قدیم است. براساس این طرز فکر، جهان مادی ممکن‌الوجود و تابع جهان قدسی به شمار می‌آید؛ اما درگفتمان مدرن، عالم تقدس‌زدایی شده، وجود جهان قدسی نفی می‌شود و آنچه می‌ماند، فقط جهان مادی است. ولی در معنویت پسامدرن نوعی تقدس به عالم بازگردانده می‌شود و وجود امور نامحسوس یا دست‌کم غیرظاهری که به تجربه حسی

۱. محمدعلی طاهری؛ انسان از منظری دیگر؛ ص ۴۸.

در نمی‌آیند، به رسمیت شناخته می‌شود. باین حال دیگر مانند جهان‌بینی سنتی، وجود امور مادی وابسته به وجود امور قدسی نیست؛ بلکه برعکس وجود امور قدسی وابسته به وجود امور مادی دانسته می‌شود. ماده در جهان‌بینی سنتی نازل‌ترین سطح هستی و مرتبه‌ای در پایین عوالم مجرد قلمداد می‌شود. در هستی‌شناسی سنتی مادیات در سایه معنویات اعتبار می‌یابند؛ اما در تفکر پسامدرن مآجرا برعکس است و تا مادیات نباشد، معنویت در کار نخواهد بود و معنویت در قلمرو مادی تعریف می‌شود... معنویت از نگاه آن‌ها همان داشتن تجربه‌ای عمیق از جهان مادی است و در اصل، معنویت در دل مادیت تعریف می‌شود.^۱

مطابق با چنین رویکردی طاهری برای تفسیر و اثبات مجازی بودن هستی «حرکت» را انتخاب نموده است تا از ماده به غیب که از دید او امتدادی دیگری از آن است نقبی زده باشد.

دوم: مجازی بودن هستی در عرفان اسلامی

در عرفان اسلامی بر اساس توحید صمدی، وجود منحصر در حضرت حق تبارک و تعالی است و از جز او به وجود مجازی یا وهمی تعبیر می‌شود. توضیح کامل پیرامون توحید عرفانی و وحدت شخصیه وجود در جلد سوم و دوره تخصصی این اثر آمده است اما به صورت اجمالی باید دانست که مطابق با توحید عرفانی، کثرات نفی نشده اما از سنخ حقیقت وجود محسوب نمی‌گردند، بل ظهور وجود هستند. به بیان دیگر

۱. احمد شاکر نژاد: معنویت‌گرایی جدید؛ ص ۲۲۰ و ۲۲۱.

در عرفان اسلامی آنجایی که پای تحقق موجودات به میان می‌آید، تحقق با حیثیت اطلاقی برای آن‌ها قائل نبوده بلکه قائل به تحقق با حیثیت تقيیدیه هستند.^۱ درحالی که مجازی بودن در تعریف طاهری (با تکیه بر حرکت) عبارت است از حجم واقعی اما غیرحقیقی ایجادشده بر اثر حرکت که با توقف آن معدوم می‌گردد. وی گفته است:

اگر در یک لحظه حرکت الکترون‌ها متوقف شود، این حجم که ناشی از حرکت الکترون‌هاست، ناپدیدشده و از مقابل چشم محو می‌شود و تنها هسته‌ی آن که به اندازه‌ی یک توپ فوتبال است، باقی می‌ماند. پس نتیجه گرفته می‌شود که این حجم، وجود خارجی نداشته و ناشی از حرکت بوده است و در نتیجه مجازی می‌باشد.^۲

سوم: ناظر غیرمجازی در هستی مجازی

آنچه طاهری در اثبات مجازی بودن هستی از دید ناظر نگاشته است، حتی بر فرض اثبات مجازی بودن جهان هستی، از عهده اثبات مجازی بودن سایر موجودات هستی همچون انسان برنیامده بلکه آن‌ها را غیرمجازی، واقعی و حقیقی در نظر گرفته است. درحالی که در عرفان اسلامی همه چیز جز خداوند متعال مجازی است چراکه وجود اصیل تنها برای اوست؛ بنابراین استدلال‌های بنیان‌گذار حلقه نه تنها مُثبِت مجازی

۱. رک: داود قیصری، شرح فصوص الحکم؛ الفصل الاول في الوجود وانه هوالحق؛ ص ۱۳ /

علی امینی نژاد؛ حکمت عرفانی (تحریری از درس‌های عرفان نظری استاد سید یدالله یزدان پناه)؛

صص ۱۵۳ - ۱۷۵.

۲. محمدعلی طاهری؛ سایمتولوژی؛ ج ۱، ص ۳۶.

بودن هستی نیست، بالاتر از آن وجود سایر موجودات همچون انسان (ناظر)، غیرمجازی فرض شده است.

چهارم: تمثیل مغالطی به جای برهان

طاهری در اثبات مجازی بودن هستی به واسطه حرکت، هیچ‌گونه برهانی اقامه نکرده است. وی تنها با استناد به چند تمثیل مغالطی در پی اثبات دیدگاه خود برآمده است. «تمثیل سیراز جزئی به جزئی دیگر و میان دو موضوع مشابه است که حکم یکی از آن‌ها معلوم و اعطای چنین حکمی به مورد مجهول، صرفاً به استناد شباهت میان دو موضوع است».^۱

به همین خاطر کم‌ارزش‌ترین نوع از روش‌های سه‌گانه استدلال (تمثیل، استقراء و برهان) محسوب می‌شود چراکه صرف مشابهت دو موضوع، موجب یقین به اشتراك حکم آن‌ها نمی‌شود و از این‌رو تمثیل مفید یقین^۲ نیست و ارزش علمی نداشته و طریقه‌ی اصحاب جدل شمرده می‌شود.

به هر تقدیر در تمثیل نمی‌توان به صرف یک مشابهت، ثبوت محمول برای موضوع را نتیجه‌گیری نمود. تنها می‌توان تمثیل را در

۱. التمثیل و هوایات الحکم فی جزئی لثبوتیه فی جزئی آخر، لمعنی مشترک بینهما. قطب‌الدین شیرازی؛ شرح حکمة الاشراق؛ ص ۱۲۵ / حسن بن یوسف حلی؛ الجوهر النضید؛ ص ۱۸۹.

۲. فإنه لا یفید الیقین لاحتمال أن یکون الجامع علة فی الأصل خاصة أو یکون مشروطا بشرط لم یوجد فی الفرع أو یکون فی الفرع مانع من الحکم. (حسن بن یوسف حلی، الجوهر النضید، ص ۱۸۹).

حد یک احتمال و ظنی^۱ دانست نه بیشتر.^۲

از سوی دیگر در عرفان اسلامی برای اثبات وحدت شخصیه وجود و نیز مجازی بودن غیر خداوند از براهین متقنی همچون برهان صرف الوجود، برهان بی‌نهایت، برهان وجود ربطی و فقری و... استفاده شده است و حاجت به تمثیل‌های مغالطی مکاتب نوظهور نخواهد افتاد.

۱. رک: مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۵؛ ص ۱۰۷.

۲. رک: محمد نصیرالدین طوسی، اساس الاقتباس، ص ۳۳۶.

فصل سوم: آسیب‌شناسی دین‌پژوهی تجربی

۱. درآمد

آنچه در این فصل خواهد آمد آسیب‌شناسی دین‌پژوهی، ناظر بر اندیشه‌های مهندس مهدی بازرگان و محمدعلی طاهری به صورت کلی است. مناسب با سطح و حجم کتاب مواردی به صورت خلاصه در این قسمت تقدیم محضر خواننده گرامی می‌شود. بررسی و تفصیل بیشتر در اثری مستقل ذکر شده است.^۱ چنانچه گفته شد پیشینه این نگاه در آثار فروغی و بازرگان قابل پیگیری است. استاد مطهری رحمته‌الله علیه یکی از عالمانی است که با این رویکرد به تقابل پرداخته است.

استاد مطهری به رغم دوستی نزدیکی که با مهندس بازرگان داشت، از انتقاد آشکارا نسبت به اندیشه‌های علم‌گرایانه‌ی بازرگان خودداری نمی‌کرد. وی در پاورقی‌های جلد پنجم کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم انتقادات تندی را نسبت به کتاب راه طی شده مهندس بازرگان مطرح کرده راه وی را در شناخت توحید «بی‌راهه» می‌خواند.^۲

کمی بعد آیت‌الله مصباح یزدی نیز خطرات این گونه از دین‌پژوهی را متذکر می‌شود:

۱. ر.ک: امین شمشیری؛ آسیب‌شناسی دین‌پژوهی تجربی.

۲. رسول جعفریان؛ جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، ص ۳۴۹.

این همان نگاهی است که کمی قبل از انقلاب اسلامی، دامن‌گیر بسیاری از نواندیشان مسلمان نیز شده بود و تحت تأثیر مدرنیته، تفسیری تجربی از دین، مخصوصاً قرآن ارائه می‌دادند و چنین می‌پنداشتند که «روش تحقیقی که قرآن کریم برای حل همه‌ی مسائل، ارائه می‌دهد همان روش تجربی و تحقیقی (پوزیتیویستی) است و حتی مسائل خداشناسی و فقه و اخلاق را هم باید با همین روش، بررسی کرد!... بسیار جای تأسف است که کسانی به نام مسلمان و آشنا با قرآن چنین انحرافات و انحطاط‌های فکری را به قرآن کریم نسبت دهند و آن را مایه‌ی افتخار اسلام و دانشمندان مسلمان، قلمداد کنند».^۱

۲. نقد و بررسی

یکم: جهان‌بینی علمی تکیه‌گاهی نامطمئن

هرچند که آموزه‌های دینی صحیح هرگز با علم ناسازگار نیست اما جهان‌بینی علمی که در قرون اخیر تکیه بر داده‌های حسی و تجربی دارد به تنهایی نمی‌تواند گرانیگاه مطمئنی برای باورهای دینی واقع شود. استاد مطهری رحمته‌الله تعالی علیه در این رابطه می‌گوید:

نارسایی جهان‌بینی علمی از نظر تکیه‌گاه بودن برای يك ایدئولوژی این است که علم از جنبه نظری، یعنی از جنبه ارائه واقعیت آن‌چنان‌که هست و از نظر جلب ایمان به چگونگی واقعیت هستی، متزلزل و ناپایدار است. چهره جهان از يك دیدگاه علمی روزه‌به‌روز تغییر می‌کند، زیرا علم بر فرضیه و آزمون مبتنی است نه بر اصول بدیهی اولی عقلی. فرضیه و آزمون ارزش موقت دارد، به همین جهت

۱. محمدتقی مصباح یزدی؛ آموزش فلسفه؛ ج ۱، ص ۱۰۷.

جهان‌بینی علمی يك جهان‌بینی متزلزل و بی‌ثبات است و نمی‌تواند پایگاه ایمان واقع شود. ایمان پایگاه و تکیه‌گاهی محکم‌تر و تزلزل‌ناپذیرتر، بلکه تکیه‌گاهی که رنگ جاودانگی داشته باشد می‌طلبد.^۱

دوم: احتمال، رهاورد فرضیه

بسیاری از مطالبی که امروزه توسط مدعیان علم، در راستای تطبیق و تفسیر آموزه‌های دینی مورد استفاده قرار می‌گیرد، از جنبه‌ی فرضیه یا فراترنگداشته و به مرز اثبات و قطعیت نرسیده است؛ بنابراین «فرضیه‌های غیر یقینی دانش تجربی پیامی جز احتمال ندارد؛ یعنی، نه می‌توان مضمون دلیل غیر یقینی منقول را برره‌آورد مسلم علم تجربی تحمیل کرد و نه می‌توان فرضیه غیر یقینی دانش تجربی را بر ظاهر قرآن و روایت تحمیل کرد».^۲

و فرق فرضیه با قضیه بدیهی در آن است که «فرضیه زیربنای مقطعی و موقتی بسیاری از مسائل تجربی است؛ ولی قضیه بدیهی جزو علوم متعارف است. مخالفت با قضیه بدیهی جایز نیست؛ ولی ردّ فرضیه کاری علمی و ممکن است، چون فرضیه برای حل مشکل، کاربرد عملی دارد؛ اما خودش مشکوک است و مبتنی بر تردید؛ برخلاف قضیه بدیهی که یقینی است».^۳ به بیان دیگر: «تنها علم یا علمی است که می‌تواند حجت شرعی و منبع معرفتی دین باشد؛ نه هر فرضیه‌ای که عالم و دانشمندی آن را ساخته و پرداخته است. مطلبی که مفید قطع یا طمأنینه باشد معارض با دین

۱. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار (جهان‌بینی توحیدی)؛ ج ۲؛ ص ۷۸.

۲. عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم؛ ج ۲، ص ۶۲۶.

۳. همان، ج ۱۷، ص ۱۴۵.

نیست و در درون مرزهای معرفت دینی جای می‌گیرد. حال آنکه فرضیه، علم نیست، زیرا نه مبرهن است و نه مایه فراهم آمدن طمأنینه و اعتقاد عقلایی. به تعبیر علامه طباطبایی رحمته‌الله فرضیه، حکم پای ثابت و آرام پرگار را دارد که آن را مستقر می‌کنیم تا بتوانیم پای دیگر پرگار را به حرکت درآوریم. فرضیه را بنا می‌نهند تا بتوانند قدم‌های بعدی را بردارند و احیاناً به علم برسند. فرضیه از آن جهت که فرضیه است علم نیست.

فرضیه‌های علمی تا وقتی به حدّ قطع یا طمأنینه نرسیده و مفید یقین یا اطمینان عقلایی نشده‌اند نه علم مصطلح‌اند و نه حجت شرعی و معتبر دینی، بنابراین نه معارض دین‌اند و نه معارض نقل، از این رو کلیه دیدگاه‌هایی که در فلسفه علم ارزش قضایای علمی را نازل می‌دانند و برای علوم تجربی در واقع‌نمایی و ارائه معرفت عینی و معتبر، شأنی قائل نیستند، مؤید عدم تعارض علم و دین‌اند، زیرا از نگاه آنان یافته‌های دانشمندان علوم طبیعی و تجربی از سنخ معرفت و علم نیست، چون حکایت قابل‌اعتمادی از واقع ندارند، بنابراین در قبال دین ساکت‌اند نه ناطق و سکوت عدم احتجاج است نه احتجاج بر عدم»^۱.

سوم: سوق دادن افراد به مادی‌گری

گرایش به مادی‌گری از لوازم تفسیر دین بر اساس علوم جدید و تجربی است؛ بنابراین این گونه نیست که همیشه بتوان کشفیات علمی را دلیلی بر اعجاز قرآن محسوب کرد و این خطر هم وجود دارد که با از بین رفتن فرضیه و باطل شدن آن، دین فرد هم زایل شود؛ و در پاره‌ای موارد سراز انکار امور غیبی

۱. عبدالله جوادی آملی؛ منزلت عقل در هندسه معرفت دینی؛ صص ۱۱۰ و ۱۱۱.

درمی‌آورد.

چهارم: تقلیل دین از راه زبان دین

حل تعارض پیش آمده میان علم و دین از راه «زبان دین» نباید منجر به تقلیل و انکار آموزه‌های دینی و فربه‌شدن دامنه‌ی شبه‌علم گردد. عرفان واره حلقه برای باورمند سازی اعضای خود، همه‌جا مجردات و فرشتگان الهی و نیز ماجرای هبوط حضرت آدم عليه السلام و مواردی از این دست را مورد تحریف قرار داده و تفسیری سراسر مادی، سمبلیک، غیرواقعی و ذهنی از آن‌ها ارائه داده است. درحالی‌که «زبان قرآن، شبیه زبان کلیله و دمنه نیست که مطالب آن واقعیت خارجی ندارد و زبانش سمبلیک است بلکه زبان قرآن، مثال واقعیت برتر است»^۱.

پنجم: دین‌پژوهی تجربی و تولید جریان‌های افراطی

تجربه‌های تاریخی حاکی از آن است، دین‌پژوهی به سبک صرفاً تجربی به انضمام شرایط خاص اجتماعی، قابلیت تولید گروه‌هایی همچون مجاهدین خلق را دارد. این مسئله ناشی از تهی‌سازی افراد از تقوا و بدیل شدن فرضیه‌های اثبات نشده به جای علم و ایمان است. مشابه چنین رفتارهایی در سالیان گذشته از برخی از اعضای عرفان واره حلقه مشاهده شده است.

۱. عبدالله جوادی آملی؛ دین‌شناسی، ص ۹۶.

بخش دوم: سازمانِ عرفانِ واردهی حلقه

- فصل اول: در تکاپوی ایجاد سازمان
- فصل دوم: شکل‌گیری سازمان
- فصل سوم: سازمان از اوج تا افول

فصل اول: در تکاپوی ایجاد سازمان

۱. اهمیت بررسی فرآیند شکل‌گیری سازمان حلقه

سازمان حلقه به یک باره شکل نگرفته بلکه عوامل و تجارب مختلفی در آن دخیل بوده است. به منظور شناخت صحیح از این تشکیلات شبه عرفانی و سازمان‌دهی شده ناچاریم با یک بررسی جریان شناسانه و سیری تاریخی و با تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر در شکل‌گیری عرفان‌واره کیهانی، به تحلیل صحیح‌تری دست یابیم. اهمیت بررسی دقیق تشکیلات حلقه از آن‌روست که اعضای این تشکیلات در دفاع از عقاید و باورهای خود ناتوان بوده اما در بخش تاریخی‌چهی سازمان حلقه و حواشی ایجادشده سعی در انحراف اذهان دارند. این حواشی به خاطر ابهاماتی است که تنها با یک رویکرد تاریخی و با تحلیل دقیق قابل حل است.

بیشترین سوءاستفاده‌ی اعضا و مربیان عرفان‌واره حلقه، تلاش در جهت نخبه‌سازی رهبر تشکیلات است. اقداماتی همچون تهیه‌ی دکتراهای افتخاری، مدارک و جوایز سفارشی و انتشار مقالات گسترده و پی‌درپی در روزنامه‌ها توسط طاهری پس از دستگیری در مرتبه نخست که برای حفظ و بازسازی سازمان صورت گرفته است از جمله مسائل مهمی است که باعث انحراف افکار، تحریف حقایق و ایجاد شبهه در ذهن افراد بسیاری شده است.

۲. گاه‌شمار حیات رهبر سازمان (دهه‌های اول تا پنجم)

مطابق با آنچه گفته شد لازم است حقایقی پیرامون تشکیلات حلقه بیان شود تا زمینه‌ی سوءاستفاده‌ی سران این سازمان بسته و چهره حقیقی رهبران آشکار گردد. به این منظور ضروری است زندگی بنیان‌گذار تشکیلات حلقه را تجزیه کرده، مورد تحلیل و بررسی دقیق قرار دهیم. در یک تقسیم‌بندی هفت دهه پیش روی ما قرار می‌گیرد تا گاه‌شماری از زندگی وی را ارائه داده، سپس با توضیح هر قسمت به تحلیل آن بنشینیم؛ بنابراین در این بخش از کتاب دهه‌های اول تا پنجم حیات طاهری که تکاپوی وی برای تشکیل سازمان بوده است ذکر می‌شود، سپس در فصول دیگر شکل‌گیری سازمان و نیز رخدادهای آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

آنچه در ادامه آمده است تحقیقی در این راستا و با توجه به اخبار و آثار منتشرشده‌ی تشکیلات حلقه می‌باشد که به‌دقت جمع‌آوری و پس از دسته‌بندی، مورد تحلیل قرار گرفته است.

۲-۱. دهه اول

آغازین دهه از حیات محمدعلی طاهری با زندگی در کرمانشاه آغاز و تا اتمام بخشی زیادی از تحصیلات ابتدایی و یا پایان آن در این شهر ادامه می‌یابد. چنان‌چه پیش‌ازین^۱ گفته شد، تعدادی از اعضای خانواده او از حامیانش به شمار می‌روند. همچنین در دوره مقدماتی در رابطه با شخصیت‌شناسی بنیان‌گذار حلقه مطالبی ذکر شد. آنچه در اینجا در مورد او باید افزود آن است که وی به‌عنوان یک مدعی معنویت و عرفان نه‌تنها فرد متشرعی نیست بلکه

۱. امین شمشری؛ *عرفان‌واره‌ی حلقه دوره‌ی مقدماتی*؛ صص ۲۴ و ۲۵.

اساساً در خانواده‌ای متشرع و اهل شریعت تربیت نشده و پابندی کافی به شریعت اسلامی ندارد. بدون هیچ‌گونه قضاوت و پیش‌داوری، آنچه رسانه‌های متعدد حلقه از ظواهر خانواده‌ی طاهری به نمایش کشیده‌اند به‌خوبی گواه‌پاییند نبودن نزدیکان ایشان به ابتدائیات مسائل شرعی است. متأسفانه عده‌ای از افراد سرشناس که ناخواسته در رشد این تشکیلات نقش داشته‌اند بدون توجه به ملاکات شرعی اولیه، فریب ادعاهای درمانی طاهری و تبلیغات دستگاه تشکیلاتی او را خورده و در رشد عرفان واره حلقه سهیم شده‌اند.

۲-۲. دهه دوم

در این دهه طاهری به همراه خانواده خود به تهران مهاجرت کرده است. علاقه‌مندی فراوان به کارهای فنی باعث می‌شود وی در تحصیلات اصلی خود ناکام مانده و مدرکی بیش از دیپلم ریاضی^۱ کسب ننماید. تشکیلات حلقه با استناد به مطالب مجله‌ای ناشناس به نام «مهر» که قبل از انقلاب و در سال پنجاه و شش در رابطه با دومین مسابقات نوباوگان و جوانان منتشر شده است به معرفی برخی کارهای فنی طاهری به همراه غلو در این مورد پرداخته است. طاهری جوان در این نشریه می‌گوید درحالی که دوازده یا سیزده‌ساله بوده است ماکت‌هایی از روی طرح هواپیماهای مدل کنترل‌شونده ساخته است و برخی از نزدیکان او را تشویق کرده‌اند.

طاهری نوجوان در این دوران از طریق مجلات علمی که در آن زمان در دسترس بوده است به وسایل پروازی مانند هواپیما، بالگرد و کایت علاقه‌مند

می‌شود. در همین دهه او در سن شانزده سالگی ماکتی از یک بالگرد می‌سازد. وی همچنین از روی مجلات و کتاب‌هایی که مطالعه می‌کرده است دست‌نوشته‌هایی به نام «فرهنگ اصطلاحات فنی هواپیمایی» جمع‌آوری و تهیه می‌کند. علاقه‌مندی به کارهای فنی، در دهه‌ی سوم و چهارم زندگی او را با کیهان و آموزه‌های فیزیکی، هرچند به نحوسطحی آشنا می‌کند.

۳-۲. دهه سوم

سومین دهه از حیات بنیان‌گذار حلقه با کسب رتبه در مسابقات فنی و سپس الهامات و شهودات کیهانی ادعایی سال پنجاه و هفت ادامه می‌یابد. این شهودات که مرکز ثقل تشکیلات حلقه را تشکیل می‌دهد سومین دهه از زندگانی طاهری را در سنجش پراهمیت می‌سازد. همچنین در این دهه وی در ادامه‌ی فعالیت‌ها و علاقه‌مندی‌های فنی خود به سلاح سازی روی آورده و در بحبوحه‌ی جنگ تحمیلی برای استخدام به وزارت دفاع مراجعه می‌کند.^۱

اما پس از ناکامی در استخدام، به خارج از کشور می‌رود تا بعدها^۲ خروج وی از کشور بهانه‌ای برای اثبات تحصیلات دانشگاهی مورد استفاده‌ی ناکام سازمان کیهانی قرار گیرد. مسافرت‌های او به ژاپن، ترکیه و برخی کشورهای اروپایی مثل بلغارستان بوده است.

تشکیلات حلقه مدعی است که طاهری پس از شهودات کیهانی سال ۵۷

۱. تشکیلات حلقه از حضور وی در جبهه و دوران جنگ تحمیلی هیچ مطلبی منتشر نکرده است چراکه طاهری در این دوران ایران را ترک و دغدغه‌های دیگری جز دفاع از کشور داشته است.

۲. در دوران بازسازی سازمان در دهه‌های بعد.

بخش دوم: سازمان عرفان واره‌ی حلقه | ۸۳

یک دهه مشغول جداسازی الهامات شیطانی از نوع رحمانی آن بوده است. تفصیل دهه سوم حیات وی در پنج رخداد به قرار زیر است.

۱-۳-۲. مسابقات مخترعین

طرفداران حلقه با استناد به نشریه‌ای به نام «مهر» مدعی‌اند طاهری در دوران جوانی در سال‌های پنجاه و پنج و پنجاه و شش شمسی در سنین بیست و بیست و یک سالگی رتبه نخست مخترعین مدارس سراسر کشور را در رشته فنی با ساخت هواپیما و ارائه جزوه‌ی دست‌نویس فرهنگ اصطلاحات فنی هواپیمایی کسب کرده است؛ اما با مراجعه به مجله‌ی مذکور مشخص می‌شود که او تنها به خاطر ساخت ماکت هواپیما^۱ برنده شده است نه خود هواپیما. به هرروی رسانه‌های سازمان حلقه سعی دارند با غلو و مغالطه بزرگ‌نمایی از رهبر خود فردی نخبه بسازند.

اما از محتوای مجله‌ای که به آن استناد می‌کنند چنین چیزی برنمی‌آید. همین غلوها در زمان بازسازی تشکیلات در مورد دکترهای افتخاری تکرار می‌شود. هرچند بفرض که طاهری در رابطه با مسائل فنی هم دارای نبوغ بوده باشد، چنین مسئله‌ای هرگز ارتباطی به عرفان و درمان افراد نداشته و ساخت‌های این علوم کاملاً جداست و نبوغ در یک زمینه نمی‌تواند بهانه‌ای برای ورود به سایر علوم باشد.

۱-۳-۲. بررسی مجله مهر

با بررسی مجله‌ای که تشکیلات حلقه به آن استناد می‌کند چند نکته مهم به دست می‌آید:

۱. رک: مجله مهر؛ ص ۱۱.

یکم: غلوه‌های طاهری و اعتماد بیش از حد او به خود حاکی از شخصیتی جسور است. او در این نشریه مدعی است تحقیقاتی در علم ریاضیات انجام داده که کشف! جدیدی است و قصد دارد پس از ثبت به شکل یک کتاب ارائه دهد! درحالی که تا به امروز که وی هفت دهه از حیاتش را سپری می‌کند و از آن تاریخ چهل و چند سال می‌گذرد از چنین کشف و کتابی خبری نیست. او در مصاحبه با این نشریه گفته است:

البته یک سری تحقیقات در ریاضیات انجام داده‌ام که در حال حاضر مشغول تکمیل نهایی آن هستم و فکر می‌کنم وقتی به مرحله نهایی رسید، کشف جدیدی در رشته ریاضیات خواهد بود. اگرچه ترجیح می‌دهم هیچ کاری را تا مرحله پایان اعلام نکنم ولی همین قدر می‌توانم بگویم که این رشته به ما امکان می‌دهد که محاسباتی از قبیل رادیکال، توان (بدون استفاده از لگاریتم) سینوس، کسینوس، آرگ‌ها، سینوس هابیرپولیک، کسینوس هابیرپولیک و ارگون (بدون استفاده از جدول‌های مربوط) و پاره‌ای دیگر از محاسبات را به طریقه ذهنی انجام دهد. همان‌طور که می‌دانید در حال حاضر غیرممکن است که بدون استفاده از لگاریتم در مدت یک دقیقه بتوانیم چنین محاسباتی را انجام دهیم؛ اما به هر حال این مقدمه کار است و وقتی آماده شد و برای همه قابل استفاده بود به ثبت خواهد رسید و به صورت کتاب در اختیار همگان قرار خواهد گرفت.^۱

مطابق چنین ادعاهای سست و کاذبی است که سران عرفان واره حلقه او

را صاحب نظر در ریاضیات معرفی می نمایند. جای بسی تعجب است که کسی را به صرف یک ادعا ریاضی دان و صاحب نظر در ریاضی می دانند.

دوم: وی همچنین در این مجله قصد دارد ماکت هواپیمای آلومینیومی و بدون موتور خود را یک هواپیمای دارای موتور معرفی نماید. او در پاسخ به سؤال خبرنگار در رابطه با امکان پرواز هواپیما می گوید:

چون ملخ مورد نیاز این هواپیما در ایران وجود نداشت هنوز موفق به این کار نشده ام و فعلاً منتظرم این ملخ را که سفارش داده ام از خارج برسد!

به راستی چرا هنوز ملخ هواپیما بعد از این همه سال تهیه نشده و چرا نام طاهری به عنوان برنده‌ی ماکت هواپیما و نه خود هواپیما ثبت شده است؟ اگر چنین ملخی در کار بوده و صحت می داشت و هواپیمای طاهری به پرواز درآمده بود آیا برنامه ریزان حلقه از انتشار عکس آن دریغ می کردند؟ نکات گفته شده حاکی از آن است که وی از همان دوران جوانی فردی غیر صادق و اهل ادعاهای کاذب بوده است.

۲-۳-۲. شهودات کیهانی ادعایی

رخداد پراهمیت دیگر در سومین دهه از حیات محمد علی طاهری، ادعایی است که در زمان تأسیس سازمان بارها آن را علت العلل و منشأ طریقه‌ی شبه عرفانی و به ظاهر درمانی خود دانسته است. او مدعی است در دوران جوانی در دهم آبان سال پنجاه و هفت، زمانی که بیست و دو ساله بوده است به خاطر پرسش‌های بسیاری که در مواجهه‌ی با واقعیت‌ها و حقایق هستی در ذهن او پدید آمده است، دچار اشتیاق و اضطراب زائد الوصفی شده که ثمره‌ی آن

اتصال ناخودآگاه و بی‌اختیار او به پدیده‌ای پنداری به نام «شعور کیهانی» یا «اینترنت کیهانی» می‌شود و از رهگذر آن الهاماتی به یک‌باره برای وی پدیدار شده، پاسخ همه‌ی سؤالات خود را دریافت می‌کند.

سپس به این میزان از آگاهی نائل می‌آید که «بر جهان هستی شعور و هوشمندی عظیمی حاکم است به نحوی که مانند یک اینترنت همه‌ی اجزاء و زیرمجموعه‌ی خود را تحت پوشش هوشمندانه‌ای قرار داده است»^۱. آگاهی‌هایی که «نه تنها دربرگیرنده‌ی موضوعات نظری بود، بلکه اطلاعات کاربردی و دستورالعمل‌های نحوه‌ی استفاده و بهره‌مندی عملی از آن را نیز شامل می‌شد»^۲.

طاهری مکرراً این واقعه را مستمسکی برای تشکیلاتی که حدوداً بیست و هفت سال بعد در سال هشتاد و پنج راه‌اندازی نموده قرار داده است.

۳-۳-۲. سلاح‌سازی

طاهری بعد از تلاش‌های فنی در رابطه با وسایل پروازی، مصادف با جنگ تحمیلی به ساخت برخی سلاح‌های جنگی روی می‌آورد. وی دو نمونه مسلسل دستی به نام‌های شهاب و شفق را طراحی کرده است. در این زمان که بیست و شش ساله بوده است مطابق با ادعای تشکیلات حلقه در سال شصت و یک به منظور استخدام در وزارت دفاع به ملاقات حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی که مسئول شورای عالی دفاع و رئیس مجلس بوده است می‌رود.^۳ طاهری می‌گوید:

۱. محمدعلی طاهری؛ *سایمتولوژی*، ج ۱، ص ۱۱.

۲. همان.

۳. اکبر هاشمی رفسنجانی؛ *خاطرات روزانه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی سال ۱۳۶۱*.

مسلسل شهاب، طرح و ساخت خودم را به تائید همه نیروهای مسلح آن زمان رسانیده و طرح‌های دیگری را نیز به مورد آزمایش گذاشته بودم.^۱

اما از این دیدار نتیجه‌ای به دست نیاورده و هیچ‌گاه در جنگ تحمیلی شرکت نکرده، مدتی بعد عازم خارج از کشور می‌شود.

۴-۳-۲. مسافرت‌های خارج از کشور

طاهری پس از خروج از کشور در سال شصت و چهار و در سن بیست و نه سالگی سفرهایی به کشورهای اروپایی و ژاپن به منظور اشتغال داشته است. او مدتی در ژاپن اقامت می‌کند اما به علت سخت بودن زبان ژاپنی این کشور را ترک می‌کند. نهایتاً در کشور ترکیه و در شهر آنکارا ساکن می‌شود. طرفداران حلقه اقامت وی در ترکیه را به منظور ادامه تحصیل دانسته‌اند. وکلای طاهری گفته‌اند او در دانشگاه آمریکایی خاورمیانه به تحصیل پرداخته اما قبل از دریافت مدرک کارشناسی اخراج شده است.

جهت ادامه تحصیل به دانشگاه آمریکایی خاورمیانه ترکیه عزیمت و در آنجا طی یک درگیری سیاسی با استاد خود، کمیتۀ انضباطی او را از فارغ‌التحصیلی محروم و ایشان نیز به ایران بازگشته و ... به دنبال فرصتی بوده که به دنبال حل و فصل مشکل تحصیلی و دریافت مدرک خود برود اما به علت اشتغال زیاد و دوم عدم احساس نیاز خیلی جدی به آن، مقدور نمی‌شود.^۲

۱. محمدعلی طاهری؛ *دفاعیات سال ۹۶*؛ ص ۱۲۷.

۲. محمدعلی طاهری؛ *دفاعیه وکلا*؛ ص ۱۴.

همه این‌ها در حالی است که مسئولین سازمان حلقه مستنداتی برای ادعاهای خود ارائه نکرده و در مورد ماجرای سیاسی پیش‌آمده توضیحی نداده‌اند. به‌هرحال او دارای مدرکی در زمینه مهندسی نبوده اما سالیان بعد بر روی جلد نخستین کتابی که منتشر نموده، عنوان مهندس را به‌کار برده است. مریبان ورده‌های بالای سازمان حلقه، رشته‌ی تحصیلی طاهری در ترکیه را مهندسی محیط معرفی کرده‌اند. در حالی که بنیان‌گذار حلقه در مجله مهر در سال پنجاه و شش گفته است هدفش تحصیل در رشته‌ی طراحی و مهندسی هواپیما است. این تناقضات اعضای سازمان حلقه را وادار به توجیهاتی کرده است:

با توجه به تجربه ایشان در خصوص صنعت هواپیما سازی و مهندسی مکانیک انتظار می‌رفت که برای ادامه تحصیل در همین زمینه مشتاق باشد اما شاید به خاطر اشتیاق غریب الوصفش به کشف راز جهان هستی رشته مهندسی محیط را انتخاب نمود.^۱

۵-۳-۲. جداسازی دریافت‌های رحمانی از شیطانی

طرفداران طاهری مدعی هستند او پس از دریافت‌های شهودی‌اش به مدت یک دهه به ارزیابی و جداسازی جنبه‌ی عرفان کمال از عرفان قدرت پرداخته است تا ادراکاتش از خامی و ناپختگی به نضج رسیده، در دو دهه‌ی بعد بتواند رسالت یافته و همگان را از دریافت‌های کیهانی خود بهره‌مند سازد.

یک دهه طول کشید تا با بررسی دقیق دریافت‌هایش،

۱. ر.ک: رسانه‌های عرفان‌واره حلقه.

اطلاعاتی را که جنبه‌ی قدرتی داشته و بی‌تأثیر و یا مانع رشد و کمال هستند را شناسایی کند؛ و البته دست رد زدن به سینه منبع الهامات قدرتی کار آسانی نبود ولی او که به دنبال حقایق هستی بود موفق شد این کار را انجام دهد.^۱

همه‌ی این‌ها در حالی است که مطابق با آنچه در مورد اندیشه‌های طاهری خواهد آمد، روشن می‌شود که عقاید وی محصول تفکرات ناصحیح و البته نفسانی است.

۴-۲. دهه چهارم

ابتدای دهه‌ی چهارم زندگی طاهری تا سال شصت و هفت یعنی تا سی و دو سالگی در ترکیه سپری شده است. بعد از آن طاهری به ایران بازمی‌گردد. او پس از بازگشت به کشور، به همراه خواهر و همسر خواهرش یک شرکت کوچک مهندسی و طراحی به نام «تیوا کیان» را تأسیس می‌کند. مدیرعامل این شرکت طاهری بوده است. او همچنین در این دوران «مشغول به کار آزاد در زمینه ساختمان‌سازی، ماشین‌آلات صنعتی، کارخانه آرد، قارچ، خوراک دام و ...»^۲ بوده است.

در حیطه عرفان هم مطابق با ادعای رسانه‌های این تشکیلات، پس از اتمام دهه اول بعد از شهودات، دهه‌ی دوم را حدوداً از سی و سه سالگی شروع می‌کند. این دهه با «گذراندن تجربه‌های فردی در رابطه با آگاهی‌های ارزشمند برای نوع بشر سپری شد»^۳.

۱. محمدعلی طاهری؛ آشنایی با دوست؛ صص ۲ و ۳.

۲. محمدعلی طاهری؛ دفاعیه وکلای طاهری؛ ص ۱۴.

۳. همو، آشنایی با دوست؛ ص ۳.

۵-۲. دهه پنجم

در این دهه محمدعلی طاهری با اتمام سن چهل و دوسالگی، حدوداً تا سال هفتاد و هفت شمسی دورانی را می‌گذارند که سازمان حلقه از آن به سپری شدن دهه‌ی «تجربه‌های فردی در رابطه با آگاهی‌های ارزشمند برای نوع بشر»^۱ یاد کرده است. این مطلب البته در راستای همان اهداف تشکیلاتی و روند عارف‌سازی از طاهری است. وی با تجاربی که از سفر به کشورهای مختلف مخصوصاً ژاپن در مورد فرقه‌های شرقی کسب کرده است از سال هفتاد و هشت به صورت محدود و در برخی محافل خانگی شروع به ترویج آموزه‌های خود می‌کند.

رد پای تأثیرپذیری طاهری از این فرقه‌ها در آثار وی به خوبی مشهود است. از طرفی فضای جامعه^۲ برای وی فراهم شده است و اقبال تدریجی به چنین اندیشه‌هایی مشهود است.

او از چهل و دو تا پنجاه سالگی (از سال‌های هفتاد و هفت تا هشتاد و پنج) با برگزاری محافل خانگی و جلسات خصوصی در حال آزمایش روش‌های ابداعی خود است. به تدریج کلاس‌های خود را در تهران، کرج و تبریز گسترده‌تر کرده و در سال هشتاد و سه مراکزی تحت عنوان خیریه راه‌اندازی می‌کند.

۱. همان.

۲. در این دوران و نیز سال‌های بعد رسانه ملی در ماه مبارک رمضان اقدام به پخش سریال‌هایی در مورد ابلیس و حضور او در زندگی افراد یا برنامه‌هایی با قرائتی خاص از غیب کرده است که در آماده‌سازی فضای ذهنی افراد برای جذب به حلقه بی‌تأثیر نبوده است. همچنین مدعیات اثبات نشده‌ای به نام «شهادت آب» به صورت گسترده منتشر شده است که تا حدودی به باورهای حلقه شباهت دارد.

۱-۵-۲. شکل‌گیری اولین کلاس‌ها و کمیته‌ها

محل برگزاری کلاس‌های وی ابتدا در تهران و خیابان ستارخان بوده است. با استقبال بیشتر و به خاطر کوچک بودن فضا، کلاس‌ها به خیابان گاندی انتقال یافته و در دو نوبت صبح و عصر برگزار می‌شود. شکل‌گیری کمیته‌های^۱ عرفان حلقه از کلاس‌های گاندی بوده است. «کمیته پزشکی گذشته‌نگر و آینده‌نگر» اولین کمیته‌ای بوده است که آغاز به کار می‌کند. هدف از تشکیل این کمیته گردآوری مدارک و شواهد پزشکی از درمان‌های صورت گرفته توسط فرادرمانی جهت معرفی به وزارت بهداشت در راستای اثبات علمی فرادرمانی بوده است. مسئله‌ای که هیچ‌گاه موفق به اثبات آن نشده‌اند.

۲-۵-۲. آشنایی با منصوری لاریجانی

در این دوران طاهری به واسطه‌ی برخی دانشجویان حاضر در کلاس‌هایش با منصوری لاریجانی ارتباط برقرار می‌کند. آشنایی وی با لاریجانی در سال هشتاد و سه بوده است. لاریجانی در زمینه‌ی عرفان اسلامی مطالعات و تدریس‌هایی داشته است؛ و نیز به خاطر برنامه‌های تلویزیونی متعدد فردی شناخته شده به شمار می‌رفته است. طاهری با فریب لاریجانی وی را به جلسات عمومی تشکیلات حلقه کشانیده و از اعتبار وی سوءاستفاده می‌کند. منصوری نیز در جلسات برگزار شده طاهری را با عناوینی عجیب مورد خطاب قرار داده است که ناشی از تبلیغات و بزرگ‌نمایی‌هایی است که شاگردان مشترک او و طاهری در رابطه با فرادرمانی داشته‌اند.

۱. کمیته، اصطلاحی است که برای بخشی‌های علمی سازمان انتخاب کرده‌اند.

به‌هرروی لاریجانی تحت تأثیر جدید بودن روش طاهری قرارگرفته و در ترویج عرفان واره حلقه سهیم شده است.

۳-۵-۲. چاپ کتاب عرفان کیهانی

از رخدادهای مهم دیگری که در دهه پنجم اتفاق افتاده است چاپ اساس نامه‌ی عرفان واره حلقه تحت عنوان کتاب عرفان کیهانی (حلقه) است. سازمان، این کتاب را در زمستان سال هشتادوچهار با مقدمه و پاورقی‌هایی از منصوری لاریجانی به چاپ می‌رساند. منصوری مقدمه و پاورقی‌ها را در دی ماه این سال نگاشته است.

مقدمه‌ی عریض و طویل منصوری، سی‌وچهار صفحه از کتاب صد و پنجاه‌ونه صفحه‌ای عرفان کیهانی را به خود اختصاص داده که از مقدمه‌ی طاهری بر این کتاب هم مفصل‌تر است. وی در قسمتی از این مقدمه، کتاب عرفان کیهانی را محصول «تجربه‌ی ارزشمند استاد طاهری»^۱ دانسته که توانسته [است] راهی به شبکه‌ی کیهانی وجود! پیدا کند و آن را «اثری نفیس»^۲ معرفی می‌کند.^۳

۴-۵-۲. فرادرمانگاه‌های غیرقانونی

در سال هشتادوچهار فرادرمانگاه‌هایی به‌صورت غیرقانونی در سطح تهران و کرج دایر می‌شود. نخستین فرادرمانگاه در تابستان این سال و در خیابان تخت طاووس تهران شکل می‌گیرد. فرادرمانگاه‌های مذکور در سال بعد هم

۱. محمدعلی طاهری؛ عرفان کیهانی (حلقه)؛ ص ۳۹.

۲. همان.

۳. در فصل سوم از این بخش به جدایی لاریجانی از سازمان حلقه اشاره شده است.

رشد چشمگیری در سطح شهر تهران پیدا می‌کنند و فرادرمانگران آموزش دیده، فعالیت‌های خود را به بهانه‌ی مراکز خیریه و درمان، به صورت وسیع‌تری گسترش می‌دهند.

۵-۵-۲. شکل‌گیری کمیته‌های دیگر

در سال هشتاد و چهار هم‌زمان با رشد فرادرمانگاه‌های تهران و کرج، کمیته‌های دیگری شکل می‌گیرد. کمیته قرآن پژوهی، کمیته علمی، کمیته فیزیک، کمیته حقوق و کمیته روابط عمومی از جمله‌ی این کمیته‌ها بوده است. سران کمیته‌ها سعی در دینی و علمی جلوه دادن آموزه‌های فرادرمانی محمدعلی طاهری داشته‌اند. رشد کمیته‌ها تا سال هشتاد و شش ادامه یافته تا اینکه در همین سال پلیس اماکن همه‌ی فرادرمانگاه‌ها را به خاطر نداشتن مجوز از وزارت بهداشت، تعطیل می‌کند. از آنچه گفته شد مشخص می‌شود که ایجاد تشکیلات به نوعی پیش از تأسیس رسمی موسسه در سال هشتاد و پنج بوده است. به هر حال عرفان حلقه همه‌ی دهه هشتاد را به صورت حساب‌شده‌ای رشد کرده و بدون داشتن هیچ‌گونه مجوزی در درمان بیماری مردم دخالت می‌کرده است.

فصل دوم: شکل‌گیری سازمان

۱. ادامه گاه‌شمار حیات رهبر سازمان (دهه ششم)

در فصل پیشین دهه‌های اول تا پنجم از حیات رئیس تشکیلات که پیرامون تکاپوی وی در ایجاد سازمانی شبه عرفانی مورد بررسی قرار گرفت. اکنون لازم است در این فصل بخشی از دهه ششم حیات وی که منجر به شکل‌گیری سازمان حلقه شده است را مورد بررسی قرار دهیم.

۲. دهه ششم

۲-۱. درآمد

ششمین دهه از حیات طاهری، مهم‌ترین بخشی است که وقایع سازمانی عرفان‌واره حلقه در آن رخ داده است. در آغاز این دهه و در سال هشتاد و پنج طاهری موسسه‌ای به صورت قانونی تأسیس می‌کند. کادرسازی‌های قبل از تأسیس سازمان و کمیته‌های متعدد با تقسیم وظایف، سال‌های هشتاد و پنج تا هشتاد و نه را به رونق و گسترش سازمان، چاپ کتب و جزوات متعدد و فعالیت‌های گسترده اجتماعی مبدل می‌سازد. در ادامه بنیان‌گذار حلقه با گسترش فعالیت‌ها به کمک برخی افراد دارای نفوذ، وارد دانشگاه‌ها شده و به تدریس آموزه‌های انحرافی خود همت می‌گمارد. درست در زمانی که سازمان دوران اوج خود را سپری می‌کرده است اختلاف از درون تشکیلات با شکایت

یکی از مسئولان اصلی سازمان از طاهری آغاز می‌شود.^۱ مدتی بعد عضو مهم دیگری با وی بر سر مسائل دینی اختلاف دیدگاه پیدا کرده و مناظره‌ی داغی بین او و طاهری برپا می‌شود. این شخص مدتی بعد ترور می‌شود^۲ اما جان سالم به در برده است. چند نفر از دیگر اعضای مطرح موسسه هم با طاهری دچار مشکل می‌شوند.

به تدریج اختلافات به بیرون سازمان کشیده می‌شود و نام عرفان حلقه بیشتر بر سر زبان‌ها می‌افتد. در این دوران، تشکیلات حلقه برای گذار از مرحله‌ی اختلافات با انتشار مقالات متعدد در روزنامه‌ها سعی می‌کند با شهرت بخشی به طاهری مانع سقوط سازمان گردد. از سویی هشدارهایی از سوی نهادهای مسئول مبنی بر تعطیلی کلاس‌ها دریافت و سپس مجوز موسسه‌اش لغو می‌شود؛ اما با بی‌اعتنایی به کار خود ادامه داده و اقدام به خرید مدارک دکترای افتخاری از کشورهای دیگر می‌کند.

نهایتاً بنیان گذار حلقه در بار سوم دستگیر شده و تشکیلات حلقه انحلال می‌یابد. با زندانی شدن وی اختلافات درون فرقه‌ای پررنگ شده و شهنواز نیرومنش در سال نود از کشور خارج می‌شود. او موسسه‌ی اینترنتی نورسالیسم را در سال نود و یک در آمریکا راه اندازی و قرائت جدیدی از عرفان واره حلقه مطرح می‌کند که با انتقاد سایر مربیان و سران مواجه می‌شود. وی مدتی بعد مدعی می‌شود که طاهری در زندان از دنیا رفته است. نیرومنش با تفویض حلقه‌های جدید خود را تلویحاً جانشین طاهری معرفی می‌کند. به هر حال در دوران دستگیری طاهری کلاس‌ها به شکل زیرزمینی و پنهانی در ایران ادامه

۱. این شخص قبل از دستگیری طاهری مورد ترور و سوء قتل قرار گرفته که جان سالم به درمی‌برد.

۲. در سال ۹۴.

پیدا کرده و بسیاری از مربیان برداشت‌های خود را به آموزه‌های طاهری می‌افزایند. در این میان عده‌ای از مربیان داخل و خارج کشور سعی در بازسازی تشکیلات کرده و کمپین‌هایی راه‌اندازی می‌نمایند. در این دهه تشکیلات کاملاً سیاسی می‌شود. تفصیل رخدادهای این دهه در ادامه می‌آید.

۲-۲. شکل‌گیری سازمان

طاهری در سال هشتاد و پنج با توجه به تجاربی که اواخر دهه هفتاد و نیمه اول دهه هشتاد کسب کرده است در آغاز ششمین دهه از زندگی خود در تابستان این سال درحالی که پنجاه‌ساله است اقدام به تأسیس تشکیلاتی به صورت رسمی و قانونی به نام «موسسه فرهنگی و هنری عرفان کیهانی (حلقه)» می‌نماید. این درحالی است که در فروردین همین سال و چند ماه قبل از تأسیس موسسه، اساس‌نامه این تشکیلات یعنی همان کتاب عرفان کیهانی، دو ماه پس از چاپ اول، تجدید چاپ می‌شود.

تجدید چاپ‌های متعدد، حتی تا زمان پس از دستگیری طاهری از آن روست که کتب این سازمان جزء منابع درسی بوده و در دوران محکومیت رئیس تشکیلات حلقه توسط مربیان تدریس می‌شده‌اند.

چند ماه بعد، طاهری با حمایت‌های افراد مؤثر در رونق سازمان، در دی‌ماه سال ۸۵ کانون عرفان کیهانی را در سازمان ملی جوانان نهاد ریاست جمهوری به ثبت می‌رساند. چنانچه در دوره مقدماتی گذشت وی تشکیلات خود را به حلقه و کیهانی نام‌گذاری کرده است.^۱

۱. امین شمشری؛ عرفان واره‌ی حلقه دوره‌ی مقدماتی؛ صص ۲۱-۲۳.

۲-۲-۱. شبهه قانونی بودن فعالیت‌ها

طاهری و سران سازمان حلقه مدعی هستند که موسسه، کانون و کتب آن‌ها دارای مجوز و همه فعالیت‌هایشان قانونی و برخوردهای صورت گرفته عادلانه نبوده است. پاسخ به این شبهه چندان مشکل نمی‌باشد.

یکم: فعالیت‌های عرفان واره حلقه در راستای مجوزهای دریافت شده، نبوده است. در اعتبارنامه‌ای که برای «کانون عرفان کیهانی» صادر شده است هدف «توسعه فرهنگی و اجتماعی و تقویت هویتی دینی و ملی جوانان» با «محوریت عرفان اسلامی» ذکر شده است؛ اما مطابق با آنچه در فصل‌های دیگر کتاب خواهد آمد چنین انگیزه‌ای در سازمان حلقه دنبال نشده و اتفاقاً آموزه‌های عرفان‌های نوظهور و وارداتی ترویج شده است.

دوم: بهانه‌ی داشتن مجوز، دلیل بر مصون بودن از نظارت مسئولین و نیز نداشتن انحراف در دوران حیات سازمان نیست. در حقیقت، صرف داشتن مجوز نمی‌تواند دلیلی برای هرگونه اقدام و انگیزه‌ی بعدی باشد.

سوم: مطمئناً دخالت در امور پزشکی و گسترش فرادرمانگاه‌ها در تهران و شهرهای دیگر در راستای مجوزهای دریافت شده نبوده است؛ و ورود به این حیطة تخصصی صلاحیت لازم را می‌طلبد.

۲-۲-۲. ویژگی‌های سازمان

در دوره مقدماتی نماد، زبان مخصوص عرفان واره حلقه و برخی از اصطلاحات آن معرفی شد. اکنون لازم است برخی دیگر از واژگان این تشکیلات توضیح داده شود.

یکم: فراکل نگری؛ طاهری در تعریف آن گفته است: نگرشی است به انسان که بسیار کل نگربوده و دیدگاهی کاملاً عرفانی است که در

آن انسان به وسعت جهان هستی دیده می‌شود، نه فقط مُشتی گوشت و پوست و استخوان^۱.

دوم: اعلام؛ هرگاه افراد در حضور مربی تشکیلات نباشند از طریق تلفن یا رسانه‌های دیگر از وی درخواست می‌کنند که در ساعت مشخص خواسته‌های آن‌ها را به شعور کیهانی ابلاغ کند. این فرآیند «اعلام» نام دارد.

سوم: مثبت ۱ و ۲؛ دو حلقه از حلقه‌های متعدد تشکیلات کیهانی هستند. اولی نوعی درخواست طلب خیر برای دیگران است و دومی هرگاه انشاء شود به جای فاتحه برای اموات است.

چهارم: تشعشع دفاعی؛ یکی از دوره‌های تکمیلی تشکیلات حلقه برای محافظت در برابر موجودات غیرارگانیک است.

پنجم: تفویض؛ به معنای واگذاری است. در عرفان واره حلقه بی‌آنکه نیاز به تلاش، کوشش، کسب مهارت و علم باشد مدعی هستند که توان درمانگری را به افراد تفویض می‌نمایند. همچنین لایه‌ی محافظ هم تفویضی است.

ششم: جهان‌های موازی؛ از منظر تشکیلات حلقه جهان‌های بسیاری وجود دارد. طاهری می‌گوید انسان‌ها در روز قیامت خود را در جهان‌های موازی مشاهده می‌کنند و دیگر به خدا اعتراضی نخواهند داشت.^۲

۱. محمد علی طاهری؛ *انسان از منظری دیگر*، ص ۷۹.

۲. همو؛ *انسان و معرفت*، صص ۲۴۷ و ۲۴۸.

هفتم: رحمت خاص الهی؛ مرگ و جهنم در این تشکیلات رحمت خاص الهی هستند.

۳-۲-۲. اهداف و مبانی فکری سازمان

۱-۳-۲-۲. اهداف

در مقدمه طاهری بر کتاب عرفان کیهانی برخی از اهداف تشکیلات حلقه به صورت پراکنده اشاره شده است. بخش دیگری از اهداف سازمان حلقه در لابه لای آثار دیگر وی آمده است. هرچند طاهری دسته بندی و توضیح دقیق و جامعی برای آنان ارائه نکرده است اما تأکید وی نشان دهنده‌ی هدف بودن این موارد برای تشکیلات می باشد. به صورت خلاصه اهداف این تشکیلات که ادعای اعتلای عرفان ایران را دارد عبارت است از:

یکم: انسان شمولی؛ عبارت است از ارائه‌ی عرفانی که همه‌ی انسان‌ها را دربرگیرد. به منظور دست یابی به چنین هدفی، شعور کیهانی زیربنای اعتقادات همه‌ی انسان‌ها قرار گرفته و دین و اعتقادات در روبنا قرار داده می شود تا تفرقه‌ی افراد به حداقل برسد.

دوم: جمعی بودن عرفان؛ در این تشکیلات، نجات جمعی است و نجات فردی ناپسند محسوب می شود. نجات جمعی تنها در قالب اتصال‌های این تشکیلات و با به عضویت درآمدن در سازمان حلقه ممکن است.

سوم: علمی بودن؛ یکی دیگر از اهدافی که سازمان حلقه برای خود تعریف کرده است، برقراری آشتی میان دین، عرفان و علم است.

چهارم: خاستگاه ایرانی داشتن؛ ارائه‌ی یک عرفان ایرانی به جهت آبروبخشی به عرفان ایران و مقابله با عرفان‌های وارداتی هدفی دیگر برای سازمان حلقه است.

پنجم: عملی بودن؛ طاهری عرفان اسلامی را ناکارآمد می‌داند. عرفان کارآمد از دیدگاه او عرفانی است که بتواند اثرتجربی و عملی داشته باشد. درمان‌گرانه بودن، ابزار و تکنیک نداشتن، همگانی، سهل‌الوصول و بینش ساز بودن مواردی هستند که یک عرفان عملی را به بار می‌آورند. موارد گفته‌شده در آثار مختلف طاهری مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

هرچند اهداف ذکرشده در ظاهر پسندیده و نیک به نظر می‌رسد اما طاهری برای دست‌یابی به آن‌ها حقایق مهمی همچون دین و عقاید را فدا نموده است.

۲-۲-۳-۲. مبانی فکری

مبانی فکری عرفان‌واره حلقه در ساحت‌های معرفت‌شناسی، خداشناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و فرجام‌شناسی قابل‌ارزیابی است. در دوره مقدماتی برخی از مبانی فکری این سازمان توصیف و نقد شد. در بخش سوم این کتاب نیز مبانی فکری تشکیلات حلقه توصیف و سپس مورد نقادی قرار گرفته است.

۲-۲-۴. بخش‌های سازمان

طاهری در دهه هشتاد شمسی پیش از اقدام به تأسیس موسسه به طراحی و پیش‌بینی قسمت‌های مختلف آن در حد یک سازمان پرداخته است. رشد

سریع و بی‌سابقه‌ی عرفان واره حلقه در سال‌های هشتادوپنج تا هشتادونه تنها با ایجاد یک سازمان منسجم ممکن بود و رئیس این تشکیلات برنامه‌های لازم به جهت تشکیل این سازمان منسجم را از قبل مدنظر قرار داده است. مؤید این مطلب آن است که بلافاصله پس از تأسیس موسسه، کتب، جزوات و محصولات بسیاری وارد جامعه می‌شود. هرچند که طاهری کار خود را قبل از تأسیس موسسه آغاز کرده بود، اما به‌هرحال سازمانی که وی طراحی کرده بود دارای ایدئولوژی خاص، اهداف، ارکان و اعضا بوده است. وجود بخش‌های متعدد و اعضای پرشماری که به‌صورت منسجم مشغول به فعالیت بوده‌اند به‌خوبی در بررسی سیر فعالیت‌های تشکیلات حلقه مشخص است. به‌هرتقدیر با وجود چنین سازمان منسجمی، این تشکیلات رسماً صورت «فرقه‌ای» به خود می‌گیرد. اکنون به توضیح بخش‌های سازمان حلقه می‌پردازیم.

۱-۴-۲-۲. کمیته‌ها، شوراهای و دفاتر

سازمان شبه عرفانی حلقه کمیته‌های متعدد، شوراهای و دفاتری در داخل و خارج کشور راه‌اندازی کرده است. به‌جز طاهری که در رأس سازمان حلقه به‌عنوان یک رهبریفای نقش داشته است گروه‌هایی هم در کنار وی انجام وظیفه می‌کرده‌اند. اعضای تشکیلات حلقه عبارت‌اند از ۱. رهبر تشکیلات ۲. مسئولین کمیته‌ها، شوراهای و دفاتر، ۳. مربیان ۴. شاگردان.

چگونگی جذب و نیروگیری از میان اقشار مختلف و نیز ارتباط هرکدام از اجزاء تشکیلات با رهبر سازمان و ساختار مالی آن در ادامه خواهد آمد. بخشی از مهم‌ترین کمیته‌های سازمان کیهانی عبارت‌اند از: ۱. کمیته پزشکی ۲. کمیته قرآن‌پژوهی ۳. کمیته علمی ۴. کمیته فیزیک ۵. کمیته حقوق ۶.

کمیته روابط عمومی ۷. کمیته دامپزشکی ۸. کمیته رسانه ۹. کمیته دین‌پژوهی ۱۰. کمیته ترجمه ۱۱. کمیته عرفان ۱۲. کمیته ادبیات ۱۳. کمیته آسیب‌شناسی موسیقی ۱۴. کمیته سایمنتولوژی ۱۵. کمیته گیاه‌پزشکی ۱۶. کمیته سلولی مولکولی.

همچنین سازمان قسمت‌های دیگری مثل شورای هماهنگی عرفان کیهانی، مرکز تحقیقات پزشکی گذشته‌نگر و... داشته است. دفاتر مربوط به توزیع محصولات فرهنگی مؤسسه عرفان کیهانی در نقاط مختلف کشور فعال بوده است. دامنه‌ی تلاش‌های عرفان واره حلقه مختص به داخل کشور نبوده و در بیرون کشور هم فعالیت‌هایی داشته است. طاهری در دفاعیه سال نودوشش به این مسئله اشاره کرده است:

مؤسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی حلقه، دارای نیروهای آموزشی بین‌المللی از کشورهای سوئیس، آلمان و انگلستان بوده است تا فعالیت‌های آموزشی خود را در سطح جهانی ارائه داده و جوامع مختلف را با عرفان نظری و عملی اسلامی حلقه آشنا کند و در حال حاضر مربیان زیادی هم در کشورهای مختلف ... در حال تدریس این عرفان هستند.^۱

همچنین او بخشی از وظایف سازمان و دامنه‌ی تشکیلات را این‌گونه معرفی می‌کند:

تفویض‌ها و نظارت به کار مربیان و همسان‌سازی کیفیت کلاس‌ها در سطح بین‌المللی و تهیه کتب مورد تدریس در حوزه عرفان نظری، ترجمه متون، پاسخ‌گویی به سؤالات و رفع

۱. محمدعلی طاهری؛ دفاعیات و توضیحات ۹۶؛ صص ۱۵ و ۲۶.

شبها، توسط مرکزیت مؤسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی حلقه متشکل از مربیان مسلط به مباحث نظری عرفان اسلامی حلقه که از کارمندان مؤسسه محسوب می‌شده‌اند، کنترل و اداره می‌شده است و ... مؤسسه دارای ایزوهای آموزشی بین‌المللی از سویس، آلمان و انگلستان بوده است.^۱

۲-۴-۲. روند نیروسازی

برای ورود به سازمان حلقه الزاماتی مثل ثبت نام، امضاء چند سوگندنامه و پایبندی به آن و پرداخت شهریه برای هرترم لازم و ضروری بوده است. همچنین پس از طی دوره‌های نظری و عملی، لایه محافظ و توان درمانگری به مربیان تفویض می‌شده است؛ بنابراین اعضای این تشکیلات با طی زمانی اندک و بدون سپری کردن هرگونه مطالعه و آموزش در حیطه‌ی دانش پزشکی مرسوم به درجه‌ی فرادمانگری رسیده‌اند. این سیر سریع از جذب تا رسیدن به مقام فرادمانگری و طبابت و توأمان شدن آن با کلاس‌هایی که درآمدزایی مالی فراوان از بابت دریافت شهریه داشته است، باعث رشد سریع و چشم‌گیر عرفان واره حلقه شده است. سلسله‌ی مالی این تشکیلات به گونه‌ای بوده است که بخشی از شهریه‌ی دریافتی کلاس‌ها در نقاط مختلف ایران به حساب رهبر سازمان واریز می‌شده است. از طرفی تهیه کتاب‌ها، ویدئوهای آموزشی و محصولات دیگر تشکیلات از سوی همه الزامی بوده است.

بنابراین در این تشکیلات با طی نه مرحله: ۱. ثبت نام ۲. پرداخت شهریه ۳. امضاء سوگندنامه ۴. تفویض لایه محافظ ۵. تفویض درمانگری، افراد می‌توانند در حلقه‌ی اتصال قرارگرفته و با رعایت: ۶. آمادگی برای وحدت ۷.

تسلیم ۸. انفاق روزی آسمانی و ۹. کشفِ رمزِ آگاهی، ادعای درمانگری امکان‌پذیر می‌شده است.

۱. ثبت‌نام

آموزش‌های سازمان با ثبت‌نام در کلاس‌های حلقه آغاز می‌شود. در این رابطه ارائه عکس، فتوکپی شناسنامه و کارت ملی الزامی است.

۲. پرداخت شهریه

شهریه در تشکیلات حلقه امری الزامی بوده و آموزش‌های حلقه رایگان نیست. در مناطق مختلف، میزان شهریه متفاوت است اما از ابتدای شکل‌گیری تشکیلات حلقه از پنجاه الی سیصد هزار تومان مرسوم بوده است. همچنین پس از دستگیری طاهری، در فضای مجازی همین مبالغ از سوی مربیان برای آموزش‌ها دریافت می‌شود. شهریه در عرفان حلقه باعث ایجاد یک تشکیلات مالی و سودجویانه شده است که به تبع بازی با جان مردم به دست می‌آید. طاهری شهریه را الزامی دانسته و معتقد است:

بیماری که پول پرداخت می‌کند نتیجه‌ی درمانی بهتری می‌گیرد.^۱

همچنین در جای دیگری لزوم پرداخت هزینه‌های سازمان توسط اعضا اشاره کرده است. در ابتدا عرفان‌واره حلقه به بهانه‌ی خیریه از افراد شهریه می‌گرفته است اما مدتی بعد سخن از لزوم و تأکیدات بیشتر به میان آمد. بنیان‌گذار خطاب به مربیان گفته است:

۱. محمدعلی طاهری؛ دوره مستری؛ ص ۱۷۵.

انتخاب شاگرد بایستی به گونه‌ای باشد که تدابیر لازم برای جلوگیری از لوٹ شدن جریان و تجمع سیاهی لشگرو کوچه بازاری شدن آن، در نظر گرفته شده باشد. در این راستا دریافت شهریه، به عنوان یک عامل مؤثر، تأکید می‌شود.^۱

۳. سوگندنامه

امضاء سوگندنامه در ترم‌های مختلف، از الزامات مهم دیگر سازمان شمرده می‌شود. سوگندنامه‌ها تعهدی مبنی بر عدم تخلف در مورد آموزه‌های کیهانی است. فردی که در کلاس‌های حلقه شرکت می‌کند با توجه به ترم‌هایی که طی کرده است و ورود به عرصه‌ی مربیگری برگه‌هایی از سوگندنامه را امضاء می‌کند. پس از ترم اول، پس از اتمام دوره‌ی مربی‌گری فرادرمانی (غیرارگانیک) و پس از گذراندن دوره‌ی تشعشع دفاعی.

اتصال به دودسته کاربران و مربیان ارائه می‌شود که تفویضی بوده و در قبال مکتوب نمودن سوگندنامه‌های مربوطه، به آنان تفویض می‌شود. تفویض‌ها، توسط مرکزیت که کنترل و هدایت‌کننده‌ی جریان عرفان حلقه است، انجام می‌گیرد.^۲

و نیز گفته است:

درمانگری با مکتوب نمودن سوگندنامه‌ها، مبنی بر استفاده‌ی مثبت و انسانی به فرد تفویض می‌شود...^۳

به هر تقدیر در سازمان حلقه بدون سوگندنامه (پایان نامه) دریافت‌های عرفانی

۱. مندرج در سوگندنامه‌های تشکیلات حلقه.

۲. محمدعلی طاهری؛ انسان از منظری دیگر؛ ص ۸۸ / همو؛ عرفان کیهانی (حلقه)؛ ص ۸۰.

۳. همو، عرفان کیهانی (حلقه)؛ ص ۱۱۰.

غیرممکن است. این مسئله موجب شده است تا عرفان‌واره حلقه به عنوان یک عرفان ترمی - گواهینامه‌ای شناخته شود؛ اما ناپسندتر، بل عجیب‌تر از همه آن است که در این سازمان در انتهای هر ترم با پایان‌نامه‌ها ارتباط برقرار می‌کنند و باید از پایان‌نامه‌ها هاله‌ی نور ببینند و گذشته و آینده‌ی خود را دریابند.

۴. دریافت لایه محافظ

در تشکیلات حلقه برای توفیق در درمانگری و نیز برای در امان ماندن از مزاحمت موجودات غیرارگانیکی و تشعشعات منفی، لایه‌ی محافظی از مرکزیت عرفان حلقه به افراد تفویض می‌شود. طاهری در تعریف و بیان چیستی لایه‌ی محافظ متوسل به ابهام و اجمال گویی شده است.^۱

وی در این مورد گفته است: «لایه‌ی محافظ لایه‌ای از جنس آگاهی است»^۲ و نیز با تشبیه آن به اثرانگشت گفته است:

لایه‌ی محافظ هرکسی، مانند اثرانگشت او، منحصر به فرد بوده و نحوه‌ی اجرا و شکل آن برای هر فرد به نوع خاصی است و امکان اینکه برای دو نفر یکسان باشد، نخواهد بود.^۳

به هر تقدیر ماهیت لایه‌ی محافظ در این فرقه به طور کاملاً عامدانه پوشیده مانده است و طاهری تنها به بیان وظایف آن بسنده کرده است، او که از

۱. یکی از مغالطات اساسی رهبران فرقه‌های انحرافی به منظور فریب افراد و نیز گریختن از نقد منتقدان توسل به مغالطه ابهام و اجمال است.

۲. محمدعلی طاهری؛ *انسان از منظری دیگر*، ص ۹۶.

۳. همان، ص ۹۷.

لایه‌ی محافظ به‌عنوان «یکی از اهداف دوره‌ی فرادرمانی»^۱ یادکرده، تأکید می‌کند که «افراد تا قبل از دریافت لایه‌ی محافظ، نباید اقدام به فرادرمانگری کنند».^۲ در سازمان حلقه دست‌یابی به لایه‌ی محافظ اکتسابی نبوده و از طریق تلاش و کوشش امکان‌پذیر نیست. لایه‌ی محافظ تنها از طریق مرکزیت حلقه به فرد «تفویض»^۳ می‌شود. طاهری گفته است:

نکته‌ی مهم: پس از مکتوب نمودن سوگندنامه، فرادرمانگر زمان دریافت لایه‌ی محافظ را تعیین و به مربی خود اعلام می‌کند و مربی نیز آن را به شبکه‌ی شعور کیهانی اعلام می‌کند. برای دریافت لایه‌ی محافظ، وضعیت فرد از نقطه نظر جهت جغرافیایی و موقعیت بدنی از قبیل: نشسته، ایستاده، خوابیده و... و در حال حرکت و یا سکون و... تأثیری در نتیجه‌ی دریافت لایه‌ی محافظ ندارد و حتی در صورتی که فراموش کند ارتباط برقرار کند، لایه‌ی محافظ اجرا خواهد شد.^۴

طاهری برای لایه‌ی محافظ سه کارکرد اصلی را مشخص کرده است:

این لایه تحت هوشمندی شبکه‌ی شعور کیهانی ضمن محافظت فرادرمانگر، بیمار را چه در فرادرمانی از راه دور و چه از نزدیک در حفاظ مطمئنی قرار داده تا از تداخل شعور معیوب سلولی و تشعشات منفی و به‌خصوص در مقابل نفوذ

۱. همان، ص ۱۰۴.

۲. همان، ص ۱۲۸.

۳. واگذار.

۴. محمدعلی طاهری؛ انسان از منظری دیگر، ص ۹۷.

موجودات غیرارگانیک محافظت کند.^۱

۵. تفویض درمانگری

آخرین مرحله برای نائل آمدن به درمانگری در سازمان حلقه با نام «تفویض درمانگری» شناخته می‌شود. بعد از تفویض توان درمانگری از سوی طاهری، آنان به یک‌باره درمانگر می‌شوند و مردم جامعه را مورد آزمایش روش‌های آسیب‌زای خود قرار می‌دهند.

اتصال فرادرمانگری طی یک جلسه به شخص تفویض می‌شود. این تفویض فقط با مکتوب نمودن سوگندنامه‌های مربوطه مبنی بر استفاده‌ی صحیح و انسانی از این اتصال، صورت می‌گیرد. پس از مکتوب نمودن سوگندنامه، قابلیت درمانگری و لایه‌ی محافظ آن به فرد تفویض می‌شود که بلافاصله پس از دریافت لایه محافظ می‌تواند از راه دور و نزدیک فرادرمانگری را با تمام جزئیات آن تجربه کند...^۲

۶. خروج از وحدت و درآمدن به کثرت

شرط مهم دیگری که در اتصال به شبکه شعور کیهانی موضوعیت دارد پذیرش وحدت است. عرفان واره حلقه قائل به وجود پیوند میان اجزاء جهان هستی بوده و آن را به منزله‌ی یک پیکرواحد می‌داند. طاهری تعاریفی برای وحدت و کثرت ارائه نداده است؛ اما این موارد از سخنان وی قابل فهم است: ۱. نزدیک شدن انسان‌ها به یکدیگر. ۲. اجتناب از هر عاملی که باعث تفرقه بین انسان‌ها شود (اجتناب از کثرت). ۳. رسیدن به یک

۱. همان، صص ۹۶ و ۷۶. همو، *عرفان کیهانی (حلقه)*؛ ص ۱۱۰، اصل ۴۴.

۲. محمدعلی طاهری؛ *انسان از منظری دیگر*، ص ۱۰۲.

اشتراک که همه تن واحده هستند. حتی یکی از نقاط تفرقه از دید او دین، اعتقاد، ملیت و نژاد است. ۴. رسیدن به اینکه انسان با همه‌ی دنیا یک تن واحد است. ۵. در چنین عالمی (عالم وحدت) است که می‌تواند به ماوراء دست یابد و در عالم کثرت نباید انتظار کمک ماورائی داشت.

۷. تسلیم

الزام بسیار مهم دیگر که بدون آن برقراری اتصال غیرممکن است، شرط تسلیم می‌باشد. تسلیم در فرقه‌ی حلقه با معادل خود در اسلام و عرفان اسلامی تنها در لفظ مشترک بوده و همان شاهد و نظاره‌گر بودن بیمار در حین فرادرمانی و اتصال است. در حقیقت بیمار در حین فرادرمانی بایستی هرگونه قضاوت، پیش‌داوری و تفسیر را رها کرده تا فرادرمانگر آزمایش‌های خود را بر روی او اجرا نماید.

فرد در حالت اتصال، فقط شاهد و ناظر بوده تا مشاهده کند که هوشمندی بر روی وجود او چه کاری را انجام می‌دهد و در این صورت هیچ‌گونه مداخله‌ای در انجام کار اسکن نمی‌کند.^۱

۸. کشف رمز

پس از مراحل ذکرشده، مخصوصاً «آمادگی برای خروج از کثرت» و «تسلیم»، نوبت به شرط دیگری به نام «کشف رمز» می‌رسد. کشف رمز، برداشت و استنباط خاص اعضای تشکیلات حلقه از معارف دینی، عرفانی و نیز آیات

۱. محمدعلی طاهری؛ انسان از منظری دیگر، ص ۷۹.

قرآنی پس از برقراری اتصال است. به صورت واضح تر آنان تلاش می‌کنند با دریافت آگاهی و ارتباط با موجودات غیرارگانیکی معارفی را دریافت نمایند. نمونه‌هایی از کشف رمزها و برداشت‌های انحرافی عرفان‌واره حلقه در بخش سوم کتاب آمده است.

۹. شرط انفاق (تبلیغ)

آخرین شرط در سازمان حلقه انفاق می‌باشد که به معنای تبلیغ و ترویج باورهای عرفان‌واره حلقه است. در ادامه پیرامون انفاق توضیح بیشتری در قسمت «دستگاه تبلیغاتی تشکیلات حلقه» بیان شده است.

۳-۴-۲-۲. دستگاه آموزشی

آموزش‌های تشکیلات حلقه در دو بخش علمی و عملی بوده است. در بخش علمی افراد با حضور در کلاس‌ها، ترم‌هایی را مبتنی بر اعتقادات طاهری گذرانده و مدرک و گواهینامه‌ی عرفانی دریافت می‌نمایند. در بخش عملی نیز تمرین‌هایی در رابطه با فرادرمانی و اتصال به شعور کیهانی بر روی بیماران و کسب تجربه الزامی بوده و در انتهای هر ترم ارتباط‌هایی با پایان‌نامه‌ها گرفته می‌شود.

الف. آموزش‌های علمی

۱. دوره‌ها و محتوای آن

کلاس‌های و دوره‌های تشکیلات حلقه به‌طور معمول هشت ترم و هر ترم شش جلسه و هر جلسه حداقل سه ساعت و در قبال پرداخت شهریه می‌باشد. دوره‌ی سایمنتولوژی و دوره‌ی مستری (مربیگری) نیز دو ترم دیگر را تشکیل می‌دهند تا تعداد دوره‌های عرفان کیهانی به ده ترم افزایش یابد. تشعشع

دفاعی به عنوان دوره‌ای تکمیلی، بین دوره‌ها برگزار شده و با اتمام ترم پنجم افراد به مرتبه‌ی مربیگری ارتقاء درجه می‌یابند. دوره‌ای موسوم به فراپزشکی نیز در برخی مراکز و دانشگاه‌ها برگزار شده است. در دوره تشعشع دفاعی طاهری مدعی است که افراد را در مقابل بیماری‌های ذهنی مخصوصاً آسیب موجودات غیرارگانیکی ایمن می‌سازد.

درمان آن‌ها (بیماران ذهنی) از طریق شاخه‌ی اختصاصی به نام «تشعشع دفاعی» دنبال می‌شود و اساس آن در کتاب «موجودات غیرارگانیکی» نوشته‌ی مؤلف، تشریح شده است.^۱

در عرفان واره حلقه حضور در دوره‌ها برای درمانگری و سپس عارف شدن الزامی می‌باشد. طاهری به این مسئله در کتاب انسان از منظری دیگر تصریح کرده است.

نکته‌ی خیلی مهم: فرادرمانی از طریق کتاب قابل فراگیری نیست، زیرا رشته‌ای است عرفانی و کسب آنچه را که در عرفان عملی، مطرح است نمی‌توان از طریق کتاب و نوشته به دست آورد بلکه باید از طریق مربیان به شاگردان تفویض شود.^۲

محتوای دوره‌های حلقه به صورت زیر بوده است:

ترم اول (فرادرمانی): طب مکمل فرادرمانی، آشنایی با شبکه شعور کیهانی.

ترم دوم: ایجاد هم‌فازی و یکتایی بین وجود انسان و جهان هستی.

۱. محمدعلی طاهری؛ *انسان از منظری دیگر*؛ ص ۱۴۸.

۲. محمدعلی طاهری؛ *انسان از منظری دیگر*؛ ص ۱۰۳.

ترم سوم: کنترل ذهن - از بین رفتن تشنگی ذهنی.

ترم چهارم: کنترل دشارژ - دفع و رفع هرگونه تشعشع منفی ناشی از افکار، نیت و رفتارهای آگاهانه و ناآگاهانه و ارادی دیگران.

ترم پنجم: شناسایی نقاط ضعف شخصیتی و برطرف کردن آن؛ کنترل و مدیریت همه نوع عامل دشارژ که در درون مانده‌فته می‌باشد مانند خاطرات، توقعات و انتظارات، ایدئال‌ها و آرمان‌ها؛ شکست‌ها، سقوط‌ها و کمبودها.

ترم ششم: ذهن بی‌ذهنی؛ رهایی از قضاوت‌ها و پیش‌داوری‌ها؛ درک مفهوم نظرو رهایی از ذهن و تسلیم و رسیدن به مقام محو.

ترم هفتم: گسترده شدن ذهن به وسعت جهان هستی (فراکل‌نگری) و رهایی از جزئیات و جزئی‌نگری.

ترم هشتم: فلسفه ادیان، اشراق و دریافت الهام و آگاهی، شعور و ضد شعور.

دوره فراپزشکی: تئوری پیوند شعوری و ذهن اشتراکی، اولویت قوانین اکوسیستم، تفکر نرم‌افزاری، هوش ظاهری و هوش باطنی.

دوره سایمتولوژی: اصلاح الگوی خواب، اصلاح نرم‌افزار بنیاد، حلقه اصلاح عادات (ترک اعتیاد).

دوره تکمیلی تشعشع دفاعی: پاک‌سازی از آلودگی‌های شعوری و خروج ویروس‌های ذهنی.

۲. تعداد و اسامی حلقه‌ها

در تشکیلات کیهانی، حلقه‌های زیادی به افراد تفویض می‌شود. طاهری با القاء ترس شدید به افراد از آسیب‌های شعوری و حملات موجودات غیر

ارگانیک و نیز با مرحله و سطح‌بندی حلقه‌ها بر جذابیت تشکیلاتش افزوده است. او به واسطه این مسائل افراد را تا انتهای حلقه‌ها در تشکیلات خود نگه می‌دارد؛ اما حقیقت مطلب آن است که این حلقه‌ها نوعی فریب و نتیجه‌ی القاء ترس به افرادی است که خود را محتاج آن می‌بینند. برای نمونه در حلقه «مثبت دو» افراد را از نفوذ ارواح مردگان به بدن ترسانیده و دستور می‌دهند برای اموات «مثبت دو» را به جای فاتحه انشاء نمایند؛ و یا در حلقه‌ی «پاک‌سازی» افراد را بر آن می‌دارند تا هرروز کابینت‌ها، کمد‌ها و قسمت‌های مختلف منزل را پاک‌سازی نمایند. حلقه‌ها که اساس این تشکیلات به شمار می‌روند در حقیقت نمود اجتماعی و همگانی شدن باوری هستند که طاهری آن را عرفان نامیده است. در دوره مقدماتی به این مطلب پرداخته شد که در حلقه‌ها نه تنها از شهود خبری نیست بلکه طاهری اساساً شهود را تا حد احساس‌های جسمانی تنزل داده است. به هرروی اهمیت این حلقه‌ها تا آنجایی است که:

انجام کارهای موردنظر در چارچوب این عرفان با تشکیل حلقه‌های مختلف تحقق می‌پذیرد.^۱

همچنین سازمان حلقه لیست حلقه‌های خود را به قرار زیر اعلام کرده است:

ترم اول: حلقه فرادرمانی.

ترم دوم: حلقه‌های هم‌فازی کیهانی، اسکن دوگانگی، هم‌فازی کالبدی.

ترم سوم: حلقه کنترل ذهن.

ترم چهارم: حلقه‌های تشعشع مثبت یک، تشعشع مثبت دو، کنترل تشعشع منفی یک، کنترل تشعشع منفی دو، کنترل تشعشع منفی سه،

۱. محمدعلی طاهری؛ عرفان کیهانی؛ صص ۸۲ و ۸۳.

کنترل تشعشع منفی چهار، ترکیه تشعشاتی، قطع ارتباط از شبکه منفی، ترکیه تشعشعاتی.

ترم پنجم: حلقه‌های کنترل دشارژ درونی، تیک‌های شخصیتی، ارتباط وحدت، من معنوی (همزاد)، بارش (شرح صدری)، ارتباط روح جمعی.

ترم ششم: حلقه‌های قونیه یک، ذهن بی ذهنی، شارژیونی و الکترونیکی، قونیه دو، پاک‌سازی چاکراها، هم‌فازی با زمان.

ترم هفتم: حلقه‌های ارتباط گسترده‌ی شارژ شعوری، اعوذ بالله یک و دو، بی‌نام (آگاهی)، آشتی با مرگ، کنترل تشعشع منفی در روح یک و دو و سه و چهار.

ترم هشتم: حلقه‌های ارتباط پیوند، ارتباط قنوت، ارتباط قیام نماز، قیام قنوت، ارتباط تعمید و سلام نماز، مشاهده لایه حفاظت مراسم عبادی، تجربه قرار گرفتن در لا تضادی، ارتباط سجده، حلقه آگاهی، درمان با ذهن اشتراکی، کنترل تشعشع منفی پنج و شش.

دوره تشعشع دفاعی: تشعشع دفاعی راه نزدیک (LEVEL1)، تشعشع مثبت ۲، تشعشع دفاعی تزریقی و تماسی، پاک‌سازی اماکن خصوصی راه نزدیک، تشعشع دفاعی راه دور (LEVEL1)، تشعشع دفاعی (LEVEL2)، کنترل تشعشع منفی یک، تشعشع دفاعی قطع دیداری راه نزدیک، تشعشع دفاعی (LEVEL3)، تشعشع دفاعی قطع دیداری راه...

دوره سایمیتولوژی: اصلاح الگوی خواب، ترک عادت، تشعشع دفاعی (LEVEL5)، اصلاح طبع نرم‌افزاری بنیاد و تشعشع دفاعی (LEVEL6).

دوره فرایزشکی: حلقه‌های شارژ شعوری، شارژیونی و الکترونی، درمان با ذهن اشتراکی.

۳. کتب، جزوات، نشریات و ویژه‌نامه‌ها

تشکیلات حلقه آثار مکتوب فراوان و نیز محصولات صوتی و تصویری بسیاری را در جامعه منتشر کرده است. طاهری می‌گوید:

این جانب ۵۰ عنوان کتاب و ۱۲۰ عنوان مقاله تألیف نموده‌ام که سه عنوان از کتاب‌ها توسط ناشرین، از وزارت ارشاد کسب مجوز شده و چاپ و منتشر شده است و چاپ کتاب چهارم، مصادف با دستگیری من شد.^۱

سه کتاب مورد تأیید او عرفان کیهانی (حلقه)، انسان از منظری دیگر و بینش انسان است. کتاب‌های اصلی به ترتیب انتشار عبارت‌اند از:

عرفان کیهانی (حلقه)؛ اساس‌نامه این تشکیلات است که در دی‌ماه هشتاد و چهار به چاپ رسیده است. این کتاب در هفت نوبت و با شمارگان پنج هزار نسخه در هر چاپ منتشر شده است. در قسمت شناسه‌ی این کتاب عنوان «مهندس» برای محمدعلی طاهری به کار رفته است. نسخه‌ی بدون مقدمه و پاورقی منصوری لاریجانی بر این کتاب نیز تحت عنوان «عرفان حلقه» توسط پیروان این تشکیلات منتشر شده است که بر روی جلد آن عنوان «دکتر» برای مؤلف انتخاب شده است.

انسان از منظری دیگر؛ این کتاب در نُه نوبت و با شمارگان ده هزار نسخه در هر چاپ منتشر شده است. انسان از منظری دیگر توسط طرفداران طاهری به زبان‌های انگلیسی، عربی و... ترجمه شده است.

۱. محمدعلی طاهری: دفاعیات و توضیحات ۹۶؛ ص ۱۱.

بینش انسان؛ این کتاب در سال هشتادونه در زمانی که طاهری در زندان بوده منتشر شده است.

حلقه افسون و افسانه نیست؛ این کتاب را بنیان‌گذار حلقه در دوران حبس و در پاسخ به کتاب «حلقه افسون و افسانه نیست» نگاشته است. وی در دوران محکومیت چند کتاب پراشتباه دیگر نیز به نگارش درآورده است.

سایر کتب بنیان‌گذار حلقه که توسط حامیان وی در ارمنستان به چاپ رسیده‌اند عبارت‌اند از: انسان و معرفت، سایمنتولوژی جلد اول، فرادرمانی و...

همچنین مهم‌ترین ویژه‌نامه‌هایی که عرفان واره حلقه در سال‌های هشتادوهشت و هشتادونه منتشر کرده است عبارت‌اند از:

۱. ویژه‌نامه چند مقاله در فصلنامه فرهنگ آموزش که مقالات منتشرشده در سال هشتادوهشت می‌باشد. ۲. ویژه‌نامه بینش انسان، ماهنامه راه کمال / ضمیمه اردیبهشت هشتادونه. ۳. ویژه‌نامه عرفان از منظری دیگر، ماهنامه راه کمال / ضمیمه خرداد هشتادونه. ۴. ویژه‌نامه از نظاره تا نظر / ضمیمه بهمن هشتادونه / ماهنامه گزارش.

ب. آموزش‌های عملی

آموزش‌های تشکیلات حلقه تنها منحصر در بخش علمی نبوده و در حیطه‌ی عملی هم لازم است اعضاء تجاربی کسب نمایند. نکته حائز اهمیت آن است که این تجارب هیچ‌گونه ارتباطی با درمان‌گر شدن ندارد، چراکه اساساً درمانگری در این تشکیلات باید از سوی مرکزیت به افراد تفویض گردد. در حقیقت این تجارب عملی نوعی ترویج سازمان و گونه‌ای از شگردهای

فرقه‌ای به حساب می‌آید. هرچند عرفان واره حلقه مدعی است که تبلیغی از خود ندارد اما در ادامه دلایلی خواهد آمد که اثبات می‌کند این تشکیلات در حیطه‌ی تبلیغی و ترویجی بسیار فعال است. برخی از مهم‌ترین آموزش‌های عملی عرفان واره حلقه عبارت‌اند از:

۱. اعلام و ارتباط‌ها

اعلام‌ها به صورت روزانه و در ساعات مشخص شده، در انواع فردی و جمعی انجام می‌شود.

۲. ارتباط‌گیری با پایان‌نامه‌ها

اعضای تشکیلات، در پایان برخی از ترم‌ها برنامه‌ای تحت عنوان ارتباط‌گیری با پایان‌نامه‌ها را انجام می‌دهند. در این فرآیند که مصداق بارز خرافات به شمار می‌رود تلاش می‌نمایند در پایان‌نامه‌ها و تصویرمندرچ در آن تا دوران جنینی! خود را مشاهده نموده و یا نور، هاله و... ببینند.

۳. حضور در بیمارستان‌ها و مراکز سالمندان

از جمله مأموریت‌های اعضای تشکیلات حضور در مراکز ذکرشده به جهت درمان بیماران و ترویج آموزه‌های حلقه است.

۴. اجرای فرادرمانی در محافل و مهمانی‌های خانگی

جلسات کوچک و خانوادگی، جشن تولدها و... از مهم‌ترین مکان‌ها برای کار بر روی بیماران است.

۵. حضور در کمپ‌های ترک اعتیاد

در ادامه توضیحات کمپ‌ها خواهد آمد.

۴-۲-۲. دستگاه تبلیغاتی تشکیلات حلقه

دستگاه تبلیغاتی حلقه با ایجاد بسترهای فراوان و اجتماعی در میان همه‌ی اقشار جامعه، دامنه‌ی جذب بالایی داشته است. آنان فعالیت‌های خود را محدود به جلسات و محافل خانگی نکرده و در کمپ‌های ترک اعتیاد و بیمارستان‌ها حضور جدی داشته و با تشکیل مراکز خیریه چهره‌ی خوبی از خود به نمایش کشیده‌اند. ساختار مالی ایجادشده توسط سازمان، درآمدزایی حداکثری برای آنان در پی داشته که سهم بسزایی در تبلیغ عرفان واره حلقه دارد. از سوی دیگر الزام به تبلیغ برای سازمان باعث شده است افراد مختلف و فراوانی جذب این تشکیلات شوند. پس از جذب افراد، محدودیت‌هایی از سوی سازمان برای آنان در نظر گرفته می‌شده است که به هیچ وجه امکان مخالفت با سخنان رهبر تشکیلات را نداشته و یا توان خروج از آن غیرممکن گردد مگر اینکه بنیان‌گذار عرفان واره حلقه آنان را اخراج نماید. برخی از این محدودیت‌ها ترساندن افراد با قطع لایه محافظ و حمله‌ی موجودات غیر ارگانیک یا در معرض تشعشعات منفی قرار گرفتن و... است که از ترفندهای این عرفان واره به شمار می‌رود.

الف: الزام تبلیغات

در دستگاه حلقه، تبلیغ امری ضروری و مهم و یکی از شروط نه‌گانه سازمانی است. آنان از تبلیغ و ترویج حلقه تحت عناوینی همچون «انفاق روزی آسمانی» و «کتمان نکردن یافته‌ها» یاد می‌کنند. در حقیقت فرد پس عضویت در حلقه و طی برخی دوره‌ها باید به صورت عملی به تبلیغ و ترویج حلقه پرداخته تا از گردونه‌ی تشکیلات حذف نگردد. فردی که عضو تشکیلات می‌شود به هیچ وجه نباید آموزه‌ها را کتمان نماید. حتی نتیجه‌گیری اتصالات

در این تشکیلات در رهن تبلیغ و ترویج است و انفاق یک رکن اساسی محسوب می‌شود.

انفاق روزی آسمانی، هم شامل این است که: ۱- فرد آگاهی‌های دریافت کرده را در اختیار دیگران بگذارد ۲- فرد در برقراری ارتباط دیگران با خداوند ایفای نقش کند.^۱
به‌طور خلاصه، انفاق صاحب روزی اتصال و ارتباط با خدا و وحدت او با فرد دیگر، رکن اساسی برقراری اتصال جمعی است.^۲

اهمیت انفاق تا به آنجا افزایش می‌یابد که طاهری در ضمن یک هشدار گفته است:

بنابراین، اولاً بدون انفاق کسی که صاحب روزی آسمانی است، وحدت افراد (به هر تعدادی)، به تنهایی عامل برقراری ارتباط جمعی نخواهد بود. ثانیاً ممکن است کسی از روزی آسمانی اتصال و ارتباط با خدا برخوردار شده باشد؛ اما امکان انفاق آن برای وی فراهم نباشد. در این صورت نیز، وحدت او با دیگران (میل او به انفاق) منجر به اتصال جمعی نخواهد شد.^۳

به هر تقدیر انفاق در مکتب حلقه همان ترویج باورها و آموزه‌های طاهری است. اهمیت انفاق به گونه‌ای در این تشکیلات تعریف می‌شود که فرد در حلقه‌ی اتصال اگر ملزم به رعایت آن نباشد مراحل اتصال به شعور کیهانی

۱. محمد علی طاهری؛ انسان و معرفت؛ ص ۷۶.

۲. همان، ص ۷۷.

۳. همان، ص ۷۶.

هیچ‌گونه ارزشی نخواهد داشت.

به‌هرروی کتمان دریافت‌های ماورائی در تشکیلات حلقه و مسیر سیر و سلوکی آنان به‌هیچ‌وجه مورد قبول نمی‌باشد. چرایی این مسئله از آن روست که نجات در این عرفان‌واره جمعی است. در سوگندنامه‌ای که سازمان حلقه از اعضای خود اخذ می‌کند، افراد بایستی یافته‌های خود را کتمان نکرده تا ارتباط آنان با شبکه‌ی شعور کیهانی و نیز لایه محافظشان از طریق مرکزیت تشکیلات قطع نگردد.

دلایل قطع ارتباط با شبکه شعور کیهانی و لایه محافظ: دانشجویان عزیز، ضمن آرزوی موفقیت روزافزون برای شما، بدین‌وسیله دلایل قطع ارتباط با شبکه شعور کیهانی و لایه محافظ را به اطلاع رسانده تا با دقت نظر کلیه مفاد آن مورد توجه قرار گرفته و از بروز مشکلات احتمالی برای خود و دیگران جلوگیری به عمل آید. لازم به یادآوری است، در مواردی نیز که بنا به صلاح دید شبکه، لایه محافظ و ارتباط قطع نشود، امکان قطع دریافت‌های ماورایی دیگر وجود خواهد داشت. دلایل فوق عبارت است از: ...کتمان یافته‌های خود در این رابطه که باعث پوشیده ماندن عظمت و جلال شبکه شعور کیهانی برای دیگران و ناآگاه ماندن آن‌ها خواهد شد.^۱

تبعات کتمان آموزه‌ها تا آنجایی امتداد می‌یابد که هرگونه شک و تردید، ناسپاسی و انکار آموزه‌ها منجر به بازگشت بیماری افراد می‌گردد. ...این نوع بازگشت زمانی رخ می‌دهد که بیمار به صورت اختیاری

۱. مندرج در سوگندنامه ترم اول.

مرتکب تخلفاتی می‌شود که در آن به‌نوعی نقش شعور کیهانی در درمان، از طرف بیمار نادیده گرفته شده و یا مورد کتمان قرار گرفته است. نمونه‌های بارز این تخلفات، شك و تردید، انکار و ناسپاسی، کتمان و نسبت دادن درمان به جایی غیر از شبکه‌ی شعور کیهانی است. لذا در صورت بروز این تخلفات، احتمال دارد که بیمار پس از این که مدت زمان (T1) را در بهبودی به سر برده است، به ناگاه بیماری برگشت کرده و حال او مانند قبل از درمان شود.^۱

ب: بسترهای جذب افراد

فرقه‌ها به هربهانه و در هر سطح و سن و سالی به دنبال جذب افراد هستند. تشکیلات حلقه نیز این‌گونه است. مهم‌ترین بسترهای جذب افراد در عرفان واره حلقه عبارت‌اند از:

۱. محافل خانگی

محافل خانگی، جلسات خصوصی و تبلیغات چهره به چهره همواره سهم بسزایی در جذب افراد داشته است. عرفان واره حلقه در ابتدا کار خود را از مکان‌های ذکرشده آغاز و رونق داده است.

۲. خیریه‌ها

طاهری پیش از تأسیس موسسه، فعالیت‌های خود را در قالب ایجاد خیریه‌هایی مستحکم نمود. او بخشی از شهریه‌ی اعضای کلاس‌ها را به امر خیریه اختصاص می‌داد. در تهران و کرج مراکز خیریه‌ای به‌منظور ترویج و جذب افراد ایجاد شده بود. سابقه‌ی تأسیس اولین خیریه به سال هشتاد و سه در غرب تهران بازمی‌گردد. مهم‌ترین خیریه‌ای که طاهری به کمک برخی افراد

۱. محمدعلی طاهری؛ انسان از منظری دیگر، ص ۱۴۳.

مؤثر راه‌اندازی کرده است مرکزی به نام «موسسه خیریه بهشت یاس پنهان» و در آبان ماه سال هشتادوشش بوده است. تشکیلات حلقه در آغاز کار خود، هزینه‌های کلاس‌ها را تحت عنوان کمک به خیریه دریافت می‌نمود اما مدتی بعد با گسترش تشکیلات، به صورت علنی تراز لزوم پرداخت شهریه برای کمک به رشد سازمان سخن گفت.

۳. حضور در بیمارستان‌ها

چنانچه پیش‌تر ذکر شد عرفان واره حلقه مدعی درمان همه‌ی افراد است. اعضای این تشکیلات با حضور در بیمارستان‌ها و آزمایش‌اتصالات این تشکیلات بر روی بیماران سعی در جذب آنان دارند. بیماران که جذب این تشکیلات می‌شوند صرفاً به خاطر مقوله درمان نبوده است بلکه فضای عاطفی و تلاش مربیان این تشکیلات و القاء احساس دلسوزی، بیماران را به عرفان واره حلقه خوش بین می‌سازد.

۴. کمپ‌های ترک اعتیاد

کمپ‌های ترک اعتیاد یکی دیگر از مکان‌هایی است که در سال‌های گذشته محل و جولانگاهی برای عرفان‌های کاذب شده است. طاهری نیز از این قافله جا نمانده و در برخی مناطق کشور به‌ویژه در استان اصفهان و بخشی از استان فارس با راه‌اندازی کمپ‌هایی در این عرصه به جذب افراد معتاد می‌پرداخت. کمپ ترک اعتیاد طاهر مهم‌ترین محفل تدریس فرادرمانی در بین این دسته از آسیب دیدگان اجتماعی بوده است که در سال هشتادوهفت ایده آن توسط طاهری مطرح می‌شود و سپس در سال هشتادوهشت در قالب چند کمپ شروع به فعالیت کرده و نهایتاً به تعداد پانزده کمپ افزایش می‌یابد. برخی از مسئولین در رشد کمپ‌های ترک اعتیاد با طاهری

همکاری‌هایی نموده‌اند.

۵. اینترنت و فضای مجازی

تشکیلات حلقه همواره در فضای مجازی حضور جدی داشته است. با پیدایش و گسترش شبکه‌های مجازی همچون تلگرام مصادف با دوران محکومیت طاهری، کلاس‌ها و فعالیت‌های تبلیغی و حتی سیاسی حلقه به صورت جدی در این فضا دنبال می‌شود. مدتی بعد در سال ۹۶ عرفان واره حلقه با تأسیس تلویزیون و شبکه ماهواره‌ای بیست و چهار ساعته اوج تلاش رسانه‌ای خود را به نمایش گذاشت.

۶. تیم‌های ورزشی

یکی دیگر از مکان‌هایی که تشکیلات در آن فعال بوده است گروه‌های ورزشی است. پس از ممنوعیت کلاس‌ها، برخی از مربیان حلقه در قالب تیم‌های کوهنوردی و ورزش‌های دیگر افراد را با آموزه‌های حلقه آشنا می‌کنند.

ج: دلایل جذب افراد

دستگاه ترویجی حلقه با ایجاد یک ساختار مالی با اخذ شهریه و همچنین الزام به تبلیغ برای تشکیلات، در دو دهه‌ی گذشته دامنه‌ی جذب بیشتری نسبت به سایر رقبای فرقه‌ای خود در ایران داشته است. مهم‌ترین دلایل جذب افراد توسط تشکیلات حلقه عبارت‌اند از:

۱. ادعای درمان انواع بیماری‌ها

مهم‌ترین عامل جذب افراد به تشکیلات حلقه، ادعایی تحت عنوان «درمان انواع بیماری» هاست که از سوی مؤسس عرفان واره‌ی کیهانی مطرح می‌شود. درد و بیماری لازمه‌ی دنیای مادی است، همه‌ی انسان‌ها در طول حیات خود، با بیماری‌های سطحی، معمولی یا بغرنج مواجه می‌شوند، این تلاقی

دائمی انسان و بیماری‌ها در ساحت دنیای مادی، بهترین فرصت را برای سوءاستفاده طاهری و مرییان تشکیلات فراهم آورده است. دانش پزشکی، عهده‌دار درمان بیماری‌هاست و تخصص در این شاخه‌ی مهم علمی اولاً نیازمند طیّ مقدماتی است که یک پزشک سالیان درازی عمر خود را در محضرمتمخصصین این دانش، صرف آموختن آن می‌کند و ثانیاً دنیای پزشکی که محور و موضوعی جز «درمان موجود زنده» ندارد با تمام قوای خود و نیز سابقه‌ی کهنی که به درازای تاریخ بشریت دارد و با همه پیشرفت‌هایی که کسب کرده است، هرگز مدعی درمان همه اقسام و انواع بیماری‌ها نشده است؛ اما طاهری به خلاف تواضع موجود در دنیای درمان و پزشکی که معترف به عجز خود در درمان برخی بیماری‌هاست، قاطعانه مدعی است که:

این مکتب درمانی، برای درمان همه‌ی انواع بیماری‌ها می‌تواند مؤثر باشد و درمانگرا اجازه ندارد که نوعی از بیماری‌ها را غیرقابل علاج بداند.^۱

بنابراین مهم‌ترین عاملی که جذب افراد را در پی دارد سوءاستفاده از بیماری آنان است؛ و عرفان‌واره حلقه قادر است در مدت کوتاهی، افراد مدعی طبابت را به‌سوی بیماران فرستاده و سلامت آنان را دستخوش خطر سازد.

۲. ضعف معرفتی مبتلایان

علاقه به دین‌داری، معنویت و عرفان همیشه در کشور ما رونق داشته است. بخش دیگری از افراد جذب‌شده به تشکیلات کیهانی برای دستیابی به

۱. محمدعلی طاهری؛ انسان از منظری دیگر؛ ص ۷۵.

معنویت و عرفان بوده است. هرچند تعداد این افراد از آنانی که برای درمان وارد این تشکیلات می‌شوند و یا به مربیان مراجعه می‌کنند به مراتب کمتر است، اما متأسفانه ضعف معرفتی طالبان معنویت در مورد دین و عرفان فرصتی را در اختیار فرقه‌سازان و مدعیان عرفان قرار می‌دهد.

۳. به دنبال دین انسانی و غیرحقیقی

دسته‌ی دیگری از جذب‌شدگان افرادی هستند که به دنبال یک دین حداقلی می‌باشند. این دسته در واقع پایبند به دستورات شرعی نبوده و به دنبال دینی هستند که منحصر در کلیات اخلاقی بوده و در حقیقت بشری باشد. به همین خاطر است که ترویج اباحه‌گری به جای شریعت به خوبی در مکاتب مدعی معنویت، موضوعیت دارد.

۴. جاذبه‌های ماورائی و کشف و شهود عرفانی

رازآلود بودن، جذابیت شهود و کنج‌کاوی فطری انسان نسبت به عالم غیب، عوامل دیگری هستند که افراد را به سوی مکاتب مدعی معنویت رهسپار می‌کنند. قدرت طلبی، ماجراجویی، خودنمایی و متفاوت بودن در فرقه، ارتباط با جتیان و شیطان‌گرایی، همگی در ورود افراد به تشکیلات حلقه مؤثر بوده است.

۵. فرار از خلأ معنوی ناشی از جهان‌مُدرن

دنایای مدرن با تمام پیشرفت‌های فراوان خود، در مورد معنویت توفیقی نداشته و به بیراهه رفته است. اساساً یکی از شاخصه‌های دنیای مدرن تقابل با امور معنوی و قدسی است. به همین خاطر امروزه در غرب و بسیاری از کشورهای دیگر برای بسیاری از افراد یک خلأ معنوی ایجاد شده است.

۶. تبلیغات گسترده دشمن، ضد تشیع و انقلاب اسلامی

دسته‌ی دیگری به هدف تقابل با اسلام و انقلاب اسلامی وارد این تشکیلات می‌شوند. به هر تقدیر فرقه‌ها خاصیت اپوزیسیونی داشته و عرفان‌واره حلقه در این مورد ثابت نموده که مورد حمایت دشمنان است. برخی دیگر نیز به بهانه‌ی ملیت‌گرایی وارد تشکیلات فرقه‌ای می‌شوند.

۷. ادعاهای علمی

چنانچه در بخش نخست گذشت، یکی از مسائل مهم جدید کلامی عصر ما پرسش از مناسبات علم و دین است. عرفان‌واره حلقه با ارائه‌ی راهکارهایی به سبک خود در این عرصه سعی کرده است مشکل مذکور را چاره‌اندیشی نماید. به همین خاطر بخشی از بدنه‌ی دانشگاهی و فرهنگی کشور به جهت یافتن پاسخی در این مورد، جذب این تشکیلات شده‌اند.

۸. درآمدهای زود حاصل و تحصیل مال نامشروع

برای بسیاری از کسانی که عضویت در تشکیلات حلقه را انتخاب می‌کنند، ساختار خاص تشکیلاتی و مالی آن مدنظر است. به همین علت این جریان از سایر رقبای خود به عنوان یک بنگاه درآمدزایی ممتاز شده است.

۹. پایگاهی برای آسیب خوردگان اجتماعی

کم نیستند افرادی که به علل گوناگون در جامعه‌ی مادی امروز دچار آسیب‌های مختلفی شده‌اند. اساساً انسان‌های آسیب‌دیده در مواجهه‌ی با مشکلات، گرایش بیشتری به سوی معنویت پیدا می‌کنند؛ اما توجه به این نکته‌ی بسیار مهم ضروری است که به دنبال معنویت بودن همیشه مساوی و ملازم با صحت ادعاهای افرادی که بر سر راه ما قرار می‌گیرند نیست. به هر حال بسیاری از آسیب دیدگان خانوادگی و اجتماعی از کمپ‌ها و مراکز

مشابه به عرفان واره حلقه جذب شده‌اند.

۱۰. جذابیت‌های کاذب

در تشکیلات کیهانی افراد حکم یک «تن واحد»^۱ را دارند. این مسئله در کنار ارتباط‌هایی که افراد در حلقه‌ی اتصال به صورت مختلط با نامحرمان برقرار می‌کنند باعث شده است برخی به خاطر چنین جاذبه‌هایی وارد تشکیلات شوند. همچنین افرادی که با نیت صحیح وارد سازمان حلقه می‌شوند پس از مدتی به خاطر آموزه‌های غیر صحیح کلاس‌ها تنزل روحی و عقیدتی می‌یابند.

۱. محمدعلی طاهری؛ انسان از منظری دیگر، ص ۲۲۵ / همو؛ عرفان کیهانی، ص ۱۳۳.

فصل سوم: سازمان از اوج تا افول

۱. گاه‌شمار حیات رهبر سازمان (از ادامه‌ی دهه ششم و دهه هفتم)

در این فصل از کتاب ادامه‌ی دهه ششم و نیز دهه هفتم از حیات طاهری در دو بخش اوج‌گیری سازمان عرفان حلقه و سپس افول آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱. ادامه دهه ششم

۱-۱-۱. دوران اوج تشکیلات

در ششمین دهه از حیات طاهری پس از شکل‌گیری سازمان حلقه و حمایت‌های برخی چهره‌های مطرح از آن و نیز با کادرسازی دقیق و حساب‌شده‌ی او، سازمان به دوران اوج خود می‌رسد. چاپ کتاب انسان از منظری دیگر به عنوان دومین کتاب طاهری در مهرماه ۸۶ بر روند سرعت‌گیری و رشد تشکیلات حلقه مؤثر بوده است. این کتاب مهم‌ترین اثر این سازمان و تلاشی برای شرح علمی اساس‌نامه و اهداف این تشکیلات است. انسان از منظری دیگر در سال ۸۶ در مهر، آبان و بهمن هر بار در ده هزار نسخه و مجموعاً سی هزار نسخه وارد جامعه شده است. در سال ۸۷ نیز در مهر، دی و بهمن هر بار در ده هزار نسخه و مجموعاً سی هزار نسخه انتشار یافته است که در این دو سال یکصد و پنجاه میلیون برای تشکیلات حلقه فروش داشته

است. در سال‌های ۸۸ و ۸۹ هم همین میزان فروش تکرار می‌شود. به هر حال حلقه‌های تدریس طاهری و مربیان گسترش یافته و از محافل خانگی و کلاس‌های درون موسسه و جلسات عمومی به دانشگاه‌ها کشیده می‌شود. ارتباط‌گیری طاهری با برخی افراد دارای نفوذ در دانشگاه و غفلت متولیان فرهنگی، ورود او به این مکان مهم علمی را میسر می‌سازد.

۱-۱-۱. سازمان در دانشگاه‌ها

دامنه آموزش‌های تشکیلات در قالب طب‌های مکمل فرادرمانی و سایمنتولوژی به کمک پزشکیانی که در کمیته‌های سازمان حلقه عضو صاحب نفع بوده‌اند به دانشگاه‌های معتبر کشور کشیده می‌شود. این در حالی است که محمدعلی طاهری هیچ‌گونه مدرک و مجوزی برای طبابت نداشته و در این زمینه فاقد تحصیلات لازم بوده است. وی در سال ۸۷ در دانشگاه تهران دوره‌ی «فراپزشکی» را برگزار و افراد شرکت‌کننده گواهی پایان دوره دریافت کرده‌اند.^۱ یک سال بعد در سال ۸۸ طاهری در دانشگاه علوم پزشکی ایران دوره‌ی سایمنتولوژی را برگزار می‌کند.^۲ او با دفتر آموزش‌های چند دانشگاه دیگر نیز تفاهم‌نامه همکاری علمی امضاء کرده است. در همین دوران کمیته‌ی ترجمه‌ی این تشکیلات اقدام به انتشار کتب و مقالات به زبان‌های دیگر نموده است.

۱-۱-۲. سازمان در رسانه‌ها

حضور در رسانه‌ها از عوامل مهم دیگری است که در اوج‌گیری سازمان حلقه

۱. بالغ بر ۳۵۰۰ نفر در این کلاس‌ها شرکت کرده‌اند.

۲. این کلاس‌ها در دو گروه که هرکدام ۱۱۰۰ نفر بوده‌اند برگزار شده است.

مؤثر بوده است. رسانه‌ها که امروزه در تبلیغات برجسته‌ترین نقش را دارند در پاره‌ای موارد ناخواسته و از روی غفلت و گاهی به صورت مشکوک در ترویج سازمان حلقه نقش آفرینی کرده‌اند. در شانزدهم مهرماه سال ۱۳۸۷ شمسی، طاهری در یک برنامه رادیویی به حافظ‌شناسی می‌پردازد. چند ماه بعد در روزهای ۲۹ و ۳۱ اردیبهشت‌ماه سال ۸۸ در دو برنامه رادیویی در مورد خیام سخن گفته است. در تاریخ ۱۸ آبان ۸۹ درحالی که طاهری در دوران پس از دستگیری اولیه و متعهد بر عدم انجام هرگونه فعالیت سازمانی بوده است، به ناگاه اخبار شبکه چهار سیما از وی به عنوان بنیان‌گذار طب‌های مکمل و دریافت‌کننده دکترای افتخاری از دانشگاه طب مکمل ارمنستان یاد می‌کند. این مسئله نشان می‌دهد که طاهری و سازمان در این دوران مشغول فعالیت بوده‌اند. در ۹ آذر ۸۹ در یک برنامه‌ی تلویزیونی یک مدرس فیزیک از طاهری به عنوان یک استاد برجسته عرفان و عارف معاصر یاد کرده و بخش ابتدایی کتاب انسان از منظری دیگر را تبیین و توضیح داده تا جوانان به عرفان‌گراییش پیدا کنند. همچنین در تاریخ ۲۳ شهریور ۱۳۹۶ درحالی که طاهری دوران محکومیت خود را سپری می‌کرده است یک پزشک روانشناس در برنامه‌ای خانوادگی که از سیمای ملی پخش شده است اتصالات حلقه را معرفی می‌نماید.

مجری در تائید سخنان میهمان برنامه صحبت‌هایی را مطرح می‌کند که دقیقاً منطبق بر مذهب اشتراکی عرفان واره حلقه و بحث روبنایی بودن دین است. نکته‌ی تأمل‌برانگیز آن است که مجری معروف این برنامه مجری برنامه‌ی سال ۸۹ در شبکه‌ی دیگر بوده است. مجری مطرح دیگری در شبکه‌ی آموزش در تاریخ ۱۴ مهر ۱۳۹۳ کتاب انسان از منظری دیگر را به عنوان

یک کتاب عرفانی تبلیغ کرده، بینندگان را توصیه به مطالعه‌ی آن می‌کند. همچنین برنامه‌ی مستندی از یکی از شبکه‌های تلویزیون در مورد کمپ ترک اعتیاد در شهر اصفهان پخش می‌شود که مرتبط با عرفان حلقه بوده است. به‌هرروی صداوسیما در سال‌های بعد در جریان غفلت‌های خود برنامه‌هایی در نقد و بررسی سازمان حلقه ترتیب داده که البته ناکافی است.

۳-۱-۱-۱. آغاز اختلافات داخلی

اختلافات داخلی تشکیلات حلقه از سال ۸۶ در میان رده‌های بالا و مؤسسان اصلی آغاز شده و در سال ۸۷ به اوج خود رسیده است. در تاریخ ۲۹ بهمن سال ۸۷ و مصادف با ماه صفر، مقاله‌ای از طاهری به نام آئینه‌ی عاشورا در یکی از روزنامه‌های کشور به چاپ می‌رسد. بخشی از اختلافات به خاطر اعتراض نسبت به آموزه‌های طاهری بوده است. آنان به مقاله آئینه عاشورا اشکال و انتقاد داشته‌اند. یکی از آنان با طاهری مناظره‌ای برقرار می‌کند که بنیان‌گذار حلقه از پاسخگویی درمانده می‌شود.

برخی دیگر از مسئولین تشکیلات که تعامل بیشتری با طاهری داشته و اعضای خانواده آن‌ها مدیر بخشی از خیریه‌ها بوده‌اند، پس از مدتی متوجه می‌شوند که رفتارهای وی نه تنها عارفانه نیست بلکه در جلسات خصوصی و مهمانی‌هایی با بانوانی که فاقد پوشش شرعی هستند حضور می‌یابد. این مسائل منجر به جدایی خانوادگی و طلاق یکی از سران اصلی سازمان همسرش و در ادامه خروج او از کشور می‌شود. او مطابق با اسنادی که سازمان حلقه منتشر کرده است با طرح شکایت از طاهری این مسئله را پیگیری نموده است. بخش دیگری از اختلافات بر سر مسائل مدیریتی بوده است.

به‌هرحال تعدادی از سران اصلی سازمان برسر مسائل ذکرشده دچار ریزش شده‌اند. چنانچه خواهد آمد دامنه‌ی درگیری‌ها و واکنش‌های طاهری در سال‌های بعد به فضای اینترنت کشیده شده است.

۴-۱-۱-۱. حساسیت نهادهای مسئول

با گسترش اختلافات به بیرون از سازمان، نهادهای مسئول متوجه یک سازمان فرقه‌ای شده که در قالب مؤسسات و شعبه‌هایی مشغول به فعالیت‌های گسترده است. در سال ۸۸ برخی از اساتید دانشگاه و روحانیون با طاهری به گفتگوهایی می‌پردازند.

حجم فراوان منابع حلقه و نوظهور بودن آموزه‌های آن، امکان شناخت سریع و نقدهای دقیق بر آموزه‌های این سازمان را میسر نمی‌سازد. طاهری در این دوران نسبت به دلسوزی منتقدین، مسئولین و برخی اهالی وزارت بهداشت بی‌تفاوتی نشان داده است. دکتر قانع‌ی فوق تخصص ریه، استاد تمام دانشگاه و معاون تحقیقات و فن‌آوری وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی می‌گوید:

من روزهای یکشنبه جلسه‌ای برای پروژه‌های علمی دارم. به ایشان [محمد علی طاهری] هم اعلام کردیم که به دلیل ورود در موضوع بیماری آسم که تخصص بنده نیز در این حوزه است، با هم مذاکره کنیم. دو نفر از سوی ایشان آمدند و گفتند پزشک هستند، از صبح در جلسه حضور داشتند. طرح دیگری مورد بحث بود. نوبت به طرح آن‌ها که رسید و متوجه شدند ما با جدیت این پروژه را بررسی می‌کنیم و به صورت ریز، اطلاعات و نتایج آن را مطالبه می‌کنیم، متأسفانه جلسه

را رها کردند.^۱

دکتر قانع‌ی در نوبت دیگری طاهری را دعوت به گفتگویی نماید (بعد از آزادی نخست) اما وی هیچ‌گاه حاضر به گفتگو نشده است. به هر حال با اینکه در سال ۸۷ شمسی دستور به تعطیلی کلاس‌های حلقه از سوی مسئولین داده شده بود اما طاهری در قالب‌های دیگری به فعالیت خود ادامه می‌داده است. وی به تعطیلی کلاس‌ها در این سال اشاره^۲ اما هیچ‌گاه فعالیت‌های خود را متوقف نکرده است. به هر تقدیر رهبر تشکیلات حلقه در تاریخ ۲۹ فروردین ۱۳۸۹ برای نخستین بار دستگیر و به مدت شصت و شش روز بازداشت می‌شود. نهایتاً پس از طی مدت مذکور، با قید تعهد و وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی آزاد می‌گردد. طاهری چند روز پس از آزادی در تاریخ دهم مرداد ۸۹ برخی کمیته‌ها و کلاس‌های حلقه را با اعلام اطلاعیه‌ای در سایت خود لغو می‌کند؛ اما همچنان به فعالیت‌های درمانی پرداخته و با ادامه‌ی فعالیت‌های برخی از کمیته‌های دیگر به روند تشکیلاتی و حفظ سازمان پایبند بوده است.

۵-۱-۱-۱. تلاش برای حفظ سازمان

طاهری در این دوران که هنوز سازمان در اوج است سعی در فراهم کردن مدارک افتخاری برای خود می‌نماید. تلاش‌ها در قالب انتشار مقالات پی‌درپی در روزنامه‌های مطرح کشور، جمع‌آوری مدارک افتخاری و نیز کشاندن آموزه‌ها توسط اعضای تشکیلات به سطح رسانه‌ها برای حفظ سازمان بوده است.

۱. تارنمای اندیشکده برهان.

۲. رک: محمد علی طاهری؛ دفاعیه سال ۹۳.

۱-۵-۱-۱. انتشار اندیشه‌ها در قالب مقالات

با آغاز درگیری‌های داخلی و علنی و فراگیر شدن آن در سطح مجموعه و بیرون آن و همچنین کنجکاوی برخی از روحانیون نسبت به عقاید طاهری و حساس شدن نهادهای مسئول نسبت به تشکیلات حلقه، طاهری نسبت به مجموعه، احساس خطر کرده و برای حفظ تشکیلات اقدام به انتشار مقالاتی در سطح روزنامه‌ها می‌کند. این مقالات با ذکر عناوینی همچون: «استاد محمدعلی طاهری بنیان‌گذار طب مکمل فرادرمانی و نویسنده کتاب انسان از منظری دیگر» به همراه تصویر او در برخی از روزنامه‌ها بوده است.

وی به‌طور منظم از شهریور ۸۸ تا ۲۵ خرداد ۸۹ مقالاتی را به‌صورت بعضاً تکراری^۱ منتشر نموده که در حقیقت بخشی از مطالب کتاب هایش بوده است. نکته‌ی جالب آن است که طاهری از ۲۹ فروردین ۸۹ تا شصت و شش روز بعد یعنی تا تیرماه همین سال در بازداشت به سر می‌برده است و چهارمقاله از وی و تشکیلات حلقه هنوز منتشر می‌شده است. سازمان حلقه در شهریور و آبان سال ۸۸ در هرماه یک مقاله، در آذر این سال هفت مقاله، در دی ماه پنج مقاله، در بهمن ماه پنج مقاله، در اسفندماه ۸۸ سه مقاله، در فروردین ۸۹ سه مقاله، در اردیبهشت همین سال دو مقاله از طاهری و در خرداد ۸۹ یک مقاله در مورد درمان یک بیمار آسیب‌دیده در روزنامه‌ها منتشر کرده است. سیر انتشار مقالات در این دوران به شرح زیر بوده است.

در رواق رمضان؛ ۱۸ و ۱۹ شهریور ۸۸ / دورنمای طب مکمل و جایگزین؛ ۲۶ آبان ۸۸ / فرادرمانی طب مکمل ایران؛ ۳ آذر ۸۸ / معراج حج؛ ۵ آذر ۸۸ / حج سکوی پرتاب انسان به سوی

۱. مقاله معراج حج را در ۵ آذر ۸۸ در دو روزنامه همشهری و ابتکار منتشر می‌کند.

بخش دوم: سازمان عرفان واره‌ی حلقه | ۱۳۵

بی‌نهایت؛ ۹ آذر ۸۸ / فرادرمانی طب مکمل ایران؛ ۱۰ آذر ۸۸ /
عرفان و درمان؛ ۱۷ آذر ۸۸ / مغزو افسردگی از دیدگاه فرادرمانی؛
۲۴ آذر ۸۸ / کالبد‌های مختلف وجود انسان؛ ۱ دی ۸۸ /
ناخودآگاه انسان از منظری دیگر؛ ۸ دی ۸۸ / خدای عشق و عشق
رسالت؛ ۱۰ دی ۸۸ / اخلاق و عرفان؛ ۲۲ دی ۸۸ / ظلم در بستر
ظلم؛ ۲۹ دی ۸۸ / عصر ظهور و بحران تشخیص؛ ۶ بهمن ۸۸ /
نقش بینش در زندگی انسان؛ ۱۳ بهمن ۸۸ / درآینه هستی؛ ۲۰
بهمن ۸۸ / در مسیر کمال؛ ۲۸ بهمن ۸۸ / مطلق بینی و نسبی
نگری؛ ۴ اسفند ۸۸ / انسان صالح کیست؛ ۱۱ اسفند ۸۸ / همراه با
زمانه و زمان؛ ۱۸ بهمن ۸۸ / نظم و بی‌نظمی؛ ۲۵ اسفند ۸۸ / نظام
بی‌سکون هستی؛ ۱۷ فروردین ۸۹ / حرکت و تعادل در بستر تضاد؛
۲۴ فروردین ۸۹ / جایگاه عرفان؛ ۳۱ فروردین ۸۹ / حرکت عرفانی؛
۷ اردیبهشت ۸۹ / ویژگی‌های حرکت عرفانی؛ ۱۴ اردیبهشت ۸۹
/ فرادرمانی راهی برای درمان (مصاحبه با بیمار)؛ ۲۵ خرداد ۸۹.

۲-۵-۱-۱-۱. تهیه مدارک افتخاری

ظاهری چند ماه پس از آزادی به‌طور مشکوک و البته در اندک زمانی، چند
دکترای افتخاری و جوایز متعدد از برخی مراکز کمتر شناخته‌شده و حتی
اساساً بی‌ارتباط با عرفان و درمان از خارج کشور دریافت می‌کند. برای نمونه
ایشان در روزهای ۱۷ و ۱۹ آبان ماه سال ۸۹ از آکادمی بین‌المللی اکوانرژی
آذربایجان در دورشته‌ی طب مکمل و عرفان دو دکترای افتخاری دریافت
می‌کند. اینکه چه ارتباطی میان انرژی‌ها و سوخت‌های این چنینی با طب و
عرفان وجود دارد مسئله‌ای است که گمانه‌ی سفرشی و خریداری شدن این

دکتراهای افتخاری را تقویت می‌نماید. همچنین طاهری در تاریخ ۲۷ مهرماه سال ۸۹ از دانشگاه طب سنتی ارمنستان مدرک دکترای افتخاری دریافت کرده است. این مدرک مدتی بعد توسط دانشگاه مذکور باطل شده است. همچنین طاهری در یک روز یعنی سی‌ام آبان ۸۹ از سه مرکز خارجی در سه کشور روسیه، رومانی و بلژیک جوایزی در زمینه‌ی اختراعات و نوآوری‌ها دریافت می‌نماید که بابت طب‌های فرادرمانی و سایمنتولوژی بوده است! این مدارک تلاشی از سوی تشکیلات حلقه برای نخبه قلمداد کردن طاهری بوده است.

۱-۱-۱-۶. ادامه‌ی ریزش‌ها

در مهرماه ۸۹ منصوری لاریجانی از تشکیلات حلقه تا حدودی فاصله گرفته و از حضور در جلسات آنان خودداری می‌کند. لاریجانی در آبان ۸۹ از بنیان‌گذار حلقه می‌خواهد که مقدمه‌ای که بر کتاب جدید او یعنی انسان و معرفت نگاشته است را حذف نماید. طاهری در سی‌ام آبان با انتشار نامه‌ای به درخواست لاریجانی پاسخ می‌دهد. در آذرماه ۸۹ گروهی از جداشدگان حلقه فعالیت‌هایی را در فضای اینترنت در راستای روشننگری پیرامون واقعیت‌های این تشکیلات آغاز کرده و فایل‌های صوتی و بخشی از انحرافات را در حد توان و دانش خود منتشر می‌سازند. چند روز بعد طاهری به این اقدامات واکنش نشان داده اما هیچ‌گاه در جهت پاسخگویی علمی اقدامی نکرده و از این بابت ناتوان بوده است. وی به طرفدارانش هشدار می‌دهد که از بحث با این افراد در فضای اینترنت خودداری نمایند. در اسفندماه سال ۸۹ بالاخره منصوری لاریجانی از این تشکیلات اعلام برائت می‌کند. در این دوران هرچند اختلافات داخلی آغاز شده بود اما هنوز دوران افول حلقه آغاز

بخش دوم: سازمان عرفان واره‌ی حلقه | ۱۳۷

نشده و این تشکیلات باز هم به صورت جدی به جذب افراد و تأثیرگذاری مشغول بوده است.

۱-۱-۲. دوران افول تشکیلات

افول تشکیلات حلقه پس از دستگیری و محکومیت بنیان‌گذار آن و نیز اختلافات درونی سازمان آغاز شده است. هرچند این سازمان چنانچه خواهد آمد کاملاً سیاسی شده است و از حمایت ظاهری دشمنان اسلام و ضدانقلاب بهره می‌برد اما کماکان به حیات خود با افول پس از اوج ادامه می‌دهد.

۱-۲-۱. دستگیری و محکومیت

محمدعلی طاهری به یک باره دستگیر و زندانی نشده است. چنانچه پیش از این گذشت او مرتبه نخست در ۲۹ فروردین ۱۳۸۹ دستگیر و به مدت شصت و شش روز بازداشت می‌شود. نهایتاً پس از طی مدت مذکور، با قید تعهد و وثیقه یک صد میلیون تومانی آزاد می‌گردد. طاهری مدتی بعد در ۲۹ تیرماه ۱۳۸۹ در تارنمای شخصی خود در اطلاعیه‌ای تعطیلی کلاس‌ها و ممنوعیت برگزاری هرگونه فعالیت تشکیلاتی را اعلام می‌کند:

از تاریخ ۸۹/۵/۱۰ برگزاری کلیه کلاس‌های عرفان کیهانی در کلیه نقاط ایران از سوی مربیان این مجموعه ممنوع است و هرگونه تخلف در این خصوص، هیچ‌گونه ارتباطی به این جانب نخواهد داشت.

اما مجدداً به روش خود ادامه داده و چنانچه گفته شد سعی در فراهم کردن مدارک افتخاری می‌نماید. حدوداً یک سال بعد با متعهد نبودن به قوانین در تاریخ ۲۳ فروردین ۱۳۹۰ طاهری به مدت بیست و چهار ساعت بازداشت

می‌شود؛ اما پس از این باز هم به تعهدات خود پایبند نمی‌ماند. بیست و دو روز بعد در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۰ برای بار سوم بازداشت می‌شود و تا فروردین ۹۸ در زندان بوده است. روسای برخی کمیته‌ها نیز در مرتبه سوم همراه طاهری دستگیر شده‌اند. در هشتم آذر ۱۳۹۰ رأی دادگاه بدوی در مورد وی تحمل پنج سال حبس، نه میلیارد و شصت میلیون ریال جریمه نقدی و ابطال پروانه مؤسسه عرفان کیهانی و چاپ و نشر کتاب‌ها بوده است.

۲-۱-۱. اختلافات درونی تشکیلات

پس از دستگیری طاهری یکی از مربیان اصلی و از اعضای کمیته عرفان سازمان به نام شهناز نیرومنش از سال ۹۰ شمسی در کشور آمریکا مقیم شده و در حمایت از طاهری کمپین‌های بین‌المللی تشکیل داده و به راینزی با مقامات و سازمان‌های حقوق بشری و نیز انجام مصاحبه‌هایی مشغول می‌شود. یک سال بعد در سال ۹۱ تشکیلاتی به نام مرکز اینتریونیورسالیزم راه‌اندازی کرده و مسئولیت آن را بر عهده می‌گیرد.

او این مرکز را محلی برای پژوهش و گسترش آثار و افکار استاد خود محمدعلی طاهری معرفی می‌کند اما سایر مربیان و اعضای حلقه با وی به مخالفت برمی‌خیزند. مدتی بعد نیرومنش مدعی می‌شود که طاهری در زندان از دنیا رفته است. او اسناد ضعیف و غیرقابل قبولی را مبنی بر مرگ وی منتشر ساخته^۱ و اقدام به تفویض حلقه‌های جدیدی می‌نماید. او در حقیقت خود را جانشین طاهری اعلام می‌کند تا اولین تجزیه و اغتشاش درون فرقه‌ای حلقه آغاز شود.

۱. در سال ۹۷ شمسی اعلام کرد که در مورد مرگ طاهری اشتباه کرده است و او زنده است.

طاهری با توجه به درگیری‌های درون‌سازمانی در سال ۸۸ و همچنین احساس پابند نبودن برخی مربیان تشکیلات بارها به آن‌ها هشدار داده بود که نباید مطلبی برآموزه‌ها اضافه نمایند. او هرگونه دخل و تصرف در آموزه‌ها را بدعت تلقی کرده بود. در حقیقت طاهری از شاگردانش نوعی سرسپردگی مطلق را طلب می‌کند.

ممکن است کسانی بخواهند با اضافه کردن تشریفات، اداها، جملات، تعاریف کلی و جزئی و یا با اعلام این که، یک یا چند بند از اصول فرادرمانی را قبول ندارند، برای خود ایجاد شاخه و روش کنند؛ اما با برداشتن و حذف تعریف‌های آنان و یا کم کردن الحاقات آن‌ها به خوبی مشاهده می‌کنیم که کماکان فرادرمانی انجام می‌شود و با وجود تغییرات واردشده، اصل موضوع همچنان ثابت است، لذا این آزمایش بهترین روش آشکارسازی شیوه‌ی متقلبین و بدعت‌گذاران و افراد فرصت طلب است که برای همیشه مدیون باقی‌مانده و عمل آن‌ها به عنوان خیانت درامانت همواره چهره‌ی زشت خود را نشان خواهد داد (صرف نظرا از عواقب آسمانی).^۱

همچنین در کتاب عرفان کیهانی گفته است:

اصل: نظربه این که شعور الهی نیاز به هیچ مکملی ندارد، لذا چیزی تحت هر نام و عنوان، قابل اضافه کردن به آن نبوده و این موضوع به راحتی قابل اثبات می‌باشد؛ چراکه با حذف عامل اضافه‌شده، مشاهده می‌شود که حلقه‌ی وحدت همچنان عمل می‌نماید و این خود رسواکننده‌ی

۱. محمدعلی طاهری؛ انسان از منظری دیگر، ص ۷۸.

بدعت‌گذاران و متقلبان خواهد بود، که در دل این رابطه برای تشخیص حق از باطل وجود دارد. در این رابطه، هیچ‌گونه بدعتی پذیرفته نیست و فقط نشان‌دهنده‌ی میل فرد به خودنمایی و مطرح نمودن خود می‌باشد.^۱

درگیری‌های درونی سازمان در زمان محکومیت طاهری ادامه یافته و هرکدام از مربیان اصلی بر آموزه‌ها مطالبی افزوده و یا می‌کاهند. دامنه درگیری‌ها وسعت یافته و منجر به ترور یاران سابق و اهانت به منتقدین می‌شود. در سال ۹۳ یکی از اعضای سابق تشکیلات به صورت ناقص ترور می‌شود اما جان سالم به درمی‌برد. در سال ۹۴ فرد دیگری که در ارمنستان مدتی حامی طاهری بوده و در کسب مدارک افتخاری به او کمک کرد نیز هدف ترور قرار می‌گیرد.

۳-۲-۱. سیاسی شدن تشکیلات

پس از دستگیری طاهری، نیروموش اولین اقدامات را در جلب توجه نهادهای حقوق بشری انجام داده است. شبکه‌های ضدانقلاب در ادامه سعی در حمایت از طاهری داشتند اما هیچ‌گاه آموزه‌ها و روش‌های درمانی وی را تأیید نکرده و تنها سعی در حمایت سیاسی از او داشته‌اند. حمایت‌های این شبکه‌ها در به خیابان کشاندن اعضای سازمان حلقه و ایجاد اغتشاشات بسیار تأثیرگذار بوده است.

دهه هفتم

دهه‌ی هفتم از حیات طاهری که از سال ۹۵ آغاز می‌شود دورانی است که وی در محکومیت به سر می‌برده است. در این برهه فعالیت‌های مربیان

۱. محمدعلی طاهری؛ انسان از منظری دیگر، ص ۱۲۹.

حلقه به صورت پنهانی و بیشتر در فضای مجازی دنبال می‌شده است. خانواده طاهری در خارج از کشور هر هفته تجمعاتی در حمایت از او انجام می‌داده‌اند. مادر وی در اواخر سال ۹۵ در کانادا از دنیا رفته است. بنیان‌گذار حلقه در دوران محکومیت خود در این دهه سعی زیادی در بازسازی تشکیلات حلقه می‌کند. وی با نگارش کتب و دفاعیاتی از خود مرحله بازسازی و اسلامی‌سازی حلقه و انکار برخی آموزه‌های سابق را دنبال می‌کرده است. نهایتاً وی آزاد و از کشور خارج شده است. اکنون مهم‌ترین رویدادهای دهه هفتم را مرور می‌نماییم.

۱. بازسازی و اسلامی‌سازی تشکیلات

طاهری و مربیان تشکیلات حلقه در هفتمین دهه از حیات او سعی در بازسازی و اسلامی‌سازی آموزه‌ها و تعالیم عرفان‌واره حلقه می‌کنند. طاهری ابتدا برخی کتب و همه‌ی جزوات که متن کلاس‌های برگزارشده‌ی او بوده است را انکار می‌کند. کتاب انسان و معرفت که دارای انحرافات بسیاری است از سوی او مورد انکار واقع می‌شود. در مرحله‌ی بعد وی ادعای تحریف شدن برخی آثار خود را مطرح می‌سازد. او مدعی می‌شود هیچ‌گاه شعور کیهانی را صرفاً جبرئیل ندانسته است. همچنین او با نگارش کتب و دفاعیه‌هایی در زندان تلاشی در جهت اسلامی‌سازی آموزه‌ها داشته است.

۱-۱. انکار باورها

در ادامه به طور خلاصه یکی از مواردی که طاهری مدعی تحریف شدن آن است را اشاره می‌نماییم.

۱-۱-۱. انکار یکسان‌انگاری شعور کیهانی با فرشته وحی

الف: توصیف

محمد علی طاهری در دفاعیه‌ی خود در سال ۹۶ مدعی است «شعور کیهانی» مترادف با روح القدس یا جبرئیل علیه السلام نمی‌باشد. این در حالی است که تا پیش از دستگیری وی در همه‌ی منابع آموزشی حلقه مکرراً شعور کیهانی را همان جبرئیل یا روح القدس دانسته است. بررسی ماهیت و چیستی شعور کیهانی مجال دیگری می‌طلبد. در اینجا فقط اشاراتی بر تدلیس طاهری در بازپس‌گیری و انکار عقایدش خواهیم داشت. شعور کیهانی که مهم‌ترین واژه در عرفان‌واره حلقه است در سال ۹۶ و در دفاعیه طاهری این‌گونه مورد انکار واقع شده است:

شبکه شعور کیهانی، روح القدس نیست و تعریف آن طبق (اصل - ۵: ص ۶۰) کتاب «کتاب عرفان حلقه» عبارت است از [چون هر حرکتی نیاز به محرک و عامل جهت دهنده دارد، لذا این عامل حاکم بر جهان هستی، آگاهی، یا هوشمندی حاکم بر جهان هستی می‌باشد که آن را «شبکه شعور کیهانی» می‌نامیم...]. این شبکه عاملی ناشناخته بوده و مجموعه بی‌نهایت از کارگزاران الهی بوده و بر حسب حکمت الهی، در هرجایی که لازم باشد، مأموریت الهی خود را انجام داده و نقش محوله را ایفا می‌کند؛ اما هرگز منظور از شبکه شعور کیهانی، صرفاً «روح القدس» نبوده است؛ زیرا در این صورت نیازی به نام‌گذاری قراردادی «شبکه شعور کیهانی» نبود و مستقیماً گفته می‌شد: «روح القدس»، نامی که برای همگان نیز شناخته شده است؛ بنابراین در هر کجا از تألیفات

بخش دوم: سازمانِ عرفان واره‌ی حلقه | ۱۴۳

این جانب به جای شعور کیهانی از اسماء دیگری مانند «روح‌القدس»، «جبرئیل» استفاده شده، به طور قطع تغییر در متون و اشکال بوده است و جعل محسوب می‌شود.^۱

ب: ارزیابی

یکم: چرایی انکار

انکار طاهری از آن روست که وی در معرض اشکالات متعددی قرار گرفته است. ایراداتی از قبیل چگونه ممکن است آن گونه که سازمان حلقه مدعی است غیر پیامبران یعنی طاهری و مریان حلقه بتوانند با روح‌القدس ارتباط برقرار نمایند؟ چگونه ممکن است عضو سوم حلقه‌ی اتصال جبرئیل علیه السلام باشد؟ چگونه می‌شود بدون پابندی به دین و ایمان به روح‌القدس متصل و فیض الهی را از او دریافت نمود؟ آیا این ادعا نوعی دریافت وحی و ارتباط با فرشته‌ی وحی نیست؟

اما بنیان‌گذار حلقه به جای پاسخگویی صحیح و پذیرش آنچه به غلط در میان عموم مردم منتشر نموده مدعی است که آثارش دستخوش تحریف شده است:

در کتاب دستکاری شده، جای «شبکه شعور کیهانی» با «روح‌القدس» را عوض کرده تا بتوانند آن را با معادلش یعنی "جبرئیل" مرتبط نموده و سوءنیت خود را مبنی بر چسباندن ادعای وحی و این قبیل خباثت‌های تاریخی را پیاده کنند...^۲

۱. محمدعلی طاهری؛ دفاعیات و توضیحات ۹۶؛ صص ۱۳ و ۱۴.

۲. محمدعلی طاهری؛ دفاعیات و توضیحات ۹۶؛ ص ۱۳.

دوم: عدم تحریف منابع حلقه

هیچ کدام از منابع تشکیلات حلقه مورد دست کاری قرار نگرفته است. چراکه اولاً امکان این مسئله به دلایلی که خواهد آمد وجود ندارد و ثانیاً کتب، جزوات آموزشی، ویدئوها و صوت‌ها قبل از دستگیری (حداقل چهار سال از تأسیس موسسه تا دستگیری وی) در اختیار شاگردان او بوده و مکرر تجدید چاپ و در اینترنت منتشر شده است و امروزه با گسترش رسانه‌های ارتباطی به هیچ وجه امکان تحریف در چنین حجم وسیعی امکان پذیر نیست.

سوم: نگاهی به آثار مورد تائید طاهری

طاهری سه کتاب اصلی و مورد تائید خود را معرفی کرده است. در همه‌ی این کتاب‌ها، شعور کیهانی همان فرشته‌ی وحی معرفی شده است. او در اساس نامه سازمان حلقه که همان کتاب عرفان کیهانی^۱ است صریحاً گفته است:

اصل: هنگامی که انسان درخواستی داشته باشد، مستقیماً از خدا درخواست می کند (فَاسْتَقِیْمُوا إِلَیْهِ)، ولی جواب درخواست او از طریق شبکه‌ی شعور کیهانی (یدالله، روح القدس، جبرئیل و...) پاسخ داده خواهد شد.^۲

در همین کتاب اشاره می‌کند:

اصل: فیض حلقه‌ی وحدت از برکت نزدیکی و وحدت حداقل دو نفر ایجاد می شود و هرکجا حداقل دو نفر در حلقه‌ی جمع باشند، عضو

۱. انتشارات اندیشه ماندگار، چاپ هفتم، مهر ۸۸. تاریخ چاپ کتاب به خوبی نشان می‌دهد که پیش از دستگیری طاهری است.

۲. محمدعلی طاهری: عرفان کیهانی (حلقه)؛ صص ۸۶ و ۸۷.

سوم روح القدس (شبکه شعور کیهانی) و عضو چهارم آن خداوند است.^۱

انسان از منظری دیگر جزء کتبی است که طاهری آن را نوشته‌ی خود می‌داند. به خلاف آنچه در دوران بازسازی حلقه ادعا می‌کند، پیش‌ازاین در کتاب مذکور به‌وضوح اشاره کرده است که عضو سوم اتصال جمعی (حلقه وحدت جمعی) همان روح القدس، جبرئیل، روح الامین یا شبکه‌ی شعور کیهانی است. وی گفته است:

فرادرمانی که یکی از شاخه‌های عرفان کیهانی (حلقه) می‌باشد، از حلقه‌هایی است که در محدوده‌ی رحمانیت عام الهی، تسهیلاتی را در اختیار ما قرار می‌دهد و تنها شرط تحقق آن، آمادگی برای ایجاد وحدت است، وحدت حداقل با يك نفر دیگر تا پس‌از آن عضو سوم که روح القدس یا روح الامین یا... بوده، حلقه را تکمیل کرده و با تکمیل حلقه، عضو چهارم آن که خداوند است نیز، فیض خود را به واسطه‌ی روح القدس جاری نماید.^۲

در جای دیگری اشاره کرده است:

فیض حلقه‌ی وحدت از برکت نزدیکی و وحدت حداقل دو نفر ایجاد شده و هرکجا حداقل دو نفر در حلقه جمع باشند، عضو سوم روح القدس و عضو چهارم آن خداوند است.^۳

با بررسی سایر کتب این سازمان به‌سادگی درمی‌یابیم که شبکه‌ی شعور

۱. همان، ص ۸۴.

۲. محمد علی طاهری؛ انسان از منظری دیگر، ص ۱۷.

۳. همان، ص ۹۲.

کیهانی همان روح القدس و یا جبرئیل است. برای نمونه در کتاب انسان و معرفت آمده است:

در این جهان دوقطبی، سرمنشأ تدبیر امور، ملکی است که با به عهده داشتن نقش اول، سه دسته‌ی دیگر را اداره می‌کند. این ملک که مجموعه‌ی هوشمندی حاکم بر جهان هستی (ابر آگاهی) است، در این جهان دوقطبی، به صورت دو هوشمندی مثبت و منفی نمایان می‌شود. هوشمندی حاکم بر جهان هستی (هوشمندی الهی) که در مجموعه‌ی بی‌کران جهان دوقطبی، نقش جاری کردن فیض الهی برای انسان را به عهده دارد، «روح القدس» نیز نام می‌گیرد. این کارگزار، موجب جریان فیض رحمانی در هراتصال می‌شود و آن (اتصال) را به نتیجه می‌رساند. به این ترتیب، انسان در همه‌ی تحولات عرفانی، دریافت همه‌ی الهامات و آگاهی‌های تعالی بخش و ادراکات رحمانی، از نعمت وجود این ملک برخوردار است و به عبارتی، در همه‌ی تجارب عرفانی که حاصل از ارتباط با خداوند است، از حضور و نقش هوشمندی الهی بهره‌مند می‌شود.^۱

در جای دیگری در همین کتاب به صراحت گفته است:

اساس حرکت عرفانی، اتصال و ارتباط با خداوند است. این ارتباط برپله‌ی عشق تحقق می‌یابد و به همین دلیل، نمی‌توان کیفیت آن را تعریف کرد و فقط به همین اندازه می‌توان در معرفی آن سخن گفت که این اتصال در برقراری آن نقش دارد؛

۱. محمد علی طاهری؛ انسان و معرفت، ص ۸۷.

اما کیفیت نتیجه‌ی آن چندان قابل پیش‌بینی نیست. خداوند، بر مبنای رحمت خود و از طریق روح‌القدس، فرد متصل را از نتیجه‌ی اتصال با خود بهره‌مند می‌سازد.^۱

۲-۱. تحریف سخن بزرگان به نفع خود

الف: توصیف

از دیگرویشگی‌ها و ابعاد شخصیتی بنیان‌گذار سازمان شبه عرفانی حلقه تحریف سخنان بزرگان و نقل قول‌های ناقص و گزینشی، به منظور اثبات عقاید خود است. استاد علامه جوادی یکی از بزرگانی است که طاهری کتاب توحید در قرآن ایشان را ابزاری برای اثبات عقاید خود قرار داده است. همچنین اعضای این سازمان در پاره‌ای موارد سخنان استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری رحمته‌الله را تقطیع و در جهت منافع سازمانی خود به کار برده‌اند.^۲ بنیان‌گذار حلقه به منظور دفاع از آنچه تحت عنوان «بی‌نامی» مطرح نموده است دست به تحریف آثار برخی از بزرگان زده است.

توضیحات در رابطه با عقیده بی‌نامی در بخش‌های دیگر کتاب آمده است اما به صورت اجمالی می‌توان گفت که در تشکیلات حلقه در مورد وصف خداوند عقیده بر آن است که انسان‌ها به هیچ طریقی قادر به شناخت خداوند متعال از طریق اسماء و صفات او نبوده و حق هیچ‌گونه توصیفی از او را ندارند. به هر روی طاهری برای دفاع از چنین باوری دست به تحریف آثار آیت‌الله جوادی آملی زده است.

۱. همان، ص ۷۲.

۲. رک: بخش مبانی فکری در قسمت توحید صفاتی.

در اینجا تنها به یکی از تحریف‌هایی که وی انجام داده است اشاره می‌نماییم. وی عبارت زیر را به علامه جوادی نسبت داده است.

ادعای کسی که می‌گوید، خدا را با صفاتش شناخته، باطل است؛ زیرا این ادعا مستلزم تشبیه است.^۱

ب: ارزیابی

یکم: مغالطه نقل قول ناقص^۲

طاهری به صورت عامدانه مرتکب مغالطه نقل قول ناقص شده است. «گاهی شخص نقل قول کننده دارای گرایش‌های شخصی و اهداف خاصی است که برای رسیدن به آن‌ها، گفتار دیگران را وسیله و ابزار قرار می‌دهد و آن را نقل می‌کند... اگر شخص ناقل از سخنان مرجع مورد استناد خود، عباراتی را برگزیند که محتوای آن‌ها مغایر با نظرات اصلی و واقعی آن مرجع باشد، مرتکب مغالطه‌ی نقل قول ناقص شده است. چند چیز اهمیت و شیوع ارتکاب مغالطه‌ی نقل قول ناقص را تشدید می‌کند: یکی اینکه مرجعی که به سخن او استناد می‌شود از اعتبار زیادی برخوردار باشد و مخاطبان نسبت به آرای او خضوع داشته باشند».^۳

دوم: تقطیع و انتساب نادرست

سخن مورد استناد طاهری عبارت علامه جوادی نبوده، بلکه سخن قاضی سعید قمی رحمته‌الله است که با تقطیع عبارات پیش از آن، به علامه جوادی

۱. محمد علی طاهری؛ *دفاعیات و توضیحات* ۹۶؛ ص ۲۹.

2. Incomplete quotation.

۳. علی اصغر خندان؛ *مغالطات*، صص ۹۴ و ۹۵.

نسبت داده شده است. اصل مطلب در کتاب توحید در قرآن این گونه است:

شارح کتاب توحید صدوق، مرحوم قاضی سعید قمی می‌فرماید: این مطلب نتیجه رجوع صفات ثبوتی به سلب نقایص است؛ چون ادعای کسی که می‌گوید، خدا را با صفاتش شناخته، باطل است؛ زیرا این ادعا مستلزم تشبیه است و اگر صفات خدا به سلب نقص برنگردد، مانند آن در ممکنات نیز وجود دارد و این منافی با توحید است.^۱

سوم: جمع میان تشبیه و تنزیه، دیدگاه علامه جوادی

آیت‌الله جوادی آملی به مثابه ابن عربی رحمه الله، صدرالمتهلین شیرازی رحمه الله، امام خمینی رحمه الله و بسیاری دیگر از عارفان الهی پیرامون شناخت خداوند قائل به دیدگاهی است که از آن به «جمع بین تشبیه و تنزیه» تعبیر می‌شود. ناگفته پیداست که دیدگاه تنزیهی افراطی که طاهری در تشکیلات حلقه ترویج کرده است حتی با الهیات سلبی مرحوم قاضی سعید قمی رحمه الله نیز مخالفت می‌ورزد.

چنانچه براهل دانش پوشیده نیست آیت‌الله جوادی آملی در جاهای مختلفی از آثار خود «جمع بین تشبیه و تنزیه» را دیدگاه حق در رابطه با توصیف خداوند معرفی نموده است.

اجمالاً مسلک افراطی تشبیه و نهج تفریطی تنزیه صرف و مطرود بودن هر دو گفته شد. حد وسط این دو، یعنی جمع بین تشبیه و تنزیه، مذهب طایفه امامیه است. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «لِلنَّاسِ فِي التَّوْحِيدِ ثَلَاثَةٌ مَذَاهِبٌ: نَفْيٌ وَتَشْبِيهٌ وَإِثْبَاتٌ بَغَيْرِ تَشْبِيهِ؛ فَمَذْهَبُ النَّفْيِ لَا يَجُوزُ وَمَذْهَبُ التَّشْبِيهِ لَا يَجُوزُ؛ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا يَشْبَهُ شَيْءٌ وَالسَّبِيلُ فِي الطَّرِيقَةِ

۱. عبدالله جوادی آملی؛ توحید در قرآن، صص ۲۵۴ و ۲۵۵.

الثالثة إثبات بلا تشبيه^۱؛ مردم در توحید سه گروه‌اند: تعطیل، تشبیه و اثبات اوصاف بدون تشبیه؛ مذهب تعطیل و تشبیه هر دو نارواست و در رد مذهب تشبیه می‌فرماید: زیرا خداوند به هیچ چیز نمی‌ماند، راه حق همان مذهب سوم است؛ یعنی اثبات صفات بدون تشبیه.^۲

۲. درگیری با وکلا و عزل آنان

در ادامه محمدعلی طاهری با برخی از وکلای اصلی خود درگیر و آنان را عزل کرده است. چرایی این اقدام به درستی روشن نیست اما نامه عزل یکی از وکلا حاکی از بروز اختلاف‌هایی میان آن‌هاست.

۳. آزادی و خروج از کشور

در تاریخ دوم اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ محمدعلی طاهری از زندان آزاد و دوران محکومیت وی به پایان رسیده است. او چند ماه بعد از کشور خارج شده و در کانادا به زندگی خود و اداره‌ی تشکیلات با رویکردی جدید اقدام نموده است.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی؛ توحید، ص ۱۰۷.

۲. عبدالله جوادی آملی؛ توحید در قرآن، صص ۴۲ و ۴۳.

بخش سوم: مبانی فکری عرفان واردهی حلقه

- فصل اول: خداشناسی
- فصل دوم: راهنماشناسی
- فصل سوم: فرجام شناسی

فصل اول: خداشناسی

آنچه در این فصل از کتاب بیان گشته، مطالبی اجمالی پیرامون توحید ذاتی و صفاتی در تشکیلات حلقه است. در عرفان واره کیهانی در همه اقسام توحید انحرافات مهمی وجود دارد که جلد سوم این اثر به صورت کامل تر در رابطه با توحید و مراتب مختلف آن مطالبی ذکر شده است.

۱. اهمیت توحید

خداشناسی و توحید اساس ادیان الهی و مهم ترین شاخصه برای سنجش ادعاهای مدعیان معنویت است. به گونه ای که همه ی آموزه های دیگران ها را با محوریت باورهای توحیدی شان باید مورد بررسی قرار داد. باری اهمیت توحید به قدری است که دعوت همه ی پیامبران الهی به معرفت و پرستش خداوند بوده است.

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ؛
ما پیش از توهیج پیامبری را نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که:
«معبودی جز من نیست؛ پس تنها مرا پرستش کنید».^۱

همچنین معرفت به خداوند، از دیدگاه ائمه معصومین علیهم السلام برترین دانش ها و بالاترین معارف دانسته شده است.

الإمام الرضا عليه السلام: جاء رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَقَالَ: مَا رَأْسُ الْعِلْمِ؟ قَالَ: مَعْرِفَةُ اللَّهِ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ؛ إِمَامٌ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: مُرِدِي نَزْدِ پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و پرسید: قلّه دانش چیست؟ فرمود: «معرفت خدا، آن چنان که بایسته است».^۱

از امام علی عليه السلام نیز نقل شده است:
مَعْرِفَةُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَعْلَى الْمَعَارِفِ؛ معرفت خدای سبحان، بالاترین معرفت است.^۲

بنابراین از آنجایی که عرفان واره حلقه خود را یک مرام توحیدی ناب^۳ می‌داند، لازم است دیدگاه‌هایش در رابطه با توحید مورد ارزیابی قرار گیرد.

۲. امکان خداشناسی

در مکتب شیعه و نیز در عرفان اسلامی شناخت خداوند امری ممکن و در سطوح و مراتبی قابل دستیابی است. در تشکیلات حلقه، امکان خداشناسی بسیار محدود و بیشتر از گونه‌ای خدایابی حسی سخن گفته می‌شود. از آنجایی که در عرفان واره حلقه افراد بدون دین هم می‌توانند حضور یافته و عضو تشکیلات شوند بنابراین قدم اول آنان تلاش در جهت اثبات خداوند بر اساس روش حسی اتصال است.

۱. تاج‌الدین محمد شعبری؛ جامع الأخبار؛ ص ۳۶، ح ۱۷ / محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۳،

ص ۱۴، ح ۳۶ / محمد محمدی ری‌شهری؛ دانشنامه عقاید اسلامی؛ ج ۴؛ ص ۱۶.

۲. ابوالفتح آمدی؛ غرر الحکم؛ ح ۹۸۶۴ / ابوالحسن، علی بن ابی‌نزال لیثی واسطی؛ عیون الحکم والمواعظ؛ ص ۴۸۶، ح ۸۹۸۹ / محمد محمدی ری‌شهری؛ دانشنامه عقاید اسلامی؛ ج ۴؛ ص ۱۶.

۳. محمد علی طاهری؛ دفاعیات ۹۶، ص ۲۳.

آنان به نحو کلی پذیرفته‌اند که هستی خالق‌ی دارد اما هرگونه شناخت از خداوند، از طریق صفات الهی را غیرممکن می‌دانند. طاهری تنها راهی که برای خدایابی پیشنهاد می‌دهد شناخت شبکه‌ی شعور کیهانی به جای خداوند است. با توضیحاتی که در ادامه در رابطه با مراتب توحید خواهد آمد، انحرافات عرفان‌واره حلقه در این ساحت مهم مشخص می‌شود.

۳. مراتب توحید

باور به وجود خداوند، باورمندان را از صف منکران او جدا می‌سازد اما این گونه نیست که قائلین به وجود خدا همگی در یک مرتبه از اعتقاد و شناخت نسبت به او باشند. دلیل این مطلب آن است که بیشترین اختلافات در بحث‌های اسماء، صفات و افعال الهی است که باعث پیدایش ادیان و فرقه‌های مختلف شده است.^۱

مباحث توحید در یک نگاه کلی به توحید نظری و توحید عملی قابل تقسیم‌بندی می‌باشد.

توحید نظری نیز به سه قسم توحید در ذات، توحید در صفات و توحید در افعال قابل دسته‌بندی است. توحید عملی نیز به توحید در عبادت، استعانت، محبت، توکل، دعا و برخی اقسام دیگر شناخته می‌شود.^۲

۱. آیت الله سبحانی در این مورد نوشته است: الاختلاف في هذه المسائل هو الحجر الأساس لظهور الديانات والمذاهب في المجتمع الإنساني العالمي. (جعفر سبحانی؛ *الإلهيات على هدى الكتاب والسنة والعقل*؛ ج ۱، ص ۸۱).

۲. رک: عبدالله جوادی آملی؛ *توحید در قرآن*؛ صص ۲۰۱ و ۵۱۰ / مرتضی مطهری؛ *مجموعه آثار* (جهان‌بینی توحیدی)؛ ج ۲، ص ۹۹ / همو، ج ۲۶؛ ص ۹۷.

۱-۳. توحید ذاتی

اولین مرتبه از مباحث نظری توحید را به ذات الهی باید اختصاص داد. در توحید ذاتی سخن بر سر آن است که در ذات خداوند ترکیب و تعدّد راه ندارد؛ یعنی ترکیب درون ذاتی و نیز کثرت برون ذاتی برای خداوند محال است.^۱

در دین مبین اسلام و نیز در عرفان اسلامی امکان شناخت خداوند از طریق کنه ذات کاملاً غیرممکن است. حتّی انبیا و اولیای الهی^۲ هم در این ساحت هیچ راهی به بارگاه الهی نداشته و امکان شناخت خداوند از طریق کنه ذات کاملاً مسدود است.^۳

عرفان حلقه هم شناخت خداوند از طریق ذات الهی را غیرممکن دانسته است اما کج‌اندیشی این عرفان‌واره در آنجاست که ذات خداوند را بسیط ندانسته و آن را مرکب پنداشته است.

طاهری در کتاب انسان و معرفت در تلاش برای اثبات اینکه در قیامت هیچ انسانی در جهنم باقی نمی‌ماند عباراتی نگاشته است که حکایت از

۱. «إنَّ أولَ مرتبةٍ من مراتب التوحید هو التوحید الذاتی و للتوحید الذاتی معنیان: ألف: إنَّ الله واحدٌ، لا مثیل له و لا نظیر و لا شبیة و لا عدیل. ب: إنَّ الذات الإلهیة المقدّسة ذاتٌ بسیطةٌ لا کثرة فیها و لا ترکّب. جعفر سبحانی؛ *العقیده الإسلامیة*؛ ص ۴۵ / مرتضی مطهری؛ *مجموعه آثار (جهان‌بینی توحیدی)*؛ ج ۲، ص ۱۰۱.

۲. «وَأما الذات الإلهیة فحار فیها جمیع الأنبیاء والأولیاء، كما قال ﷺ: «ما عرفناک حق معرفتک» و «ما عبدناک حق عبادتک». (داود قیصری؛ *شرح فصوص الحکم*؛ ص ۳۴۶).

۴. دلایل این مسئله آن است که انسان موجودی محدود است و نمی‌تواند خداوند را که نامحدود است را به کنه ذات شناخته و احاطه یابد. قرآن چنین استدلالی را تأیید می‌فرماید: «لَا یُحِیطُونَ بِهِ عِلْمًا؛ أَن هَا به او احاطه ندارند!». طه: ۱۱۰.

مركب‌انگاری ذات الهی دارد. او پنداشته است که اگر فرد در جهنم باقی بماند، روح الله (من ثابت) او در جهنم حبس و سوخته می‌شود. به هر روی در باور او روح آدمی بخشی از وجود خداوند بوده و بدین سان خلود محال است.

بازگشت به سوی خداوند، بازگشتی همگانی است و کسی نیست که در این بازگشت، متوقف شود. در غیر این صورت، طرح الهی برای خلق آدم، طرح عبثی بود که به تباهی بخشی از وجود او (گروهی از انسان‌ها) منتهی می‌شد. هریک از انسان‌هایی که در جهنم قرار می‌گیرند، دارای دو بخش «من ثابت» و «من متحرک» هستند که اولی همان «روح الله» است. باقی ماندن در جهنم، به معنای جهنمی بودن «روح الله» و سوختن آن می‌باشد و چنین اتفاقی محال است؛ بنابراین باقی ماندن در جهنم، فقط تا حذف لایه میان بخش «من ثابت» و «من متحرک» و تزویج آن‌ها ادامه دارد. اگر کثرت، از دل وحدت بیرون آید و هنگام بازگشت به آن، بخشی از وجود خود را از دست بدهد، این نتیجه به دست می‌آید که وحدت، اصلاً وحدت نبوده و مقداری ناخالصی داشته که باید طی فرآیندی از آن جدا می‌شده است. به بیان دیگر، در صورتی که دور شدن ما تجلیات الهی از مبدأ خود (الله) و حرکتمان در چرخه جهان دوقطبی، به بازگشت همه‌ی ما ختم نشود و عده‌ای در مسیر جدا شوند، این نتیجه به دست می‌آید که خداوند، با قرار دادن جهنم جاویدان در یکی از مقاطع چرخه، این رفت و بازگشت را طوری طراحی کرده است که باعث جدا شدن عده‌ای و زدوده شدن ناخالصی از خودش شود. با همین بررسی ساده معلوم می‌شود، همان‌طور که ناخالصی داشتن خداوند محال است، باقی ماندن در جهنم نیز محال است.^۱

همچنین در برخی از نشریه‌های تشکیلات حلقه میان خالق و مخلوق گونه‌ای از جزء و کل انگاری تصور شده است. برای نمونه در ویژه‌نامه آشنایی با دوست این گونه آمده است:

در عرفان حلقه که عرفانی است ایرانی و خدامحور، واژه‌ی حلقه به منظور تبادر بهتر مفهوم، به کار برده شده است؛ و مفهومی از ایجاد اتصال بین جزء و کل که به تبع آن، استفاده‌ی عملی از تسهیلات رحمانیت عام الهی، در جهت درمان در ابعاد گوناگون و ارتقاء کیفیت وجودی و ارزش‌های آسمانی و والای انسانی است را میسر می‌نماید.^۱

همه این‌ها در حالی است که مطابق با توحید ذاتی خداوند متعال ذات بسیطی است که هیچ‌گونه ترکیب و تعدّی در او راه نداشته و عدم بساطت ذات الهی منجر به راه‌یابی نقص در اوست. انحرافات عرفان واره حلقه در بخش‌های دیگر مرتبط با توحید ذاتی همچون وحدت شخصیه وجود، اتحاد، وحدت حقیقی و عددی و... در جلد سوم این اثر آمده است.

۲-۳. توحید صفاتی

گونه‌ی مهم دیگری از توحید نظری، توحید صفاتی و مباحث اسماء الهی است. در این قسم از توحید اثبات می‌شود که صفات الهی عین ذات و زائد بر ذات نیست و رابطه میان آن‌ها عینیت است.^۲ همچنین از منظر عرفان اسلامی صفات کمالی در انحصار ذات اقدس الهی بوده و کسی در صفات

۱. همو، آشنایی با دوست؛ ص ۴.

۲. رک: جعفر سبحانی؛ دلیل المرشدین إلى الحق الیقین؛ ص ۴۸ / فیاض لاهیجی؛ گوهر مراد؛ ص

۲۴۱ / محمد صدرالدین شیرازی؛ المبدأ والمعاد؛ ص ۶۶ / فاضل مقداد، اللوامع الإلهیه فی

المباحث الكلامیه، ص ۲۰۷.

با او شریک نیست و این همان توحید در صفات است. از سوی دیگر دین مبین اسلام و عرفان اسلامی یکی از مهم‌ترین راه‌های شناخت خداوند را از طریق اسماء و صفات الهی می‌دانند.

در عرفان‌واره حلقه اما شناخت خداوند از این طریق کاملاً مسدود بوده و هرگونه توصیف خداوند نهی می‌شود. آنان هرچند در ترم‌های اولیه به اجبار از رحمانیت و رحیمیت خداوند سخن می‌گویند اما در ترم ششم و در مبحثی به نام «ذهن بی ذهنی» تلاش می‌کنند تا اعضای تشکیلات را به سمتی ببرند که دیگر خداوند را توصیف نکنند. آنان این منع توصیف از خداوند را «بی‌نامی» نام نهاده‌اند. طاهری می‌گوید هر کس بر خدا نام نهد «بت پرست» است.

پس انسان با رشد ذهنی که داشته است الآن هوشمندی را می‌فهمد و ما می‌توانیم راجع به بی‌نامی خدا صحبت کنیم. ده سال پیش نمی‌توانستیم. ده سال پیش که من می‌خواستم در این خصوص صحبت کنم دقیقاً متوجه می‌شدم که اگر وارد ماجرا بشوم همه قاطعی می‌کنند. ولی امروز خیلی راحت می‌توانیم صحبت کنیم. به تدریج می‌رویم که به یک ماجرائی برسیم که این ماجرا وقتی که عنوان شد، ما می‌توانیم بی ذهنی را در تعریف، بهتر بشناسیم.

ما الآن داریم به خودمان فشار می‌آوریم که یعنی چه، مگر می‌شود! ولی این مرحله را که پشت سر گذاشتیم، بعد در آنجا که یاد این دوران می‌افتیم می‌گوییم راستی ما یک زمانی برای خدا اسم گذاشته بودیم، ما یک زمانی بت می‌پرستیدیم، از خودمان تعجب می‌کنیم که ما یک زمانی بت می‌پرستیدیم، مگر می‌شود کسی باور کند که ما ساعت‌ها در مقابل یک بت، گریه و زاری می‌کردیم، التماس می‌کردیم. فرق نمی‌کند، آن‌ها

ما بودیم.^۱

بنابراین بی‌نامی که بنیان‌گذار حلقه از آن سخن می‌گوید و دیگران (غیر حلقه‌ای‌ها) رابت پرست می‌داند هیچ‌گونه سنخیتی با مباحثی که در عرفان اسلامی مطرح می‌شود ندارد چراکه در این فرقه خداوند مطلقاً نباید وصف شود. همچنین تشکیلات حلقه سعی کرده است برای مسئله بی‌نامی خداوند پشتوانه‌ای فراهم آورد. به این منظور برخی از آیات و روایات را مورد استناد قرار می‌دهد که در ادامه این استنادات قرآنی و روایی اشاره و سپس مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۳-۲-۱. استنادات حلقه برای نفی توصیف خداوند

طاهری برای اثبات بی‌نامی خداوند و منع توصیف از او به آیات و روایاتی استناد کرده است که در ادامه بیان و سپس نظری بررسی و نقد می‌شود.

۳-۲-۱-۱. استناد به قرآن کریم

الف: توصیف

عرفان‌واره‌ی حلقه مدعی است خداوند در قرآن کریم انسان‌ها را از توصیف خود بر حذر داشته است. استناد^۲ آنان به بخشی از آیات قرآن می‌باشد که خداوند متعال فرموده است:

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ؛ پاک و منزّه است خداوند از آنچه آنان توصیف می‌کنند.^۳

۱. محمدعلی طاهری؛ دوره ششم؛ صص ۱۷۱ و ۱۷۲.

۲. همان؛ صص ۵۱، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۱۱۵ و ۱۱۶ / همو، دوره دوم صص ۸۸، ۸۹ و ...

۳. مؤمنون: ۹۱ / صفات: ۱۱۰.

ب: ارزیابی

یکم: رد وصف مشرکین

با بررسی آیه شریفه «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ» در چند سوره‌ی قرآن به این نتیجه می‌رسیم که خداوند وصف خود را منع نکرده است بلکه وصف مشرکین را که برای خداوند متعال همتیانی از جنّ و پسران و دخترانی در نظر می‌گرفتند را رد کرده است؛ بنابراین طاهری با تقطیع و برداشت گزینشی از آیه‌ی شریفه سعی در پشتوانه سازی برای تفکراشتباه خود داشته است.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَ خَلَقَهُمْ وَ خَرَقُوا لَهُ بَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ؛ آنان برای خدا همتیانی از جنّ قرار دادند، درحالی که خداوند همه آن‌ها را آفریده است؛ و برای خدا، به دروغ و از روی جهل، پسران و دخترانی ساختند؛ منزّه است خدا و برتر است از آنچه توصیف می‌کنند!^۱

أَمْ اتَّخَذُوا آلِهَةً مِنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنشِرُونَ * لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يُصِفُونَ؛ آیا آن‌ها خدایانی از زمین برگزیدند که (خلق می‌کنند و) منتشر می‌سازند؟! * اگر در آسمان و زمین، جز «الله» خدایان دیگری بود، فاسد می‌شدند (و نظام جهان به هم می‌خورد)! منزّه است خداوند پروردگار عرش، از توصیفی که آن‌ها می‌کنند!^۲

مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَ مَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَ لَعَلَّأَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ؛ خدا هرگز فرزندی برای خود

۱. انعام: ۱۰۰.

۲. انبیاء: ۲۱ و ۲۲.

انتخاب نکرده؛ و معبود دیگری با او نیست؛ که اگر چنین می‌شد، هر يك از خدایان مخلوقات خود را تدبیر و اداره می‌کردند و بعضی بر بعضی دیگر برتری می‌جستند (و جهان هستی به تباهی کشیده می‌شد)؛ منزه است خدا از آنچه آنان توصیف می‌کنند!^۱

دوم: تائید توصیف صحیح مخلصین

خداوند وصف غلطِ مشرکان را منع و توصیف صحیح بندگان مخلص را تائید فرموده است.

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ * إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ؛ منزه است خداوند از آنچه توصیف می‌کنند* مگر بندگان مخلص خدا!^۲

سوم: دستور به خواندن خداوند با صفاتش

در آیات فراوانی از قرآن کریم خداوند متعال با معرفی خود به اسماء و صفات الهی، دستور به خواندن خویش به این طریق داده است.

وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ و برای خدا، نام‌های نیک است؛ خدا را به آن (نام‌ها) بخوانید! و کسانی را که در اسماء خدا تحریف می‌کنند (و بر غیر او می‌نهند و شریک برایش قائل می‌شوند)، رها سازید! آن‌ها به زودی جزای اعمالی را که انجام می‌دادند، می‌بینند!^۳

بنابراین استدلال طاهری ناصواب بوده و در نقطه‌ی مقابل قرآن کریم است.

۱. مؤمنون: ۹۱.

۲. صافات: ۱۵۹ و ۱۶۰.

۳. اعراف: ۱۸۰.

چهارم: مغالطه خلط مفهوم به مصداق

آیت‌الله مصباح یزدی در کتاب معارف قرآن توضیح مفصلی در مورد کسانی که اعتقادی همانند بنیان‌گذار حلقه دارند، مطرح کرده که خلاصه‌ی آن عبارت است از:

گاهی در برخی از سخنان یا نوشتارها دیده می‌شود که به استناد بعضی از آیات یا روایت می‌گویند خدا به هیچ وجه قابل شناختن نیست. آنان به آیاتی در قرآن و یا روایاتی از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام برخورد کرده‌اند که پنداشته‌اند مفاد آن‌ها این است که معانی اسماء و صفات الهی قابل شناختن نیست مثلاً در قرآن داریم: «فَلَا تَصْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالُ». به مشرکان می‌فرماید: برای خدا مَثَل نزنید. اینان می‌گویند: این مثل زدن يك نوع توصیف است، وصف کردن چیزی است از راه مثل، وقتی خدا می‌فرماید برای خدا مَثَل نزنید یعنی خدا را با مَثَل وصف نکنید. پس اصلاً خدا را نمی‌توان وصف کرد... در آیه‌ی دیگری داریم: «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ». خدا منزّه است از آنچه مردم وصف می‌کنند...

ظاهراً برای آن کسانی که گفته‌اند اوصاف خدا را نمی‌توان شناخت و معنای الفاظی که در مورد اسماء و صفات خدا به کار می‌بریم، نمی‌فهمیم؛ شبهه‌ای از باب اشتباه مفهوم به مصداق حاصل شده است. توضیح آنکه یکی از انواع مغالطات که به ذهن انسان هنگام استدلال برای خود یا دیگری می‌آید از اشتباه مفهوم به مصداق ناشی می‌شود. یعنی مطلبی که مربوط به مصداق است به مفهوم یا حکمی که مربوط به مفهوم است به مصداق نسبت می‌دهد... ظاهراً کسانی که ادعا کرده‌اند که خدا را نمی‌توان شناخت و این اوصاف فقط الفاظی هستند که ما مُجاز هستیم درباره‌ی خدا به کار ببریم به چنین مغالطه‌ای مبتلا شده‌اند؛

زیرا آنچه از آیات و روایات باید استفاده شود این است که مصداق اوصاف الهی را با مفاهیم ذهنی نمی‌توان شناخت نه اینکه مفاهیم هم وقتی در مورد خدا به کار می‌رود، اصولاً معنای خود را از دست می‌دهند!^۱

۲-۱-۳. استناد به خطبه یکم نهج‌البلاغه

الف: توصیف

دومین استناد مهمی که تشکیلات حلقه برای اثبات بی‌نامی خداوند و عدم وصف او دارد از نهج‌البلاغه است.^۲ استفاده آنان قسمتی از خطبه یکم است که امام علی علیه السلام فرموده است:

كَمَالُ الْإِخْلَاصِ لَهُ نَفْيُ الصِّفَاتِ عَنْهُ؛ و حَدِّ اعْلَای اخْلَاصِ بِهِ اَوْ نَفِی
صفات از اوست.^۳

ب: ارزیابی

یکم: نفی صفات زائد بر ذات

در خطبه شریفه صفات زائد بر ذات نفی شده است نه مطلق صفات؛ توضیح اینکه در استنباط حکما و متکلمین که مؤید آن قرآن، عترت علیهم السلام و عقل است صفات الهی عین ذات است نه جزء ذات و یا زائد بر آن. اگر صفات جزء ذات و یا زائد بر آن باشد ترکیب و تعدد در ذات الهی راه می‌یابد. درحالی‌که در توحید ذاتی اثبات شده است که ترکیب و تعدد در

۱. محمد تقی مصباح یزدی؛ معارف قرآن (۱-۳)؛ صص ۹۷-۹۹.

۲. محمد علی طاهری؛ موجودات غیرارگانیکی؛ صص ۳۵ و ۸۸ / مکرر در دوره‌های آموزشی حلقه.

۳. سید رضی؛ نهج‌البلاغه (للمصباحی صالح)؛ ص ۳۹.

ذات الهی راه ندارد.^۱

دوم: توصیف خداوند به نامحدودیت در خطبه یکم

در بخشی از همین خطبه، خداوند وصف شده است. آنجا که می‌فرماید:

الَّذِي لَيْسَ لِيَصِفَتِهِ حَدٌّ مُحَدَّدٌ؛ آن کسی که صفتش حد معین ندارد.

بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که در فاصله يك سطر دو جمله متناقض با یکدیگر آمده باشد.^۲

سوم: توصیف الهی در نهج البلاغه

امیر مؤمنان (علیه السلام) در نهج البلاغه در موارد بسیاری به توصیف صفات الهی پرداخته‌اند. برای نمونه به یک مورد اشاره می‌شود.

اللَّهُمَّ أَنْتَ أَهْلُ الْوُصْفِ الْجَمِيلِ ... وَهَذَا مَقَامٌ مَنْ أَفْرَدَكَ بِالتَّوْحِيدِ الَّذِي هُوَ لَكَ وَلَمْ يَرْمُسْتَحِقّاً لِهَذِهِ الْمُحَامِدِ وَالْمَادِحِ غَيْرُكَ...؛ خداوند، تویی شایسته وصف نیکو... بار الها، اینجا جایگاه کسی است که تو را به یکتایی که خاصّ توسّ شناخته و برای این ثناگویی‌ها و ستایش‌ها کسی را جز تو سزاوار ندیده...^۳

چهارم: اندیشه اعتزالی و تعطیل صفات

اندیشه‌ای که طاهری از آن دفاع می‌کند چنانچه خواهد آمد قرابت زیادی با اندیشه‌ی اعتزال داشته و پیامد نامطلوب آن تعطیلی صفات است؛ بنابراین چنین دیدگاهی با شیعه و جمع میان تشبیه و تنزیه سنخیتی ندارد.

۱. رک: ملا مهدی نراقی؛ انیس الموحدين؛ ص ۶۳ / فیض کاشانی؛ علم‌الیقین، ج ۱، ص ۵۸.

۲. توضیح این مطلب در ادامه خواهد آمد.

۳. سید رضی؛ نهج البلاغه (للصّبحي صالح)؛ ص ۱۳۵.

پنجم: تحریف سخن بزرگان

بزرگانی که اعضای حلقه در مواردی به صورت فریبکارانه به سخنان آنان استناد می‌کنند، این خطبه را به معنای نفی صفات زائد بر ذات دانسته‌اند نه مطلق صفات. در ادامه گفتاری از عالمان شیعه در مورد توحید صفاتی و نفی صفات زائد بر ذات می‌آید که سخنانشان توسط تشکیلات حلقه تقطیع می‌شود.^۱

۱. شهید مطهری رحمته‌الله علیه

استاد مطهری رحمته‌الله علیه در این مورد گفته است:

در نهج البلاغه در عین اینکه خداوند متعال با اوصاف کمالیه توصیف شده است، هرگونه صفت «مقارن» و زائد بر ذات نفی شده است. از طرف دیگر، همچنان که می‌دانیم اشاعره طرفدار صفات زائد بر ذاتند و معتزله هرگونه صفت را نفی می‌کنند: الاشعری بازديد قائله * وقال بالنیابه المعتزله. همین امر سبب شده که بعضی بپندارند آنچه در نهج البلاغه در این زمینه آمده است در عصرهای متأخرتر ساخته شده و تحت تأثیر افکار معتزلی بوده است و حال آنکه اگر فردی اندیشه شناس باشد می‌فهمد در نهج البلاغه که صفت نفی می‌شود، صفت محدود نفی می‌شود و صفت نامحدود برای ذات نامحدود مستلزم عینیت ذات با صفات است نه انکار صفات آن چنانکه معتزله پنداشته‌اند؛ و اگر معتزله به چنین اندیشه‌ای رسیده بودند هرگز نفی صفات نکرده و قائل به «نیابت» ذات از

۱. تشکیلات حلقه در یک کار غیراخلاقی با تقطیع سخنان استاد مطهری رحمته‌الله علیه به ایشان این گونه نسبت داده‌اند که در تعلیقیه خود بر اصول فلسفه و روش رئالیسم، قائل به نفی صفات است. همین کار را در مورد سایر بزرگان شیعه مرتکب شده‌اند.

صفات نمی‌شدند.^۱

در جای دیگری به روشنی فرموده‌اند:

توحید صفاتی مانند توحید ذاتی از اصول معارف اسلامی و از عالی‌ترین و پراوج‌ترین اندیشه‌های بشری است که بخصوص در مکتب شیعی تبلور یافته است. در اینجا فقط به بخشی از يك خطبه نهج‌البلاغه که هم تأییدی بر مدعاست و هم توضیحی برای این بخش است، اشاره می‌کنیم. در اولین خطبه نهج‌البلاغه چنین آمده است: «الحمد لله الذی...» در این جمله‌ها چنانکه می‌بینیم از صفات نامحدود خداوند یاد شده است. بعد از چند جمله می‌فرماید: «کمال الاخلاص له نفی الصّفات عنه...» اخلاص کامل، نفی صفات از پروردگار است، زیرا موصوف گواهی می‌دهد که ذاتش غیر از صفت است و صفت گواهی می‌دهد که او چیزی است غیر از موصوف و هر کس خداوند را به صفتی توصیف کند، ذات او را مقارن چیز دیگر قرار داده و هر کس خدا را مقارن چیزی قرار دهد... در این جمله‌ها، هم برای خداوند اثبات صفت شده است «الذی لیس لصفته حد محدود» و هم از او نفی صفت شده است «لشهادة کل صفة أنّها...» از خود این جمله‌ها معلوم است که صفتی که خداوند موصوف به آن صفت است صفت نامحدود به نامحدودیت ذات است که عین ذات است و صفتی که خداوند مبرا و منزّه از اوست صفت محدود است که غیر ذات و غیر از صفت دیگر است. پس توحید صفاتی یعنی درک و شناختن یگانگی ذات و صفات حق.^۲

و نیز فرموده است:

۱. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار (سیری در نهج‌البلاغه)؛ ج ۱۶، ص ۴۰۴.

۲. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار (جهان‌بینی توحیدی)؛ ج ۲، صص ۱۰۱ - ۱۰۳.

جمله‌ای در نهج‌البلاغه هست که اگر ما باشیم و همان جمله و به قبل و بعد آن نگاه نکنیم همان نظریه منسوب به معتزله از آن جمله فهمیده می‌شود، یعنی نفی صفات. در اولین خطبه نهج‌البلاغه چنین می‌خوانیم: «... كَمَالُ الْإِخْلَاصِ لَهُ نَفْيُ الصِّفَاتِ عَنْهُ...» آنجا که می‌فرماید: «وَكَمَالُ الْإِخْلَاصِ لَهُ نَفْيُ الصِّفَاتِ عَنْهُ، لِشَهَادَةِ كُلِّ صِفَةٍ أَنَّهَا غَيْرُ الْمُتَوْصِفِ» به نظر می‌رسد که نظر معتزله را تأیید می‌کند و باید قائل به نفی صفات بشویم. ولی در چند جمله قبل اگر توجه کنیم می‌فهمیم که مقصود حضرت علی علیه السلام این نیست، زیرا آنجا می‌فرماید: «الَّذِي لَيْسَ لِصِفَتِهِ حَدٌّ مُحَدَّدٌ» آن کسی که صفتش حد معین ندارد؛ یعنی صفت محدود را نفی می‌کند نه صفت را به‌طور کلی. آنچه که با ذات واجب‌الوجود منافات دارد صفت محدود است، صفت متناهی است، نه صفت غیرمتناهی. آن صفتی که با موصوفش مغایر است همان صفت محدود است؛ وگرنه نمی‌شود که در فاصله یک سطر دو جمله متناقض با یکدیگر آمده باشد. پس وقتی که می‌فرماید «فَمَنْ وَصَفَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ» منظور وصف محدود است، زیرا صفتی که بشر با آن توصیف می‌کند به محدودیت توصیف می‌کند.^۱

۲. آیت‌الله جوادی آملی

آیت‌الله جوادی در موارد متعددی پیرامون خطبه یکم نهج‌البلاغه مطالبی را نگاشته است. چنانچه گذشت کتاب توحید در قرآن ایشان ازجمله کتبی است که طاهری با تقطیع و استنادات گزینشی سعی در اثبات بی‌نامی مدنظر خود داشته است.^۲

استاد جوادی آملی گفته است:

۱. همو، مجموعه آثار (درس‌های اشارات، نجات، الهیات «شفا»)، ج ۸، صص ۱۲۲ و ۱۲۳.

۲. محمدعلی طاهری؛ دفاعیات ۹۶؛ صص ۲۸ و ۲۹.

کمال معرفت درباره ذات اقدس اله، نفی صفات زاید از آن است. امام علی علیه السلام درباره کمال معرفت الهی می‌فرماید: «أول الدّین معرفته و کمال معرفته التصدیق به و کمال التصدیق به توحیده و کمال توحیده الإخلاص له و کمال الإخلاص له نبي الصفات عنه».

به یقین مراد از این سخنان، سلب صفات جمال و جلال از خداوندی که در سراسر قرآن کریم و نصوص عترت طاهرین علیهم السلام به همین صفات متصف شده نیست، بلکه سلب صفات زاید بر ذات است و شاهد این ادعا، ادامه گفتار آن حضرت است که می‌فرماید: «لشهادة كل صفة أنها غير الموصوف وشهادة كل موصوف أنه غير الصفة»؛ یعنی دلیل نفی صفات از ذات این است که هر صفت، گواهی بر مغایرت با ذات موصوف می‌دهد و هر موصوف شاهد بر مغایرت با صفت است و چون تنها آن صفاتی گواه بر مغایرت با موصوف هستند که زاید بر ذات و جدای از آن باشند، پس کمال معرفت خدا، نفی این‌گونه صفات و در نتیجه اثبات تمام صفات کمالیه‌ای است که عین ذات او بوده، همانند ذات وی، نامحدود و غیرمتناهی‌اند.

پس شناخت خدا، آنگاه به کمال می‌رسد که کمالاتی که به او استناد داده می‌شود، نظیر «العلیم، القدیر و الحی الذی لا یموت...»، همگی عین ذات او دانسته شوند و شناخت عالم نیز آنگاه به کمال می‌رسد که صفاتی که به آن اسناد داده می‌شود، نظیر مخلوق بودن، احتیاج، فقر و ضعف، از لوازم زاید بر آن شمرده نشوند زیرا لازم، خارج از ذات ملزوم و متأخر از آن بوده و در نتیجه در متن ملزوم راه ندارد بلکه این صفات به متن ذات و هویت عالم راه یابد.^۱

۱. عبدالله جوادی آملی؛ فلسفه صدر؛ ج ۱، ص ۱۹۹.

در جای دیگری در شرح روایتی از امام رضا علیه السلام به صراحت بیان کرده‌اند که مراد از آن صفاتی که باید نفی بشوند فقط صفاتی هستند که زائد بر ذات هستند چون تنها همان‌ها هستند که به مانند موصوف دلیل مغایرت هستند.^۱

۳. ملاصدرا رحمته الله علیه

مرحوم صدرالمتالهین شیرازی رحمته الله علیه در کتاب گران سنگ خود حکمت متعالیه در سفر سوم دلایل متقنی برد عقیده کسانی که صفات الهی را زائد بر ذات و یا خارج آن می‌دانند ارائه کرده است تا نشان دهد این گونه نیست که صفات الهی مطلقاً نباید وصف شوند آن چنانی که عرفان واره حلقه پنداشته است. تنها صفاتی از دیدگاه مرحوم صدرالمتالهین شیرازی رحمته الله علیه نفی می‌شوند که خارج و یا زائد بر ذات باشند و این همان برداشت صحیح از خطبه‌ی اول نهج البلاغه‌ی امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام است.

صدرالمتالهین رحمته الله علیه در عباراتی اشاره می‌کند:

و قد وقع في كلام مولانا وإمامنا مولی العارفين وإمام الموحدين ما يدل على نفي زيادة الصفات لله تعالى بأبلغ وجه وأكده حيث قال في خطبة من خطبه المشهورة: أول الدين معرفته... وهذا الكلام الشريف مع وجازته متضمن لأكثر المسائل الإلهية ببراهينها ولنشر إلى نبذ من بيان أسرارها وأنموذج من كنوز أنواره؛

در کلام مولا و امام ما، مولای عارفان و امام موحدان به بهترین و محکم‌ترین وجه عباراتی در نفی زیادت صفات برای خداوند متعال آمده است. از این روی در یکی از مشهورترین خطبه‌هایش فرموده است: أول

۱. همو، علی بن موسی الرضا علیه السلام و الفلسفة الإلهية؛ ص ۵۰.

الدین معرفته... این کلام شریف در عین فشردگی متضمن بیشترین مثال الهی با براهین خودش می‌باشد.^۱

سپس در توضیح خطبه پس از عباراتی اشاره می‌کند: قول امام علیه السلام در «لشهادة كل صفة أنها غير الموصوف و شهادة كل موصوف أنه غير الصفة» اشاره به برهان نفی صفات عارض بر ذات دارد چه این صفات فرض شده باشند آن چنانی که اشاعره می‌گویند و یا حادث باشند.^۲

۴. امام خمینی رحمته الله تعالی

امام خمینی رحمته الله تعالی در شرح خطبه یکم نهج البلاغه می‌فرماید:

کمال توحید، نفی صفات زائده از حق است و باید موحد کامل صفات زاید بر ذات را اسقاط نموده و آن‌ها را از ذات سلب کند و آن‌ها را در مرتبه ذات نداند؛ و این معنی را به قرینه عبارت ذیل فرمایش مولی: «لشهادة كل صفة أنها غير الموصوف» ذکر کرده‌اند.^۳

همچنین امام رحمته الله تعالی در جای دیگری در توضیح یکی از احادیث شریفه اشاره می‌کند که توصیف صحیح از خداوند امری مطلوب است.

از تأمل در این حدیث شریف و تدبر درست در صدر و ذیلش معلوم شود که مقصود از نفی توصیف حق، تفکر نکردن در صفات و توصیف ننمودن حق مطلقاً نیست... زیرا که در این حدیث امر فرموده به نفی تعطیل و تشبیه - چنانچه در بعض روایات دیگر - و این خود بی‌تفکر در صفات و علم کامل به آن‌ها صورت نگیرد بلکه مقصود آن جناب آن است که توصیف ننمایند به آنچه لایق ذات مقدس حق تعالی نیست، مثل اثبات

۱. محمد صدرالدین شیرازی؛ *الحكمة المتعالية*؛ ج ۶، صص ۱۳۵ و ۱۳۶.

۲. همان.

۳. سید روح الله خمینی؛ *تقریرات فلسفه*؛ ج ۲، ص ۲۴۴.

صورت و تخطیط و غیر آن از صفات مخلوق که ملازم با امکان و نقص است تعالی الله عنه.

و اما توصیف حق تعالی به آنچه لایق ذات مقدس است، که آن در علوم عالیه میزان صحیح برهانی دارد، پس آن امر مطلوبی است که کتاب خدا و سنت رسول ﷺ و احادیث اهل بیت علیهم السلام از آن مشحون است و خود حضرت نیز در این حدیث شریف اشاره به میزان صحیح برهانی به طریق اجمال فرموده است...^۱

و در پاسخ به یکی از قائلین به الهیات تنزیهی نیز فرمایشات دقیقی مطرح کرده‌اند که در اینجا مجال پرداختن به آن نیست.^۲ همچنین از سایر بزرگان شیعه توضیحاتی در این رابطه وجود دارد که خواننده فاضل را به تحقیق بیشتر در این رابطه ارجاع می‌دهیم.^۳

۱. سید روح‌الله خمینی؛ شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)؛ ص ۵۴۲.

۲. رک: محمد محمدی گیلانی؛ «اسم مستأثر» در وصیت امام و زعیم اکبر؛ ص ۴۹.

۳. برای نمونه؛ رک: ملا مهدی نراقی؛ انیس الموحدین؛ صص ۶۴ و ۶۵ / سید محمد حسین طباطبایی؛ الرسائل التوحیدیه؛ ص ۱۱ / جعفر سبحانی؛ الإلهیات علی هدی الکتاب والسنة و العقل؛ ج ۲، ص ۴۰.

فصل دوم: راهنما شناسی

۱. ضرورت وجود راهنمایان الهی

از جمله مسلمات ادیان الهی آن است که پیامبرانی از جانب خداوند برای هدایت انسان‌ها برانگیخته شده‌اند؛ بنابراین یکی از اصول همه ادیان، باور به رسالت انبیاء الهی است. بدون پیامبران الهی بشر به واسطه‌ی عقل خود و یا روش‌های دیگر به تنهایی نمی‌تواند به سعادت و کمال نائل آید.

از این روی خداوند متعال برای هدایت بشر تنها به هدایت تکوینی او بسنده نکرده و با ارسال پیامبران و کتب آسمانی در قالب وحی، با گونه‌ای از ارشاد و رهنمونی که آن را هدایت تشریعی می‌نامند به تربیت بشر پرداخته است. همچنین در مکتب شیعه، پس از رسول مکرم اسلام ﷺ، ائمه اهل بیت راهنمای بشر به سوی خداوند می‌باشند؛ بنابراین مجاری فیض الهی مطابق با عقیده شیعیان، تنها پیامبر ﷺ و ائمه اهل بیت هستند.

در عرفان واره حلقه اما تنها واسطه میان انسان و خداوند شعور کیهانی دانسته شده است. از سوی دیگر در نظام معرفتی آنان مجاری فیض الهی به هیچ وجه ارتباطی با معصومین اهل بیت نداشته و همه امور به دست شبکه شعور کیهانی و ابلیس می‌باشد. بالاتر از آن در این عرفان واره گاهی اهانت‌هایی به انبیاء و اولیای الهی صورت گرفته است.^۱

۱. برای نمونه اهانت بنیان‌گذار این تشکیلات نسبت به حضرت سلیمان نبی ﷺ.

همچنین استعانت و توسل به راهنمایان دینی در تشکیلات حلقه در مواردی مستقیماً و در پاره‌ای اوقات با کنایه مورد انکار قرار گرفته است. از سوی دیگر تفسیر این تشکیلات از وحی، کاملاً تقلیل آن به قوانین موجود در هستی است. از آنجایی که پرداختن به همه موارد گفته شده در این نوشتار امکان‌پذیر نیست تنها به استعانت از راهنمایان دینی و جایگاه آن بزرگواران در هندسه و نظام فکری عرفان‌واره حلقه می‌پردازیم.

۲. استعانت از اولیاء الهی

در عرفان‌واره حلقه پیرامون توحید در استعانت همسویی‌هایی با وهابیت دیده می‌شود. رد استعانت و کمک خواستن از اولیاء الهی در این تشکیلات به بهانه‌ی حفظ توحید است؛ بنابراین لازم است ابتدا پیرامون جواز استعانت از راهنمایان دینی از منظر عالمان شیعه نکاتی بیان شود، سپس دیدگاه‌های بنیان‌گذار تشکیلات حلقه را مطرح و نهایتاً مورد ارزیابی قرار دهیم.

کلمه «استعانت» در لغت از ماده «عون» و به معنای یاری خواستن آمده است.^۱ و در اصطلاح کلامی «توحید در استعانت، یعنی تنها از او کمک خواستن و تنها از او استمداد کردن و تنها به او اعتماد کردن».^۲

انسان موحد آن‌چنانی که جز خدای یکتا را پرستش نمی‌کند، در حیات دنیوی و اخروی خود نیز جز او از هیچ‌کس طلب یاری نمی‌کند. از همین روست که خداوند سبحان توحید در استعانت را بر توحید در عبادت عطف

۱. سید علی اکبر قرشی؛ قاموس قرآن؛ ج ۵، ص ۷۰ / حسین راغب اصفهانی؛ مفردات الفاظ القرآن؛ ص ۵۹۸.

۲. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار (آشنایی با قرآن ۱-۵)؛ ج ۲۶، ص ۱۰۷.

کرده و به مسلمان امر می‌کند که هر روز و هر شب در نمازهای پنج‌گانه‌اش بگوید: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»^۱. جدا کردن عبادت و استعانت از یکدیگر و استعانت از غیر خداوند خلاف قرآن کریم است. پس مسلمان جز خدا را نمی‌پرستد و جز از او طلب یاری نمی‌کند.^۲

۱-۲. جواز استعانت از غیر خداوند بدون نگاه استقلالی

سؤالی که در اینجا مرتبط با عرفان‌واره حلقه مطرح می‌شود آن است که با تعریفی که از توحید در استعانت بیان شد آیا کمک و استعانت از غیر خداوند جایز است؟

پاسخ آن است که میان توحید در استعانت با استمداد از مخلوقات الهی تا زمانی که آن‌ها را مستقل از خداوند متعال ندانیم منافاتی وجود ندارد؛ بنابراین آنچه موجب شرک است نگاه استقلالی و عرضی و بریده‌ی از خداوند به راهنمایان الهی می‌باشد.

انبیاء و ائمه اطهار علیهم‌السلام انسان‌های کامل و فانی فی الله هستند که به اذن الهی قادر به تصرف در کائنات و مادون خود می‌باشند؛ بنابراین آن‌چنانی که بزرگان تأکید کرده‌اند «دستور اطاعت از رسولان الهی و اولوا الأمر با توحید عبادی و «معبود بالذات» بودن خدای سبحان منافاتی ندارد»^۳. و «این‌طور نیست که هرگونه کمک‌گیری از غیر و اعتماد به غیر قبیح باشد»^۴.

۱. فاتحه: ۵.

۲. رک: جعفر سبحانی؛ *دلیل المرشدین إلى الحق یقین*؛ ص ۷۳.

۳. عبدالله جوادی آملی؛ *هدایت در قرآن*؛ ص ۷۵.

۴. مرتضی مطهری؛ *مجموعه آثار (آشنایی با قرآن ۱-۲۵)*؛ ج ۲۶، ص ۱۰۷.

۳. استعانت از اولیاء الهی در عرفان واره حلقه

عرفان واره حلقه در توحید عبودی و توحید در استعانت دارای کج‌اندیشی می‌باشد. طاهری در اساس‌نامه‌ی تشکیلات و در قالب یک اصل به گونه‌ای کنایه‌آمیز برخی اعتقادات شیعیان را مورد اهانت قرار می‌دهد.

این در حالی است که در آموزه‌های اصیل مکتب تشیع کسی شخص پرست یا مرده‌پرست یا مکان پرست نیست. او تنها واسطه‌ی میان انسان و خداوند را در دریافت پاسخ، هوشمندی می‌داند و قائل است در مقوله‌ی درخواست و استعانت نباید هیچ‌کسی را واسطه قرار داد.

طاهری گفته است:

اصل: نام خداوند در رأس همه‌ی نام‌ها قرار دارد و خواندن و استعانت فقط سزاوار است و نقض آن شرک است. (اصل اجتناب از من دون الله).
مهم‌ترین مصادیق بارز شرک عبارت‌اند از: شخص پرستی، روح پرستی، مرده‌پرستی^۱، مکان پرستی، کتاب پرستی، خودپرستی، دنیاپرستی،

۱. استمداد از ارواح مقدسه، خواه به صورت درخواست دعاء باشد یا به صورت درخواست انجام فعل (بهبودی بیمار و بازگردانیدن گمشده و...) بلامانع است. رایج در میان مسلمانان به هنگام توسل به ارواح مقدسه همان درخواست دعاء و اینکه، روح مقدس پیامبر از خداوند بخواهد که خدا گناه او را ببخشد و حاجت دنیوی و یا اخروی او را برآورده کند و با این همه درخواست انجام فعل مانند: بهبودی بیمار، آزاد شدن اسیر، رفاه در زندگی با درخواست دعا از نظر دلیل یکسان می‌باشند.

چنین درخواست‌هایی هرگز عبادت ارواح مقدسه و پرستش آن‌ها نیست، زیرا درخواست‌کننده، در آن‌ها نه به «الوهیت» معتقد است و نه به ربوبیت و نه آن‌ها را خدا (ولو خدای کوچک) می‌اندیشد و نه کارگردان جهان آفرینش و یا بخشی از آن و نه معتقد است که بخشی از افعال خدا، به آن‌ها واگذار شده است، بلکه آنان را بندگان پاک و فرمان‌بردار خدا می‌دانند که در زندگی دنیوی کوچک‌ترین خلافتی را مرتکب نشده‌اند. (جعفر سبحانی: آیین و هابیت؛ ص ۲۴۴).

ظاهرپرستی. بین انسان و خدا، تنها واسطه‌ای که وجود دارد، هوشمندی و شعور الهی (یدالله) است، که به صورت‌های مختلف نقش یداللهی خود را ایفا نموده، پل ارتباط عالم پایین و عالم بالا می‌باشد.^۱ در جای دیگری تأکید کرده است:

خدا محوری و ویژگی يك حرکت عرفانی است و با دیگر محوری (از جمله خود محوری) مغایرت دارد. عارف، هم قرب خداوند را به عنوان هدف برگزیده است و هم برای رسیدن به آن، فقط از خود خداوند استعانت می‌جوید و بنابراین، به هیچ وجه روی خود را از سوی او به هیچ سوی دیگر بر نمی‌گرداند.^۲

همچنین بنیان‌گذار حلقه در یک اصل که آن را قانون ارتباط انسان با خدا می‌داند از آیه‌ی ششم سوره مبارکه فصلت و از عبارت قرآنی «فاستقیموا إلیه»^۳ اولاً: سعی در تعمیم نبوت و برابری همه انسان‌ها در مقوله وحی دارد تا عدالت الهی زیر سؤال نرود! و ثانیاً: با حذف نقش واسطه‌ای راهنمایان الهی در حین اتصال تنها نیاز به مربی این تشکیلات را جایگزین کرده است و ثالثاً: باب ارتباط با روح القدس را برای همگان^۴ گشوده است.

اصل: هنگامی که انسان از خداوند درخواستی داشته باشد، به طور مستقیم از خدا درخواست می‌کند. «ایاک نستعین»^۵ فقط (مطلق) از تو کمک می‌جوییم.

«قُلْ أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحِي إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُ الْوَاحِدُ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَ

۱. محمد علی طاهری: عرفان کیهانی (حلقه)؛ صص ۱۱۹ و ۱۲۰.

۲. همو: انسان و معرفت؛ ص ۶۸.

۳. حتی افرادی که فاقد دین و اعتقاد هستند.

۴. فاتحه: ۵.

استغفروهُ و ویل للمشرکین».^۱

«بگو: من بشری هستم مثل شما که به من وحی می‌شود، خدای شما خدایی است یگانه، پس مستقیم به سوی او بروید و از او استغفار بطلبید و اوای برمشرکین (کسانی که «فاستقیموا الیه»^۲ را نقض می‌کنند)».

اما درخواست انسان از طریق هوشمندی الهی و یا به‌طور قراردادی از طریق شبکه‌ی شعور کیهانی پاسخ داده خواهد شد:

«و ما کان لبشرٍ ان یکلمهُ اللهُ الا وَحیاً اَوْ مِنْ وَرَایِ حِجَابٍ اَوْ یُرِسلُ رُسُلًا فِیوَحِی بِاِذْنِهٖ مَا یَشَاءُ».^۳ «و هیچ بشری را نرسد که خدا با او سخن بگوید جز به وحی مستقیم یا از پشت مانعی یا رسولی بفرستد که به اجازه‌ی او آنچه را بخواهد وحی کند...».

و هیچ انسانی از این قاعده مستثنا نیست، پس نام انسان به هر کس اطلاق شود، باید مطابق نمودار زیر در جایگاه خود قرار بگیرد.

همچنین اگر نام انسان از روی کسی برداشته شود، دیگر در این زمره تلقی نشده و کمال او از صورت انسانی خارج می‌شود و دیگر در چارچوب کمال و تعالی که در مورد انسان‌ها صدق می‌کند، قابل بحث و بررسی نخواهد بود و باید به عنوان موجودی غیر از انسان تلقی شود؛ در غیر این صورت گذشته از نقض آیه‌های شریفه فوق، عدالت الهی را نیز مبنی بر برابری همه‌ی انسان‌ها در مقابل خداوند، زیر سؤال می‌برد.^۴

۱. فصلت: ۶.

۲. همان.

۳. شوری: ۵۱.

۴. محمدعلی طاهری؛ *انسان از منظری دیگر*؛ ص ۹۳.

۴. جایگاه راهنمایان الهی در هرم هستی

مطابق با آنچه گفته شد در نظام توحیدی عرفان‌واره حلقه برای شناخت و ارتباط با خداوند هیچ جایگاه ویژه‌ای برای انبیاء و اولیاء الهی وجود نداشته، کاملاً حذف گردیده‌اند و در یک ادعای غیرمدلل با چنین برداشتی، یکی از علل حمله موجودات غیرارگانیک به انسان را نقض استعانت از خداوند دانسته و بیماری‌هایی همچون افسردگی و گرفتگی روانی را به این مسئله ربط داده‌اند.^۱

درحالی‌که مطابق با اعتقادات شیعه «براساس توحید ربوبی، تنها هویت مستقل در سراسر هستی، ذات خدای سبحان است و فقط او ربّ العالمین است و دیگران همه مجاری فیض خداوند هستند.

هرچه در طبیعت و مافوق آن است مشمول اصل کلی «لِلَّهِ جُنُودُ السَّمُوتِ وَ الْأَرْضِ»^۲ است. همان‌گونه که در جهان طبیعت هریک از خاک، آب، آتش،

۱. وقتی انسان جهت خود را به‌سوی خداوند تنظیم نکرده باشد و در مسیر مستقیم به‌سوی او حرکت نکند؛ یعنی وقتی دیگری را به خدا ترجیح می‌دهد یا به کسی یا چیزی غیر از او نیز امید دارد و توکل می‌کند، جهت را گم کرده است. چنین کسی دچار شرک است؛ غیر خدا را در نظر دارد و به پیمان «ایاک نستعین» پایبند نیست. در این صورت گروهی از موجودات غیرارگانیک گروه A که می‌توان آن‌ها را «جهت‌بان» نامید، او را مورد حمله خود قرار می‌دهند. این حمله می‌تواند به‌صورت نامحسوسی اتفاق افتد و بدون اینکه فرد متوجه باشد گرفتاری او ناشی از چیست، او را مورد آزار قرار دهد. برای مثال، با دخالت جهت‌بانان، آن دسته از افراد که در تعیین جهت دچار خطا هستند، به جای آرامش و اطمینان ناشی از ذکر خداوند، اغلب در افسردگی و گرفتگی روانی به سر می‌برند. (محمدعلی طاهری؛ *موجودات غیرارگانیک*؛ ص ۲۶).

هوا و مانند آن، کاری مشخص برعهده دارد، در ماورای طبیعت نیز هرکدام از فرشتگان وظیفه مخصوصی دارند.

فرشتگان موسوم به «مدبرات امر» که عالم طبیعت را اداره می‌کنند به خانه‌های ائمه علیهم‌السلام رفت و آمد می‌کنند تا ضمن عرض ادب به محضر آن ذوات نورانی، گزارش امور را ارائه دهند؛ بنابراین، امامان معصوم علیهم‌السلام در غیایم و لیلیای قدر هم مهماندار ملائکه‌ای هستند که کارهای گوناگونی را که مأمور اداره و اجرای آن هستند، به عرض صاحب زمین و زمان برسانند.

تعبیری همچون «نَحْنُ ... مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ وَ مَوْضِعُ سِرِّ اللَّهِ ...»^۱ به روشنی بر این مطلب که امام، عهده‌دار کارهای باطنی جهان نیز هست دلالت دارد... روایات دیگری هست که در آن‌ها سخن از وساطت امام در فیض یابی همه زمین است؛ چنان‌که امام صادق علیه‌السلام فرمود: «...كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه‌السلام بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ وَ سَبِيلُهُ الَّذِي مَنْ سَلَكَ بَغَيْرِهِ هَلَكَ وَ كَذَلِكَ يَجْرِي الْأُمَمُ الْهُدَى وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ جَعَلَهُمُ اللَّهُ أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا وَ حُجَّتَهُ الْبَالِغَةُ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَ مَنْ تَحْتَ الثَّرَى ...»^۲.

هر دو بُعد عالم تحت ولایت ائمه علیهم‌السلام است و همان‌گونه که کوه مانع اضطراب و لرزش زمین است؛ «وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رُوسًا أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ»^۳ وجود مبارک امام معصوم علیه‌السلام نیز مانع اضطراب زمین و اهل آن؛ «جَعَلَهُمُ اللَّهُ أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ»^۴ و مانع متلاشی شدن زمین است؛ «لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ يَوْمًا بَلَا

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۱، ص ۲۲۱.

۲. همان، ص ۱۹۶ / محمد باقر مجلسی؛ *بحار الأنوار*؛ ج ۲۵، ص ۳۵۹.

۳. انبیاء: ۳۱.

۴. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۱، ص ۱۹۷.

إِمَامٍ مِنَّا، لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا»^۱، «لَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ طَرْفَةَ عَيْنٍ مِنْ حُجَّةٍ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا»^۲.^۳

به هرروی «هر فعل و تغییری که در نظام هستی از ناحیه خداوندی بخواهد صورت گیرد، نه مستقیم بلکه توسط مدبرات یعنی فرشتگان خاص انجام می‌گیرد، اما از آنجا که آنان با خداوند ارتباط ندارند، لذا آنان با واسطه و علل میانجی دیگری یعنی امامان اطهار علیهم‌السلام ارتباط برقرار نموده و تکلیف و مأموریت خود را از آنان کسب می‌نمایند»^۴.

۴. ابن بابویه، محمد بن علی، *کمال‌الدین و تمام النعمه*، ج ۱؛ ص ۲۰۴.

۵. همو، *عیون اخبار الرضا* علیه‌السلام؛ ج ۱؛ ص ۲۷۲.

۶. عبدالله جوادی آملی؛ *تسنیم*، ج ۶، صص ۵۲۴ و ۵۲۵.

۴. محمد حسن قدردان قراملکی؛ *راز خلقت و بقا*؛ ص ۳۶۶.

فصل سوم: فرجام شناسی

در این بخش از کتاب آنچه پیرامون فرجام شناسی عرفان واره حلقه مورد بررسی قرار گرفته عبارت است از: ۱. جان سپاری ۲. عذاب قبر ۳. سؤال قبر ۴. تناسخ.

۱. لحظه‌ی جان سپاری

پیش از پرداختن به روایت عرفان واره حلقه از جان سپاری افراد، لازم است نکاتی پیرامون اهمیت و جایگاه معاد و مرگ بیان گردد.

۱-۱. اهمیت و جایگاه معاد

یکی از اصول جهان بینی اسلامی که از ارکان ایمانی و اعتقادی دین اسلام است، اصل ایمان به زندگی جاوید و حیات اخروی است. ایمان به عالم آخرت شرط مسلمانی است، یعنی اگر کسی این ایمان را از دست بدهد و انکار کند از زمره مسلمانان خارج است.^۱ مسئله معاد از تمامی مباحث دینی مشکل‌ترو معضل‌تراست و لهذا عده‌ای معتقدند که صد درصد تعبداً باید آن را پذیرفت.^۲

اما در عرفان واره حلقه چنانچه خواهد آمد تجربه‌های شخصی جایگزین

۱. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار (زندگی جاوید یا حیات اخروی)؛ ج ۲؛ ص ۵۰۱.

۲. همو، مجموعه آثار؛ ج ۴؛ ص ۶۷۰.

بخش سوم: مبانی فکری عرفان‌واره‌ی حلقه | ۱۸۳

آموزه‌های وحیانی شده است و از این بابت در مورد معاد و مراحل آن انحرافات پدید آمده است.

در این بخش پیرامون مرگ و لحظه جان‌سپاری انسان مقایسه‌ای میان دیدگاه‌های عرفان‌واره حلقه با دین مبین اسلام صورت گرفته است.

۲-۱. مرگ

واژه مرگ در فارسی به معنای مردن، جان سپردن، بی‌جان شدن، از دست دادن نیروی حیوانی و حرارت غریزی، فناى حیات، نیست شدن زندگانی، از گیتی رفتن و درگذشت است. از این واژه در عربی به موت، ممات، فوت، اجل و... نام می‌برند.^۱ موت را ضد حیات و رفتن توان و قوت از شیء می‌دانند.^۲

آدمی با جان‌سپاری در دنیا و ورود بهبرزخ مرحله‌ی جدیدی از حیات را به خود می‌بیند. جان دادن مؤمنان و غیرمؤمنان هرگز یکسان نبوده و به کلی متفاوت است.

در ادبیات دینی از جان‌سپاری به احتضار، سكرات و غمرات موت تعبیر شده و آداب^۳ و ادعیه‌ای^۴ در این زمینه توصیه شده است؛ اما در تشیكلات حلقه تقریر دیگری از جان‌سپاری افراد وجود دارد.

۱. عبدالله جوادی آملی؛ معاد در قرآن؛ ج ۴، ص ۱۸۱.

۲. المیم والواو والتاء أصلٌ صحيحٌ يدلُّ على ذهاب القوة من الشيء. منه الموت؛

خلاف الحیاة. ابن فارس؛ معجم مقائیس اللغة؛ ج ۵، ص ۲۸۳.

۳. محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۷۸، ص ۲۳۰، باب ۵ آداب الاحتضار و أحكامه.

۴. همان، ج ۹۲، ص ۳۴۲، باب ۱۲۲ الدعاء عند الاحتضار.

در دین اسلام «جان دادن برای مؤمن بسیار سهل و راحت است و بر اساس برخی روایات مانند آن است که انسان گل خوشبویی را بوکند و ناگهان خود را در باغ‌های بهشت ببیند.^۱ اما برای منافق و کافر بسیار سخت و سنگین است؛ چنان‌که بخواهند دندان کسی را بدون تخدیر بکشند یا انگشت او را بدون بی‌هوشی موضعی قطع کنند، یا پزشکی بخواهد بدون تخدیروبی‌هوشی قلب بیماری را عمل کند یا ناخنی را از گوشت انگشت جدا کند. جان کندن کافر و منافق به مراتب شدیدتر و جانکاه‌تر از این‌هاست».^۲

۳-۱. عرفان واژه حلقه و لحظه وقوع مرگ

۱-۳-۱. توصیف

باور مؤسس حلقه پیرامون لحظه‌ی جان‌سپاری انسان‌ها بر این استوار است که سختی و سكراتی برای آدمی در حین مرگ وجود نداشته و همه‌ی انسان‌ها به راحتی جان می‌دهند. طاهری گفته است:

با توجه به این‌که مرگ، تجلی رحمت خاص و ویژه‌ای است که شامل حال همه می‌شود، در لحظه‌ی وقوع، بسیار دلپذیر و خوشایند است. همه‌ی ما در لحظه‌ی جدا شدن از جسم خود، شیرینی و لذت وصف‌ناپذیری را خواهیم چشید که مربوط به همین لطف و رحمت ویژه است.^۳

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۱، ص ۳۵.

۲. عبدالله جوادی آملی؛ *معاد در قرآن*؛ ج ۴، ص ۲۱۱.

۳. محمد علی طاهری؛ *انسان و معرفت*؛ صص ۲۳۵ و ۲۳۶.

شیرین‌سازی لحظه‌ی مرگ در تشکیلات حلقه از آن‌روست که طاهری معتقد است بسیاری از افراد به خاطر ترس از مرگ دین‌گریز شده‌اند؛ بنابراین او روی به ساده‌سازی و تحریف حقیقت آن آورده است.

این ماجرای که عده زیادی دچار ترس و وحشت شدند از مرگ، از شب اول قبر، از فشار قبر و از لطف الهی ناامید شدند و نسبت به خدا دچار آن سوء تفاهمات شدند، اینجا این تجربه، برای آن‌ها نشان خواهد داد که این‌طوری نیست.^۱

دلایلی که طاهری برای آسان و لذت‌بخش بودن جان‌سپاری انسان‌ها ارائه می‌دهد شواهدی است که به‌زعم وی کاملاً تجربی و ناشی از ارتباطاتی است که با ارواح سرگردان در جلساتی موسوم به تشعشع دفاعی داشته است. به‌هر حال وی هیچ‌گونه مستندات دینی برای باورهای خود در زمینه شیرین بودن جان‌سپاری همه انسان‌ها ارائه نداده است.

رهبر عرفان‌واره‌ی حلقه با جایگزین کردن تجارب شخصی به جای نصوص وحیانی در مورد مرگ گفته است:

تجربه‌ای که از تشعشع دفاعی به دست آوردیم و صحبت با هزاران هزار کالبد ذهنی که تاکنون که از آن‌ها من، این سؤال را پرسیدم که آیا لحظه‌ی جدائی لحظه‌ی تلخی بوده؟ از کالبدهای ذهنی که در انفجار، آتش‌سوزی، سوانح و مواردی که به نظر ما خیلی سخت می‌آید، حتی یک مورد هم نشنیدم که یک کالبد ذهنی، گفته باشند که مرگ ما سخت بود، حتی یک مورد.^۲

۱. محمدعلی طاهری؛ دوره هفتم؛ ص ۲۲۵.

۲. همان، صص ۲۲۴ و ۲۲۵.

وی در جای دیگری گفته است:

صرف نظر از این که چگونه، کجا و بر اثر چه، مرگ اتفاق بیافتد، لحظه‌ی جدائی، شیرین‌ترین لحظه است. حالا ما می‌گوییم خیلی بد جان داد، بد مرد، ببینید که چه کرده بود که این‌طوری مرد و خلاصه صحبت از مرگ بد می‌کنیم درحالی که مرگ بد نداریم، همه‌اش شیرینی، آزادی و رهایی است.^۱

و در کتاب موجودات غیرارگانیک نگاشته است:

تجربه‌ی مرگ برای همه شیرین است و حتی مرگ‌های دل‌خراش در لحظه‌ی وقوع برای خود فرد سخت و دردناک نیست.^۲

۲-۳-۱. نقد و بررسی

یکم: پرهیز از افراط و تفریط

هرچند ممکن است افراد و احیاناً گروه‌هایی در پاره‌ای از موارد دینی همچون مسئله مرگ و... زیاده‌روی نمایند اما وجود چنین اشخاص و تفکراتی مجوزی برای تحریف آنچه دین در مورد حقیقت مرگ و لحظه‌ی جان‌سپاری انسان معرفی بیان کرده است نمی‌باشد.

دوم: ارتباط با ارواح و تجارب نزدیک به مرگ

ادعای برقراری ارتباط با ارواح توسط طاهری حتی اگر ممکن هم باشد عمومی‌سازی آن کار صحیحی نیست و اساساً ارتباطی با عرفان و شناخت خدا نداشته و بدون عرضه بر نصوص دینی حجیت ندارد. همچنین بسیاری

۱. محمدعلی طاهری؛ دوره هفتم؛ ص ۲۲۴.

۲. همو، موجودات غیرارگانیک؛ ص ۴۰.

از گزارش‌های موجود راجع به تجارب نزدیک به مرگ، آن را همراه با سختی و عذاب توصیف نموده است؛ بنابراین ادعای طاهری قابل خدشه است.

سوم: ترویج اباحه‌گری با آسان‌سازی مرگ

سخنان ناروای طاهری در اطراف معاد که بخشی از آن پیرامون لحظه‌ی جان سپردن آدمی بیان گشت، دارای فرجام نامطلوبی برای پیروانش می‌باشد و از آن حیث که کیفیت جان‌سپاری انسان‌ها، اعم از مؤمن و غیر مؤمن یکسان پنداشته شده است، سرانجامی جز میل طرفداران وی به اباحه‌گری را در پی ندارد. این در حالی است که ارائه‌ی تصور صحیح دینی و بدون افراط و تفریط از مرگ، نقش بسزایی در اصلاح فرد و جامعه و نیز دنیا و عقبی فرد خواهد داشت.

چهارم: لحظه‌ی مرگ به روایت دین

آنچه بنیان‌گذار حلقه مطابق با تجارب شخصی خود مورد استناد قرار می‌دهد با آموزه‌های دینی در تعارض جدی است. در قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام از راحتی^۱ جان سپردن مؤمنین و سختی جان دادن کفار و افراد گناه کار سخن به میان آمده است. در اینجا به تعدادی از آیات و روایات در رابطه با سختی جان دادن کافران و گناه کاران اشاره می‌کنیم.

الف: قرآن و سکرat موت

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا
عَذَابَ الْحَرِيقِ؛ و اگر ببینی کافران را هنگامی که فرشتگان (مرگ)، جانشان

۱. در روایات اسلامی جان دادن مؤمن به «نوشیدن آب خنک در روز تابستانی»، «دسته

گل خوشبوی» و... تشبیه شده است.

را می‌گیرند و بر صورت و پشت آن‌ها می‌زنند و (می‌گویند) بچشید عذاب سوزنده را (به حال آنان تأسف خواهی خورد)¹!

علامه طباطبایی رحمته‌الله در المیزان به نقل از برخی مفسرین می‌گوید: ادبار کنایه از نشیمنگاه و وجوه هم به معنای جلوی سراسر است؛ و زدن به نشیمنگاه و جلوی سر آن‌ها به معنای خوار و ذلیل کردن ایشان است.²

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ؛

و اگر ببینی هنگامی که (این) ظالمان در شداید مرگ فرو رفته‌اند و فرشتگان دست‌ها را گشوده، به آنان می‌گویند: جان خود را خارج سازید! امروز در برابر دروغ‌هایی که به خدا بستید و نسبت به آیات او تکبر ورزیدید، مجازات خوارکننده‌ای خواهید دید! (به حال آن‌ها تأسف خواهی خورد).³

همچنین قرآن کریم لحظه‌ی جان‌سپاری کافران را این‌گونه به تصویر می‌کشد:

كَأَلَّا إِذَا بَلَغَتِ النَّارَ * وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ * وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ * وَالتَّفَتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ؛ چنین نیست (که انسان می‌پندارد! او ایمان نمی‌آورد) تا موقعی که جان به گلوگاهش رسد، * و گفته شود: «آیا کسی هست که (این بیمار

۱. انفال: ۵۰.

۲. قیل: إن الأدبار کنایه عن الأستاذة فبالمناسبة یكون المراد بوجههم مقدم رؤسهم و ضرب الوجوه و الأدبار بهذا المعنی یراد به الإزاء و الإذلال. (سید محمد حسین طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۹، ص ۱۰۰).

۳. انعام: ۹۳.

را از مرگ) نجات دهد؟! * و به جدایی از دنیا یقین پیدا کند، * و ساق پاها (از سختی جان دادن) به هم پیچد!^۱

تراقی جمع ترقوه به معنی استخوان‌هایی است که گرداگرد گلو را گرفته است و رسیدن جان به گلوگاه، کنایه از آخرین لحظات عمر است، زیرا هنگامی که روح از بدن بیرون می‌رود، اعضایی که فاصله بیشتری از قلب دارند (مانند دست و پاها) زودتر از کار می‌افتند، گویی روح تدریجاً خود را از بدن برمی‌چیند تا به گلوگاه برسد.^۲

ب: روایات و توصیف جان‌سپاری

در روایات از سختی جان‌سپاری و دلایل آن و نیز عواملی که جان‌سپاری و مرگ را آسان می‌کند سخن گفته شده است.

امام صادق علیه السلام فرموده است:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُخَفَّفَ اللَّهُ بِهِ عَنْهُ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ، فَلْيَكُنْ لِقَرَاتِهِ وَصُولًا
وَبِوَالِدِيهِ بَارًا، فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ هَوَّنَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَلَمْ يُصِبْهُ فِي
حَيَاتِهِ فَقْرٌ أَبَدًا؛ هر که دوست دارد خداوند ﷺ سكرات مرگ را بر او سبک
گرداند، باید به خویشانش رسیدگی و به پدر و مادرش نیکی کند. اگر
چنین کند، خداوند ﷺ سختی‌های مرگ را بر او آسان گرداند و در
زندگی‌اش هرگز به ناداری نیفتد.^۳

همچنین از امام علی علیه السلام نقل شده است:

۱. قیامت: ۲۶.

۲. ناصر مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه؛ ج ۲۵، ص ۳۰۸.

۳. محمد بن الحسن الطوسی؛ *الأمالی*؛ ص ۴۳۲ / محمد محمدی ری‌شهری؛ میزان

الحکمه؛ ج ۱۱؛ ص ۱۲۷.

إِنَّ لِلْمَوْتِ لَعَمْرَاتٍ هِيَ أَفْظَعُ مِنْ أَنْ تُسْتَغْرَقَ بِصِفَّةٍ، أَوْ تَعْتَدِلَ عَلَى عُقُولِ
أَهْلِ الدُّنْيَا؛ مرگ را سختی‌هایی است دشوارتر از آنکه در وصف گنجد یا با
خردهای مردم جهان سنجیده شود.^۱

بنابراین مطابق با آموزه‌های دینی، جان‌سپاری انسان‌های صالح و طالح هرگز
یکسان نمی‌باشد. مؤمن با اشتیاق و به دور از رنج، دنیا را ترک کرده و رهسپار
عالم برزخ می‌شود و انسان‌های تبه‌کار با رنج و سختی و عذاب جان به
جان‌آفرین تسلیم می‌کنند.

۱. محمد محمدی ری‌شهری؛ *میزان الحکمه*؛ ج ۱۱؛ ص ۱۲۶.

۲. عذاب قبر

مسئله عذاب در قبر از جمله باورهای مسلمین می‌باشد که جز گروه اندکی از معتزله کسی آن را انکار نکرده است.^۱ شیخ صدوق رحمته الله در کتاب اعتقادات در این مورد می‌گوید:

اعتقادنا في المسألة في القبر أنها حق لا بد منها، فن أجاب بالصواب فاز بروح وريحان في قبره و بجنة نعيم في الآخرة و من لم يأت بالصواب فله نزل من حميم في قبره وَ تَصْلِيَةُ جَحِيمٍ فِي الْآخِرَةِ؛^۲

اعتقاد ما در مورد سؤال در قبر این است که حق است و چاره و گریزی از آن نیست. کسی که آن را درست پاسخ دهد سعادت‌مند می‌شود در قبرش به روح و ریحان و در آخرت به بهشت؛ و کسی که از عهده‌ی سؤال قبر برنیاید آتش در قبرش فرستاده می‌شود و در آخرت به جهنم می‌افتد.

دلایل بسیاری برای فشار قبر در روایات ذکر شده است که به‌طور کلی بازگشت جملگی آنان به اعمال و گناهان آدمی است.

۲-۱. عذاب قبر در دیدگاه تشکیلات حلقه

۲-۱-۱. توصیف

بنیان‌گذار تشکیلات حلقه در دوره‌های آموزشی این عرفان‌واره به تفاریق در مورد فشار قبر سخن گفته است. وی همچنین در کتاب انسان و معرفت در قسمت معاد شناسی به نحو مختصر به این مسئله پرداخته است. مطابق با اعتقاد و قرائت خاص او فشار قبر هیچ‌گونه ارتباطی با کردار آدمی نداشته و

۱. جعفر سبحانی تبریزی؛ *الإلهيات على هدى الكتاب والسنة والعقل*؛ ج ۴، ص ۲۳۷.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی؛ *إعتقادات الإمامية*؛ ص ۵۸.

تنها بسته به تسخیر جسم توسط روح است که منشأ آن وابستگی‌های انسان می‌باشد. طاهری به مانند همیشه تجارب شخصی خود در این مسئله را محور قرار داده، ترویج می‌کند و نسبت به آموزه‌های دینی در مورد معاد بی تفاوت است.

شما در این تشعشع دفاعی خیلی خوب می‌توانید تجارب با ارزشی روی این مسائل به دست بیاورید و ببینید که واقعیت قضیه چیست.^۱

همچنین:

ما در دوره تشعشع دفاعی از کسانی ... تجربه داریم که سؤال کرده باشیم که آیا تلاش کردی جسمت را دوباره تسخیر بکنی، اگر ... سؤال بکنید، می‌بینید که يك درصد قابل توجهی آمدند این تجربه را کسب کردند و خواستند جسم را بروند داخلش و دوباره تکانش بدهند چون می‌بینند زنده اند، می‌گویند حالا که ما زنده ایم شاید دوباره بتوانیم این جسم را تکانش بدهیم.^۲

تفسیری که طاهری از فشار قبر ارائه می‌دهد منحصر در وابستگی روح به جسم و تلاش روح برای بازگشت به جسم است و ارتباطی با اعمال و گناهان فرد ندارد. او بیشتر انسان‌ها را وابسته‌ی به دنیا و جسم خود می‌داند و تنها عده‌ای که دارای دانش کمال هستند را رهاشده از قید و بند دنیا و جسم می‌داند. دانش کمال در این فرقه گونه‌ی والایی از معرفت و آگاهی است که البته از راه دین به دست نمی‌آید!

بسیاری از کسانی که پس از درگذشت، مرگ خود را باور نمی‌کنند و یا

۱. محمدعلی طاهری؛ دوره چهارم؛ ص ۳۰.

۲. همان، ص ۴۵.

نمی‌خواهند آن را بپذیرند، سعی می‌کنند به نحوی، به بدن خود بازگردند؛ اما علاوه بر این که به مقصودشان نخواهند رسید، در تلاش برای تسخیر جسم خود، تحت فشار و سختی شدیدی قرار می‌گیرند که همان «فشار قبر» است.^۱

همچنین گفته است:

بیشتر ما گمان می‌کنیم که به راحتی، حقیقت مرگ را خواهیم پذیرفت؛ درحالی که فقط تعداد اندکی از درگذشتگان هستند که به دلیل معرفت و آگاهی (دانش کمالی) به سادگی دست از این دنیا (از جمله جسم خود) می‌کشند و بدون فشار قبر به سوی زندگی بعدی رهسپار می‌شوند. این عده که هوای دیدار پروردگار و عزم کوی او را دارند، حتی لحظه‌ای در فشار وابستگی‌های زمینی باقی نمی‌مانند و کوچک‌ترین تمایلی برای بازگشت به جسم خود ندارند. بنابراین، از این نظر، دچار عذاب و آزرده‌گی هم نمی‌شوند.^۲

۲-۱-۲. نقد و بررسی

یکم: بی‌اعتباری تجارب شخصی معارض دین

تجربیات شخصی در باب مسائل دینی اولاً برای دیگران حجیت نداشته و قابلیت عمومی‌سازی ندارد و ثانیاً این چنین تجارب شبه‌معنوی اگر مطابق با آموزه‌های دینی نباشند اساساً باطل هستند؛ تجارب طاهری در تبیین محض با آموزه‌های دینی هستند و او اندیشه‌های فرقه‌ای خود را محصول الهام و ادراک می‌داند.

۱. محمدعلی طاهری؛ *انسان و معرفت*؛ ص ۲۳۸.

۲. همان.

دوم: دلایل فشار قبر مطابق روایات

به خلاف آنچه بنیان‌گذار حلقه می‌پندارد، «راز فشار قبر در برخی روایات بدرفتاری با خانواده اعلام شده است؛ چنان‌که پیامبر ﷺ فشار قبر سعد را بر اثر آن دانست. در پاره‌ای روایات فشار قبر کفار تَضِیعِ نعمت‌ها به حساب آمده است. «قال رسول الله ﷺ صَغَطَةُ الْقَبْرِ لِلْمُؤْمِنِ كَفَّارَةٌ لِمَا كَانَ مِنْهُ مِنْ تَضِيعِ النِّعَمِ»^۱.

برپایه برخی دیگر از احادیث، عذاب قبر محصول سخن‌چینی است.^۲ درباره کافر می‌فرماید:

وقتی فرشته سؤال درباره پیامبر از او می‌پرسد و او از جواب عاجز می‌ماند... مارها و عقرب‌ها بر او مسلط می‌شوند و قبر او تاریک می‌گردد. سپس چنان فشاری به او می‌دهد که دنده‌های راست و چپ وی در یکدیگر داخل می‌شود^۳.^۴

همچنین در روایات اسلامی فشار قبر مورد تصریح قرار گرفته است؛ در اینجا به چند نمونه از آنان اشاره می‌کنیم.

/ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا کسی از فشار قبرها می‌شود؟ فرمود: از آن به خدا پناه می‌بریم. چه اندک‌اند کسانی که از فشار قبرها می‌شوند؟! هنگامی که رقیه (دختر پیامبر خدا ﷺ) کشته شد، رسول خدا ﷺ در کنار قبرش ایستاد و سر خود را به آسمان بلند کرد و

۱. محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۶؛ ص ۲۲۱.

۲. همان، صص ۲۲۲ و ۲۷۹.

۳. همان، صص ۲۲۴.

۴. عبدالله جوادی آملی؛ معاد در قرآن، ج ۴، ص ۲۱۴.

درحالی‌که از چشمان مبارکش اشک جاری بود، به مردم فرمود: من به یاد این دختر افتادم و به خاطر آزاری که به او رسید، براورقت می‌کنم و اشک می‌ریزم و بخشش او را از فشار قبر خواستارم.^۱

همچنین امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

بعد از آنکه سعد (بن معاذ) فوت نمود، هفتاد هزار فرشته او را تشییع جنازه کردند؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله بر بالین قبرش ایستاد و فرمود: (آیا) مانند سعد فشار قبر ببیند؟! مادر سعد گفت: ای سعد! گوارایت و گرامیت باد. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: ای اُم سعد! چیزی را بر خداوند تحمیل نکن، گفت: ای رسول خدا! شنیده‌ایم که درباره سعد چنان تعریف می‌نمودی، فرمود: همانا سعد نسبت به خانواده‌اش زبانی خشن داشت.^۲

سوم: بی‌ارتباطی نائل آمدن به کمال با دین در حلقه

دانش کمال در عرفان‌واره حلقه از رهگذر اندیشه Interuniversal به دست می‌آید که در آن بایستی تنها به درک وحدت^۳ و تن واحد بودن جهان هستی نائل آمده و در این راستا دین و مذهب شرط نمی‌باشد^۴، بلکه باید به صلح با همه‌ی هستی رسید.

به هر تقدیر در آموزه‌های اسلامی دستورالعمل‌هایی برای رهایی از فشار قبر بیان شده است. همچنین اگر شماری از مؤمنین راستین از فشار قبر مستثنا شده‌اند، این دستورالعمل‌ها تنها منحصر در اعمال صالح و این مستثنا

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۳، ص ۲۳۶.

۲. همان.

۳. مراد وحدت وجود مطرح در عرفان اسلامی نمی‌باشد.

۴. رک: امین شمشیری؛ *عرفان‌واره‌ی حلقه دوره مقدماتی*؛ صص ۸۱-۹۲.

شدن‌ها فقط به جهت التزام به آن اعمال صالح بوده است نه آنچه ظاهری تحت عنوان دانش کمال جعل کرده است. به هر حال در تشکیلات عرفان حلقه پاکی و ناپاکی و دین و بی‌دینی اهمیتی ندارد و از چنین عقایدی کمال حاصل نمی‌شود بلکه کمال حقیقی تنها از تبعیت از شرع و عقل به دست می‌آید.

۳. سؤال قبر

یکی دیگر از اعتقادات مسلمین سؤال قبر است. مطابق پاره‌ای از روایات همه‌ی انسان‌ها در قبر مورد پرسش قرار می‌گیرند. برخی دیگر از روایات اشاره دارد که جز از مؤمن محض و کافر محض سؤالی پرسیده نمی‌شود.

لَا يُسْأَلُ فِي الْقَبْرِ إِلَّا مَنْ مَخَّصَ الْإِيمَانَ مَخْصًأً أَوْ مَخَّصَ الْكُفْرَ مَخْصًأً؛^۱ در قبر پرسش نمی‌شود، مگر از کسی که مؤمن محض باشد یا کافر محض.

به هر روی پرسش در قبر یکی از مراحل سیر برزخی می‌باشد.

۳-۱. سؤال قبر از دیدگاه تشکیلات حلقه

۳-۱-۱. توصیف

طاهری سؤال فرشتگان در قبر، ملائک پرسش‌کننده و همچنین فشار قبر را سمبلیک و غیر واقعی دانسته و صرفاً فشار قبر را منحصر در تسخیر جسم توسط روح می‌داند. وی در این باره و در پاسخ به پرسش یکی از شاگردانش گفته است:

در مورد نکیر و منکر که سؤال می‌فرمایند، این‌ها سمبلیک است ... در این سال‌ها در قرون متمادی برای اینکه این مفاهیم [را] برسانند با یک چیزهای سمبلیکی مانند فشار قبر و این حرف‌ها شروع شده [است]. کشش ذهنی انسان در هزار سال پیش، در عهد عتیق چقدر بوده، یک عده‌ای بودند تیزهوش بودند. همین عرفا تیزهوش بودند و مسائل را گرفتند ولی عده زیادی کشش ذهنی نداشتند در سطح خیلی عام بودند، این‌ها

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۳، ص ۲۳۵. باب المسأله فی القبر و من یسأل و من لا یسأل.

هم گفتند نکیرو منکر... لذا باز با زبان‌های کلی و سَمبَلِیک ختم ماجرا را دارند و درست هم بوده و درست هم هست، منتها هرکسی به قدر فهم خود کند ادراک.^۱

وی همچنین در جای دیگری فرشتگان سؤال‌کننده را صرفاً در درون خود انسان تصور کرده است تا ماجرای بی‌اعتقادی او به فشار قبر و سؤال ملائکه در قبر بی‌هیچ شائبه تکمیل گردد.

همه‌ی ما در مراحل مختلفی از معاد، در معرض پرسش‌هایی خواهیم بود که پاسخ آن‌ها، از حال و شرایط ما معلوم است؛ یعنی هرکدام، به فراخور دانش کمال خود، در حال ابراز پاسخ آن‌ها هستیم. یکی از این مراحل، لحظه‌ی پس از مرگ است.

در این لحظه، درحالی‌که فرد در تلاطم ناشی از دگرگونی شرایط است، به خود آمده، در جستجوی این برمی‌آید که چه با خود آورده است (که به کارش بیاید) و به این نوع پرسش‌ها که خواه‌ناخواه، در معرض آن قرار گرفته است، در عمل پاسخ می‌گوید؛ به عبارت دیگر، ملائک سؤال‌کننده، در درون خود او هستند و مأموریت آن‌ها به محض مواجه شدن با وضعیت جدید، آغاز می‌شود.

پاسخ او به این سؤالات نیز، بستگی به سواد کمالی وی دارد و در عمل نمایان می‌شود؛ چنان‌که ماندن او در این برزخ (تا وقتی که به واسطه‌ی رحمت حق از آن خارج شود)، نشانه‌ای از نقص کمالی او و گذر وی از آن، نشانه‌ای از همراه داشتن معرفت و آگاهی لازم برای عبور است.^۲

۱. محمدعلی طاهری؛ دوره چهارم؛ ص ۲۹.

۲. همو، انسان و معرفت؛ صص ۲۳۸ و ۲۳۹.

۳-۱-۲. نقد و بررسی

یکم: ناسازگاری با دین

سخنان طاهری که آن را محصول ادراکات خود می‌داند با آموزه‌های دینی سازگاری ندارد. برای نمونه در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

مَنْ أَنْكَرَ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ فَلَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا الْمِعْرَاجَ وَالْمُسَاءَلَةَ فِي الْقَبْرِ وَالشَّفَاعَةَ؛ شیعه ما نیست کسی که سه چیز را انکار نماید: معراج، سؤال قبر و شفاعت.^۱

و از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است که در مورد سؤال نکیر و منکر فرموده‌اند:

... دو فرشته نزدش می‌آیند و می‌پرسند: درباره پیامبر، محمد صلی الله علیه و آله چه

عقیده‌ای داشتی؟...^۲

روایات دیگری نیز در این رابطه وجود دارد: «إِذَا وُضِعَ الرَّجُلُ فِي قَبْرِهِ أَتَاهُ مَلَكَانِ مَلَكٌ عَنْ يَمِينِهِ وَ مَلَكٌ عَنْ يَسَارِهِ...»^۳، «يَدْخُلُ عَلَيْهِ فِي قَبْرِهِ مَلَكَ الْقَبْرِ...»^۴ و...

۱. ابن بابویه، محمد بن علی؛ *الأمالی*؛ صص ۲۹۴ و ۲۹۵.

۲. إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أُخْرِجَ مِنْ بَيْتِهِ شَيَعَتُهُ الْمَلَائِكَةُ إِلَى قَبْرِهِ يَزِدُّ جُمُوعَ عَلَيْهِ حَتَّى ... وَ يَدْخُلُ عَلَيْهِ فِي قَبْرِهِ مَلَكَ الْقَبْرِ وَ هُمَا فَعِيدَا الْقَبْرِ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ... فَيَقُولَانِ لَهُ مَنْ رَبُّكَ فَيَقُولُ اللَّهُ فَيَقُولَانِ مَا دِيْنُكَ فَيَقُولُ الْإِسْلَامُ فَيَقُولَانِ وَمَنْ نَبِيُّكَ فَيَقُولُ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله فَيَقُولَانِ وَمَنْ إِمَامُكَ فَيَقُولُ... (محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۳، ص ۲۳۹).

۳. هرگاه میت در قبر گذارده شود، دو فرشته یکی از سمت راست و دیگری از جانب چپش نزد او می‌آیند... (همان، ص ۲۳۸).

۴. دو فرشته که همان دو هم‌نشین قبر، منکر و نکیر هستند بر او وارد می‌شوند... (همان، ص ۲۳۹).

دوم: چرایی سمبلیک انگاری

چنانچه در بخش اول کتاب گفته شد سمبلیک انگاری فرشتگان توسط طاهری به آن خاطر است که او باوری به وجود مجردات نداشته و تلاش بسیاری در تفسیر ملائکه به قوانین موجود در هستی دارد.^۱

سوم: تفاوت سمبلیک انگاری با تکوینی انگاری

ممکن است افرادی که با عرفان اسلامی آشنایی مناسبی ندارند، سمبلیک انگاری بنیان‌گذار حلقه را شبیه تکوینی انگاری مورد نظر عارفان بدانند؛ اما در جای خود ثابت شده است که میان این دو دیدگاه تفاوت بنیادین وجود داشته و عارفان الهی منکر وجود مجردات و فرشتگان الهی نیستند.^۲

۱. ر.ک: محمدعلی طاهری؛ *انسان و معرفت*؛ صص ۱۸۷-۱۹۲.

۲. توضیحات بیشتر را در کتاب «سازمان شبه عرفانی حلقه» به قلم نگارنده ببینید.

۴. تناسخ

تناسخ در لغت از ماده نسخ و به معنای زایل کردن، از بین بردن، انتقال^۱، تحول از حالی به حال دیگر^۲ آمده است. راجب /صفهانی در مفردات القرآن می‌گوید:

نسخ یعنی زایل کردن چیزی به چیز دیگری که به دنبال آن می‌آید، مثل خورشید و سایه یا برعکس و همچنین پیری و جوانی و گاهی از نسخ معنی از بین بردن و گاهی مفهوم اثبات کردن فهمیده می‌شود و زمانی هر دو معنی، نسخ کتاب یعنی حکمی را با حکم دیگر که به دنبال آن قرار می‌گیرد زایل کنیم...^۳

و در اصطلاح علم کلام تناسخ عبارت است از انتقال روح آدمی از بدنی به بدنی دیگر پس از مرگ که نام دیگر آن «التَّحْمُّص» بوده و پیروان این عقیده و مذهب را «التَّنَاسُخِيَّة» می‌نامند.

هو انتقال النفس من بدنها الذي كانت فيه إلى بدن آخر من نوع البدن الذي كانت فيه و من غير نوعه...^۴

۴-۱. انواع تناسخ

تناسخ به انواع مختلفی مانند محدود و نامحدود قابل دسته‌بندی است. نامحدود آن خود به نزولی و صعودی تقسیم می‌شود. همچنین تناسخ در اعتبار دیگر و مهم‌تری به ملکی و ملکوتی تقسیم‌بندی می‌شود و ملکی به

۱. محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ ج ۳، ص ۶۱.

۲. ابن اثیر؛ النهاية فی غریب الحديث والأثر؛ ج ۵، ص ۴۷.

۳. رضا مهیار؛ فرهنگ ابجدی؛ ص ۲۶۲.

۴. سید حسین یوسف مکی عاملی؛ الإسلام والتناسخ؛ ص ۷۱.

صعودی، نزولی و مطلق. تناسخ ملکوتی هم به دو قسم تقسیم بندی می‌شود.^۱ در این گفتار ما ناظر بر دیدگاه عرفان واره حلقه تنها به بررسی تناسخ مُلکی می‌پردازیم که از دیدگاه عالمان اسلامی باطل، خرافی و رد شده است و به تناسخ ملکوتی که حق^۲ است نمی‌پردازیم.

۲-۴. تناسخ در عرفان حلقه

۱-۲-۴. توصیف

مرحله‌ی بعد از مرگ، جان سپاری، فشار قبر و سؤال آن در تشکیلات حلقه، تناسخ است. تناسخ از آنجایی که در عرفان واره حلقه با بیماری افراد پیوند می‌خورد بحث حائز اهمیت است چراکه آنان یکی از علل بیماری‌های افراد را نفوذ موجودات غیر ارگانیکی به بدن آنان می‌دانند.

موجودات غیر ارگانیکی چنانچه پیش‌تر اشاره شد به دو قسم a و b تقسیم بندی می‌شوند. نوع b همان کالبد‌های ذهنی یا ارواح سرگردان هستند که با مرگ افراد در برزخ نمانده، به علت دل‌بستگی شدید خود به دنیا بازگشته

۱. جعفر سبحانی؛ *الفکر الخالد فی بیان العقائد*؛ ج ۲؛ صص ۲۰۹ و ۲۱۰ / همو؛ *الإلهیات علی هدی الكتاب و السنة و العقل*؛ ج ۴، ص ۳۰۰ / محمد جمیل حمّود؛ *الفوائد البهیة فی شرح عقائد الإمامیة*؛ ج ۲، ص ۵۰۴.

۲. اصل تناسخ به معنای انتقال روح از بدنی به بدن دیگر عقلاً و نقلاً باطل است و تناسخ ملکوتی، به معنای تحوّل باطن و تصور ظاهر به صورت باطن معقول و مقبول است. عبدالله جوای آملی؛ *تسنیم*؛ ج ۵، ص ۱۵۲ / همان، ج ۲۴، ص ۶۱۷ / سید روح‌الله خمینی (امام)؛ *تقریرات فلسفه*؛ ج ۳، ص ۱۹۳. محمد صدرالدین شیرازی؛ *أسرار الآیات*؛ ص ۱۵۲ / همو، *الحکمة المتعالیة*؛ ج ۹، صص ۲۲۸.

بخش سوم: مبانی فکری عرفان‌واره‌ی حلقه | ۲۰۳

و به تسخیر افراد زنده می‌پردازند. در عرفان‌واره حلقه از آن‌ها به کالبد یا ویروس ذهنی تعبیر می‌شود. در این تشکیلات تنها کسانی تبدیل به ویروس نشده و به دنیا بازمی‌گردند که به دانش کمال دست یافته باشند و تعداد این افراد بسیار اندک است؛ بنابراین در دیدگاه طاهری بیشتر مردم تبدیل به ویروس شده و به دنیا بازمی‌گردند.

به هر تقدیر تناسخ در فرقه‌ی حلقه از ارکان و باورهای اساسی محسوب می‌گردد. هرچند بنیان‌گذار این تشکیلات تلاش نافرجامی در عدم پذیرش تناسخ و توجیه آن به واژه‌ی «تسلسل» دارد اما به خوبی واضح است که وی با تغییر واژگان و الفاظ قصد فرار از پیامدهای اعتقاد به تناسخ را دارد. دلایل زیر به خوبی گواهی بر پذیرش باور ناصواب تناسخ در عرفان‌واره‌ی حلقه است.

۱-۲-۴. مرحله نخست: ورود روح به برزخ پس از مرگ

از دیدگاه عرفان‌واره حلقه روح فرد پس از مرگ وارد برزخ می‌شود. تعبیر آنان از روح، «کالبد ذهنی» است.

پس از مرگ از این جهان، انسان کالبد فیزیکی خود را ترک می‌کند و کالبد روانی و کالبد اختری خود را از دست می‌دهد. بنابراین، او با کالبد ذهنی خود وارد برزخ می‌شود و به همین دلیل، در این مرحله از او با عنوان «کالبد ذهنی» یاد می‌کنیم.^۱

۲-۱-۲-۴. مرحله دوم: مواجه انسان در برزخ با دو کشش متفاوت

در گام دوم روح در برزخ با دو کشش مختلف روبرو می‌شود. کششی که او را به

۱. محمدعلی طاهری؛ انسان و معرفت؛ ص ۲۳۹.

سمت خدا شدن^۱ با طی مراحل معاد می‌خواند و کششی که ناشی از وابستگی‌های دنیوی است. در این مرحله تنها افراد معدودی ممکن است به مرحله بعد راه یابند.

در همه‌ی مراحل حرکت ذاتی (در بستر چرخه‌ی جهان دوقطبی)، همواره دو کشش به سمت جلو و عقب، وجود دارد. آنچه بر کشش روبه‌جلو تأثیر مثبت دارد، دانش کمال است. کسانی که از این دانش کمال، بهره‌ی لازم را ندارند، به پیش رفتن، تمایل نشان نمی‌دهند و با میل به بازگشت، ترجیح می‌دهند در جای خود باقی بمانند.

«رب» انسان، همواره او را به سوی خود می‌خواند و «روح هادی» (به عنوان جهت یاب وجود انسان)، این فراخوانی را جهت یابی می‌کند و به این صورت، تمایل حرکت به جلو ایجاد می‌شود؛ اما این تمایل، در همه‌ی افراد یکسان نیست و به بیان دیگر، همه به خوبی پیام روح هادی خود را دریافت نمی‌کنند؛ زیرا نیروی مخالفی را در خود تقویت کرده‌اند که اثر آن را خنثی می‌کند.

در هر مقطعی، نیروی مخالفی مخصوص همان مقطع وجود دارد. برای مثال، در برزخ فرا مکان (برزخ پس‌از این زندگی)، این نیروی مخالف، وابستگی‌های کالبد ذهنی است که نگاه او را به سمت عقب (زندگی پیش از مرگ) نگه می‌دارد و در برابر پیام و کشش روح هادی، ایجاد مقاومت می‌کند.^۲

در جای دیگری گفته است:

به این ترتیب، برزخ يك «صحنه‌ی آزمایش» است که در آن، هنر هر فرد، بر

۱. در مرحله‌ای به نام «آزمون آخر». رک: محمدعلی طاهری؛ *انسان و معرفت*؛ صص ۲۶۴-۲۶۷.

۲. همان، صص ۲۳۹ و ۲۴۰.

اساس انتخاب حرکت به جلو و یا اجتناب از آن معلوم می‌شود. زیرا فقط کسانی که به درک لازم برای رفتن به زندگی بعد رسیده باشند، با اختیار خود، از این مرحله می‌گذرند و هنرمند خواهند بود.^۱

۳-۱-۲-۴. مرحله سوم: بازگشت ارواح به دنیا و تسخیر افراد زنده

در گام سوم و پایانی کالبد‌های ذهنی (ارواح) که بی‌بهره از دانش کمال هستند و احتیاج‌های دنیوی دارند، بازگشت می‌کنند و مطابق با وابستگی‌های دنیوی خود به تسخیر افرادی که توان برآورده کردن نیازهای آنان را داشته، می‌پردازند.

کالبد‌های ذهنی که در اثر وابستگی خود به تجربه‌ی زندگی پس از این برزخ تن نمی‌دهند، هر جا امکانی برای اعلام حضور بیابند، اقدام و در فرد مورد نظر خود نفوذ می‌کنند. آن‌ها اغلب به دنبال کسی هستند که نقطه نظرات خاصشان را تأمین کند و بتوانند بر اساس وابستگی‌های خود، بار دیگر از دریچه‌ی زندگی او به نیاز ذهنی خود پاسخ دهند؛ درحالی که اگر به تعالی رسیده بودند و نسبت به زندگی زمینی وابستگی نداشتند، هرگز حاضر نمی‌شدند که بین ما حضور داشته باشند و فرصت خود برای زندگی بعدی را از دست بدهند.^۲

از همین روست که در عرفان‌واره‌ی حلقه اصرار زیادی بر سرگردانی ارواح وجود دارد.

بعضی از این کالبد‌های ذهنی نیز از شدت وابستگی همیشه حاضر هستند و حتی خود را به جای دیگران معرفی می‌کنند به همین دلیل، در

۱. محمدعلی طاهری؛ *انسان و معرفت*؛ ص ۲۴۰.

۲. همو، *موجودات غیرارگانیسم*؛ ص ۴۲.

اصطلاح به آن‌ها «روح‌های سرگردان» گفته می‌شود.^۱

۲-۴. نقد و بررسی

یکم: سرگردان نبودن روح

مطابق با آموزه‌های دینی روح سرگردان نبوده، پس از مرگ انسان وارد برزخ می‌شود تا به اعمال آدمی رسیدگی گردد. ناگفته پیداست که سرگردانی روح تبعات نامطلوبی همچون تناسخ و نفی عدالت الهی را در پی خواهد داشت.

دوم: قرآن کریم و رد تناسخ

خداوند متعال در سوره مبارکه مؤمنون درخواست بازگشت روح به دنیا را رد فرموده است:

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ * لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ^۲ (آن‌ها هم چنان به راه غلط خود ادامه می‌دهند) تا زمانی که مرگ یکی از آنان فرارسد، می‌گوید: «پروردگار من! مرا بازگردانید! * شاید در آنچه ترك کردم (و کوتاهی نمودم) عمل صالحی انجام دهم!» (ولی به او می‌گویند) چنین نیست! این سخنی است که او به زبان می‌گوید (و اگر بازگردد، کارش همچون گذشته است)! و پشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند!

سوم: روایات و رد تناسخ مُلکی

ائمه معصومین علیهم‌السلام اعتقاد به تناسخ را شدیداً رد فرموده‌اند. در روایتی از امام

۱. محمدعلی طاهری؛ *موجودات غیرارگانیک*؛ ص ۴۱ و ۴۲.

۲. مؤمنون: ۹۹ و ۱۰۰.

رضا علیه السلام آمده است:

مَنْ قَالَ بِالتَّنَاسُخِ فَهُوَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مُكَذِّبٌ بِالْجَنَّةِ وَالنَّارِ؛ هر کس به تناسخ باورمند باشد کافر به خداوند و تکذیب کننده بهشت و دوزخ است.^۱

به نظر می‌رسد علت مخالفت شدید معصومین علیهم السلام با تناسخ از آن روست که به انکار معاد می‌انجامد. هرچند عرفان حلقه منکر معاد نیست اما تقریر باطلی از آن ارائه داده است که به گونه‌ی دیگری منجر به انکار معاد و مخالفت با آن می‌گردد.

در روایت دیگری از هشام بن حکم نقل شده است که فرد زندیقی از امام صادق علیه السلام در مورد عقیده افرادی که قائل به تناسخ ارواح هستند سؤال می‌کند و حضرت علیه السلام این عقیده را گمراهی و پشت کردن به دین می‌دانند.

فَأَخْبَرَنِي عَنْ قَالَ يَتَنَسَخُ الْأَرْوَاحُ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ؟ قَالُوا ذَلِكَ وَبِأَيِّ حُجَّةٍ قَامُوا عَلَى مَذَاهِبِهِمْ؟ قَالَ إِنَّ أَصْحَابَ التَّنَاسُخِ قَدْ خَلَفُوا وَرَاءَهُمْ مِنْهَا جِ الدِّينِ...^۲

چهارم: مدعیات بدون دلیل

آنچه عرفان‌واره حلقه از اختیار افراد در برزخ برای بازگشت به دنیا و نیز تسخیر افراد براساس وابستگی‌ها و نیز سیری که برای معاد در نظر گرفته است، همگی مدعیات بدون دلیلی است که فاقد پشتوانه‌های نقلی و عقلی می‌باشد. انسان نه تنها اختیار بازگشت به دنیا را ندارد بلکه بالاتر از آن

۱. ابن بابویه، محمد بن علی؛ *عیون أخبار الرضا علیه السلام*؛ ج ۲، ص ۲۰۲.

۲. ابومنصور طبرسی؛ *الإحتجاج علی أهل اللجاج*؛ ج ۲، ص ۳۴۴ / محمد باقر مجلسی؛ *بحار الأنوار*؛ ج ۴؛ ص ۳۲۰.

عقیده‌ی تسخیر دیگران توسط ارواح، اعتقادی خرافی است.

پنجم: بی‌اعتباری مکاشفات بدون استناد به دین

از آنجایی که طاهری همه‌ی باورهای خود را مستند به مکاشفاتش ساخته و ادعای اطلاع از عالم برزخ دارد، پاسخ اهل حکمت و عرفان به چنین مدعیانی که خیال اتصال به عوالم فوق طبیعت را در سر می‌پرورانند عبارت است از:

ورای عالم طبیعت عالمی است که آنجا بعضی از ملائک بوده و شیاطینی هم در آنجا هستند، ای بسا متصل به شیاطین باشند؛ چنانکه شاهد بر این معنی این است که: «إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَى أَوْلِيَائِهِمْ»^۱ و چنانکه قضایای گه‌نه البته چنین است... ای بسا کسی نفس خود را به واسطه ریاضات باطله و یا مرض‌های شدید به خروش واداشته و سعه تجردی‌اش زیادتر گردد و تا اندازه‌ای بر ماضی و مستقبل احاطه پیدا نماید. چنانکه از بعضی از مرتاضین هند چنین منقول است؛ و صرف تصرف در عالم عنصریات دلیل بر کمال نمی‌باشد.^۲

ششم: ناسازگاری چند روح در یک بدن

اشکال دیگری که برخی عالمان دینی بر ابطال تناسخ وارد کرده‌اند ناسازگاری وجود دو روح در یک بدن است. مضاف بر اینکه در عرفان‌واره حلقه یک بدن توسط چندین روح قابل تسخیر بوده و محدودیتی در این باره وجود ندارد.^۳

۱. انعام: ۱۲۱.

۲. سید روح‌الله خمینی؛ *تقریرات فلسفه*؛ ج ۳، ص ۱۹۰.

۳. ر.ک: محمدعلی طاهری؛ *موجودات غیر ارگانیک*؛ ص ۵۵.

از این جهت تناسخ عرفان‌واره حلقه به مراتب از مشابه آن در دیگر آیین‌ها شدیدتر است.

علامه طباطبائی رحمته الله علیه در ضمن چند اشکال اساسی بر قائلین به تناسخ گفته است:

تناسخ عبارت از این است که بگوییم: نفس آدمی بعد از آنکه به نوعی کمال استکمال کرد و از بدن جدا شد، به بدن دیگری منتقل شود و این فرضیه‌ای است محال چون بدنی که نفس مورد گفتگویی خواهد منتقل به آن شود، یا خودش نفس دارد و یا ندارد.

اگر نفس داشته باشد مستلزم آن است که يك بدن دارای دو نفس بشود و این همان وحدت کثیر و کثرت واحد است (که محال بودنش روشن است) و اگر نفسی ندارد، مستلزم آن است که چیزی که به فعلیت رسیده، دوباره برگردد بالقوه شود، مثلاً پیرمرد برگردد کودک شود، (که محال بودن این نیز روشن است) و همچنین اگر بگوییم: نفس تکامل یافته يك انسان، بعد از جدایی از بدنش، به بدن گیاه و یا حیوانی منتقل شود، که این نیز مستلزم بالقوه شدن بالفعل است.^۱

۱. سید محمد حسین طباطبائی؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ ج ۱، ص ۲۰۹.

بخش چهارم: راهکارهای مقابله با عرفان‌واره‌ی حلقه

■ درآمد

■ فصل اول: ترویج معنویت و عرفان اسلامی

■ فصل دوم: ترویج فلسفه و عقلانیت

■ فصل سوم: آشنایی با دین‌پژوهی معاصر و کلام جدید

■ فصل چهارم: مبارزه با خرافات

■ فصل پنجم: مقابله با جریان‌های ضد معنویت و عقلانیت

■ فصل ششم: در نظر گرفتن افراط‌های اخباری مسلمانان



درآمد

آنچه در این بخش از کتاب تقدیم محضر خواننده گرامی می‌گردد، راهکارهایی اجمالی برای مقابله به عرفان واره حلقه است. در یک دسته‌بندی مختصر می‌توان پاره‌ای راهکارها را در اصلاح ذهنیت اشتباه جوانان برای جذب نشدن به عرفان واره حلقه مؤثر دانست.

در حقیقت حفره‌هایی در جامعه ما وجود دارد که به دام افتادن افراد به این تشکیلات را تسهیل می‌نماید. خرافات موجود و نیز افراط‌های اخباری مسلکان از این جمله‌اند. بخش دیگری از آنچه جذب به عرفان واره حلقه را رونق می‌بخشد، نبود نسخه مناسب معنوی برای جوانان امروزی است. از سوی دیگر شبهات جدید و مجهز نبودن افراد به عقلانیت و حکمت اسلامی، همگی در به عضویت درآمدن سازمان شبه عرفانی حلقه دخیل بوده است. نهایتاً می‌توان یکی از علل مهم دیگر را مخالفت مخالفان افراطی عرفان اسلامی با معنویت اصیل توحیدی دانست که خود به خود افراد تشنه را به سمت وسوی عرفان‌های کاذبی همچون حلقه و سراب معنوی آن‌ها روانه می‌سازد.

هرچند امروزه و در دوران استقرار جمهوری اسلامی علل دیگری همچون رفتار و سبک زندگی غلط برخی مسئولین و روحانیون می‌تواند بهانه‌ای برای جذب افراد به عرفان واره‌ها باشد و نباید از این مهم غفلت نمود اما به هرروی راه کارهای ارائه شده در این بخش صرفاً جنبه الهیاتی دارد. در ادامه شش

دلیل بنیادین به همراه پیشنهادهایی به صورت مختصر ارائه شده است. نگارنده در عین اعتراف به بضاعت علمی اندک خود، با به کار بستن دلایلی که در ادامه خواهد آمد، توفیق مقابله با عرفان واره حلقه را از سوی خداوند متعال در سالیان گذشته یافته است و خروج افراد از این تشکیلات را با به کارگیری روش‌های گفته شده، مخصوصاً ارائه کاربردی عرفان اسلامی بسیار کارگشا دیده است.

فصل اول: ترویج معنویت و عرفان اسلامی

در مواجهه با عرفان‌های نوظهور بسنده کردن به رویکرد سلبی، کافی نبوده و مشکل را کاملاً برطرف نخواهد ساخت. لازم است پس از منع عرفان‌واره‌ها و نقادی آنان، الگویی معنوی و مناسب جوانان معرفی گردد. آنچه در عصر حاضر نیاز افراد به دین و معنویت را شدت می‌بخشد پیچیدگی دنیای مدرن و سرعت بیش از حد تحولات و تنوع روزافزون مادیات است. چند دهه قبل استاد مطهری رحمته الله علیه در این باره جملات بسیار دقیقی را مطرح کرده‌اند:

من به عنوان يك فرد مسئول به مسئولیت الهی هشدار می‌دهم و بین خود و خدای متعال اتمام حجت می‌کنم که نفوذ و نشر اندیشه‌های بیگانه به نام اندیشه اسلامی و با مارک اسلامی اعم از آنکه از روی سوءنیت و یا عدم سوءنیت صورت گیرد، خطری است که کیان اسلام را تهدید می‌کند. راه مبارزه با این خطر تحریم و منع نیست.

مگر می‌شود تشنگانی را که برای جرعه‌ای آب له‌له می‌زنند، از نوشیدن آب موجود به عذر اینکه آلوده است منع کرد؟! این ما هستیم که مسئولیم. ما به قدر کافی در زمینه‌های مختلف اسلامی کتاب به زبان روز عرضه نکرده‌ایم. اگر ما به قدر کافی آب زلال و گوارا عرضه کرده بودیم، به سراغ آب‌های آلوده نمی‌رفتند.^۱

۱. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار (نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر)؛ ج ۲۴، صص ۸۶ و ۸۷.

از آنجایی که در سراسر قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام آموزه‌های معنوی بسیاری وجود دارد، می‌توان الگوی مناسب را استخراج و در بیانی ساده و کاربردی به جامعه معرفی نمود.^۱

از سوی دیگر عارفان متشرعی در میان عالمان شیعه وجود داشته که بزرگان دین توصیه به الگوگیری از آنان نموده‌اند. رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حفظه‌الله در این باره توصیه‌های فراوان و مهمی را فرموده‌اند که تنها بخش‌های کوتاهی از آن عبارت است از:

ما قله‌های تهذیب داریم. در همین قم، مرحوم حاج میرزا جواد آقای ملکی، مرحوم علامه‌ی طباطبائی، مرحوم آقای بهجت، مرحوم آقای بهاء‌الدینی (رضوان الله تعالی علیهم) قله‌های تهذیب در حوزه بودند. رفتار این‌ها، شناخت زندگی این‌ها، حرف‌های این‌ها، خودش یکی از شفاف‌بخش‌ترین چیزهایی است که می‌تواند انسان را آرام کند؛ به انسان آرامش بدهد، روشنایی بدهد، دل‌ها را نورانی کند.^۲

مرحوم آقای قاضی - میرزا علی‌آقای قاضی - یکی از حسنات دهر است؛ یعنی واقعاً شخصیت برجسته‌ی علمی و عملی مرحوم آقای قاضی، حالا اگر نگوییم بی‌نظیر، حقاً در بین بزرگان کم‌نظیر است... مهم‌ترین مسئله در این باب، این است که ما در بین سلسله‌ی علمی فقهی و حکمی خودمان در حوزه‌های علمیه - در این صراط مستقیم - یک گذرگاه و جریان خاص‌الخاص داریم که می‌تواند برای همه‌الگو باشد، هم برای علما الگو باشد - علمای بزرگ و کوچک - هم برای آحاد مردم و هم برای جوان‌ها؛ می‌توانند واقعاً الگو باشند.

۱. رک: امین شمشیری؛ گنج‌پنهان (کوششی در کاربردی سازی معنویت مبتنی بر توحید).

۲. سید علی خامنه‌ای؛ بیانات در دیدار طلاب، فضلاء و اساتید حوزه علمیه قم؛ ۱۳۸۹/۰۷/۲۹.

این‌ها کسانی هستند که به پایبندی به ظواهر اکتفا نکردند، در طریق معرفت و طریق سلوک و طریق توحید تلاش کردند، مجاهدت کردند، کار کردند و به مقامات عالی‌ه رسیدند؛ و مهم این است که این حرکت عظیم سلوکی و ریاضتی را نه با طُرُق من‌درآوردی و تخیلی - مثل بعضی از سلسله‌ها و دکان‌های تصوّف و عرفان و مانند این‌ها - بلکه صرفاً از طریق شرع مقدّس آن‌هم با خبرویت بالا، به دست آوردند.^۱

بنابراین با کاربردی سازی عرفان اسلامی، مخصوصاً آنچه در دوران اخیر توسط آیت‌الله سید علی قاضی طباطبائی رحمته‌الله علیه و برخی شاگردان ایشان ارائه شده است به خوبی می‌توان راهکارهایی در مورد بیماری‌های جسمی و روحی ارائه داد. توحید عرفانی قادر است با ایجاد «وحدت درونی و روانی» در افراد آنان را متوجه خداوند متعال ساخته و از درد و رنج آنان بکاهد.

اولین اثری که توحید بر انسان می‌گذارد وحدت روانی است... قرآن مثلاً موحد و مشرک را از روان خودشان می‌آورد، می‌فرماید مثلاً يك انسان موحد از نظر روانی مثلاً کسی است که خالص و مخلص، تسلیم يك شخص و يك مقام است و يك قدرت بر وجود او حاکم است، سراسر وجودش تسلیم يك قدرت است.

اما مشرک شخصیتش وحدت و همسازی و هماهنگی ندارد، در درون روان و روحش مانند کسی است که چند نفر شریک، مالک وجود او هستند و در وجود او شریکند، مالک‌های بدخو و بداخلاق و ناسازگار که دشمن یکدیگر هم هستند؛ شُرَکَاءُ مُتَشَاكِسُونَ^۲ (آدم شَكِسُ الْخُلُقِ یعنی

۱. سید علی خامنه‌ای؛ بیانات در دیدار اعضای ستاد برگزاری کنگره‌ی بزرگداشت فقیه مثاله

حضرت آیت‌الله سید علی قاضی رحمته‌الله علیه؛ ۲۶ / ۰۴ / ۱۳۹۱.

۲. زمر: ۲۹.

آدم بدخو، تندخو، ناسازگار).

حال، انسانی که در درون روحش قدرت‌های متضاد و ناسازگار و ناهماهنگ حکومت کنند، هر قسمتی از روانش در اختیار يك مالك باشد، این برای خود می‌کشد و آن برای خود، شخصیتی می‌شود قطعه‌قطعه شده، روحی می‌شود تجزیه شده و پاره‌پاره.^۱

۱. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۳۰؛ صص ۳۰۰ و ۳۰۱.

فصل دوم: ترویج فلسفه و عقلانیت

امروزه ترویج فلسفه و عقلانیت از ضروری‌ترین کارهاست. بسیاری از شبهاتی که توسط مکاتب نوظهور همچون عرفان واره حلقه مطرح می‌شود، تنها توسط مبانی قویم فلسفی قابل پاسخگویی است. عرفان‌های نوظهور در دوران ما باورهای خود را در چهارچوب مسائل بسیار مهمی همچون زمان، ذهن و مسائل مرتبط با آن، انکار واقعیت، اصل علّیت، تردید در براهین خداشناسی، مجازی بودن هستی مبتنی بر علوم تجربی، سمبلیک‌انگاری و غیرواقعی دانستن موجودات مجرد و غیبی از راه زبان دین و... به صورت جدی ترویج می‌کنند.

فلسفه اسلامی مخصوصاً حکمت متعالیه صدرایی به خوبی قادر به پاسخگویی به شبهات عرفان‌های نوظهور و ابطال آن می‌باشد؛ و ترویج فلسفه در میان جوانان عاملی برای ممانعت از گرایش آن‌ها به عرفان‌های نوظهور خواهد بود. تجربه مواجهه‌ی علامه طباطبائی رحمته‌الله و برخی از شاگردان ایشان پیش از انقلاب اسلامی با جریان‌های مختلف فکری و نگارش کتاب‌هایی عمومی همچون اصول فلسفه و روش رئالیسم بهترین الگوی علمی برای دوران ماست.

دعوت جوان‌های ما به علوم عقلی، بسیار مهم است؛ توجّه حوزه‌ها به

علوم عقلی و بخصوص فلسفه، خیلی مهم است.^۱
 به‌هرروی بسط فلسفه با ادبیات مناسب ضروری است.
 ازجمله کارهای بسیار لازم، بسط فلسفه است؛ البته با مبانی مستحکم و
 ادبیات خوب و جذاب.^۲
 در فلسفه و علوم عقلی بایستی حرکت خودمان را سرعت بدهیم.^۳
 بالاتر از همه این‌ها توصیه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی به ترویج فلسفه
 برای کودکان است.

یکی از رشته‌های تألیف و کار فلسفی، نوشتن فلسفه برای کودکان است.
 کتاب‌های فلسفی متعددی برای کودکان نوشته‌اند و ذهن آنان را از اوّل با
 مبانی فلسفی‌ای که امروز موردپسند لیبرال دمکراسی است، آشنا
 می‌کنند. یقیناً در نظام شوروی سابق و دیگر نظام‌های مارکسیستی اگر
 دستگاه فلسفه برای کودکان و جوانان بود، چیزی بود که مثلاً به فلسفه‌ی
 علمی «مارکس» منتهی شود. ما از این کار غفلت داریم. من به دوستانی
 که در بنیاد ملاًصدرا مشغول کار هستند، سفارش کردم، گفتم بنشینید
 برای جوانان و کودکان کتاب بنویسید. این کاری است که قم می‌تواند بر
 آن همّت بگمارد. بنابراین ازجمله کارهای بسیار لازم، بسط فلسفه است؛
 البته با مبانی مستحکم و ادبیات خوب و جذاب.^۴

۱. سید علی خامنه‌ای؛ *بیانات در دیدار دست‌اندرکاران همایش ملی حکیم طهران (مرحوم آقا علی مدرس زنوزی)*؛ ۱۳۹۷/۰۲/۰۳.

۲. سید علی خامنه‌ای؛ *بیانات در دیدار جمعی از نخبگان حوزوی*؛ ۱۳۸۲/۱۰/۲۹.

۳. همو، *بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در کنگره «نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی»*؛ ۱۳۹۷/۰۲/۲۲.

۴. همو، *بیانات در دیدار جمعی از نخبگان حوزوی*؛ ۱۳۸۲/۱۰/۲۹.

در جای دیگری فرموده‌اند:

يك مسئله، نوشتن كتاب فلسفی برای کودکان است، كه غربی‌ها دارند این كار را می‌كنند. دوسه سال قبل از این، يك كتابی برای من آوردند، من مبالغی نگاه كردم از همان اولی كه شروع می‌كند، واقعاً فلسفه است؛ لیكن باب کودکان است. این كتاب، يك كتاب خیلی قشنگی است در باب فلسفه... ما به این جور كتابی احتیاج داریم. بچه‌های ما ذهنشان دارد فلسفی می‌شود. خوشبختانه حرکت جامعه و نظام موجب شده كه ذهن‌ها عقلانیت پیدا كند. جوان‌های ما واقعاً سؤال می‌كنند. این سؤال‌هایی كه زیاد شده، این را باید مبارك دانست؛ منتها ما باید جوابگویی داشته باشیم. حس سؤال‌كنندگی دارد زیاد می‌شود و این همین‌طور دارد به نسل‌های پایین‌تر منتقل می‌شود.

به هرروی کودکان، نوجوانان و جوانان امروزی، بیش از گذشته پرسشگر هستند و لازم است به واسطه فلسفه و علوم عقلی عطش پرسشگری آنان را سیراب نموده تا در جستجوی پاسخ خود به دام مكاتب انحرافی نیفتند.

فصل سوم: آشنایی با دین پژوهی معاصر و کلام جدید

چنانچه در بخش‌هایی از کتاب بیان شد، عرفان‌های نوظهور را باید محصول تجدد دانست. امروزه شبهات جدیدی در اثر مناسبات علم جدید با دین به وجود آمده که موجب پیدایی دانش‌هایی همچون کلام جدید^۱ و فلسفه دین شده است.

با وجود فضای مجازی و اینترنت و سیل ترجمه کتب و مقالات غربی، دیگر پرداختن به مسائل سنتی دانش کلام به تنهایی کفایت نمی‌کند و لازم است در کتب درسی حوزه تحولی^۲ صورت گرفته و بر مباحث برون سنت تمرکز بیشتری معطوف داشت چراکه این گونه نیست که منشأ همه‌ی فرقه‌ها و جریان‌های پدید آمده، در درون سنت و یا مسائل آنان همان مسائل گذشتگان باشد.

برای نمونه آنچه عرفان واره حلقه پیرامون سمبلیک انگاری و غیر واقعی دانستن مجردات مطرح می‌کند، در «زبان دین» که یکی از مباحث بسیار مهم

۱. برخی اندیشمندان بر این باورند که چنین نام‌گذاری دقیق نبوده و اصطلاح «مسائل جدید کلامی» مناسب‌تر می‌باشد.

۲. در کتاب‌های کلامی که در حوزه به عنوان کتاب درسی تدریس می‌شوند، باید نوعی تحول انجام گیرد و این تحول محدود به کتاب‌های درسی است، نه کتاب‌های مصدري و منبعی - و شیوه‌ی تحول، حذف مسائل غیر لازم است... (جعفر سبحانی تبریزی، *مدخل مسائل جدید در علم کلام*، ج ۱، ص ۱۰).

کلام جدید^۱ است باید پیگیری گردد. بخش مهمی از سخنان بنیان‌گذار حلقه و استدلال‌های وی در اطراف این مسئله است. از سوی دیگر عرفان‌های نوظهور تلاش می‌کنند حقانیت را از انحصار دین مبین اسلام و مکتب تشیع خارج ساخته و پلورالیسم^۲ دینی را رواج دهند.

عرفی‌سازی دین گونه‌ی دیگری از اقدامات مکاتب بشری است که اجرای بخش مهمی از آن به عهده عرفان‌های نوظهور است. مسئله ایمان و عقل و نسبت میان آن‌ها یکی از ریشه‌ای‌ترین مباحثی است که از الهیات مسیحی در میان اندیشمندان مسلمان راه یافته و البته مورد توجه عرفان‌واره‌ها نیز می‌باشد.

مسئله شرور راه‌حلی‌هایی که مکاتب مختلف در مورد آن ارائه کرده‌اند نیز از مسائل مهم جدید کلامی به شمار می‌رود. امروزه عرفان‌های نوظهور با برنامه‌ها و روش‌هایی کاملاً بازاری و بسته‌بندی شده می‌کوشند شرور عالم را مورد بررسی قرار داده و نسخه‌های درمانی خود را ارائه دهند. عرفان‌واره حلقه در این رابطه از راه تغییر بینش افراد ورود کرده است.

اثبات خدا و ادله آن هرچند از قرون گذشته موضوع مورد بحث متکلمان بوده است اما در عصر جدید رهیافت نوینی یافته و از اموری است که در کلام جدید پرداخته می‌شود. عرفان‌های نوظهور از آنجایی که با دانش‌های الهیات و فلسفه مخالفت می‌نمایند و در میانه‌ی تجربه دینی و طبیعت‌گرایی تنفس می‌کنند، می‌کوشند با ارائه راهکارهایی تجربی به اثبات خدای مدنظر خود بپردازند. عرفان‌واره حلقه در این رابطه تنها اتصال تجربی به شعور کیهانی را

1. New theology.

2. Pluralism.

توصیه می‌نماید.

مسئله دیگر در عرفان واره‌ها جایگزینی شعور و آگاهی موجود در کائنات به جای وحی است. آنان تلاش می‌کنند وحی الهی و ارتباط پیامبران علیهم‌السلام با خداوند را کاملاً تجربی تفسیر نمایند.

به هر روی در اثر پیشرفت‌های علم جدید مسائل و موضوعات الهیاتی تازه‌ای دامن گیر نسل جوان شده است که برای مواجهه با آن نیاز به دانش‌های متناسب می‌باشد و عدم ورود به این ساحت و بی‌پاسخ ماندن پرسش‌ها تبعات سنگینی خواهد داشت. یکی از متکلمین برجسته معاصر در این رابطه می‌گوید:

مسئله‌ی تعارض علم و دین اگر بی‌پاسخ بماند، دین و دین‌داری را زیر سؤال برده و آن را متزلزل می‌سازد. متکلمان مسیحی که ناچارند از کتاب مقدس خود و آیین تثلیث دفاع کنند، این تعارض را پذیرفته و حل آن را مربوط به اختلاف قلمروها می‌دانند، درحالی‌که از نظر متکلمان اسلامی، جریان بر خلاف آن است و هرگز ممکن نیست میان این دو، اختلاف باشد، یا آنچه را که دین نامیده‌ایم دین نیست. یا اینکه علم، حالت قطعی ندارد.^۱

۱. جعفر سبحانی تبریزی، *مدخل مسائل جدید در علم کلام*، ج ۱، ص ۸.

فصل چهارم: مبارزه با خرافات

پاره‌ای باورهای غیر صحیح از گذشته در جامعه ما وجود داشته است که از آن‌ها به عنوان خرافه یاد می‌شود. رد پای خرافات فراوانی در جذب افراد به عرفان واره حلقه دیده می‌شود. برای نمونه باور به حضور موجودی به نام آل! به صورت جدی در تشکیلات حلقه ترویج می‌شود. همچنین در عرفان واره کیهانی دستورالعمل‌های خرافی جدیدی به نام پاک سازی کمد ها، قفسه ها و قسمت های مختلف منزل از ترس موجودات شریر و ارواح سرگردان و نیز دستور به دور کردن آیات و تابلوهای قرآنی از محیط منزل به منظور جذب نشدن این موجودات وجود دارد.

عرفان واره حلقه در دوران جدید توانسته است بخش زیادی از خرافات گذشتگان را زنده نماید. برای نمونه در این تشکیلات عقیده بر آن است که در اثر مصرف زیاد چای^۱، فرد مورد آسیب جنیان و ارواح سرگردان قرار می‌گیرد؛ و یا در اثر شکستن شاخه‌ی درختان^۲ با حمله موجودات غیرارگانیکی روبرو می‌شود. برگردان موسیقی و صدای افراد برای تشخیص باطنی سخن و نیت آنان گونه‌ی دیگری از اسارت و دربند خرافات بودن است.

به هر تقدیر عقاید بدون پشتوانه با نداشتن استدلال‌های لازم با رویکرد

۱. محمدعلی طاهری؛ موجودات غیرارگانیکی؛ ص ۶۹.

۲. همان، ص ۲۲.

ترساندن افراد به آنان تزریق می‌شود مخصوصاً آنجایی که بیشتر اعضای حاضر در کلاس‌های عرفان واره حلقه از بانوان به شمار می‌روند.

بنابراین به نظر می‌رسد جامعه ما هنوز هم در مقابل خرافات ایمن نشده است و وجود پاره‌ای باورهای غلط و ریشه‌دار در اذهان مردم، هرچند یک بار فرصت را برای فرقه‌هایی همچون حلقه مهیا می‌سازد. در حقیقت مشهورات غلط و مقبولات بدون پشتوانه‌ای در اعماق اعتقادات برخی از مردم وجود دارد که با پیدایی فرقه‌های مختلف و سوءاستفاده از آنان هرچند یک بار جوانه زده و رشد می‌کند و موجبات سوءاستفاده‌های جدید را پدید می‌آورد. ناگفته پیداست که ریشه سوز خرافات، تنها علم صحیح است.

تجربه‌های تاریخی نشان داده است که جدایی علم و ایمان خسارت‌های غیرقابل جبران به بار آورده است. ایمان را در پرتو علم باید شناخت، ایمان در روشنایی علم از خرافات دور می‌ماند.^۱

از سوی دیگر لازم است روحیه پرسش‌گری و شرایط بسط آن در جامعه را آسان نمود، چراکه رابطه‌ای میان نیافتن پاسخ مناسب برای پرسش و گرایش افراد به خرافات وجود دارد.

تجربه نشان داده که حق انتقاد هر وقت و سؤال از مردم گرفته شده، مردم غرق در خرافات و موهومات شده‌اند.^۲

۱. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار (انسان و ایمان)؛ ج ۲، ص ۳۵.

۲. همو، یادداشت‌ها؛ ج ۱۰، ص ۲۷۲.

فصل پنجم: مقابله با جریان‌های ضد معنویت و عقلانیت

هرچند تجدد و فرهنگ غربی عامل اصلی میل جوانان به معنویت‌های نوظهور است اما عوامل مهم دیگری نیز در درون کشور گرایش افراد به معنویت‌های نوپدید را تسهیل می‌نماید. حقیقت آن است که در سالیان اخیر در کشور ما جریان‌های سنتی ضد معنویت و عقلانیت با گسترش فضای مجازی، باورهای خود را اشاعه داده و بعضاً به تکفیر اهل عرفان و حکمت می‌پردازند.

اینان خواسته یا ناخواسته سهم بسیاری در زدودن معنویت و حکمت اسلامی از جامعه دارند. مخالف جَدّی آنان با مقوله شهود و هر آنچه به عرفان مرتبط است و انحصار دین در برخی بخش‌های ظاهری و افراط در تقابل با عقل‌گرایی، محصولی جز تهی‌سازی دین از عرفان و حکمت ندارد. به نظر می‌رسد ناآشنایی این افراد با فلسفه و عرفان و زبان و اصطلاحات آن منجر به چنین بدفهمی و مخالفت‌های افراطی گشته است.

علامه طباطبائی رحمته‌الله در پاسخ به سؤالی در مورد چرایی مخالفت این دسته از افراد با عرفان و حکمت اسلامی فرموده است:

به نظر می‌رسد با اصطلاحات مربوطه خوب آشنا نیستند و اشکالاتی که می‌گیرند وارد است، اما فلسفه و عرفان چیزی نمی‌گویند که آن اشکالات بر

آن وارد باشد.^۱

همچنین مرحوم آیت‌الله سید جلال‌الدین آشتیانی رحمته‌الله علیه در این باره ماجرای را نقل کرده‌اند:

مرحوم آقا میرزا/حمد آشتیانی از پدرش میرزای آشتیانی اعلی‌الله مقامهما نقل فرمودند: یکی از افاضل تلامذ شیخ که سخت مخالف فلسفه بود از شیخ سؤال می‌کند: نظر شما راجع به فلاسفه‌ی اسلام چیست؟ شیخ می‌فرماید: من علم کلام خوانده‌ام گاهی به کتب فلسفه مراجعه می‌کنم می‌فهمم که این جماعت زبان مخصوص به خود دارند. این قسم نیست که شما بتوانی بدون قرائت فلسفه اظهار نظر کنی.^۲

به هر روی هر دانشی مبادی و مقدمات خاص خود را دارد که بدون علم به مقدمات، فهم نتیجه غیر ممکن است. چنانچه امام خمینی رحمته‌الله علیه این مطلب را به خوبی توضیح داده‌اند:

اگر خدای تبارک و تعالی از ما سؤال کند که شما که مثلاً معنی «وحدت وجود» را به حسب مسلک حکما نمی‌دانستید و از عالم آن علم و صاحب آن فن اخذ نکردید و تعلم آن علم و مقدمات آن را نکردید، برای چه کورکورانه آن‌ها را تکفیر و توهین کردید، ما در محضر مقدس حق چه جوابی داریم بدهیم جز آنکه سرخجلت به زیرافکنیم.

و البته این عذر پذیرفته نیست که «من پیش خود چنین گمان کردم». هر علمی مبادی و مقدماتی دارد که بدون علم به مقدمات، فهم نتیجه میسر نیست، خصوصاً مثل چنین مسئله دقیقه که پس از عمرها زحمت باز فهم اصل حقیقت و مغزای آن به حقیقت معلوم نشود. چیزی را که

۱. علی تهرانی؛ *زمهر افروخته*؛ ص ۸۱.

۲. سید جلال‌الدین آشتیانی؛ *نقدی بر تهافت الفلاسفة غزالی*؛ ص ۴۸.

چندین هزار سال است حکما و فلاسفه در آن بحث کردند و موشکافی نمودند، تومی خواهی با مطالعه يك كتاب يا شعر مثنوی مثلاً با عقل ناقص خود ادراك آن کنی! البته نخواهی از آن چیزی ادراك کرد. رَحِمَ اللهُ امراً عَرَفَ قَدْرَهُ وَلَمْ يَتَعَدَّ طَوْرَهُ.^{۲۱}

به هر حال معنویت از ارکان اساسی حیات آدمی و باطن دین است و نمی‌توان با نادیده گرفتن آن تنها به ظواهر دینی اکتفا نمود. به گفته استاد مطهری رحمته الله تعالى:

از نظر علاقه‌مندان به بسط و اشاعه کلمه توحید که نجات انسانیت را در گرو خداشناسی و خداپرستی می‌دانند، معنویت را از ضرورت‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان می‌شناسند، اذعان دارند بشریت منهای معنویت امیدی به بقایش نیست، خودش را و تمدنش را و زمینی را که بر آن قرار گرفته به دست خود نابود خواهد ساخت.^۳

۱. سید روح‌الله خمینی (امام)؛ شرح چهل حدیث (ربیعین حدیث)؛ ص ۳۸۹.

۲. «خداوند ببخشاید بر مردی که اندازه خویش بداند و از حد خود پا فراتر نهد». (ابوالفتح آمدی؛ غررالحکم و درر الکلم؛ ص ۴۰۸).

۳. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار (علل گرایش به مادی‌گری)؛ ج ۱، ص ۵۸۱.

فصل ششم: در نظر گرفتن افراط‌های اخباری مسلکان

اخباری‌گری یکی از جریان‌هایی است که در میان برخی از دین‌داران هنوز زنده است. این جریان فکری که دارای شاخه‌های متنوعی است با تخطئه عقل و با بی‌توجهی به قرآن کریم، استفاده حداکثری از روایات آن‌هم بدون بررسی کافی را در دین‌پژوهی خود مورد توجه قرار داده است. برای نمونه افراط در آسیب‌رسانی جنیان و برجسته‌سازی حضور بیش‌ازحد آنان در زندگی افراد یکی از عواملی است که خودبه‌خود پیش‌زمینه‌ای برای ورود هم‌وطنانمان به عرفان واره حلقه شده است.

هرچند در دین مبین اسلام تأثیر جنیان مورد انکار قرار نگرفته و برای دستیابی به طهارت جسمی، ذهنی و روحی دستوراتی در مورد این موجودات وجود دارد اما آموزه‌های دینی صحیح دامنه‌ی فعالیت جنیان را به هیچ‌وجه به مثابه اخباری مسلکان و تشکیلات حلقه بسیار وسیع ندانسته تا آنجایی که مفسر، فیلسوف و عارف بزرگ معاصر علامه طباطبائی رحمته‌الله علیه برایین باور است که:

اینکه بعضی از علما گفته‌اند «اجماع علما بر این است که ابلیس و ذریه او از طایفه جن و مانند سایر اجنه اجسامی هوایی و لطیف‌اند و به هر شکلی که بخواهند درمی‌آیند حتی شکل سگ و خوک ولی ملائکه اجسام لطیفی هستند که به هر شکلی درمی‌آیند جز به شکل سگ و

خوك^۱ سخنی نادرست است، زیرا ظاهراً این کلام این است که ملائکه و شیطان‌ها قدرت بر تغییر ذات خود دارند و این حرفی است که نه از عقل دلیلی بر آن هست و نه از نقل...^۲

ایشان در تفسیر شریف المیزان پس از بیان دو گروه از روایات در مورد جن و شیطان اشاره می‌کند که دسته‌ای از این روایات مورد اعتماد نیستند:

... و یا پنداشته‌اند که ابلیس گاهی انسان واقعی و دارای حقیقت انسانیت و قوا و اعمال او است و گاهی حیوانی از حیوانات بی‌زبان و دارای حقیقت نوعی آن حیوان است و گاهی جماد و موجودی بدون حیات و شعور است؛ و یا پنداشته‌اند که این صورت‌ها اشکالی است که عارض بر ماده ابلیس می‌شود، زیرا این مطالب احتمالاتی است که روایات به کلی از دلالت بر آن اجنبی و بیگانه است. البته این روایات طوری نیست که بتوان به یک‌یک آن‌ها اعتماد نمود، زیرا اولاً سند همه آن‌ها صحیح نیست و ثانیاً آن روایاتی هم که سندشان صحیح است روایاتی آحادند که نمی‌توان در مثل این مسئله که يك مسئله اعتقادی و اصولی است به آن تمسك جست.^۳

در حالی که برخی از افراد امروزه در جامعه ما بدون بررسی صحیح چنین روایاتی نوعی افراط و القاء هراس را در برنامه خود قرار داده‌اند؛ اما ایجاد «هراس از جن‌زدگی اساساً کار درستی نیست».^۴

۱. محمد باقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۶۳؛ ص ۲۸۳.

۲. سید محمد حسین طباطبایی؛ تفسیر المیزان (ترجمه)؛ ج ۸؛ ص ۷۵.

۳. سید محمد حسین طباطبایی؛ تفسیر المیزان (ترجمه)؛ ج ۸؛ ص ۸۱.

۴. عبدالله جوادی آملی؛ نسیم اندیشه، دفتر دوم؛ ص ۵۹.

›

فهرست‌ها

- کتابنامه
- فهرست آیات
- فهرست روایات
- نمایه

کتاب نامه

* قرآن کریم

* نهج البلاغه (للصبحی صالح)؛ سید رضی؛ قم، دارالہجرہ، ۱۴۱۰ ق.

۱. آشتیانی، سید جلال الدین؛ نقدی بر تهافت الفلاسفة غزالی؛ ج ۱، قم، بوستان کتاب
قم، ۱۳۸۷ ش.

۲. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النہایۃ فی غریب الحدیث والأثر؛ ج ۵، چ
۴، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷ ش.

۳. ابن بابویه، محمد بن علی؛ التوحید؛ ج ۱، یزد، خانه فرهنگ صدوقی، ۱۴۴۱ ق. =
۱۳۹۸ ش.

۴. ابن بابویه، محمد بن علی؛ إعتقادات الإمامیة؛ ج ۲، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ ق.

۵. ابن بابویه، محمد بن علی؛ الأمالی؛ ج ۶، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ ش.

۶. ابن بابویه، محمد بن علی؛ عیون أخبار الرضا (علیه السلام)؛ ج ۱، چ ۱، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸
ق.

۷. ابن بابویه، محمد بن علی؛ عیون أخبار الرضا (علیه السلام)؛ ج ۲، چ ۱، تهران، نشر جهان،
۱۳۷۸ ق.

۸. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، قم، طلیعه النور، ۱۳۸۳
ش.

۹. ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة؛ ج ۵، چ ۱، قم، مکتب

الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.

۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*؛ ج ۳، چ ۳، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، ۱۴۱۴ ق.

۱۱. ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله؛ *مقدمه‌ای بر سیر تطور منوالفکری در ایران*؛ چ ۲، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۵ ش.

۱۲. احمدی تهرانی، علی؛ *ز مهر افروخته: ناگفته‌هایی نغز، همراه کامل‌ترین مجموعه اشعار از حضرت علامه آیت‌الله سید محمدحسین طباطبائی رحمته‌الله علیه / علی تهرانی*؛ چ ۳، تهران، صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش، ۱۳۸۳ ش.

۱۳. استیس، والتر ترنس؛ *دین و نگرش نوین*؛ ترجمه احمد رضا جلیلی؛ چ ۱، تهران، حکمت، ۱۳۹۰ ش.

۱۴. اشیپل فوگل، جکسون ج؛ *تمدن مغرب زمین*؛ ترجمه محمدحسین آریا؛ ج ۲، چ ۲، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۷ ش.

۱۵. باربور، ایان جی؛ *علم و دین*؛ ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی؛ چ ۱۰، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۹۷ ش.

۱۶. بازرگان، مهدی؛ *زندگی‌نامه مهندس مهدی بازرگان*؛ چ ۲، تهران، شرکت انتشارات قلم، گروه پژوهش‌های تاریخ، ۱۳۸۳ ش.

۱۷. بازرگان، مهدی؛ *خاطرات بازرگان شصت سال خدمت و مقاومت / گفتگو با سرهنگ غلامرضا نجاتی*؛ ج ۱، چ ۱، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۵ ش.

۱۸. بازرگان، مهدی؛ *مجموعه آثار بازرگان (ذره بی انتها)*؛ ج ۱، بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان، تهران، ۱۳۷۷ ش.

۱۹. بیکر، جوآن؛ مترجمان مانده فضل‌علی زاده، مهدی خاکیان قمی؛ *نظریه‌های تأثیرگذار در علم فیزیک*؛ چ ۱، تهران، سبزان، ۱۳۹۲ ش.

۲۰. تسیمیر، روبرت؛ ترجمه‌ی رحمان افشاری؛ *نگاهی اجمالی به فلسفه از روشنگری تا امروز؛* چ ۱، تهران، مهراندیش، ۱۳۹۳ ش.

۲۱. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد؛ *غررالحکم و درر الکلم؛* چ ۲، قم، دار الکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.

۲۲. ج. برونوفسکی و ب. مازلیش؛ ترجمه‌ی لی لا سازگار؛ *سنت روشنفکری در غرب از لئوناردو تا هگل؛* چ ۴، تهران، آگاه، ۱۳۹۳ ش.

۲۳. جعفریان، رسول؛ *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران (از روی کارآمدن محمدرضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی) سالهای ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷؛* چ ۶، تهران، نشر مؤلف، ۱۳۹۲ ش.

۲۴. جوادی آملی، عبدالله؛ *تسним؛* ج ۲، قم، اسراء، ۱۳۸۹ ش.

۲۵. جوادی آملی، عبدالله؛ *تسним؛* ج ۵، قم، اسراء، ۱۳۸۹ ش.

۲۶. جوادی آملی، عبدالله؛ *تسним؛* ج ۶؛ چ ۵، قم، اسراء، ۱۳۸۹ ش.

۲۷. جوادی آملی، عبدالله؛ *تسним؛* ج ۱۷، قم، اسراء، ۱۳۸۹ ش.

۲۸. جوادی آملی، عبدالله؛ *تسним؛* ج ۲۴، قم، اسراء، ۱۳۸۹ ش.

۲۹. جوادی آملی، عبدالله؛ *توحید در قرآن؛* چ ۱، قم، اسراء، ۱۳۸۳ ش.

۳۰. جوادی آملی، عبدالله؛ *دین‌شناسی؛* چ ۸، قم، اسراء، ۱۳۹۴ ش.

۳۱. جوادی آملی، عبدالله؛ *علی بن موسی الرضا علیه السلام و الفلسفة الالهية؛* چ ۳، قم، اسراء، ۱۳۸۵ ش.

۳۲. جوادی آملی، عبدالله؛ *فلسفه صدر؛* ج ۱، چ ۳، قم، اسراء، ۱۳۸۳ ش.

۳۳. جوادی آملی، عبدالله؛ *معاد در قرآن؛* ج ۴، چ ۶، قم، اسراء، ۱۳۸۸ ش.

۳۴. جوادی آملی، عبدالله؛ *منزلت عقل در هندسه معرفت دینی؛* چ ۱۳، قم، اسراء، ۱۳۹۸ ش.

۳۵. جوادی آملی، عبدالله؛ *تسیم اندیشه، دفتر دوم؛* چ ۱، قم، اسراء، ۱۳۸۷ ش.

۳۶. جوادی آملی، عبدالله؛ *هدایت در قرآن؛* چ ۲، قم، اسراء، ۱۳۸۵ ش.

۳۷. حسنی آملی، سیدعلی؛ تأثیر اومانیسیم بر بزرگان نهضت پرستان و پیش‌گامان الهیات لیرال، چ ۱، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه، انتشارات، ۱۳۹۳ ش.
۳۸. حسین‌زاده، محمد؛ دین‌شناسی، چ ۱، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه، مرکز انتشارات، ۱۳۷۸ ش.
۳۹. حسینی، اکبر؛ خواص، امیر؛ منشأ دین: بررسی و نقد دیدگاه‌ها؛ چ ۱، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۸ ش.
۴۰. حمود، محمد جمیل، الفوائد البهیة فی شرح عقائد الإمامیة؛ ج ۲، چ ۲، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۱ ق.
۴۱. خامنه‌ای، سیدعلی؛ بیانات در دیدار اعضای ستاد برگزاری کنگره‌ی بزرگداشت فقیه متألّه حضرت آیت‌الله سیدعلی قاضی رحمته‌الله علیه؛ ۲۶/۰۴/۱۳۹۱ ش.
۴۲. خامنه‌ای، سیدعلی؛ بیانات در دیدار جمعی از نخبگان حوزوی؛ ۲۹/۱۰/۱۳۸۲ ش.
۴۳. خامنه‌ای، سیدعلی؛ بیانات در دیدار دست‌اندرکاران همایش ملی حکیم طهران (مرحوم آقاعلی مدرس زنوزی)؛ ۰۳/۰۲/۱۳۹۷ ش.
۴۴. خامنه‌ای، سیدعلی؛ بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در کنگره «نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی»؛ ۲۲/۰۲/۱۳۹۷ ش.
۴۵. خامنه‌ای، سیدعلی؛ بیانات در دیدار طلاب، فضلاء و اساتید حوزه علمیه قم؛ ۲۹/۰۷/۱۳۸۹ ش.
۴۶. خسروپناه، عبدالحسین؛ جریان‌شناسی فکری ایران معاصر؛ چ ۶، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف، موسسه حکمت نوین اسلامی، ۱۳۹۹ ش.
۴۷. خمینی، سیدروح‌الله (امام)؛ تقریرات فلسفه؛ ج ۲، چ ۱، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه، ۱۳۸۱ ش.
۴۸. خمینی، سیدروح‌الله (امام)؛ تقریرات فلسفه؛ ج ۳، چ ۱، تهران، موسسه تنظیم و

نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۱ ش.

۴۹. خمینی، سید روح الله (امام)؛ *شرح چهل حدیث (اربعین حدیث) (موسوعة الإمام الخمينی)*؛ چ ۵۷، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، تهران، ۱۳۹۲ ش.

۵۰. خندان، علی اصغر؛ *مغالطات*؛ چ ۹، قم: موسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۲ ش.

۵۱. دارابی، علی؛ *جریان شناسی سیاسی در ایران*؛ چ ۱۷، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶ ش.

۵۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ *مفردات ألفاظ القرآن*؛ چ ۱، دمشق، دارالقلم - بیروت، الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.

۵۳. راوندی، مرتضی؛ *تاریخ اجتماعی ایران*؛ چ ۲، چ ۲، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۴ ش.

۵۴. سبحانی تبریزی، جعفر؛ *آیین وهابیت*؛ چ ۱، قم، دار القرآن کریم، ۱۳۶۴ ش.

۵۵. سبحانی تبریزی، جعفر؛ *الالهیات علی هدی الكتاب والسنة والعقل*؛ چ ۱، چ ۳، قم، المركز العالمی للدراسات الإسلامیة، ۱۴۱۲ ق.

۵۶. سبحانی تبریزی، جعفر؛ *الالهیات علی هدی الكتاب والسنة والعقل*؛ چ ۲، چ ۳، قم، المركز العالمی للدراسات الإسلامیة، ۱۴۱۲ ق.

۵۷. سبحانی تبریزی، جعفر؛ *الالهیات علی هدی الكتاب والسنة والعقل*؛ چ ۴، چ ۳، قم، المركز العالمی للدراسات الإسلامیة، ۱۴۱۲ ق.

۵۸. سبحانی تبریزی، جعفر؛ *العقیده الإسلامیة*؛ چ ۳، قم، المركز العالمی للدراسات الإسلامیة، ۱۳۸۶ ش.

۵۹. سبحانی تبریزی، جعفر؛ *الفکر الخالد فی بیان العقائد*؛ چ ۲، چ ۱، قم، المركز العالمی للدراسات الإسلامیة، ۱۴۲۵ ق.

۶۰. سبحانی تبریزی، جعفر؛ *دلیل المرشدين إلى الحق الیقین*؛ تهران، مشعر، ۱۳۸۶ ش.

۶۱. سبحانی تبریزی، جعفر؛ *مدخل مسائل جدید در علم کلام*؛ قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۲ ش.

۶۲. شاکر نژاد، احمد؛ *معنویت‌گرایی جدید: مولفه‌های مفهومی، لوازم اعتقادی و نشانه‌های گفتمانی*؛ چ ۱، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷ ش.
۶۳. شعیری، تاج‌الدین محمد بن محمد؛ *جامع الأخبار*؛ چ ۱، قم، حضرت عباس علیه السلام، ۱۳۹۲ ش.
۶۴. شمشیری، امین؛ *آسیب‌شناسی دین‌پژوهی تجربی*؛ چ ۱، قم، معنویت تمدن‌ساز، در دست چاپ.
۶۵. شمشیری، امین؛ *عرفان واره‌ی حلقه، دوره‌ی تخصصی*؛ چ ۱، قم، اسماعیلیان، در دست چاپ.
۶۶. شمشیری، امین؛ *عرفان واره‌ی حلقه، دوره‌ی مقدماتی*؛ چ ۱، قم، اسماعیلیان، ۱۳۹۸ ش.
۶۷. شمشیری، امین؛ *قفس زرین*؛ چ ۱، قم، اسماعیلیان، در دست چاپ.
۶۸. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم؛ *أسرار الآیات (ملاصدرا)*؛ مصحح محمد خواجوی؛ تهران، انجمن حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۰ ش.
۶۹. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، *الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة*؛ قم، مکتبة المصطفوی، ۱۳۶۸ ش.
۷۰. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم؛ *المبدأ والمعاد*؛ چ ۱، تهران، انجمن حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۵۴ ش.
۷۱. طاهری، محمدعلی؛ *آشنایی با دوست (ویژه‌نامه)*؛ چ ۲، بی‌جا، عرفان حلقه، بی‌تا.
۷۲. طاهری، محمدعلی؛ *انسان از منظری دیگر*؛ چ ۷، تهران، بیژن، ۱۳۸۷ ش.
۷۳. طاهری، محمدعلی؛ *انسان و معرفت*؛ چ ۱، ارمنستان، گریگور تاتواتسی، ۲۰۱۱ م.
۷۴. طاهری، محمدعلی؛ *جزوه آموزشی دوره یکم*؛ بی‌جا، بی‌تا.
۷۵. طاهری، محمدعلی؛ *جزوه آموزشی دوره دوم*؛ بی‌جا، بی‌تا.
۷۶. طاهری، محمدعلی؛ *جزوه آموزشی دوره چهارم*؛ بی‌جا، بی‌تا.

۷۷. طاهری، محمدعلی؛ *جزوه آموزشی دوره پنجم؛ بی جا، بی نا، بی تا.*
۷۸. طاهری، محمدعلی؛ *جزوه آموزشی دوره ششم؛ بی جا، بی نا، بی تا.*
۷۹. طاهری، محمدعلی؛ *جزوه آموزشی دوره هفتم؛ بی جا، بی نا، بی تا.*
۸۰. طاهری، محمدعلی؛ *جزوه آموزشی دوره مستری (مربی گری)؛ بی جا، بی نا، بی تا.*
۸۱. طاهری، محمدعلی؛ *دفاعیات ۹۶؛ بی جا، بی نا، ۱۳۹۶ ش.*
۸۲. طاهری، محمدعلی؛ *دفاعیات وکلا؛ بی جا، بی نا، بی تا.*
۸۳. طاهری، محمدعلی؛ *سایمتولوژی؛ ج ۱، ۱، چ ۱، ارمنستان، عرفان کیهانی (حلقه)، ۲۰۱۱ م.*
۸۴. طاهری، محمدعلی؛ *عرفان کیهانی (حلقه)؛ چ ۷، قم، اندیشه ماندگار؛ ۱۳۸۸ ش.*
۸۵. طاهری، محمدعلی؛ *موجودات غیرارگانیکی؛ چ ۱، ارمنستان، گریگور تاتواتسی، ۲۰۱۱ م.*
۸۶. طباطبایی، سید محمدحسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱، چ ۲، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.*
۸۷. طباطبایی، سید محمدحسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۹، چ ۲، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.*
۸۸. طباطبایی، سید محمدحسین؛ *تفسیر المیزان (ترجمه)؛ ج ۱، چ ۵، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.*
۸۹. طباطبایی، سید محمدحسین؛ *تفسیر المیزان (ترجمه)؛ ج ۸، چ ۵، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.*
۹۰. طباطبایی، سید محمدحسین؛ *تفسیر المیزان (ترجمه)؛ ج ۹، چ ۵، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.*
۹۱. طباطبایی، سید محمدحسین؛ *الرسائل التوحیدیه؛ چ ۱، بیروت، مؤسسة النعمان، ۱۹۹۹ م.*

۹۲. طبرسی، ابومنصور؛ *الإحتجاج علی أهل اللجاج*؛ چ ۱، مشهد، ۱۴۰۳ ق.
۹۳. طوسی، محمدبن حسن؛ *الأمالی*؛ چ ۱، قم، دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
۹۴. علامه حلی، حسن بن یوسف؛ *الجواهر النضید*؛ قم، بیدار، ۱۳۶۳ ش.
۹۵. علیخانی، علی اکبر؛ *اندیشه سیاسی متفکران مسلمان*؛ ج ۱۴، تهران، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۰ ش.
۹۶. فاضل مقداد، مقدادبن عبدالله؛ *اللواع الالهیه فی المباحث الکلامیه / لجمال الدین مقدادبن عبدالله الاسدی السیوری الحلّی؛ حققه و علق علیه محمدعلی القاضی الطباطبائی*؛ چ ۱، تبریز، شفق، ۱۳۵۵ ش.
۹۷. فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی؛ *علم الیقین فی اصول الدین*؛ چ ۱، تهران، حکمت، ۱۳۹۳ ش.
۹۸. قراملکی، محمدحسن قدردان؛ *راز خلقت و بقا*؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، چ ۳، تهران، ۱۳۹۸ ش.
۹۹. قرشی، سید علی اکبر؛ *قاموس قرآن*؛ ج ۵، چ ۶، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ ش.
۱۰۰. قطب الدین شیرازی، محمود بن مسعود؛ *شرح حکمة الاشراق (قطب)*؛ تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.
۱۰۱. قیصری، داود، *شرح فصوص الحکم*؛ چ ۱، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ ش.
۱۰۲. کاپلستون، فردریک چارلز؛ *تاریخ فلسفه*؛ ترجمه بهاء الدین خرمشاهی؛ ج ۴، چ ۲، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی؛ صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش؛ ۱۳۷۶ ش.

۱۰۳. کاپلستون، فردریک چارلز؛ تاریخ فلسفه؛ ترجمه بهاءالدین خرمشاهی؛ ج ۵، چ ۲، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی؛ صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش؛ ۱۳۷۶ ش.

۱۰۴. کاپلستون، فردریک چارلز؛ تاریخ فلسفه؛ ترجمه بهاءالدین خرمشاهی؛ ج ۹، چ ۲، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی؛ صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش؛ ۱۳۷۶ ش.

۱۰۵. کسلر، دیرک؛ نظریه های جامعه شناسان کلاسیک از آگوست کنت تا آلفرد شوٲتس؛ ج ۱، چ ۱، جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم، ۱۳۹۲ ش.

۱۰۶. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ ج ۱، چ ۴، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.

۱۰۷. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ ج ۳، چ ۴، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.

۱۰۸. گلشنی، مهدی؛ علم و دین و معنویت در آستانه ی قرن بیست و یکم؛ چ ۱، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۹ ش.

۱۰۹. گلشنی، مهدی؛ فزیکدانان غربی و مسئله خدا باوری؛ چ ۴، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۹ ش.

۱۱۰. گیدنز، آنتونی؛ جامعه شناسی؛ با همکاری کارن بردسال؛ ترجمه حسن چاوشیان؛ چ ۶، تهران، نشر نی، ۱۳۹۰ ش.

۱۱۱. لاهیجی، عبدالرزاق بن علی؛ گوهر مراد با تصحیح و تحقیق / تألیف ملا عبدالرزاق فیاض لاهیجی؛ مقدمه از زین العابدین قربانی لاهیجی؛ به اهتمام جعفر پژوم؛ [با تصحیح و تحقیق موسسه تحقیقاتی امام صادق (ع)؛ چ ۱، تهران؛ سایه سار، ۱۳۹۷ ش.

۱۱۲. لیشی واسطی، علی بن محمد؛ عیون الحکم والمواعظ و ذخیره المتعظ والواعظ؛ ج ۲، چ ۱، تهران؛ موسسه البعثه، ۱۳۸۷ ش.

۱۱۳. لین، تونی؛ *تاریخ تفکر مسیحی*؛ ترجمه روبرت آسریان؛ چ ۵، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۹۵ ش.

۱۱۴. مایکل پترسون، ویلیام هاسکر، بروس رایشنباخ، دیوید بازینجر؛ *عقل و اعتقاد دینی*؛ ترجمه احمد نراقی، ابراهیم سلطانی نسب؛ چ ۵، تهران، طرح نو، ۱۳۸۷ ش.

۱۱۵. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی؛ *بحار الأنوار (ط-بیروت)*؛ ج ۳، چ ۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

۱۱۶. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی؛ *بحار الأنوار (ط-بیروت)*؛ ج ۴، چ ۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

۱۱۷. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی؛ *بحار الأنوار (ط-بیروت)*؛ ج ۶، چ ۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

۱۱۸. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی؛ *بحار الأنوار (ط-بیروت)*؛ ج ۲۵، چ ۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

۱۱۹. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی؛ *بحار الأنوار (ط-بیروت)*؛ ج ۶۳، چ ۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

۱۲۰. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی؛ *بحار الأنوار (ط-بیروت)*؛ ج ۷۸، چ ۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

۱۲۱. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی؛ *بحار الأنوار (ط-بیروت)*؛ ج ۹۲، چ ۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

۱۲۲. محمدی ری شهری، محمد؛ *دانشنامه عقاید اسلامی*؛ ج ۴، چ ۲، قم، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۶ ش.

۱۲۳. محمدی ری شهری، محمد؛ *میزان الحکمه*؛ ج ۱۱، چ ۱۱، قم، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۹ ش.

۱۲۴. محمدی گیلانی، محمد؛ «اسم مستأثر» در وصیت امام و زعیم اکبر، چ ۶، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (علیه السلام)، ۱۳۸۵ ش.

۱۲۵. مصباح یزدی، محمدتقی؛ معارف قرآن (۱-۳)؛ ج ۱، قم، موسسه در راه حق، ۱۳۶۵ ش.

۱۲۶. مصباح یزدی، محمدتقی؛ آموزش فلسفه؛ ج ۱، چ ۱، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، انتشارات، ۱۳۸۹ ش.

۱۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی؛ معارف قرآن، چ ۷، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۳ ش.

۱۲۸. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار (علل گرایش به مادی‌گری)؛ ج ۱، چ ۷، تهران، صدرا، ۱۳۸۴ ش.

۱۲۹. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار (انسان و ایمان)؛ ج ۲، چ ۷، تهران، صدرا، ۱۳۸۴ ش.

۱۳۰. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار (جهان‌بینی توحیدی)؛ ج ۲، چ ۷، تهران، صدرا، ۱۳۸۴ ش.

۱۳۱. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار (زندگی جاوید یا حیات اخروی)؛ ج ۲، چ ۷، تهران، صدرا، ۱۳۸۴ ش.

۱۳۲. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ ج ۴، چ ۷، تهران، صدرا، ۱۳۸۴ ش.

۱۳۳. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ ج ۵، چ ۷، تهران، صدرا، ۱۳۸۴ ش.

۱۳۴. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار (درس‌های اشارات، نجات، الهیات «شفا»)؛ ج ۸، چ ۷، تهران، صدرا، ۱۳۸۴ ش.

۱۳۵. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار (سیری در نهج البلاغه)؛ ج ۱۶، چ ۷، تهران، صدرا، ۱۳۸۴ ش.

۱۳۶. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار (نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر)؛ ج ۲۴، چ ۷، تهران، صدرا، ۱۳۸۴ ش.

۱۳۷. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار (آشنایی با قرآن ۱-۵)؛ ج ۲۶، چ ۸، تهران -

قم، صدرا، ۱۳۷۷ ش.

۱۳۸. مطهری، مرتضی؛ *مجموعه آثار*؛ ج ۲۹؛ چ ۷، تهران، صدرا، ۱۳۸۴ ش.

۱۳۹. مطهری، مرتضی؛ *مجموعه آثار*؛ ج ۳۰، چ ۷، تهران، صدرا، ۱۳۸۴ ش.

۱۴۰. مطهری، مرتضی؛ *یادداشت‌ها*؛ ج ۱۰، چ ۱، تهران، صدرا، ۱۳۷۸ ش.

۱۴۱. مکارم شیرازی، ناصر؛ *تفسیر نمونه*؛ ج ۸، چ ۱۰، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ ش.

۱۴۲. مکارم شیرازی، ناصر؛ *تفسیر نمونه*؛ ج ۲۵، چ ۱۰، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ ش.

۱۴۳. مهیار، رضا، *فرهنگ ابجدی عربی فارسی*؛ چ ۲، تهران، ۱۳۷۵ ش.

۱۴۴. ناصری راد، علی؛ *افسون حلقه*؛ تهران، سایان، ۱۳۹۰ ش.

۱۴۵. نراقی، ملا مهدی، *أنیس الموحدين*؛ چ ۲، تهران، ۱۳۶۹ ش.

۱۴۶. نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد؛ *اساس الاقتباس*؛ چ ۱، تهران، دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۶۷ ش.

۱۴۷. هاشمی رفسنجانی، اکبر؛ *کارنامه و خاطرات ۱۳۶۱ پس از بحران*؛ چ ۵، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰ ش.

۱۴۸. هوردرن، ویلیام؛ *راهنمای الهیات پروتستان*؛ ترجمه ط. میکائیلیان؛ چ ۱، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸ ش.

۱۴۹. هیک، جان؛ *فلسفه دین*؛ ترجمه بهزاد سالکی؛ چ ۱، تهران، موسسه فرهنگی هنری و انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۹۰ ش.

۱۵۰. یزدان‌پناه، سیدیدالله؛ *حکمت عرفانی (تحریری از درس‌های عرفان نظری استاد بیدالله یزدان‌پناه)* / *تالیف علی امینی‌نژاد*؛ چ ۱، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه، ۱۳۹۰ ش.

۱۵۱. یوسف مکی عاملی، سید حسین؛ *الإسلام والتناسخ*؛ چ ۱، بیروت، ۱۴۱۱ ق.

فهرست آیات

فاتحه (۱)

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (۵) ، ۱۷۵، ۱۷۷

انعام (۶)

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ (۹۳) ۱۸۸
وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ (۱۰۰) ۱۶۱
إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ (۱۲۱) ۲۰۸

اعراف (۷)

وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۸۰) ۱۶۲

انفال (۸)

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَذْهَبَ لَهُمُ وُدُّهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخَرِيقِ (۵۰) ۱۸۷

رعد (۱۳)

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ (۱۱) ۵۳

نخل (۱۶)

فَلَا تَضُرُّوْا لِلّٰهِ الْاَمْثَالَ (۷۴) ۱۶۳

اسراء (۱۷)

وَمَا اَوْتِیْتُمْ مِّنَ الْعِلْمِ اِلَّا قَلِيْلًا (۸۵) ۵۶

طه (۲۰)

لَا یَحِیْطُوْنَ بِهٖ عِلْمًا (۱۱۰) ۱۵۶

انبیاء (۲۱)

وَمَا اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَّسُوْلٍ اِلَّا نُوْحِیْ اِلَیْهِ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا فَاعْبُدُوْنِ (۲۵) ۱۵۳
وَجَعَلْنَا فِی الْاَرْضِ رَوْسٰی اَنْ تَمِیْدَ بِهِمْ (۳۱) ۱۸۰

مؤمنون (۲۳)

مَا اتَّخَذَ اللّٰهُ مِنْ وَلَدٍ وَّمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ اِلٰهٍ اِذَا لَذَهَبَ كُلُّ اِلٰهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّ بَعْضُهُمْ عَلٰی
بَعْضٍ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا یَصِفُوْنَ (۹۱) ۱۶۱

حَتّٰی اِذَا جَاءَ اَحَدُهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُوْنِ * لَعَلّٰی اَعْمَلُ صَالِحًا فِیْمَا تَرَكْتُ کَلَّا اِنَّهَا
کَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَآئِهِمْ بَرَزَخُ اِلٰی یَوْمٍ یُّبْعَثُوْنَ (۱۰۰و۹۹) ۲۰۶

صافات (۳۷)

سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا یَصِفُوْنَ (۱۵۹) ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳

اِلَّا عِبَادَ اللّٰهِ الْمُخْلِصِیْنَ (۱۶۰) ۱۶۲

زمر (۳۹)

شُرَکَآءُ مُتَشَآکِسُوْنَ (۲۹) ۲۱۷

فصلت (۴۱)

قُلْ أَنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحِي إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ
لِّلْمُشْرِكِينَ (۶) ۱۷۸، ۱۷۷، ۱۴۴

شوری (۴۲)

وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يَكْلِمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَآءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ
مَا يَشَاءُ (۵۱) ۱۷۸

فتح (۴۷)

وَاللَّهُ جُنُودُ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (۷) ۱۷۹

قیامت (۷۵)

كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ النَّرَاقِي * وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ * وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ * وَالتَّتَّى النَّاقُ بِالْسَّقِ (۲۶)
..... ۱۸۸

فهرست روایات

- إِذَا وَضِعَ الرَّجُلُ فِي قَبْرِهِ أَتَاهُ مَلَكَانِ مَلَكٌ عَنْ يَمِينِهِ وَمَلَكٌ عَنْ يَسَارِهِ ١٩٩
- إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أُخْرِجَ مِنْ بَيْتِهِ شَيَّعَتْهُ الْمَلَائِكَةُ إِلَى قَبْرِهِ يَزِدُّهُمْ عَلَيْهِ حَتَّى ... وَيَدْخُلُ عَلَيْهِ فِي قَبْرِهِ مَلَكَا الْقَبْرِ وَهُمَا قَعِيدَا الْقَبْرِ مُنْكَرٌ وَنَكِيرٌ ... فَيَقُولَانِ لَهُ مَنْ رَبُّكَ فَيَقُولُ اللَّهُ فَيَقُولَانِ مَا دِينُكَ فَيَقُولُ الْإِسْلَامُ فَيَقُولَانِ وَمَنْ نَبِيُّكَ فَيَقُولُ مُحَمَّدٌ ﷺ فَيَقُولَانِ وَمَنْ إِمَامُكَ فَيَقُولُ ١٩٩
- إِنَّ لِلْمَوْتِ لَعَمْرَاتٍ هِيَ أَفْظَعُ مِنْ أَنْ تُسْتَعْرَقَ بِصِفَةٍ، أَوْ تَعْتَدَلَ عَلَى عُقُولِ أَهْلِ الدُّنْيَا ١٩٠
- أول الدين معرفته وكمال معرفته التصديق به وكمال التصديق به توحيده وكمال توحيده الإخلاص له وكمال الإخلاص له نفي الصفات عنه .. ١٦٤ و ١٦٧ و ١٦٨ و ١٦٩
- جاء رجل إلى رسول الله ﷺ، وقال: ما رأس العلم؟ قال: معرفة الله حق معرفته ١٥٤
- جَعَلَهُمُ اللَّهُ أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ ١٨٠
- الَّذِي لَيْسَ لِصِفَتِهِ حَدٌّ مَحْدُودٌ ١٦٥ و ١٦٧ و ١٦٨
- رَحِمَ اللَّهُ امْرَأَةً عَرَفَ قَدْرَهُ وَلَمْ يَتَعَدَّ طَوْرَهُ ٢٢٩
- ضَغْطَةُ الْقَبْرِ لِلْمُؤْمِنِ كَفَّارَةٌ لِمَا كَانَ مِنْهُ مِنْ تَضْيِيعِ التَّعَمُّرِ ١٩٤
- العليم، القدير والحي الذي لا يموت ١٦٩
- فَأَخْبَرَنِي عَمَّنْ قَالَ يَتَنَاسُخُ الْأَرْوَاحُ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ؟ قَالُوا ذَلِكَ وَبِأَيِّ حُجَّةٍ قَامُوا عَلَى مَذَاهِبِهِمْ؟ قَالَ إِنَّ أَصْحَابَ التَّنَاسُخِ قَدْ خَلَفُوا وَرَاءَهُمْ مِنْهَا جِذَائِرُ الدِّينِ ٢٠٧

- فَمَنْ وَصَفَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ ١٦٨
- ..كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ ١٨٠
- لَا يُسْأَلُ فِي الْقَبْرِ إِلَّا مَنْ مَحَصَ الْإِيمَانَ مَحْضًا أَوْ مَحَصَ الْكُفْرَ مَحْضًا ١٩٧
- لشهادة كل صفة أنها غير الموصوف وشهادة كل موصوف أنه غير
الصفة ١٦٨، ١٦٩، ١٧١
- للناس فى التوحيد ثلاثة مذاهب: نفى وتشبيه وإثبات بغير تشبيه؛ فمذهب النفى لا يجوز
ومذهب التشبيه لا يجوز؛ لأن الله تبارك وتعالى لا يشبهه شيء والسبيل فى الطريقة
الثالثة إثبات بلا تشبيه ١٤٩
- لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ يَوْمًا بِلاَ إِمَامٍ مِنَّا، لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا ١٨٠، ١٨١
- لَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ طَرْفَةَ عَيْنٍ مِنْ حُجَّةٍ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا ١٨١
- اللَّهُمَّ أَنْتَ أَهْلُ الْوَصْفِ الْجَمِيلِ ... وَهَذَا مَقَامُ مَنْ أَفْرَدَكَ بِالتَّوْحِيدِ الَّذِي هُوَ لَكَ وَلَمْ يَرِ
مُسْتَحِقًّا لِهَذِهِ الْمَحَامِدِ وَالْمَمَادِجِ غَيْرَكَ ١٦٥
- ما عبدناك حق عبادتك ١٥٦
- ما عرفناك حق معرفتك ١٥٦
- مَعْرِفَةُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَعْلَى الْمَعَارِفِ ١٥٤
- مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُخَفِّفَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْهُ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ، ١٨٩
- مَنْ أَنْكَرَ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ فَلَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا الْمِعْرَاجِ وَالْمُسَاءَلَةِ فِي الْقَبْرِ وَالشَّفَاعَةِ ١٩٩
- مَنْ قَالَ بِالتَّنَاسُخِ فَهُوَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مُكَذِّبٌ بِالْجَنَّةِ وَالنَّارِ ٢٠٧
- نَحْنُ ... مُخْتَلِفٌ الْمَلَائِكَةِ وَمَوْضِعُ سِرِّ اللَّهِ ١٨٠
- يَدْخُلُ عَلَيْهِ فِي قَبْرِهِ مَلَكُ الْقَبْرِ ١٩٩

نمایه

آدم علیه السلام	۷۶	امیرمؤمنان / امام علی علیه السلام	۱۶۵، ۵
آشتیانی، سید جلال الدین	۲۲۸	امیل دورکیم	۳۵، ۳۴
آگوست کنت	۳۴	انگلستان	۱۰۳، ۱۰۲، ۴۹، ۳۹
آلمان	۱۰۲	ایان باربور	۳۳
آمریکا	۱۳۸، ۹۵، ۸۷	ایران / ایرانی / ایرانیان	۶۰، ۵۱، ۴۸
آنتونی گیدنز	۴۵		۱۰۰، ۹۹، ۹۵، ۸۹، ۸۷، ۸۵، ۶۱
۱			۱۵۸، ۱۳۷، ۱۳۵، ۱۳۴، ۱۲۳، ۱۰۳
ابوبصیر	۱۹۴	اینشتاین	۳۶
ارسطو / ارسطویی	۲۹	ائمه علیهم السلام	۱۷۵، ۱۷۳، ۱۵۳، ۵۲، ۲۰
ارمنستان	۱۴۰، ۱۳۶، ۱۳۰، ۱۱۶		۲۰۶، ۱۸۰
اگزیستانسیالیسم	۴۶	ب	
امام رضا علیه السلام	۲۰۷، ۱۷۰، ۱۵۴، ۱۴۹	بازرگان، مهدی	۵۴، ۵۳، ۵۲، ۵۱
امام صادق علیه السلام	۱۹۴، ۱۸۹، ۱۸۰		۷۲، ۶۰، ۵۷، ۵۶، ۵۵
	۲۰۷، ۱۹۹، ۱۹۵	بطلمیوس / بطلمیوسی	۲۹، ۲۸
		بلژیک	۱۳۶

بلغارستان	۸۲	جان هیک	۳۶
بهاء‌الدینی	۲۱۶	جوادی آملی، عبدالله	۱۴۸، ۱۴۷،
بهجت	۲۱۶		۱۶۸، ۱۴۹

پ

خ

پلورالیسم	۲۲۳	خامنه‌ای، سیدعلی	۲۱۶
پنی‌سلین	۵۵	خمینی، سید روح‌الله (امام)	۲۰،
پوزیتیویسم	۴۶		۲۲۸، ۱۷۱، ۱۴۹
پیامبر ﷺ	۱۷۳، ۴۱	خرافه/خرافی/خرافات	۳۱، ۳۰، ۲۶،

ت

تبریز	۹۰		۲۱۳، ۲۱۱، ۲۰۸، ۲۰۲، ۱۱۷، ۶۱، ۵۳،
ترکیه	۸۲، ۸۹، ۸۸، ۸۷	خداشناسی	۲۲۶، ۲۲۵، ۶۰، ۵۲، ۴۰، ۳۹، ۲۰،
تقی زاده	۵۰		۲۱۹، ۱۵۴، ۱۵۳، ۱۵۱، ۱۰۰، ۷۳،
تناسخ	۲۰، ۱۸۲، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳،		۲۲۹
	۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹،		

د

تونلی لین	۳۰	داروین	۳۶، ۳۳
تهران	۵۱، ۵۳، ۸۱، ۹۰، ۹۱، ۹۲،	دیرک کسلر	۳۴
	۹۳، ۹۷، ۱۲۱، ۱۲۹	دیوید هیوم	۳۱، ۳۲، ۳۹
تیواکیان	۸۹	دئیسم	۳۱

ج

ر

جامعه‌شناسی/جامعه‌شناسان	۲۷،	راهنماشناسی	۱۷۳، ۱۵۱، ۲۰
	۳۴، ۳۵، ۴۵	رقیه	۱۱۴

رנסانس	۴۴	شیطان / شیطانی / شیطان گرایی
روان شناسی	۳۶، ۳۵، ۲۷	۲۳۱، ۱۲۵، ۸۸، ۸۳، ۵۵
روانکاوی	۳۶، ۳۵، ۲۷	ص
روسیه	۱۳۶	صدرا / صدر المتألهین / ملا صدرا
رومانی	۱۳۶	۲۲۰، ۱۷۰، ۱۴۹
ز		ط
زیست شناسی	۳۳، ۲۷	طباطبایی، سید محمد حسین (علامه)
ژ		۷۵، ۱۸۸، ۲۰۹، ۲۱۶، ۲۱۹، ۲۲۷،
ژاپن	۹۰، ۸۷، ۸۲	۲۳۰
س		ع
سعد بن معاذ	۱۹۵	عباس میرزا
سوئیس	۱۰۲	عرفان های نوظهور
		۲۱۵، ۹۷، ۲۵،
ش		۲۲۳، ۲۲۲، ۲۱۹
شعور کیهانی	۹۸، ۸۶، ۶۶، ۲۶	ف
	۱۲۰، ۱۱۹، ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۰۸، ۱۰۷، ۹۹	فتحعلیشاه
	۱۴۵، ۱۴۴، ۱۴۳، ۱۴۲، ۱۴۱، ۱۲۱	فرجام شناسی
	۲۲۳، ۱۷۸، ۱۷۳، ۱۵۵	۱۸۲، ۱۵۱، ۱۰۰
شلایر ماخر	۴۳، ۴۴، ۴۲، ۲۶	فردریش نیچه
شمشیری، امین	۱۹، ۳	۳۳
شیخ صدوق	۱۹۱، ۱۴۹	فروغی، ابوالحسن
شیرازی، میرزا صالح	۵۰	۷۲، ۵۴، ۵۳، ۵۱
		فروغی، محمد علی
		۵۳
		۳۶، ۳۵
		زیگموند
		۳۶، ۳۵
		فلاماریون
		۵۴

فلسفه	۲۰، ۲۷، ۱۱۲، ۲۱۹، ۲۲۰	گ
۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۷، ۲۲۸	گالیله	۲۸، ۲۹، ۳۶
فیزیک/فیزیک کوانتوم	۲۷، ۳۳	گاندی
۳۶، ۶۶، ۶۷، ۸۲، ۹۳، ۱۰۱		ل
۱۳۰	لیبرال/لیبرالیسم	۳۷، ۴۱، ۴۴
ق	م	
قاضی سعید قمی	۱۴۸، ۱۴۹	محمّدی، سعید
قاضی، سید علی آقا	۲۱۷	مسیحی/مسیحیت
قانعی	۱۳۲، ۱۳۳	۲۶، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۳۷، ۳۸، ۳۹
قائم مقام	۵۰، ۴۹	۴۰، ۴۱، ۴۴، ۴۵، ۲۲۳
ک		مصباح یزدی، محمدتقی
کاپلستون	۳۰	مصر
کارل بارت	۴۴، ۴۷	مطهری، مرتضی
کارل راهنر	۴۸	۱۶۶، ۲۱۵، ۲۲۹
کارل مارکس	۳۴، ۳۵	معاد/معادشناسی
کانت، ایمانوئل	۳۱، ۳۲	۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۸
کپرنیک	۲۸، ۲۹، ۳۲	۲۰۴، ۲۰۷
کپلر	۲۹	معتزله
کرج	۹۰، ۹۲، ۹۳، ۱۲۱	معرفت‌شناسی
کسروی	۵۰	معنویت‌های نوظهور
کیهان‌شناسی	۲۷، ۲۸، ۲۹	مکاتب نوظهور

ملانک / ملانکه ۵۴، ۶۲، ۱۸۰، ۱۹۷،

۱۹۸، ۲۰۰

منصوری لاریجانی ۹۱، ۹۲، ۱۱۵،

۱۳۶

موجودات غیرارگانیك ۹۸، ۱۰۵،

۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۸،

۱۷۹، ۱۸۶، ۲۰۲، ۲۲۵،

مونستی ۲۶، ۶۷

مهبانگ ۶۱

ن

نوارتودوکسی ۴۶

نیرومنش، شهناز ۹۵، ۱۳۸، ۱۴۰

نیوتن ۲۸، ۲۹، ۳۳

و

والتر استیس ۴۱

ه

هاشمی رفسنجانی ۸۶

هایزنبرگ ۳۶، ۳۷



عرفان‌واره‌ی حلقه به قصد در انداختن طرحی نو و با نگاهی تجربی به دین که پیشینه‌ی آن در ایران به اندیشه‌های مهندس مهدی بازرگان باز می‌گردد، تشکیلاتی شبه معنوی را راه‌اندازی کرده است تا با ارائه‌ی تفسیری شبه علمی از عرفان، جوانان را از خرافات نجات داده و موجبات آشتی آنان با خداوند را فراهم آورد. راه‌حل این سازمان در ساحت نظری، سمبلیک‌انگاری و تقلیل امور روحانی و باورهای وحیانی به قوانین تجربی موجود در هستی است. در ساحت عملی نیز بدون نیاز به عقل، عقاید و دستورات دینی و حتی اخلاق، روشی تجربی و حسّی برای ارتباط با خداوند، تحت عنوان اتصال به شعور کیهانی را پیشنهاد می‌دهد.



مؤسسه آموزش عالی
امام خمینی (ره)
استان فارس
تاسیس ۱۳۹۱ هجری شمسی



۲۵۰۰۰ تومان